ترجمه جنگ چین و اروپ

ترجمه جنگ چین و اروپ

ترجمه جنگ چین و اروپ

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش کنم ایزد پاک را — که گویا و بینا کند خاک را
بموری دهد مالش نره شیر — کند پشه بر پیل جنگی دلیر
سخن هیچ بهتر ز توحید نیست — بناگفتن و گفتن ایزد یکیست
ترا هر چه بر چشم بر بگذرد — بگنجد همی در دل باخرد
چنان دان که یزدان نگهدار هش — جز آنست بر این کردار منش
تو گر سخته راه سنجیده پوی — نباید به بن هرگز این گفتگوی
بیک دم زدن رستی از جان و تن — همی بس بزرگ آیدت خویشتن
همی بگذرد بر تو ایام تو — سرای جز این باشد آرام تو

اگر چشم داری به دیگر سرای
بنزد علی و نبی گیر جای

گرت زین بد آید گناه منست — چنین است و این رسم و راه منست
اگر دل نخواهی که باشد نژند — نخواهی که دایم بوی مستمند
شوی در دو گیتی ز بد رستگار — نکونام باشی بر کردگار
بگفتار پیغمبرت راه جوی — دل از تیرگیها بدین آب شوی

کنون باز گویم در آغاز کار
ستایش فراوان بر آن شهریار

ملک ناصرالدین که شاه بزرگ — بآبشخور آرد همی میش و گرگ
بر او آفرین کو کند آفرین — بر آن بخت بیدار و تاج و نگین
ز نوشش جهان شد چو باغ بهار — هوا پر ز ابر و زمین پر نگار
ز باران همه خوبی از داد اوست — جهان شادمان از دل شاد اوست
بر تن ژنده پیل و بجان جبرئیل — بکف ابر بهمن بدل رود نیل
سر بخت بدخواه با خشم او — چو دینار خوار است بر چشم او

امّا بعد راقم حروف علی ابن محمد ابن عبدالرزاق دنبلی تبریزی پس از فراغت تحصیل از علم پیادهٔ نظام در دارالفنون طهران که پای تخت همیون است شهنشاه ایران خلد الله ملکه سالی که مقرّب الخاقان حسنعلی خان بسمت وزیر مختاری بر دولتین بهیتین فرانسه و انگلیستان روانهٔ فرنگستان بود نواب مستطاب شاهزاده علیقلی میرزای وزیر علوم حسب الحکم پادشاه دین پناه جمعی را از ابنای نجبا و معتمدین دولت قوی شوکت انتخاب فرموده بر تحصیل علوم مختلف متفاوته مأمور گردید بنا بر استدعای حضرت شاهزادهٔ والاتبار اسم بنده را نیز بجهة تکمیل علم جنگ در آن دفتر ثبت فرمود و با شوق و افتخار رقم روانهٔ پاریس پای تخت دولت بهیهٔ فرانسه ام نمود.

پس از طی مسافات و سیر عوالم و مقامات در بعضی از [illegible] مختلف الالقاب
نسبت بآن روز و مدت در سنه ۱۲۷۶ هجری بر فقره و محل مأموریت خود وارد گشتم اگرچه رسم و آداب انسانیت
و امرای نظم و حزم قانون بر سبیل ترتیب و علامات چه در رزم و چه در بزم عموماً در همهٔ آن اقلیم بلکه بسا ممالک خصوصاً در
دولت فرانسه ظاهر و در این عهد که نوبت ایالت سلطنت اعلیحضرت شارل - لودی - ناپلیون بوناپارت
ناپلیون سیم براین ملت است چنانچه اگر خیال بتواند رسید و عقل از زیر بار در نرود و ذهن قوه حافظ غنی داشته
هوش بهوش نشود عمر و اوراقی لازم است کسی را که بخواهد شمهٔ از اوصاف عمومی آن ملت و وضع و آبادی آن مملکت
و ایالات تحریر آرد باصطلاح هندسه اگر بتوانم چند فورمول شهر محروسه [illegible] را که هست یکی بخواهند و بتوانند
ازاین چند سطر اوراق بچندین جلد کتاب در تحقیق پی ببرد .

هرگاه شهر پاریس را چون نقطهٔ مرکز پندارند و بر محیط خاک فرانسه از هر سمت و هر طرف که باشد با راه آهن
سفر میکنند تعجب در اینجاست که آبادی یکجا نیست چنانچه اگر بطوریکه رسم است در هر نقطه که بجهة احتیاج کالسکه
بخاری نیم ساعت یا چند دقیقه می‌ایستد هرگاه متخلفین همان راه اسم آن نقطه را بپرسند مسافر غریب و نا به هرگز باور
میکند که هنوز از آن بلد خارج شده است بلکه گمان میکند که در محلها و تفرجگاههای آن شهر است اگرچه در [illegible]
چندین ساعت بوده است یکنفر بی علم و عالم نشناس از اهل آن سرزمین اگر سیر شود یقیناً قبول نخواهد کرد
که در ربع مسکون زمین ملک مزروع و بلاد صاحب همت در این صورت لازم نیست بگویم که از ظلم نشانی نمانده
مگر لفظ آنهم در کتب لغت و تواریخ ممالک بعیده خارجه نهالهای علوم و اعمال ترجمان ریشه بسته که
هر حادثه و هر اکتشاف [illegible] عقول و نقول نه بطوری رسته که هر واقعه او را بشکند چشم هر بر حادثه‌ها ناظر و [illegible]
و دولت جوان بر واقعه حاضر و دافع کوشش و هوش دگر در ذکر پوش شده است آب را از اسباب سیاحت و تجارت
و کرامت و [illegible] از ارباب فلاحت و زراعت و رحمت اگر حکمت در یک نیست و اگر صحیح است اینک
نیست چون کوه در مقابل عزم ایشان سر کشید از جا برخواست و آب گشت و چون دریا از قعر نظم

آنها نیز و نحو دامن بریده معجب نشست از نتیجه آنهاست که گاهی خاک آب میشود و گاهی آب خاک
چون خواستند آتش را در تخته و تخته را در آب فرمان دادند وابدان بی پر را در باد پرانیدند اختراعات از مسافات
سالیانه بر تأثیر رسید و عکس خیالی موجودات در آینهٔ [illegible] و معنی طی الارض بوجود آمد .

بنیان شهرها از سلسلهٔ جبال موزون و محکم تر طرح و ترتیب عمارات از تصور اخیال بیرون و نهار کوچها
چون دامن معبدان پاک و مصطبه‌ها از شهرهٔ عاشقان طربناک اهلش دانا و بینا ملکش مینو و مینا
نه آن نگارخانه ایست که چینیان میگویند و نه آن کارخانه ایست که مشتریان میجویند بلکه بوستانیست
فرشته کشته و گلستانیست مهر رشته سرشته دهقانان مهتر با کهتران به روماد در [illegible] جنس
با هم برادر و خواهر نه از کیش پیشین پرستش و گذارشی و نه از رسم پسین سرزنش و سفارشی .

رودها از فراز دوان و نهرها در نشیب روان ابر بارانش در دامن گریان و گل ریحانش در این خندان تیغ
برق بر فرق کوهسار مایل و قامت سرو از وزش [illegible] متمایل نسیم سحر از شاخ بید مشک آور
و شام ظلام از شعله سپید چون خاور بیتهای چلچلی و چمن چمان و سرو و طوبا با هم توامان گیسوی یار
دایم شکسته و عهد و پیمان پیوسته بسته معشوقه خوشگل و عاشق بیدل فضا عنبر و هوا معطر محافل پر [illegible]
جان و مجالس روح دهنده آسایش ان لیل و نهار در هر فصلی ملایم و میل بهار در آن شمال داریم .

خلاصه اگر زاهد بیگناه و بیخبری را بسته در راهی بکشانید حجت [illegible] فی الفور از گذشتگان خود سراغ
نخواهد کرد و اگر عاریه انگشت بصیرت بر چشم کشد انگشت حیرت بدندان گیرد توانایی و قدرت
ایزدی را ببیند و بر یزدان پاک ستایش گوید آنچه که بو یه جوید .

باری بعد از ورود چنانکه رسم است در خود با درس مشغول تحصیل مقدمات و سواد و زبان گشته در مدرسه
مسیو دِرِدُوا تا دو سال شب و روز در کوشش بوده بمجلس تجربه حاضر شدم و پس از امتحان اذن
داده شد که داخل شوم به [illegible] که مدرسهٔ بزرگ دولتیست در علم و اعمال جنگ چنانچه اگر از تفصیل

[illegible]

آن مختصری که از ایام مرقوم دارم خیلی مطول گشته مطلب از دست خواهد رفت اینقدر فراموش نمیشود روزیکه داخل همان مدرسه میشدم چون بقدر یک ساعت راه آهنی از پاریس دور و خارج است خود مسیو دردو محبت زیادی که داشت تا آنجا مشایعت فرمود و از ضابطان و پایه مدرسه جنگ که من اخاطر میکردم آن پیرمرد مهربان را چون پدر محبتش بجوش آمده بغض گلویش را گرفت و معارف گلویش را بگرفت و چشمهایش پر از اشک شده پیشانیم را بوسید و دعا کرد و دستش را بوسیدم و حق نعمت و تربیت بجای آوردم و وداع کردم .

اتمام علم و عمل در مدرسه معروفه جنگ دو سال دیگر طول کشید [1] پس از اتمام کار و فراغت از تجربه امتحانات رئیس مدرسه مزبور ژنرال بریقاد مسیو دلابادی احضارم فرمود و نوازشم کرد و امر نامه درایزای زحمات آن مدت که مخصوص عساکر سربندی و افتخار بود به پیشم نهاد و بنیدم داد و در لوازم تشکر فروگذاشته در پاریس سفارت خانه دولت علیه ایران رسیدم جناب وزیر مختار بی اندازه التفات فرمود و بحضور مبارک میمون امپراطور و امپراطریس برده معرفی کرد پس از آن از جناب وزیر مختار خواهش کردم که بجهت دیدن اعمال حرب در میان سپاه آن دولت و شوکت برتوقف یک سال دیگر هم اذن داده شود قبول فرمود و از جناب مارشال کونت راندون وزیر جنگ استدعا کرد و حکم گرفت که مدتی در سربازخانه پرنس اژن مشغول خدمت و تجربت گشته بعد روانه اردوی بزرگ شالون گشتم که آنوقت تخمیناً سی و پنج هزار لشکر از پیاده و سواره و توپخانه و مهندس در آنجا جمع و در فرمان همی کل نوبت جناب مارشال ماقماهون — دوک دماژنتا بود که بجهت منش بسیار مهربانی زیاد در دو ویزیون ژنرال بودریکی جایم داد و بجهت ملاحظه اعمال جنگ در روزهای معین اسب مقرر فرمود و چنانکه سفر جنگ و سر ماه طول کشید موقع آن نیست که از نظم و ترتیب آن اردو که همه ساله حسب الحکم اعلیحضرت امپراطوری منعقد است شرحی بدهم و تفصیل آن در روزنامه سفر تحریر یافته است اعلیحضرت امپراطور در آنوقت با آن اردو آمده و سه روز توقف داشت صاحب منصبانی که بجهت آگاهی و تحصیل

[1] که شرح تحصیل علوم در مدرسه مزبور را باین تفصیل است: علم هندسه عالیه، علم حساب، علم تحقیق الطعام، علم جغرافی، علم رسم نقشه، ... زبان فرانسه، علم توپخانه ... ، علم سیاست ... ، هندسه ... ، ترتیب پلتیک

تجربه چنانکه رسم است در آن سال از لندن و از نمسه و پروس و از اسلامبول و مصر و از سایر دول جمع بود روز بروز در شرف حضور امپراطوری حاضر گشته هرکدام از مراحم و عنایات ملوکانه مفتخر و سربلند بود چون نظر خورشید اثرش در دو ویزیون سابق الذکر بر بنده و اهم تحصیل خود برادرم محمود دو نفر ایرانی افتاد توجه و ملاحظه مخصوصی فرمود و بسر داران از دولت ما حرف ذکری آورد و تمجید نمود پس از آنکه هر جمعی از سپاهیان مأموریت دیگر پیدا کرد و حضرت امپراطور مراجعت فرمود ما هم ایران نیز بازگشت به پاریس نموده از آنجا عازم وطن شدیم و آن خاک پاک را وداع کردم .

در ماه شوال چند روز پیش از نوروز ماه سنه ۱۲۸۰ وارد دارالخلافه طهران گشته وقتی که جناب میرزا محمد خان وزیر جنگ ملقب بسپهسالار تازه از سفر استرآباد مراجعت کرده بود و با بنده از سفر بوشهر فارس در هنگام منازعه دولت انگلیس و ایران سابقه و نظر عنایت داشت بحضور مهر ظهور اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی برد و معرفی کرد از عنایات و توجهات سلطانی قرین افتخار و مباهات گشتیم و بمنصب سرهنگی نامیده و سرمشق شدیم برادر کهترم محمود برسم رئیسی دارالفنون مأمور گشت و حقیر برمعتمی حضور خود وزیر منتخب گردید و گوش بفرمان بانو و چندی بگذشت چنانکه اگر گاهی در مقام فراغت و یا در بازدید بعضی از افواج چیزی می پرسید و از اوضاع و ترتیب سپاه و اعمال جنگ و از خارج جواب میگفت بقدر کفاف معروض میشد و تعجب میکرد و نوید عمومی در تغییر و ترقی وضع سپاه ایران میداد و امیدی مخصوص بکمترین می افزود چندی برآن برنگذشت که سپهسالار علاوه از منصب اجل بر وزارت اجل نامیده گشت و روز بروز مشغله اش زیاد گردید و بر خیالات او تمام نپرداخت تا آنکه در آخر همان سال از درجه افتاده با سم وزارت بخراسان فرستاده شده و جناب عزیزخان سردار از آذربایجان طلبیده شده باز در مسند وزارت جنگ نشست .

این ذره بمقدار در مرور این ایام تعطیل بر تحریر دو مطلب مشغول گشت ۱ مختصری در باب جنگ و اوضاع ترقی

دول خارجه و داخله نسبت بر شاهد ملت و وضع ترتیب و تربیت لشکر و غیره که علماً و عملاً تجربی
و تجربه شده بود ۲ ترجمه تاریخ جنگ جدید انگلیس و فرانسه با دولت چین برای اطلاعات و تجربیات
سرکردگان و اهل نظام ایران که دارای هشت قطعه نقشه بسیط تیپوگرافی بود چنانکه از دویست
و هفتاد و اند ورق ترجمه دیگر نشده بود که اولی باتمام رسیده بخدمت بارفعت جناب وزیر
جنگ بردم بگرفت و برای ورود و تحقیق نگاه داشت و چندی بعد جویا گشته جز و اعتنایی نشد گویا بخت
یاری نکرد و کفایت حقیر ذره وار در چشمه خورشید نمودی ننمود لهذا از ترجمه تاریخ در اینجا نام چون کشیدن
نقشه هایش لااقل شش ماه زحمت داشت علاوه از آنکه دست ترجمه کردن و اصطلاح جستن
خودش یک اشکال و زحمت بزرگیست جداگانه در این بین از اولیای دولت جاوید مدت بر رفتن
کرمان اعلام کردند .

توضیح در مراجعت الحمدلله هر یک از دوستان و هم تحصیلان قدیم را که دیدم و یا شنیدم از یمن تربیت
حضرت ظل اللهی و ورزیدن صداقت خود ایشان را در خدمت بمناصب و درجات عالی رسیده یافتم از آنجمله
مقرب الخاقان [illegible] پسر جناب محمد اسمعیل خان وکیل الملک حاکم و حکمران ممالک کرمان و بلوچستان بود
که بسبب نیکی اخلاق آنجا متحیر شده هیچ وقت از اوقات حقوق دوستی و هم درسی را فراموش
نکرده رقیمه نگارش شده و احوال این پرسیده و هر عرایض بنده با شوق و محبت جواب میداد تا اینکه روزی
در حضور جناب وکیل الملک صحبت از حقیر بمیان آمده حضرت ایشان نیز بحکم اینکه الحب والبغض یتوارثان
همان اعتنای مودت دیگران را با پدر دعوی [illegible] میکنند و این حقیر را قابل حضور خود دانسته
در نزد اولیای دولت قوی شوکت خواهش سفر نمایند چنانکه با شوق تمام راه دور را پیموده در غره
ماه محرم الحرام سنه ۱۲۸۴ هجری بفیض حضورش رسیده سرتیپ هنوز از سفر مکران [illegible] مراجعت نکرده
بود منزل داد و زیاده از حد قرب و منزلت نهاد تا شبی از حالات و مشغولیت بعد از مراجعت حقیر

جویا گشت سرگذشت را مختصراً معروض داشتم مسوده همان مختصر را قرار طلبیده و پس از خواندن
زیاد از حد پسندیده و آن دولتخواه یگانه بر پاک نویسی آن حکم فرمود و براولیای دولت روانه کرد و
بر اتمام نسخه دویم تشویقم نمود تا چندی بعد از آن سرتیپ رسید فوج شوکت کرمان که مرخص خانه بود
برای تربیت احضار کرمان گشت و آنچه که در باب ترتیب و تربیت و لوازم ملبوس و آداب
توپخانه و قورخانه و غیره معروض گردید همه را قبول و دستورالعمل داده سرتیپ را جانشین گذاشت و خود شان
در بیستم شهر صفر المظفر ۱۲۸۴ بجهت تغییر آب و هوا ببلاد [illegible] رفته در ششم شهر جمادی الاول مراجعت
فرمود که ترجمه کتاب تمام و نقشه هایش در دست بود و خود خان خیال سفر گرمسیرات و تنظیمات سرحدات
داشت هزار افسوس که اجل امان نداد و روزگار غدار نگذاشت و در شب نزدهم شهر جمادی الثانی برحمت
ایزدی پیوست .

دوش با عقل در سخن بودم / کشف شد بر دلم مسائل چند / گفتم ای مایه همه دانش / دارم الحق بتو سؤالی چند
چیست این زندگانی دنیا / گفت خوابیست یا خیالی چند / گفتم از دی چه حاصلست بگو / گفت درد سر و وبالی چند
گفتم این کشت اهل دنیا چیست / گفت سهو و قیل و قالی چند / گفتمش چیست کدخدائی گفت / هفته عیش و غصه سالی چند

وکیل الملک مرحوم را چندین صفات حمیده بود از آنجمله در حقوق و صفت و دیانت
نظر داشت دولتخواه و دوست پادشاه بود بحدیکه از جان و مال بهیچ وجه مضایقه نداشت چنانکه چند دفعه
شنیدم که در پنهان بفرزند دلبند و ارشد خود سرتیپ میگفت که اگر روزی پادشاه جمیع املاک ترا بگیرد
مبادا دلگیر و رنجیده خاطر شوی و جان و مال را از خود ندانی و هیچ وقت نبینم که در سر سفره و یا [illegible] خود بر کار
اعلیحضرت ظل اللهی دعا نکنند و بر ترقی نعمت و عزت وی تشکر ننماید و حمد و سپاس نگوید .
عهدی نمیکرد که وفا نکند و قولی نمیداد که او را بجا نیارد [illegible] و عبارت راست بود انصافش در حق دوست
و دشمن تفاوت نداشت از دل رحیم و از کف کریم بود طبیعتش بطوری بنظم دولت بود که اگر از [illegible] خادم دولت
[illegible]

فی الجمله سخن بی نظمی بگوشش میرسید مدتی پژمرده حال میشد واگر ناحقی بر پای کسی سنگ
میخورد دل او بدرد می آمد پولهای زیاد بجهة امنیت وتردد ارباب تجارت در نقاط لازمه
آن مملکت خرج مأمن ومستحفظ نموده ومیکرد .

در هر جزئی کاری حد واندازه ومواظبت کلی داشت در آبادی وگذاشتن بنا وآثار بی
اختیار رو بدل نداشت ذهنش بسیط وهوشش موشکاف باشرم وحیا ودر حکم بی ریا جبینش
بلند ووجودش دلپسند بزرگ منش وکوچک دل متواضع ومؤدب مجلسش منظم وکردارش معظم
مودتش شیرین وعداوتش تلخ نیک نفس ونیک طینت درخوش خلقی یگانه ودرخوش سلوکی فرزانه
عالی همت وشیرین صحبت اگر دل مرده وماتم زده چند دقیقه بحضورش باریابی آمد با هزاران فرح وانبساط
دمساز میرفت .

تاریخ دان خوب بخصوص در انساب ودر علم ادب با وقوف قرآن دان با حافظه ونغمه شناس با جربزه
ودر هر جا آگاه می شد آشتی کرده ودو قوم بجهان آمده بود وآنی عمر خود را با غفلت نگذرانده بود .

جنگ چین در سنه ۱۸۶۰ عیسوی

سنه ۱۲۷۷ هجری

دربیان

تفصیلات لشکرکشی بر چین در سنهٔ ۱۸۶۰ عیسوی

سنهٔ ۱۲۷۷
هجری

که در وزارت خانهٔ جنگ پاریس حسب الحکم جناب مارشال کونت راندون
وزیر جنگ دولت علیهٔ فرانسه بواسطهٔ ژنرال بلونذل مرقوم شده است.

دربیان مختصر قضیه‌هائی که باعث جنگ چین شده‌اند.

معاهدات در سنهٔ ۱۸۴۲ و در سنهٔ ۱۸۴۴ عیسوی

مقصود از جنگ چین در سنهٔ ۱۸۶۰ عیسوی و سنهٔ ۱۲۷۷ هجری که دو لشکر متفق فرانسه و انگلیس را
تا شهر پکن (پای تخت چین) کشید تحصیل ترضیهٔ دولتین بود. قبل از شروع کردن بر
تفصیل آن لازم است که بر سوانحی که قبل و بعد از بسته شدن عهدنامهٔ شهر تین تسین در ۲۷
ماه ژوئن سنهٔ ۱۸۵۸ عیسوی و سنهٔ ۱۲۷۵ هجری روی داده ملاحظه نموده بدانند که عهدشکنی
چینیها بر آنچه کردش مأمورین دو دولت باعث شده.

در بیست و ششم ماه آاو ۱۸۴۲ عیسوی سنهٔ ۱۲۵۹ هجری بعد از یک جنگ بزرگ
لشکر مظفر انگلیس بجهت محاصره بمقابل شهر نانکن رسیده صحبت مصالحه بمیان آمد و نتیجهٔ آن
شد که چینیها در عهدنامه جزیرهٔ هونگ کونگ را باهم لواحق بر تصرف انگلیس داده دروازهٔ تجارت
پنج جا در معتبر مملکت چین گشودند بندر کانتون سهانگهای فوتشوفو
آموای ننگ پو
عما قریب فرانسه و بعضی دنیای ها همین ادعا را کردند تا اینکه چینیها بواسطهٔ یک عهدنامهٔ مخصوص ۱۸۴۴ عیسوی
سنهٔ ۱۲۶۱ هجری باایشان نیز اطمینان دادند.
حکام چین عموماً با غربا خوش سلوکی نمودند اما والی کانتون تنها با ایشان بدرفتاری کرده و از داخل شدن

بر شهر محافظت نمود ده سال مکالمه و مجادلهٔ سفارتی بر این حالت تغییر نداد لهذا دولت فرانسه و انگلیس
و امریک مجبور شدند که جمعی را از برای اثبات و متوجه نمودن خلف شرایط عهدنامه روانه نمایند و از برای پشت
بندی ایشان کشتیهای جنگی متعدد در بنادر مختلف جمع شدند .

در این بین یک نقاری در میان ایالت کانتون و انگلیس برپا شد بواسطهٔ اینکه دوازده نفر بحری از اهل
کانتون که در حمایت بیرق انگلیس بودند بهانهٔ دزدی و فروش تریاک گرفته شده در شهر محبوس گشتند
اهتمامات قونسل انگلیس آنها را از حبس خلاص نمود لکن والی کانتون
از معذرت خواستن طفره زد .

در جواب این طفره امیرال سیمور بر باستیونهایی که در میان وامپوا و کانتون
بود حمله کرد و پس از چهل و هشت ساعت آتش بازی و گلوله ریزی [illegible] با توپ و قپوز و خمپاره داخل شهر شد
که والی مزبور در آن شهر عهدنامه را زبانی قبول نمیکرد و چون در آن وقت قوهٔ انگلیس نه چندان بود که در درجهٔ شهر خود داری
نماید با تهدید و تدبیر خود را عقب کشید .

اذن تمام کردن اهل اروپا و سوزاندن مال تجارت و غیره آنها عموماً نوشته شده در دیوارها چسبیده گشت
قونسلهای فرانسه و آمریک از یه والی کانتون سابق الذکر در این باب
استمزاج حاصل کردند جواب داد که این عمل قبیح معمول نخواهد شد مگر در عداوت انگلیسیها در هر صورت سیزدهم ماه
دسامبر سنه ١٨٥٦ عیسوی و سنه ١٢٧٣ هجری جمیع اسباب و مال تجارت و امتعهٔ اهل اروپا سوخته شدند
و صاحبان مال و غیره پناه بر کشتیهای ارباب خودشان برده این بی رحمی و نافهمی دشمنی را عمومی کرده فرانسهها
با انگلیسیها جمع و متفق گشتند .

همین کار باعث جنگ سنه ١٨٥٧ عیسوی سنه ١٢٧٤ هجری شد . الیو زیاده از صد فروند کشتی
جنگی در ابتدای جنگ از چینیها دستگیر کرد مأمورین انگلیس و فرانسه بر امیرالهای سیم بحری سیمور و

دو ریغول دو ژنوویلی فرستاده و سپرده شده نتیجهٔ کارهای گذشته دولتها
انداختن با توپ و تفنگ و گرفتن شهر کانتون گشت (١) در ٢٩ ماه دسامبر .
این اتفاقات دماغ پر غرور چینیها را مالیده و یه والی مقتدر دو مملکت کوانق محبوس
گردید و حکمرانی مملکت کوانق تونق را بر عهدهٔ پیکو گذاشتند مگر با اطاعت و فرمان بری
مأمورین لشکر دو دولت متفق .

طلبیدن وکلای دول ایلچی و مأمور بر سهانقهای

در این وقت همه استنباط شد که دولت پکن ناچار بر خیال اصلاح کار افتاده است ایلچیان فرانسه و انگلیس
بارون قرو و لورد الژین که ایلچیان روسیه و امازونی با آنها ملحق شده
بودند باهم بروز براول خاقان چین اعلام نمودند که بر شهر سهانقهای پیش از اول ماه
آوریل سنه ١٨٥٨ عیسوی و سنه ١٢٧٥ هجری مأمورین با اختیار روانه کنند که با ایلچیان مزبور رفع
اشکالات فیمابین را نمایند .

چون دولت خاقانی این تکلیف را قبول ننمود ایلچیان فرانسه و انگلیس مصمم شدند که بجهت اطاعت و رفع لجاجت
ایشان با کشتیهای جنگی خودشان متفقاً و بزودی داخل خلیج پت شلی شوند در ٢٠ آوریل
بر مرحل رود پی هو رسیده فوراً بر ملایمات پولتیک چینیها که مختصر بر این چند کلمه بود دیدند
در مقابل سختی ملایمت کم نکردن و غنیمت شمردن وقت و بعد خلاف عهد و میثاق کردن در ابتدا
دو عامل بجهت مصالحه کردن با ملتهای که در بنادر هستند مأمور شدند و بعد بواسطهٔ اصرار دول متحاربه که مقصودشان
فرستادن ایلچی از جانب دولت چین بر تاکو بود حاکم کل تسلی کارپرداز خاقانی نامیده شد
اما ایشان با مأموریت اینکه خواهش وزرای فرانسه و انگلیس را فهمیده و به پکن عرض داشت نماید .
چون ایلچیهای متحدین متوجه شدند که رفع این غائله بقدر امکان بدون خونریزی گردد از نو تا ١٢ ماه مهلت
دادند اما در نتیجهٔ این ملاحظات و ملایمات یک جواب لامعنی آمد که گویا خواهش ایشان قبول نخواهد شد

(١) مطابق نقشهٔ نمره ٢

لابداً در مقابل رفتار و حرکت بد و رنگ رنگ که با هیچ گونه متحمل نمیتوان شد بر درشتی متعهد و لاعلاج گشتند .

در ۲۰ ماه میه بارون قرو و لورد الژین بر کارپرداز خاقانی اعلام نمودند که عزمها بر نزدیک و داخل شدن پای تخت جزم است که عهد و مصالحه مخصوصه با خود دولت بسته شده باشد و از برای آسودگی و اطمینان شخصی خودمان و از برای دسترس بودن با کشتیها ناگزیر است که قلاع و باستیونهای طرفین دهنه گاه رودخانه در دو ساعت دیگر به تصرف امیرالبحرها داده شود و اگر نه بر کوبیدن آنها شروع خواهد شد .

چون این خواهش مثل سایر بی ثمر ماند انجام رسانیدن تهدیدی که حاوی بود به تعویق نیفتاد و در ساعت معهود بر قلاع و باستیونهای مزبور حمله کرده بعد از یک مقاومت کوتاه اگرچه با پاداری و همت بود نقاط مذبور بر تصرف دو امیرال آمد که هر دو با هم در بالای یک کشتی جنگی که بیرق فرانسه و انگلیس نصب بود بر دشمن اندن ورزد و مجبور نمودن بودند نتیجه این کار که بر بنیان اعمال جنگ مابعد اطمینان میداد بدون گذشتن از جان و بکشتن دادن زیاد حاصل نشد اما ما که در حین غلبه و فتح آتش زدن بر یک باروت خانه باعث کشته زیاد از فرانسه ها در یک ستون حمله شد .

ایلچیها مصمم شدند که مصالحه را نکنند مگر در شهر تین تسین لهذا مستعد شدند که بالای رودخانه را گرفته تا شهر مزبور بروند اشکال کلی در بالانشینی لشکر بود در کشتی چراکه در زیر تابش یک آفتاب سوزاننده طاقت فی الیاستی و همچنین عذاب و زحمت حمل و نقل سپاهیان از کشتیهای بزرگ به کوچک لابداً در مقامات متعدد نامساعد رودخانه چنانکه بجهة رسیدن و رسانیدن لشکر تا نقطه معین سر زورق توپخانه و کشتیهای سبک پیاده گان بحری را متحمل بود و کشتیهای بزرگ در نقطه حمل و نقل که محل تقاطع رودخانه و نهر بزرگ ساخته دولتی بود توانستند که لنگر اندازند (۱)

این کشتی رانی و دشت بانی بدون مقاومت از جانب اهل چین عمل آمد چند عراده قپوز از برای دو لحمان

(۱) مطابق نقشه نمره ۳

جمعی از سواره چینی که گاه گاهی در حوالی و درازی رودخانه پیهو خودنمائی میکردند کافی بود در این بین آماده گی و نمود داری زیاده از ششصد کشتی چینی در رودخانه خالی از خطر بنظر نمی آمد مطیع و فرمان بردار گشتند بحکم اینکه پایین رفتن تا لب دریا بر ایشان غدغن باشد .

از ان طرف امیرالبحرهای متحد دفاع قلاع و تحصنات ضبطیه را بطوری داشتند که از مدخل رودخانه پیهو تا شهر تین تسین که آذوقه ده حقیقی پای تخت مملکت چین بود از اتصال و آمد و شد خود احتیاط نداشتند که فاصله از آنجا تا پکن زیادتر از بیست و چهار فرسخ نبود بارون قرو و لورد الژین آنوقت توانستند که بلنگرگاه کشتیها رفته عما قریب به کونت پوتیاتین و موسیو رایف وزرای روسی و آمریکانی دوباره ملحق شوند .

تصرف تحصنات پیهو و رفتن متحدین الی تین تسین یک تزلزل متعجب بر پکن انداخت که دولت چین حقیقتاً بر قبول کردن امر تجارت مصمم گشت بطوریکه در نهم ماه ژوئن دو شخص اول دولت مانند منصبهای بزرگ متشخص کوسی و هواء ملبس با لباسهای بسیار توانا و مفصل ایلچی فرانسه را ملاقات کرده تا پانزده روز بیشتر پس از مضمحل نمودن تکبر و غرور دولتی چینی بر مصالحه که جمیع خواهشهای دولتین بهیتین بدون استثنا قبول افتاد معاهده بسته شد و امضای آن در بیست و هفتم ماه ژوئن ۱۸۵۸ عیسوی و ۱۲۷۴ هجری اتفاق افتاد بارون قرو در یک راپورت تفصیل همین مصالحه بر وزیر امور خارجه خود نقل کرده بود که دولت وسیع چین بر عیسویها در و بنادر خود را باز میکند بجهة انواع اقسام تجارت و کارخانه جات مغرب زمینی در نقاط متعدده .

ایالت پکن در مقابل الیتیماتوم دو وزرای فرانس و انگلیس و از نتایج اعمال فوری امیرالبحرها اگرچه شکسته و مجروح بود لاکن دستبرد و چشم زخمهای مذبور بر تخفیف نخوت و تقلب او هنوز کافی نبود در تکلیف امضا و محه گذاری بر شرایط نامه مرقومه از جانب دولتین بهیتین و در رجوع به نقطه و مطلب احلاف الفور از اهل اروپا دوری میکرد و حرکتهای

و بر آینده مهلت محوّل است و مسامحه میکرد از برای اینکه خودشان را از این مجبور به اخلاص دهند و طفره زنند شرایط
الحاقی عهدنامه و هیأت برزدن یا تمام رسیده باشد به وعده دادن و آرزوی اینکه نسختین مصالحه نامه در پای تخت
دولت چین که پکن باشد مبادله خواهد شد .

بیستم ماه ژوئن ۱۸۵۹ عیسوی ۱۲۷۶ هجری مسیو دوبوربولون وزیر
فرانسه و مسیو بروس وزیر انگلیس بجهة انجام دادن و براه نمودن این کار از جانب دولت خودشان
مأمور گشته بر مدخل رودخانه پیهو رسیدند اولی در کنار یکی از کشتیهای سپاه بحری امپراطوری
دوشایلا نام و متصل بر کشتی آتشی نورزاقارای نام بود و دویمی سوار مادسین
متصل بر کوردوماندل بود .

پس از اطمینان مصالحه از بنای دولت چین و بعد از شهرت عمومی معاهده از کارپردازان خاقانی نهایت
خیال کرد که بزرگ سالاران دولت فرانسه و انگلیس مقابله و ممانعت از پکن نخواهند کرد با وجود این امیرال
هوپ که چند روز پیش از اینجاها بر خلیج پتشلی رسیده بود آمدن خودشان را بر حکام ولایت
مذکور اعلام کرده پیش از وقت از شنیدن جواب تعلل خاطر جمع و یقینش بود که حمله خواهد شد بر تحصنات
و استحکامات تازه که دولت چین بجهة دفاع ساخته و محقق کرده بوده است .

پس از آن در زیر بیرق و اطاعت انگلیس از چین قوه بحری عمومی زیاد و بویژه مخصوصی بی زورق توپخانه اما
مقصود از اجتماع کشتیهای سبک در پیهو سابقاً تنها بجهة حمایت و نگهبانی وزیر فرانسه و انگلیس بود دیگر بغیر
از آنها محسوب نمیشد مگر مادسین و کورومندل و همچنین شیسپاپاک سواری
امیرال هوپ در هفت کشتی آتشی ده زورق توپخانه و دو کشتی حمل و نقل در هر حال امیرال خیال
میکرد که با این قوه و تدارک جمیع موانعات را بتدریج متحرز خواهد کرد لهذا مصمم شد که مدخل رودخانه
حملهور شود در حالیکه بنظر میآید این اندازه اکثری لازم بود .

در بیست و نویم ماه مذکور اعلام و سفارشی از فرمانده کشتی انگلیس بر حاکم شهر رفت که بغاز را تخلیه نموده
معبر را بگشایند و اگر نه باز و رگشاده خواهد گشت هرگز جوابی در مقابل این نهیب داده نشد روزانه ۲۳ و ۲۴
را بجای رسیدن تدارک جنگ و مخاصمه بسر آوردند و بعد از ملاحظه و صلاح ایلچی فرانسه شرط شد که در وقت حمله کشتی آتشی
نورزاقارای با دسته از لشکر بحری که در کنار دوشایلا حاضر بوده با کوماندان تری
کول در زیر حکم و فرمان امیرال انگلیس باشند .

مدافعه چینیها مشتمل بود بر تحصنات متعدد در روی دو رود که بواسطه یک خط خاکریز بهم دیگر متصل بودند
که آن خاکریز محکم و مسلح بود با توپخانه بطوریکه سطح آب را بتیر اشید علاوه از آن عرض رودخانه بواسطه موانع
محکم پشت سرهم مسدود بود اولی سد چوبی محکم در زیر و عمق آب بود که در زبان فرانسه بهر پارچه آن شوو
دو فریز گویند دویمی از تیرهای بزرگ تخت جمع شده و با زنجیرهای آهنی محکم پیچیده در روی آب انداخته
بر میخهای بلند قطور چوبی بفاصله کوبیده بسته بودند سیمی از تیرهای بسته متصل بهم که آنرا رادو گویند
چهل و چهل و پنج ذرع در عرض الی غیر النهایه روی آب رودخانه ریخته بواسطه میخهای بزرگ بزور محکم نموده بودند
در بیست و سیم نوردزاقرای بدون خطر و مسامحه داخل شکسته خاکریزها
عرنده دشمن خاموش و صحرا گشت دستهای توپخانه در زیر حصیرها مخفی بود شجاعت چینیها نسبتاً که بسیار کم بود در
اینجا جلادت و رشادت و دوام عجب بروز دادند چه فایده که عقب نشستن وقت نبود .

در بیست و چهار قایقچیها از طرف امیرال مأمور شدند که با قایقها از میان فاصلههای سد
اول گذشته بواسطه قوه باروت چند تیر از سد دویم شکسته خراب نمایند حاصل اینعمل از طرف دیگر بی معنی شد
در بیست و پنجم حاکم پتشلی کاغذ مهلی بوزیر انگلیس نوشته بدون نتیجه و حاصل
ترک نمودن مجادله و مخاصمه را استمزاج کرده موقع حمله آخری رسیده بود .

سفاین جنگی برمقابل تحصنات مأمور و ایستاده بود مخصوص امیرال که سواره زورق توپخانه پلوور بود

برهان زورق و اوبوستم حکم داد که خود را یکی از شو و دوفریز سد اول بسته سعی بر
گذرانیدن نمایند بالاخره یک گذرگاهی که به عبور دو زورق کفایت کند گشاده گشت در این بین چینیها از تحصنات
و دستهای توپخانه تراشنده که تا آن وقت با صبر مخفی بود شروع به آتش کرده جمیع کشتیها و سفاین جنگی به آتش ایشان
جواب میدادند و اقسام گلوله ها از انواع لوله ها بر جمیع خطوط آنها باریدن گرفت و لکن نشانه مخصوص گلوله های دشمن
زورقها بود و شدتی که در اینک وقت بیهوده نفر در روی پلوو بجان شد تا اینکه زنجیر این دو اوبوستم
هر دو شکسته نزدیک بغرق شدند بعد از آن امیرال با کشتی مخصوص کوماندان تریکول که جهت نگار نهنگ
بو حرکت کرد و خود کوماندان هنگام دعوا در روی کورموران در جوار امیرال بود .
طرف عصر آتش تحصنات دشمن از شدت افتاده امیرال چنان خیال کرد که رو بخاموشی گذاشته اند خواست یک زور
آخری نموده عمل روزانه را حاصل نموده کار را با تمام رسد .
لشکر بحری در زیر حکم کوماندان تریکول بجهت قلع و قمع تحصنات رو به جنوب به خشکی انداخته شدند
اما بساحل رسیده و نرسیده که از آتش شدید پشت سر هم چون برگ خزان ریخته شدند و بجهت رسیدن به تحصنات که زمین
از یک زمین باتلاق باتلاقی که در آنجا تا کمر فرو میرفتند و هم چنین عبور از سر خندق لازم بود که عرض آخری چهار زرع
و عمق دو زرع پر از آب بود این حوادث با وجود آتش پر زور دسته های توپ خانه جرأت و جسارت جنگیها را
کم نکرد اما یک جمع قلیلی در میان آنها تنها توانستند که بر درجه باستیونها برسند قوت و توانایی از دست
رفته فشنگ و تفنگ خیسیده و از کار افتاده نردبانهای حمله از چاپلاقها شکسته پهلوانان با یک یاری و
مقاومت بزرگ نتوانستند فتح نمایند و در فکر عقب نشستن هماییت شد بر رسیدن شب و پهلوی چینیها لشکر
باید کرد که جرأت نمیکردند از باستیونهای خودشان بیرون آیند و اکثر نظر کلی در میان بود .
بهر حال ارزش آن روز گران شد پانزده نفر بحری با یک نفر صاحب منصب از جانب فرانسه زخمی و از کار افتادند
و از انگلیسها زیاده از چهارصد و سی نفر در گذشت خود امیرال هوپ و کوماندان تریکول

زخمی شدند علاوه از اینها سه زورق توپخانه واژونه گشت .
دوباره شروع کردن به دعوا با حالت وقت غیر معذور و غیر ممکن بود لهذا متحدین خودشان را بر
بندر شهانقهای کشیده تنبیه این ناملایمات و بی اندازگیها را بعهده دولت خودشان گذاشتند .

نتایج اعمال پیهو

از جانب خاقان چین از شرح حال گذشته شهرت خوشنودی و خودنمائی به حکام تاکو
داده شد با عزم و قصد اینکه دولت خود را از مجبوریت مصالحه و معاهده تین تسین بری الذمه نماید حاصل
جنگ اول بار انگلیسها ده سوای از این اعمال منحوس پیهو نمیگذشت از اینکه یکروز در دریای هند
و چین و ژاپون باعث خفت و سرزنش یکی از حکام دول اوروپا نباشد و هم چنین
پیش رفت اعمال تا با اتفاق دولت اسپانیول در مملکت کوشن شین نتوانست
از کار بماند و همچنین معاهده که با مملکت ژاپون در نهم ماه نوامبر سنه ۱۸۵۸ عیسوی و سنه ۱۲۷۵
هجری بواسطه مهربانی تین تسین بسته شده بود احتمال همان حالت میرفت .
عزت و حرمت بیدق عزت و منفعت و پولیتیک همه بر فرستادن یک لشکر تازه متفق گشتند
که تعیین عدد آن بجهت تنبیه در عوض شرارت و بدقولی چینیها و برای مجبور کردن آنها بر قبول و اطاعت تکالیف
راست و درست فرانسه و انگلیس بقدر کفایت باشد و بتوانند بر آینده اطمینان دهد که بعد از این سفر دور و دراز
و سیر دریای محیط در نگهداشتن احترام انسانیت و قدردانی تربیت منافع بزرگ آزادی اهل اوروپا از اهل
چین دیگر بار فروگذار نشود امپراطور فرانسه و لا - رد آنفلد در شورای اینگلند
و انجام مقصود کوتاهی نکردند .

جنگ چین در سنه ۱۸۶۰ عیسوی و سنه ۱۲۷۷ هجری

فصل اول

در دوم ماه نوامبر سنه ۱۸۵۹ عیسوی و سنه ۱۲۷۶ هجری امپراطور ترکیب عدی اقسام مختلف از لشکر فرانسه
که مجموعست قسمتی از آنها بجهة ماموریت لشکر چین معین کند ملاحظه نمود و در همان وقت یاد داشت کرد داشتن
بهترین حالت و کیفیت طبیعی را در باب راحت و صحت لشکری که از این فقره اطمینان داده باشد خواه در مدت
حرکت دور و دراز بحری و خواه بعد از پیاده شدن ایشان در خاک چین .

حسب الحکم مامورین لشکر در سیزدهم ماه مزبور بر ژنرال دو یزیون کوزن مونتوبان
برده شد بالقب فرمانده کل لشکر بری و بحری برقراری این دو قوه متفقاً لازم بود برما موجب دکار فرمائی
اعمال متقنه و پیشآمد امورات در یک مسافت بآن دوری از مرکز و ایالت دولت و مملکت .
نتیجه و حاصل کار از کم قوتی ایلچیها معوق مانده بود بلکه ناقص بعدن قوت اسلحه بود دستور العملها از جانب وزیر
جنگ قبل از روانه شدن بر ژنرال مزبور داده شده معلوم گشت که لوازم اعمال و نکات اصلی بر فرماندهی
نظامی در شرح رالیه فطرتاً کامل بوده است تفصیل این دستور العملها که خیال و ترتیب آن از جانب امپراطور بوده بقدر

نامیده شدن ژنرال مونتوبان فرمانده کل بر لشکر مامور

مقدور چنین نسخه شد که دولت انگلیس نیز صورت اورا بر مامورین خود داده منظور و مقصود این لشکر کشی بطوریکه
نوشته شده بزودی معلوم شود .

مقصود و ملاحظات و نقاط اصلی تنبیه

لقب فرماندهی کل بر قوه بری و بحری مجبور و متحمل میکند فرمانده را بر اقتدار کلی و زحمت عمومی و قسمت عمده
از آن مستعد بودن است بر آن اما حالت و کیفیت کارها و قضیه‌های مختلف تجربه‌های مخصوص بر فرمانده
مینماید و هنگام بکار آرد .

در اشکالات و اعمال بحری و در شرایطی که بحسب جنگ با لشکر و قوه بحری باید بعمل آورد مجبور بند که بر هیچ حرکت در
هر اتفاقیه بدون صواب دید و ملاحظه فرمانده کشتی اقدام نکنند که آن فرمانده در هر موارد لازمی باید در نقطه معین
بجهة مشورت و مصلحت حاضر شود .
بجهة اطمینان از اینکه یکی در اتحاد قوتها و امداد و در معمول داشتن لوازم انسانیت و مهربانی با فرمانده لشکر
انگلیس در دوستی و محبت خوب با ژنرالهای هر دو لشکر سفارش میرود که اولین مقصود نافع است .

مقصود کلی از فرستادن لشکر اینست

اولاً گرفتن از نقطه ایست که ایلچیها را مانع شده بودند (یعنی مدخل پیهو) .
دوم گرفتن یک موضع و جهات محکم و با صلابت است در نزدیکی پایتخت که آنجا را بعد از ورود پاین تسین
با علم ژئوگرافی و شناسائی استعداد زمین پیش از وقت معین نمایند .
حرکت کلی اعمال جنگ بخواهد شد مگر بعد از اتمام مجلس مشورت با امیرالبحرها معین کردن یک نقطه ایست بجهة
اجتماع سفاین و جمع کردن قوای لازمه است در آن نقطه و گرفتن جزیره شوسان و بعضی جاهای دیگر
پشت سر هم در خلیج پیتشلی و پس از آن متصرف کردن نقاطی که مدخل پیهو را محافظت میکنند و ویران
نمودن تحصنات آنجا و حرکت کردن رو به تیان تسین و ضبط کردن همان شهر است و برقراری و محکم کردن

دیگرانست بقدر کفاف که احتیاج به بازگشت نباشد .

این همانست باید که دولت چین را بر قبول کردن شرایط ما مجبور نماید و الا بتین تسین مسکن خواهد شد بطوریکه لشکر بری و بحری بتوانند در آنجا زمستان را بگذرانند .

بالاخره در جائیکه مطلب بر خلاف پیش بینی ها شد بر فرماندهان لشکر فرانسه و انگلیس و هم چنین بر وزرای این دو دولت لازم خواهد گشت که بر سر پکن بروند که از نتیجهٔ این حملهٔ آخری همهٔ تکالیف قبول خواهد شد

شرایط اصلی در ملاحظهٔ حرکات جنگ مختصراً اینست که ذخیرهٔ مواد کشتیها باید

قبیان اعمال جنگ کشتیها همیشه در خطوط آبهای مساعد بر حرکت زنجیر شوند سفاین بزرگ لنگرهای محکم و قوهٔ اصلیهٔ جنگ خواهد شد علاوه بر آن در همان حالت و وقت آسانی حمل و نقل مریض خانها و عقبه ها و آذوقات بواسطهٔ آنها .

مقصود آخری بلکه نکته را باریک در تعیین و ملاحظهٔ قسمت تکالیف ارباب سفارت بود که بر عهدهٔ فرماندهٔ کل لشکر بری و بحری است که با وی معین کنند که در هر وقت و با کدام شرایط بر گشایش تجارت اقدام خواهد کرد و در هر موقع بر مختار که اذن خواهد داد که در هنگام کارزار ارباب سفارت خود را رخصت خواهند نمود بر اینکه فرمانده را از گذشت کردن و بخشیدن بر دولت پکن آگاه کنند و بمجرد این که عمل جنگ لشکر متحدین با تمام رسیده مجال گفتگو بر وزیر اعظم آنطور خواهد شد این عامل بزرگ رشتهٔ کار و صلح . و مأموریت خود را با وزیر مختار چین گرفته در مشورت کردن با وزیر انگلیس و شنیدن از فرماندهٔ کل لشکر فرانسه مجبور خواهد شد .

ژنرال ژامن فرماندهٔ ثانی نامیده شد که اگر ژنرال مونتوبان در وقتی بواسطهٔ سانحه یا ناخوشی دیگر از فرمانفرمائی باز ماند فی الفور جای او را بگیرد لهذا اطلاع از دستورالعمل حاصل کرده قبول مجلس شورا شد

قبل از شرایط مذبور معین شده بود که جمعیت مأمورین در زیر حکم یک ژنرال دویزیون مشتمل خواهد شد از دو بریگاد پیاده و از لشکر مختلف الاسلحه که عبارت از هشت هزار نفر باشد .

بعد از بعضی تغییر و تبدیل و اصلاح آن جمع بندی و ترکیب آخری آن از قرار تفصیل ذیل ثبت گشته از جانب وزیر جنگ بر ژنرال مونتوبان داده شد (۲۱ نوامبر ۱۸۵۹ عیسوی و ۱۲۷۶ هجری)

اتاماژور

فرماندهٔ کل لشکر بحری و بری مأمور شده کوزن - مونتوبان ژنرال دویزیون

اجودان و صاحب منصب سمی فرماندهٔ کل:

دستیین فرماندهٔ اسکادرون اتاماژور -
دبو ویلد سلطان اتاماژور .
دپینا نایب کشتی .
کوزن - مونتوبان سلطان سواره .

اتاماژور عموماً

فرماندهٔ اتاماژور عمومی	ششمیتز	سرهنگ دویم اتاماژور -
فرمانده توپخانه	دوبانت زمان	سرهنگ توپخانه .
فرماندهٔ مهندس	دوولد دپر	سرهنگ دویم مهندس -
فرماندهٔ خدمات آذوقه و ملبوس وغیره	دب	ناظم و ناظر نظامی از درجهٔ اول -
پروو ...	ژانیس	سلطان ژاندارمری

صاحب منصبان اتاماژور:

فرماندهٔ اسکادرون و اجودان فرماندهٔ اتاماژور عمومی کامپنون رئیس خدمات نقشه کشی سرهنگ دویم دپن
سلطان از اتاماژور کل دکواول رئیس نقشه کشی سلطان اجودان فوارست .
سلطان ایضاً کریریر سلطان از اتاماژور کل شانوان .
سلطان پیاده ایضاً دابری .

صاحب‌منصبهای توپخانه

اتاماژور

قادی زمانده اسکادرون زمانده اتاماژور .
لقاردوُر سلطان اوّل اجودان .
دُربو سلطان اوّل ایضاً .
کانوار سلطان دوّم ایضاً .
سشولیش سلطان دوّم ایضاً .
گزمان نایب اوّل ایضاً .

صاحب‌منصبان [illegible]

فولون - قراندشامپ زمانده چهار دسته توپخانهٔ سواره .
مادیمور سلطان دوّم اجودان .
تالیف - لاوورتالید زمانده اسکادرون زمانده دو دسته توپخانهٔ سواره .
تاردیف - دموادوی سلطان دوّم اجودان .
قروزا زمانده اسکادرون زمانده دو دسته توپخانهٔ سواره .
شارون سلطان دوّم اجودان .

صندوق [illegible]

رودن زمانده اسکادرون رئیس .
رنول سلطان اوّل اجودان .
قاپار دلزویل سلطان اوّل اجودان .
دسیمادکه سلطان اوّل ایضاً .

صاحب‌منصب مهندس

دُنو زمانده باتالیون زمانده اتاماژور .
آلیز دماتنی کور سلطان اجودان .
بزیا سلطان اجودان .
کالیمارد سلطان اجودان .

ناظم و ناظر نظارت

بلوندو ناظم نظارت از درجهٔ دوّم .
رود اجودان نظارت از درجهٔ دوّم .
بون آمی اجودان ایضاً .
پرپر اجودان ایضاً .

مذهب شریعت

ترقاردو رئیس بزرگ مذهب و شریعت .
دسیر شریعت دار .

بریقاد اوّل

زمانده .. ژامن ژنرال بریقاد و زمانده ثانی بر لشکر مامور .
اجودان .. لاوو سلطان اتاماژور .
باتالیون دوّم شاسور آپید (هشت دسته) کوسو دلاپوتری زمانده وی .
رژیمان یکصد و یکم از صف پیاده (دو باتالیون که هر یک شش دسته) پوژ سرهنگ وی .
دستهٔ هفتم از باتالیون اوّل رژیمان اوّل مهندس توماس سلطان اوّل زمانده دستهٔ مزبور .
دستهٔ چهارم از باتالیون اوّل رژیمان سیم مهندس بووِ سلطان اوّل زمانده دستهٔ مزبور .
رسد اوّل از دستهٔ اول عمله مهندس .

بریقاد دوّم

زمانده .. کولینو ژنرال بریقاد .
اجودان .. لزیرژو - دان دیکور سلطان اتاماژور
رژیمان یکصد و دوّم از صف پیاده (دو باتالیون که هر یک شش دسته) اومالی سرهنگ وی .
یک رژیمان پیاده بحری (دو باتالیون) دواسوانی سرهنگ وی .

توپخانه:

دسته یازدهم از رژیمان ششم پیاده‌ساز — شنقان — سلطان دسته .

دسته توپخانه دهم از رژیمان توپخانه هفتم — برنارد — سلطان دسته .

دسته توپخانه هفتم از رژیمان توپخانه هشتم — دسمو — سلطان دسته .

دسته توپخانه اول از رژیمان توپخانه نهم — ماتری — سلطان دسته .

دسته توپخانه سیم از رژیمان توپخانه دهم — کواتون لوبسکوند — سلطان دسته .

یک سد فشنگ جنگی از دسته توپخانه چهارم از رژیمان توپخانه دوازدهم — دلاروز — سلطان دویم ایضاً .

یک سد چخماق‌ساز از دسته دویم — آمودری - دشافو — سلطان دویم ایضاً .

یکصد عمله توپخانه از دسته پنجم — ویوء — نایب اول ایضاً .

لشکر محکمه دیوانی کل سفر:

قسمتی جدا شده از ژاندارمری .

قسمتی جدا شده از صندوق و عمله بارکش لشکری .

قسمتی جدا شده عمله .

قسمتی جدا شده مریضخانه .

پنجاه سوار جدا شده از سپاهی و شاسور آفریقا .

موکار سلطان سوارهای مزبور .

شماره لشکر از پیاده پنج هزار و هفتصد و نود نفر بود با هزار و ششصد نفر صاحب منصب کوچک و سرباز بحری . و هزار و دویست نفر از توپخانه و سیصد و بیست و یک نفر از لشکر مهندس .

و خدمات لازمه داخله مشتمل بود بر چهار نفر ناظر و چهل و چهار صاحب منصب طبابت و بیطاری چهل و یک صاحب منصب تحویلدار و آذوقه وغیره دویست و یازده نفر از صاحب منصب کوچک و سرباز در کمال سرعت از برای اتمام و رساندن و نگهداشتن ملبوس و کفش و چکمه و رختخواب وغیره مرکب و معین شده بود .

از برای پیاده دو بار کبری قورخانه هر نفری چهار صد فشنگ و از برای توپخانه هر عراده از قرار ششصد گیسه با هزار فشنگ جنگ میدانی و هزار فشنگ جنگی قلعه بسته شده و مهندس با تدارک مختصر از پل‌سازی وغیره .

بجهة استحکام قسمتهای تمام لشکر بهر دسته پیاده یا توپخانه و سواره یک نفر نایب و دو نفر وکیل و چهار نفر سرجوخه علاوه گردید .

غیر از لباس متداولی لشکر مأمور کوچنچین لباس مخصوص ذورق داده شد که آن مرکب بود از قرار هر نفری دو شلوار کتان و یک قبای سبک و گشاد و یک کمربند آن و یک جلیقه و دو کمربیچ از کرک و دو گردن‌بند آبی کلاه عمومی خود را که می‌بردند بکار آنها چندان نمی‌خورد مگر در مدت سفر چراکه کلاه حصیری مخصوص از یک علف مشهور بسیار سبک میشد با کتان سفید از برای آنها تقسیم میشد چه از حرارت هوای چین نگاه دارد چنانکه ژنرال مونتوبان از آن کلاهها مخصوصاً ده هزار در هونق کونق با تمام رسانید .

افزونی و تفاوت خرجی که مخصوصاً از برای لشکر در این سفر شد از برای صاحب منصب این است .

همین که لشکر از خاک فرانسه جدا شده در فصل جنگ حساب میشود بر حقوقی عموماً یک ثلث افزوده است همینکه از دریا بخشکی رسیدند علاوه بر حقوقی در هر روز دوازده فرانک از برای صاحب منصب بزرگ و نه فرانک صاحب منصب پایین‌تر شمرده شود خیلی بعد از آن ژنرال فرمانده کل این قرارداد را درباره جای و مقام کافی نفهمید لهذا حکم کرد (حکم ژنرال در شانقهای ۱۷ ماه مه سنه ۱۸۶۰ عیسوی) که بر صاحب منصبان فرستاده شده اتفاقی بر مأموریت مخصوص در خشکی در مقابل شمارش سابق چه روز در جنگ قرار داده بود در هر روز خواهد رسید یعنی ۲۴ فرانک از برای صاحب منصب بزرگ و ۱۸ فرانک از برای صاحب منصب پایین‌تر .

از برای لشکریان .

در خشکی هر روز از برای اجودان و صاحب منصبان کوچک چهار فرانک و نیم و از برای سایر صاحب منصبان کوچک سرجوخه و سرباز همان تفاوت هنگام جنگ پاریس است به علاوه صد دینار و بعد از مراجعت با یک سال خرجی بلکه اهتمامی

هر سال هم میرود علاوه از اینها از برای مأمورین یک قسمت ترقی ملاحظه خواهد شد درصورتیکه بعد از مراجعت
هریک از آنها لیاقت خود را بتواند ثابت کند .

در همان وقت وزیر اعلام نمود که امپراطور بفرمانده کل اذن مخصوص داده هر لشکریان در مراجعت بهر مدت که بخواهد
مرخصی خواهد داد بشرطی که رضامندی رؤسای ایشان در هر خدمت و مأموریت مصدق هر یک از آنها باشد لکن
نقل جات منصبان دیگر از درجه سرهنگی گرفته تا نایب دوم نخواهد شد مگر باطلاع و اذن خود امپراطور در همان وقت
امپراطور مخصوصاً بجهة مفاخرت لشکر از فرمانده کل قبول نمود نشانهای جلادت و عزت را باین تفصیل دو نشان
اوفیسیر لژیون دنور و ده نشان شوالیه و هشت نشان مدای ملیتر
که در جنگ هرکس بتفاوت رشادت و جلادت نمایانی کرده بدهد .

جناب مارشال راندون وزیر جنگ جمیع تفصیلات و ملاحظات را در ترکیب لشکر مأمور با دقت
تمام عمل آورده سعی کلی در انتخاب صاحب منصبان کرده از مردمان کاردیده و آزموده مرکب شده اند هم چنین اهل لشکر نیز
از سربازان با همت و جهات و پرقوت منتخب شد و خبط نکرد از اینکه لشکر مزبور را با حکم نه طلبید و هر جنگ با آن دوای
حتماً روانه نکرد بخصوص بی اطلاعی و نابلدی رنگ و بازی دیگر مینمود بلکه یک اخبار و اعلام از برای داوطلب در نهم ماه نوامبر
بر جمیع دویزیونهای لشکری رفته از تفاوت جرح و تنقی لشکر مأمور آگاهی شده و از صاحب منصبان و تابینان هر کس
میخواست همراه آن قسمت برده باشد لهذا جمعیت زیادتر از خواسته شده و این زیادتی زحمت نداشت مگر بجهة انتخاب

وزیر جنگ با جواب دیده وزیر بحری مقرر داشت همراه لشکر بری از بندر تولون — حضور سپاه مأمور در بنادر
سوار کشتی خواهند شد مگر باتالیون دوم شاسور آپید هر باید از بندر برین با کشتی دون راه
خود را بکرد و هم چنین قرار اصلی شد که قسمتهای مختلف با همراهان لشکر باید دست کم دو روز قبل از سوار شدن
خودشان به بندر برسند و روانه نخواهند شد مگر بعد از چهل و هشت ساعت از جابجا شدن در روی کشتیها و در باب
حمل و نقل اسباب و اجناس مختلف خارج لشکری از جانب دو وزیر قبول گشته اعلام نمودند هر کس از لشکری

اسبابی که مخصوص خودش باشد همراه خود میتواند ببرد .

در اواخر ماه نوامبر قسمتهای اصلی لشکر مأمور به تولون جمع گشته ژنرال موتوبان از برای کشتی
و راه انداختن لشکر خود الشخصه در آنجا حاضر نمود .

اشکالات چند از بابت وضع بحری پیدا شد از آنجمله ازدحام و تنگنای کلی از لشکر در روی بعضی از کشتیها ژنرال
تفصیل را بیان نمود امپراطور در وقت سعی خود کلونل کاستلنو اجودان خود را از برای اصلاح
کار با اذن و تسلط تمام روانه نمود .

مأموریت کلونل مزبور در باب چگونگی دستور العمل مصالحه و هم چنین بجهة تعیین مکث و توقف بنادر آینده
بعد پس فرمانده کل بزودی مشغول گشت .

تغییر و تبدیل چند در قسمت حمل و نقل لشکر داده شد و امپراطور مخصوصاً در یک راپورت حکم کرده بود که سفینهها
در بندر جزیره تنریف و در کاپ دبون - اسپرانس و در سنقاپور و در
هونق کونق لنگر اندازند .

جمیع ملاحظات و تهیه تدارکات تمام شده کشتیهای تولون بتفصیل ذیل راه دریا را گرفتند

نهم ماه دسامبر

آرلدر باد — کشتی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
رئیجان یکصد و دویم از صف پیاده	۳۱	۸۴۲
عمله نظارت	=	۳۵
مریض خانه نظامی	=	۴۸
اتفاق جداگانه	=	۳
ژنرال کولینو	۱	=
سلطان اتاماژور	۲	=
طبیب و دواساز	۴	=
اجودان نظارت	۱	=
صاحب منصب حمل آذوقه وغیره	۲	=
رئیجان یکصد و یکم از صف پیاده	۱	=
جمع	۴۲	۹۲۸
جمع کل	۹۷۵	

هفتم دسامبر

۲ توکالوادو
کشتی آتشی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
رژیمان یکصد و یکم از صف پیاده	۲۳	۴۸۴
دستهٔ توپخانهٔ دهم از هفتم رژیمان توپخانه	۵	۲۳۰
اتاماژور توپخانه	۱	〃
مریض خانهٔ لشکر	۴	〃
جمع	۳۳	۷۱۴
جمع کل	۷۴۷	

هشتم دسامبر

۳ اوتر ۱
کشتی آتشی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
دستهٔ توپخانهٔ اول از رژیمان نهم توپخانه	۵	۲۳۲
دستهٔ اول عملهٔ مهندس	〃	۸
دستهٔ توپخانهٔ یازدهم از رژیمان ششم توپخانه	۴	۱۰۱
دستهٔ چهارم از باتالیون اول رژیمان سیم مهندس	۴	۱۴۰
دستهٔ توپخانهٔ سیم از رژیمان دهم توپخانه	۵	۲۳۰
علیحده	〃	۱
صاحب منصب اتاماژور مهندس و توپخانه	۵	〃
طبیب	۳	〃
عملهٔ عمومی	۲	〃
جمع	۲۸	۷۱۲
جمع کل	۷۴۰	

۴ انتر پرنانت
کشتی آتشی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
رژیمان یکصد و یکم از صف پیاده	۳۴	۱۰۱۸
مریض خانه	〃	۲۴
ژنرال ژامن	۱	〃
سلطان اتاماژور	۱	〃
توپخانه	۲	〃
طبیب	۱	〃
جمع	۳۹	۱۰۴۲
جمع کل	۱۰۸۱	

۵ لا نیوز
کشتی آتشی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
مریض خانهٔ نظامی	〃	۵۵
عملهٔ نظارت و تحویلداری آذوقه	〃	۲۶
عملهٔ توپخانه یعنی قورخانه‌چی	۱	۱۳
صاحب منصب توپخانه	۲	〃
بیطار و رئیس آتشبازی قراول	۴	〃
صاحب منصب نظارت و آذوقه	۱۳	〃
صاحب منصب طبابت	۹	〃
یک دستهٔ توپخانه و قورخانهٔ اردوی چهار پوندی قورخانه و اسباب سنگین مریض خانهٔ اردوئی و آذوقهٔ لشکری		
جمع	۲۹	۹۴
جمع کل	۱۲۳	

۶ لالوار
کشتی آتشی متحمل از

	صاحب منصب	لشکر
ژاندارمری	۱	۲۰
دستهٔ توپخانهٔ یازدهم از رژیمان ششم توپخانه	۱	۲۴
مریضخانه	〃	۱۶
علیحده	〃	۴
صاحب منصب توپخانه	۹	۰
نظارت	۱	〃
صاحب منصب آذوقه و تحویلدار	۶	〃
صاحب منصب طب	۲	〃
نگهبان توپخانه و عملهٔ عمومی دو دستهٔ توپخانه یکی چهار پوندی و دیگری دوازده پوندی و قورخانه زیاد اسباب و مریض خانهٔ اردوئی و آذوقهٔ لشکری	۲	〃
جمع	۲۲	۶۴
جمع کل	۸۶	

۷ لو ریان کشتی آتشی محمّل از

	صاحب منصب	لشکر
عراده و صندوق بارکشی لشکری	۱	۳
عمله نظارت و آذوقه	〃	۳۹
عمله توپخانه یعنی قورخانه‌چی	〃	۷
مریضخانه لشکری	〃	۱۸
نظارت	۱	〃
صاحب منصب نظارت و طبابت	۱۹	〃
نگهبان و عمله عمومی	۲	〃
دو دسته توپخانه خانه‌دار چهارپوندی و دوازده پوندی و اسباب مختلف برای اقسام خدمات		
جمع	۲۳	۶۷
جمع کل	۹۰	

۸ قارون کشتی آتشی محمّل از

رژیمان یکصد و دوم از صف پیاده	۲۸	۶۸۴
سرهنگ دوم فراندشان از توپخانه	۱	〃
جمع	۲۹	۶۸۴
جمع کل	۷۱۳	

نهم دسامبر

۹ لمیز کشتی آتشی محمّل از

عمله توپخانه یعنی قورخانه‌چی	〃	۸
عمله نظارت	〃	۴۶
مریضخانه	〃	۱۲
صاحب منصب طبابت	۱۰	〃
صاحب منصب نظارت و آذوقه	۹	〃
عمله عمومی	۱	〃
یک قسمت از قورخانه و هشتاد و هشت صندوق بسته از اسباب توپخانه و قسمتی علاوه از ملبوس اردوی جنگی		
جمع	۲۰	۶۶
جمع کل	۸۶	

و بعضی از لشکر از سوار شدن از تولون که در کشتیهای مزبور جا نشده یا به بعضی جاها هنوز به بندر نرسیده بودند قرار شد که در سفاین لا سرین دکلیپر و دپر که جهت مریضخانه در دریای چین معیّن شده بودند لشکر مانده و نرسیده را نیز بتفصیل ذیل جا داده از عقب روانه شوند .

اول ماه ژانویه

۱۰ لا سرین دکلیپر کشتی که جهت یک دسته قورخانه محمّل از

	صاحب منصب	لشکر
دسته توپخانه هفتم از رژیمان هشتم توپخانه	۵	۲۲۳
دسته توپخانه چهارم از رژیمان دوازدهم توپخانه	۲	۴۷
دسته هفتم از باتایون اول رژیمان اول مهندس	۴	۱۳۸
عمله نظارت و آذوقه	〃	۲۷
ایضاً علیحده	〃	۳
حکیم	۱	〃
صاحب منصب نظارت و آذوقه	۲	〃
جمع	۱۴	۴۳۸
جمع کل	۴۵۲	

یازدهم ژانویه

۱۱ لو دپر کشتی محمّل از

پنج اسکادرون عراده و صندوق حمل و نقل لوازم لشکری . . .	۳	۱۰۹
دو دسته چخماق‌ساز و آهنگر	۱	۳۲
ژاندارم	۱	〃
از دوم رژیمان شاسور آفریق و تم رژیمان سپاهی . .	۱	۵۴
از یکصد و یکم رژیمان صف پیاده و آذوقه	۵	۴۵
نظارت مرکزی عمومی و مریضخانه	۲	۵۲
صاحب منصب اتاماژور	۳	〃
صاحب منصب مهندس	۱	〃
جمع	۱۷	۲۹۲
جمع کل	۳۰۹	

تنها باتالیون نوئم شاسور آپید (از اجزای لشکر مأمور بری بود) از بنادر آق دیکیر سوار شده از بندر برژ در چهاردهم ماه دسامبر ۱۸۵۹ عیسوی با کشتی آتشی دُرُون روانه گردید .

شماره باتالیون مزبوری و هفت صاحب‌منصب و هشتصد و هفتاد و شش نفر بود قوه پیاده بحری مرکب بود از پنجاه و شش صاحب‌منصب و هزار و ششصد نفر تا این که دو باتالیون از زرکان تیم بسته و محسوب شده در روی کشتیهای پرده‌داری لا فورت لا وانژانس و پرسوورانت و آن روماک از بنادر محیط روانه گشتند

قبل از آنکه کشتیهای بسفر بران دولت بزرگ و اقلیم وسیعی که مجوّز شدند در عوض تعقیب و نامردی شهیش نمایند و بخاطرش بیارند از مجبوریت بر معاهده و مصالحه‌ای که قدرش را ندانسته‌اند لشکر کوچک ما از موانع و خطرات کلی سیاحت گذشته و ماههای چند باین انتظار باشند لکن میرفتند با خاطرجمعی تمام و بی‌پروا از اطمینان از روشهای خود و اهتمام دولت خودشان .

تا مدت رسیدن مأمورین هر دو لشکر نیز سیاحت روانه شود و پس از آن بنای حمل و نقل از گذرگاه مصر گذاشته شد هر بواسطه دو خط کشتی که یکی از بندر مارسی باسکندریه روانه شده و دیگری از سوئز بدریای چین کاپیتن کشتی فیسک بر ترکیب سپاه و گذاشتن ایشان براه مأموریت آنها جنگ چین را به یکبار عقب شروع کرده به پیش بردند که امداد و عقبه که پشت سرهم روانه شده بود در موقع و وقت با فایده نتوانستند که بر سند و از اعمال جنگ زیاد قسمتی بگیرند .

در ترکیب سپاهی لشکر انگلیس

ترکیب نمودن سپاه انگلیس

در وقتی که لشکر فرانسه در تولون و سایر بنادر محیط بجهه چین سوار میشدند ترکیب نمودن لشکر مأمور انگلیس که قسمت کلّی آن سیاحت از مملکت هند کشیده شود در لوندره هنوز نهیده بود تنها در ماه آوریل بود که وزیر مختار انگلیس بوزیر امور دول خارجه فرانسه در این باب نوشت که باز تفصیل رژیمانها و قسمتهای مخصوص را نمیفهمانید لکن مختصراً فرماندهان بزرگ و جمع اقسام سپاه بتفصیل ذیل ملاحظه شده بود .

لیوتنان ژنرال سیر هوپ قران فرمانده کل لشکر مأمور انگلیس نامیده شده .

پیاده مرکب از دو دیویزیون شده است اوّلی در زیر حکم ماژور ژنرال سیر ژون میتشل و دویمی در زیر حکم ماژور ژنرال سیر روبر ناپیر .

چهار بریقاد دو دیویزیونها در زیر حکم سرهنگهائی که قدیم‌ترند هستند .

بریقادیه پاتل در سر قسمت بزرگی از لشکر سواره میباشد و بریقادیه ژنرال قروفتون فرمانده توپخانه است .

جمع ترکیب اقسام لشکر بواسطهٔ اسلحه و اصل از قرار تفصیل لوح ذیل است

	صاحب‌منصب	سرباز انگلیسی	سرباز هندی
سواره	۴۰	۴۰۰	۸۹۸
توپخانه	۲۵	۸۷۶	۱۶۰
مهندس	۶	۹۵	۱۶۰
پیاده	۲۸۳	۶۰۵۸	۳۶۱۲
جمع	۳۵۴	۷۴۲۹	۴۸۳۰
جمع کل		۱۲۶۱۳	

این لشکر از هند گرفته شده مع هم چنین لشکری که سیاحت از انگلیس بیاید خیلی زیادتر از لشکر باشد لکن ملاحظه که لورد کولی در این باب نمود لازم نه انستند حد شاحسابی که شد زیاده از ده هزار جمعیت میتوان شمارش نمود که در هنگام شروع کردن بر اعمال جنگ در زیر اسلحه باشند .

دبول فرمانده سواره از جانب دولت فرانسه مأمور بود که با لشکر انگلیس باشد و فولی سرهنگ انگلیس

بهمان حالت مأمور بود که در نزد ژنرال مونتوبان باشد

فصل دوّم

وزیر جنگ لازم دانست که ژنرال مونتوبان با اتاماژور خود و با رئیس خدمات گذرگاه سوئز را گرفته پیش از لشکر بدریای چین رسیده بر طرح و تدارکات جنگ پردازد .

روانه شدن ژنرال مونتوبان از بندر مارسیی ۱۲ ژان ویه

در دوازدهم ماه ژان ویه سنه ۱۸۶۰ عیسوی و سنه ۱۲۷۷ هجری ژنرال با صاحب منصبان خود از بندر مارسیی بر کشتی پوتر که از کومپانی اسپانیول و پورتقال بود سوار شده در چند روز باسکندریه رسانید و از آنجا روانه شده و از کر بسمت سوئز گذشته بجهة طی کردن بحر احمر بر کشتی نمسیس سوار شدند که این کشتی میبایست در اسرع خود را به بامبای برساند ایشان را بنقطه قال گذاشته بعد از چند ساعت توقف یک کشتی دیگر بر هونق کونق که مقصد اصلی بود در رفتند .

در بیست و ششم ماه فوریه در جزیره مزبور پیاده شدند که مدت سفر آنها از خاک فرانسه تا آنجا شش هفته طول کشیده بود .

فرمانده کل امین که پا بر خاک دولت مشهور و بزرگ چین گذاشت مشغول بانجام رسانیدن خدماتی که وی بکرانی آنها منحصر شده بود که دید در اینها نزد رسید خود کونت - امیرال(۱) پاژ فرمانده دو بزرگ کشتیهای جنگی در دریای چین از وی دیدن کرد پس از آن با امیرال هوپ که باهم بندرجه و مأموریت را بر کشتیهای جنگی انگلیس داشت بنای مراوده و رابطه را گذاشت

در بیست و هشتم از بابت سرکشی سربازخانه و سایر برقرارهای فرانسه رفت بر ماکائو و کانتون این شهر آخری از بابت پرستاری مریضخانه و مریض بسیار حبس و بد آب و هوا بنظرش آمد همچنین هونق کونق

(۱) دریابیگی از درجه سیم

نیز در این باب به تراز کانتون بود لهذا نگهداشتن مریض خانه را در ماکائو که پیش از این برقرار شده
بود لازم دانسته به لشکر بحری حکم داد که اجاره مکانهای خودشان را که نزدیک به اتمام وعده بود تجدید نمایند .

بعد از مراجعت از غیبت مختصر خود در سیم مارث فرمانده کل با امیرالبحر در یک
مجلس مخصوص گفت و شنود نمود در خصوص مطلب اول دستورالعمل خودشان در اشغال یک نقطه که مناسب اقامت
لشکر با آنجا جمع شوند .

باعتقاد دهم هونق کونق از محلی که بخصوص اعمال عمده جنگ مناسب در آنجا اتفاق بیفتد بسیار دور بود
و مناسبت یک نقطه مساعدی در نزدیکی سمت شمالی ملاحظه و قبول نمود کرد در آنجا انبارهای بحری را برقرار نموده از اهل
غضبه و آذوقه لشکر مرکز باشد .

امیرالبحر جزیره بزرگ شوسان را مشخص نمود که لنگرگاه آن پناهگاه خوبیست از جمیع بادهای مخالف
لکن ژنرال به این جزیره سهانقهای را ترجیح میداد از آنجهت شوسان بکلی در تصرف چینیها بود
که با آنجا حمله نشده گرچه بعد از اعلام جنگ و با یک قوه کافی حاصل آنکه برقرار شدن لشکر در سهانقهای
که نفر انگلیسها واگذار شده بدون مقاومت حاصل خواهد شد و نسبت به او ده دولت یکی هیچ تغییرات
و اشکالاتی روی نخواهد داد و معلوم نمود محسنات بندر و وافونق را که در مدخل وامپوا و
و دو فرسخی شهر واقع است که بجهت لنگرگاه سفاین بزرگ بکار می آید و اهم ممالک کیانق سو را در اطاعت
نگاه میداشت و چون شرایط حفظ صحت نیز در سهانقهای بهتر از شوسان بود بنقض اعتقاد
ژنرال مشترکشده اعلام نمود که بهیچ وجه راضی نخواهیم شد که حمله بر شوسان برده شود که نتیجه اش نامعلوم
و شاید عقبه بهوش حالت قشون منتهی به راه تنزل نماید .

این گفتگو با غیبت سر هوپ قران نمیتوانست بطول کشد و بسیار آن مکرر تجدید مکالمه و کنگاش
شد خواه نسبت باعتقاد و اصرار امیرالبحر و خواه نسبت به بعضی خیالات پولیتیک انگلیسها

مخصوصاً که میتوانستند احتمال بعضی ملاحظات در سر شوسان که در سنه ۱۸۴۰ عیسوی و سنه ۱۲۵۷ هجری
در دست آنها بود ببرند .

یک تفصیل سوال از امیرال تیم بحری میونتر که چند روز بجهت اطلاعات بآنجا فرستاده شده بود رسید و باعث
مباحثه و مجادله زیاد در این باب گردید این مرقیم بادلیل چنان مینمود که اهل جزیره خواهشمند هستند که لشکر بآنجا
رود چرا که حضور لشکر از برای آنها سرچشمه یک منفعت بزرگی خواهد شد و هم چنین آنها را از ریختن و آویختن و
قتل و غارت نمودن علی الدوام دزدها و غیره حمایت خواهند کرد اما در پهلوی سکنه جزیره بقدر دو هزار جمعیت لشکر
است که چهار صد نفر از آنها تاتار و هزار و ششصد نفر جزایری و این قشون را هر قدر که حقیر شمارند باز غافل
نمیتوان کرد که با نهصد یا ششصد نفر فرانسه و انگلیس از کانتون برداشته باعتقاد امیرال هوپ
باسانی آنجا را تخلیه میشود که سوال از این آیا صلاحیت تخلیه عنوان این شهر در صورتیکه احتمال میرود که در
اثنای عداوت با دولت چین جمیع ممالک کوانق تونق را میتواند بشورش باز دارد ؟

ژنرال مونتوبان خود را مجبور کرد که مطیع قول عامه باشد و از اعتقاد خود بر منفعت مبهم در
هم دستی و اتفاق دو دولت بگذرد لکن از ایستادگی که در بر مصلحت و منفعت این وضع و ملاحظه نه ایستاد آخر نتیجه
کنگاش این شد که بر شوسان توجه نخواهد شد مگر بعد از اقدام و اعلام جنگ .

رفتن فرمانده کل در سهانقهای ۱۲ مارث

فرمانده کل بعد از مشورت و مصلحت خود با امیرالبحر در پنجم ماه مارث در روی فوربین کشتی کوچک
جنگی آتشی روانه سهانقهای گشته در دوازدهم وارد شده و قسمتی از اتاماژور و رئیس خدمات که به
کانتون همراهی نبرده بود در آنجا پیدا کرد .

یکی از اعمال مخصوص این بود که لشکر فرستاده شده میبایست یک قسمتی از اسباب لازم خودشان را از چینیها بدست
آرند قبل از آنکه شروع بجنگ نمایند و باین واسطه بود که فرمانده کل با صاحب منصبان بزرگ از قشون سبقت گرفته
از بابت تخلیه و تدارکات حالت دو لشکر متفق بر خلاف یکدیگر بود و خاصه لشکر

انگلیس که تقریباً همه از هند برخواسته بود از برای حمل و نقل وغیره مهیا شده بودند بعلت مسافت کوتاه و نزدیکی که در هر صورت میتوانستند تدارک و مرمت کارهای جمیع مایحتاج را در مملکت خودشان نمایند قبل از آنکه روانه و داخل مملکت چین شوند و هم چنین برقراری و تسلط انگلیس در آنجا همه کارها را آسان مینمود و در ترتیب و تکمیل هیئات لشکری وغیره از برای ایشان اشکالی نداشت .

برخلاف این لشکر فرانسه سوانح کلی از یک سفر طولانی بحری در پیش داشتند که قبل از حرکت بقدر امکان سیاست متحمل شوند و هم چنین بر ملکی میرسیدند که دولت فرانسه به هیچ جز مالک نبود که از برای رفع آن بتواند بکار آید پس بنابر آن در آنجا بازو رسی و عقل ماخذی برای جمیع لوازم علی الاجاله عمالیت ایجاد کرد .

ژنرال بدون تحمل و مکث برتحصیل آن مشغول گشته رو بنای خدمات باخود رسیده از غیرت و حمیت باجرأت و دوام تمام شخصه عامل عمل شدند .

خلاصه مکان معهود میرسیدند اما زحمت زیاد بجهة جابجا نمودن خزینه و چادر و اسباب ادویه و آذوقه واردی آید کرایه مکان وغیره و اشکال پیدا نمودن مکان منزل و پناه قابل و مساعد فسخ عزم کرد برآنکه کارخانه و مرمت کاری و مایحتاج توپخانه را در سهانقهای بکار اندازند بلکه ژنرال نگاه داشت که آنها را بردوماغ تیشفو برده در آنجا بکار رواداد در ماه نوفمبر آماده کردن و جمع نمودن نی و حصیر و توبره خاک و ساختن و تمام کردن مرد با نها و جمع آوری چوب بجهة ساختن قایق حکم شد پس از آنکه اخبارات و اطلاعات از حوالی تحصنات پیهو رسید که بالطبع باتلاق و خالی از موانعات است لهذا جمع آوری تدارکات مزبوره که در موارد لازمه بسیار لازم و با منفعت بود .

اینکار دیگر عهده سرهنگ توپخانه گذاشته شد در صورتیکه فرمانده مهندس غایب بود چراکه لیوتنان کلونل دزولد - دیر بجهة یک کار در دست اهل کوشن شین گشته شده بود و جانشین وی لیوتنان کلونل لیویت در عوض وی بیرسید مگر خیلی دیر (در ۲۰ آوریل) -

باوجود دیگر متصل گفتگو در سر مایحتاج و جابجا شدن لشکر بود و فرمانده کل پس از رسیدن به سهانقهای فی الفور بر خیال خرید اسب افتاد .

چون حمل و نقل اسب ها از فرانسه موقوف عنقه قرار شده بود که هزار دویست راس اسب بجهة سواره و توپخانه و قورخانه لشکر مامور بر قیمت کم در دست به هم خریده شود .

از بدبختی در چین بسیار کم یافت میشد از بارحمت زیاد دمیستشمید تاجر که معروف مملکت بود بعد از تفحص و تجسس کلی با کپیتن دزمارکیه بقدر پنجاه راس اسب بواسطه همین توانسته بود بخرد خود انگلیسها باوجود رابطه و مراوده زیاد نتوانسته بودند که زیاده از دویست و شش اسب فراهم آورند و انگهی بعضی از آنها کوچکتر از الاغ متداول بود .

اهتمامات سخت بواسطه این اشکالات بطول انجامید اولا بجهة اطاعت احکامات وزیر جنگ یک جمعیتی از سوار خرید اسب معین کردید بارسیده مگر قبولی بانتزمان سرهنگ توپخانه در صورتیکه این خدمت مخصوصاً از برای حصول نتایج اعمال وی بود دمیستشمید تاجر حالت تجارت خود را در تنزل و خرابی دیده از پانزدهم ماه مارث بعد از این آمد که در این باب فهم سازی بکند مگر بدون غرض و ملاحظه وغیره که اسبها را از نظر قبول و تصدیق صاحب منصبان فرستاده بگذرانند قد اسبها که غالباً برای توپخانه بود کمتر از آن نباشد بر یک ذرع و چهل صدم ذرع مقرر شد و اشکال دیگر آنکه از کمیابی اسب در خاک چین مقصود امید حاصل نشد .

پس از آنکه کارها در ترتیب گشت ژنرال مصمم شد که از مملکت ژاپون اسب بخرد چراکه در این باب اطلاع و تحقیق حاصل کرده بودند که فراهم آوردن اسب از آنجا بدون اشکال است لهذا بر نظارت حکم شد که به آنجا رفته اسب آنچه که لازم است قسمت بزرگش را از مملکت مذکور بگیرد از کاپیتن کواول و مونتوبان سفارش نامه در این باب به بل لکور که از جانب فرانسه قونسل ژنرال و دربلیو حقیم بود از ماموریت فرستاده شد که بر حاصل نتیجه این مقصود اطمینان خوبی بدهد .

در این وقت جناب صاحب منصب نظارت بلوندو که جهة لوازمات آذوقه وغیره به هانیل طلبیده شده بود محکوم شد
که اگر ممکن است اسب بارکشی و عراده آنچه که بتوانند از آنجا بفرستند .
مأموریت است در ژاپون از برای خریدن و بیرون بردن از جانب آن دولت بر انگال بزرگ و دوچار
گشت بواسطه گلو و شکایت آنها از نایاب شدن اسب که سابقاً انگلیسها نیز برده بودند و از وقوع جنگ چین
در حالت تحیر و تغیر بودند بهر صورت اسپناک که تحت صاحب منصبان و حمایت قونسل ژنرال از ایشان در خصوص مشورت
خانه وزرا رفع بیرونقی آن دولت المقود بخصوص رفع قاعده آنها شد که بواسطه رسیدن یک کشتی جنگی کوچک برای اسب
کاناداوا .
که جهة ووشر نام در شانگهای از کاناداوا تحصیل کرده بود آنچه که در [illegible]
تاجر از نان قازاکی در جزیره کیوسیو بهت آورده بود تخمین هزار و صد راس اسب میشد که با اسب خریده
شده از چین و مانیل اسب لازمه لشکر انگلیس تمام بود .
رسیدن اسبهای ژاپون از اول ماه مه شروع کرده تا آخر ماه ثبت برابر جمع میشدند و اسبهای آخری بحالت
به تشفو بیاورند وقتی که لشکر مأمور اردوی خود را در آنجا زده بود .
قیمت هر یک اسب روی هم رفته از قرار دویست و ده فرانک شده بود لکن از برای حمل و نقل وغیره بهر راس دویست
چهل فرانک نیز علاوه شد .
فقره مسئله که اولا باعث پرتلاش فرمانده کل شده و ثانیا عمده تدارک جنگ بسته بر آن بود حل گشته بانجام رسید
بجهة تکمیل اندازه و درجات کار و تدارکات که در شانگهای از برای لشکر کشی درکار بود
علاوه از آن بنا بر تقلید عادت مملکت و حلیت وقت و منفعت ژنرال حکم کرد که از برای امداد لشکر بترتیب و ترکیب
چین کوشیده در وهله اول بقدر هزار نفر کواولی از کانتون آوردند که تحمل کارهای لشکر خود در زیر بار [illegible]
چین که با اهل اروپا نحس بود بواسطه کواولیها تخفیف یابد .

این جمعیت تازه به پنج قسمت منقسم گردید که هر دسته مرکب باشد از دویست نفر در زیر حکم یک نایب و فرمانده
کل آنها بر دوبو نایب کشتی سپرده شده و از برای مخارج خزینه سپرده رئیس خدمات نظارت بود
همه این مشغله ها در تدارک و ترتیب لشکر فرمانده کل را مانع نمیشد که در خیال و طراحی نقشه جنگ
نباشد و خود را آماده بر آن نماید بواسطه امداد تبعه و مریدهای لالازدییت و پیژدوییت (۱)
که بجهة بردن احکامات و اطلاعات و رسانیدن اخبارات لازمه و مخفی از اهل مملکت وغیره اعلام گشته و بانجا آمده بودند
یک کاغذی از دو نفر چینی عیسوی مذهب به موولی خلیفه اول در پیتشلی فرستاده از احوالات تحصنات
پیهو و از عدد ساخلو استحکامات مذبور پرسیده جویا گشت اگر چه جوابی که موی الیه در رسید اما اطلاعات مفصل
باوقت و با منفعت بخصوص تفصیل احوالات ارکان دولت و ایالات پکن که باعتقاد و طریق به بر مدافعه و نگهبانی
خود عادت داشتند حاصل گشت که پیش از وقت بر تدارک و تهیه صبری اقدام میکنند و معتقد هستند که بعد از آنکه
که یک وهمی اوی دهد دلگیری و شکستگی از یک فتح و ظفر بزرگ را ببینند آنوقت بجای استعداد می افتند .
از آنطرف امیرال هم پروتد بجهة شناسائی دماغه تیشفو فرستاده شده بود جائیکه ژنرال خیال
داشت که ترتیب و ترکیب آخری لشکر خود را باتمام رساند و یک نقطه از برای پیاده شدن لشکر در سمت جنوبی
پیهو پیدا نماید .
طرح حمله بر تحصنات به که مدخل این رودخانه را مدافعه میکرد یک خیال و اعتقاد مختلف بر ژنرالهای متحد ممنود اعتقاد
سر هوپ گرانت این بود که در حوالی پیهتانق - هو از سمت شمال پیاده شده
دشمنان آن رو بر تحصنات رود چپ یورش برد ژنرال مونتوبان ایراد گرفت که تحصنات شمالی بر جنوبی
مرکوب هستند پس غلبه اولی دومی را بتخلیه مجبور میکند لهذا یک حمله جدید نیز لازم خواهد شد .
راپورت و اطلاعات امیرال پروتد اگرچه درست نبود و بعد از یک اطلاعات آخری نتیجه بر عکس شد
لاکن علی الاجاله ثابت کرد که آسانی پیاده شدن را در سمت جنوب و رود درست پیهو فرمانده کل عزیمت کرد

(۱) دو فرقه از عیسویها که بجهة انتشار مذهب به چین و دعوت مردم بمذهب تکلیف

که اعتقاد خود را در صورت و مصلحتیکه از برای مباحثه در پیش بود موازنه نماید .

لاکن وقت نزدیک و مقتضی آن شده بود که وضع متحدین در مقابل دولت چین تغیر حالت نماید .

تکلیف آخری به ایالت پکین

در هشتم ماه مارت وزرای فرانسه و انگلیس مسیو د بوربولون و بروس بر دولت و ایالت پکین یک اعلام نامهٔ آخری نوشت که از وقوع حکایات با شکایت دو واقعه با خدعه و تقلب که در ماه ژوئن ۱۸۵۹ عیسوی و سنه ۱۲۷۶ هجری در مدخل پیهو اتفاق افتاده بود باید که ترضیه بدهد

و این نوشته رسمی بیان میکرد که هرگاه بر رضامندیهای علیحده تا با قضای تکالیف طالب و مایل نشوند این طفره از التیام مثل سابق در میان دو دولت شریک و دولت چین باعث جنگ و نقار خواهد شد

بعد از آن تاریخ شهرت مصالحه در همه جای مختلف مجدد گشت لاکن تدارکات زیاد از برای مدافعه که در پیهو پشت سر هم دیده میشد بر دروغی اخبارات مزبوره بقدر معتقد و شهادت میداد و بالاخره در هشتم ماه آوریل جواب صریح طفره زدن از دولت و ایالت پکین رسید علت خاطر جمعی تام و اطمینانیکه از جمع آوری لشکر کلی بر مدخل رودخانه داشت .

حال بغض و عداوت نمودن گرفت اگرچه از برای ژنرال مونتوبان یک قدری زود بود بواسطه آنکه هنوز هیچ جزئی از لشکر خود نداشت مایه خوشنودی لشکر انگلیس گردید که بعضی از آن به هونگ کونگ جمع شده بودند و خیال میکردند که در اوایل ماه مه مامورین انگلیس بکلی جمع و حاضر خواهند شد و حال آنکه کشتی اولی فرانسه باینهم نمیتوانست اگر بهار بیاید به چین برسد

خیلی وقت بود که متحدین ما در ابتدای جنگ آرزوی تعجیل و پیش افتادن را داشتند و رئیس لشکر ما که ملاحظه و صلح را در جمیع شقوق از دست نمیداد و بر آن بود که بر هیچ عمل لشکری اقدام نخواهد نمود مگر با اتفاق و همراهی یکدیگر از هر دو لشکر و خیال کرده بود که انگلیسها میخواهند در این مورد بهر نحوی که ممکن باشد برخلقت فرانسه ها را کم نمایند و برتری و بهتری خودشان را که بواسطه تجارت و نمایش کشتیها در این ممالک پیدا نموده بودند از دست ندهند .

جواب دولت چین کارگزاری سفارت و مصلحت گذاری دیپلوماتی را آویخته و مهمل گذاشته مسیو د بوربولون انجام کارها را که متعلق به لشکر شده بود کلیتاً بعهده فرمانده کل گذاشت .

سر هوپ گران در ششم ماه به شانگهای رسیده در چهاردهم یک مجلس شورا بجهت تعیین نقاط لازمه و تحقیق خیالات متفاوته از برای اعمال جنگ منعقد گشت که اهل ملاحظه و مباحثه مشتمل بود از ژنرالهای متحده و امیرالهای سیوم پاژ و ژوفن که آخری جانشین امیرال هوپ بود که در هونگ کونگ مانده بود و هم چنین وزرای سفارت هر دو دولت بودند .

حاصل مطلب اولی تعیین نقطه و مکانی شد که اسلحه و اسباب اعمال جنگ باینجا جمع گشته جای مزبور مرکز واقع شود

وزرای انگلیس پیش از وقت در دستورالعمل فرماندهان خود مخصوصاً نوشته بودند که از یانگ - تسی - کیانگ گرفته تا خلیج پتشلی ولیه اتونگ غرض از فرستادن آذوقه کرده و کشتیرانی را بکلی بر هر کس موقوف دارند برخلاف آنها ژنرال مونتوبان در خصوص هیچ دستورالعمل نداشت و میتوانست با آزادی در گفتگو آنچه بعقلش میرسید گفته و تصدیق خود امیرال پاژ و مسیو د بوربولون را بنماید از این گذشته این اندازه نهایت خطر را از برای اطمینان مردم و منفعت تجارت فرنگستان داشتند و وزیر مختار انگلیس نیز در این باب شرحی به دولت نوشته و فرستاده بود و هم چنین در

حاصل کار مزبور بیکار و معطل گذاشتن بود زیرا که از صد هزار چینی در داخلهٔ مملکت که آنها در همه جا باعث بر تزلزل و مهمل حکم و نظم که مجوز شده محکم بدارند میشدند از آن طرف مقصود از غرض آمده شده و آذوقه این بود که راه بروت بسته گشته استیصال حاصل شود و حال آنکه پیش از وقت محصول و آذوقه شمالی را بکلی جمع کرده به پکن فرستاده بودند .

این ملاحظات و عقاید کلی اهل مجلس را منفعل کرده باوجود حکم مخصوص انگلیسها در عمل مزبور مقرر شد که در هیچ مقام جنگ و نقار تکلیف شاق و زحمت نسبت بجمعیت و رعیت ولایت نشود .

توجه شنژان باید اولین کار حمله باشد چنانکه سابقاً پیش بینی شده بود و حالت جدید مانع بر تکمیل آن نمیشد پس انتظار دیگر نمانده مگر در چگونگی و وضع و تاریخ اعمال بر شروع جنگ .

انگلیسها در هونق - کونق یک قوهٔ مستعد از سپاهی لشکرکش آماده نموده بودند و وزیر ایشان مسیو پوبس میدانست که بزودی لورد الژین بجای او خواهد آمد در شروع جنگ مطلع نبود مگر رسیدن کشتی آتشه که حمایت تکلیف دولت او را معین نماید پس هیچ تعطیل نمایان از متحدین بروز نمیکرد بلکه برعکس تعجیل زیاد در شروع کردن جنگ استنباط میشد .

برعکس آن استعدادی از برای خود ژنرال مونتوبان نبود چرا که کشتیهای اولی هنوز زیاد از سرعت راه دور بودند باوجود این خواست که بر انگلیسها عزیمت خوب خود را مدلل کند و خود را از اعمال جنگ مشترک سوا نکند لهذا مقصد نمود که از کانتون دو دسته سرباز بحری که مرکب از دویست نفر باشند بیاورد و در عمل شنژان مشغول نماید .

این دستها بود میبایست برگردانده شوند بر سر بازخانهٔ خودشان چرا که ضعیف شدن عقبه در کانتون مصلحت نبود لهذا در هشتم ماه مه با دو دستهٔ دیگر که از فرانس رسیده بودند در شنژان عوض شدند .

لشکرکشی شنژان
بیستم آوریل

بنابر خواهش فرمانده کل این مهلت که از برای تعیین حیات خودشان لازم بود قرار لشکرکشی شنژان را بر بیست و یکم آوریل گذاشتند و جزیرهٔ کسانتنق در وعدهٔ معهود از برای جمع شدن دو لشکر تعیین شد امیرال سیم پاژ مأمور بر انجام این جنگ گردید و در بیستم بلنگرگاه مزبور رسید در سر کشتیهایی که مرکب بود از دشانیلد کشتی امیرال و دو و قهای توپخانه لاوالانس و آلادرم و سایقون با دویست نفر سرباز بحری در زیر حکم سرهنگ دوم پالیر از همان لشکر ژنرال انگلیس سیر هوپ قران و امیرال سیم ژون در لنگرگاه انتظار لشکری را میکشیدند که میبایست از هونق - کونق برسد که در عصر همان روز رسیده شدند با لشکری زیاده از دو هزار نفر مرکب از دو رژیمان شصت و هفتم و نود و نهم و از دویست بخا

نفر بحری و از یکدسته توپخانه و از چند نفر تبردار و از ملاحان کشتیها .

در صبح روز بیست و یکم دو دو بزیون رو به شنژان بزرگ روانه گشته و کشتیهای کم فرانسه نیز در جلو آنها حرکت میکردند و از پیش روی تحصنات که لنگرگاه شهر تینق - های را که پای تخت جزیره است مدافعه میکردند گذشته بدون ساخلو و اسلحه یافتند .

پس از آن کشتیها را بسته و ایستاده فرماندهان دو لشکر متفق از صاحب منصبان بری و بحری فرستادند که حکام دولت چینی را مجبور بر رد و واگذار نمودن جزیره کنند این شرط بدون مقابله و مدافعه قبول گشته دو نفر ماندرین(۱) لشکری در عقب با تجمل تمام اطاعت خودشان را بر کنار کشتی سیر هوپ قران بردند .

جمیع تکالیف نسبت بر تسخیر از جانب فرمانده انگلیس و فرانسه با یک رفتار خوب مقرر شده با تمام رسید و قبل از یک اعتشار نامه بجهت اطمینان و دلگرمی سکنه پیش از وقت با اهتمام سفارت انگلیس در سیهاتقهای مرقوم شده بود امیرال سیم پاژ که از آن هیچ اطلاع نداشت قبل از سفر وو او نونق خیال میکرد که در آنجا قوت لشکر متحد را مخصوصاً بجهت بعضی منافع و مصلحت یکقدری زیادتر بجلوه دهد در این خصوص ملاحظه نکرده ژنرال قران بدون اشکال تصدیق کرد و اعتشارنامه اصلاح شد و بنابر خیال ژنرال مونتوبان مقرر کرد که در قسمت زمین آنچه که بجهت برقرار کردن مأموریت لشکری شامل است باید مساوی باشد بدون اینکه تفاوت عدد دو لشکر را ملاحظه نمایند .

در عصر همان بیست و یکم لشکر فرانسه بر تحصنات ژوست - هیل و گذرگاههای شمال شرقی تینق های و لشکر متحد بر سر بازخانهٔ قدیم انگلیسها که در کنار دریا و گذرگاه لنگرگاه واقع بود مالک شدند ناخوشی که ده یک رژیمان انگلیس کامرونین را در سنه ۱۸۴۰ عیسوی که در دخمهٔ شهر اردو داشته اند تلف کرده بود و بملاحظه خطر که شاید بواسطهٔ محصور ماندن لشکر رو بدهد جای اردو را در خارج حصار منتخب و معین نمودند .

(۱) اهل منصب و حکام ملت چینی

مطالب اصلی احکامات که در میان فرماندهان کل لشکر فرانسه و انگلیس و ماندارین ها گذشته بود این تفصیلات

۱ مجبوریت بود که واگذار نمودن است حکمرانی جزیره و شهر را بر عهدهٔ متحدین در زیر بیرق مشترک و تحویل کردن است اسلحه و قراول خانه‌ها و حکومت آن .

۲ مرخص کردن است همهٔ لشکر چین را که آزادی بیرون روند خواه نفر به نفر و خواه بحالت اجتماع .

۳ ماموریت چهار سر رشته دار است که دو نفر از جانب فرانسه و دو نفر از جانب انگلیس متعهد بر اینکه ثبت و سر رشتهٔ جزء و کل جمیع قراردادی و معتادی جزیره را از مالیات و گمرک و غیره بدارند .

۴ ماندارین های رعیتی در شغل خودشان برقرار هستند خواه بر حسب دیوانخانه و خواه بر حسب قضاوت خواه بر حسب وزارت و نظارت و خواه بر حسب جمع آوری مالیات و غیره در زیر اطاعت هر کس سر رشته دار ها که آنها خودشان نیز در زیر حمایت فرماندهان کل هر دو لشکر هستند .

۵ بودن نظم و آسودگی در شهر و جزیره است بواسطهٔ لشکر متحده و استمداد مستحفظین که از اهل خود شهر و جزیره گرفته میشود

سرهنگ دوئیم مارتینی دِ پالیر مثل فرمانده نظامی فرانسه معین گشته و مسیو دُ مِری تَن وابستهٔ سفارت فرانسه سر رشته دار نامیده شده .

بریقادیه داآو فرمانده بزرگ انگلیس منتخب گشته سر رشته دارش جانشین قونسول در نینغ پو مترجم قدیم ویک سلطان نامیده شده .

بعد از ضعف و بی اختیاری ماندارین ها تصرف آن ملک بواسطهٔ جابجا شدن لشکر محدود و مضبوط گشت ژنرال سیر هوپ قران زیاده از بیست و چهار ساعت در جزیره نمانده بعد از یادداشت کردن آنچه که علاجاً در آنجا لازم بود روانهٔ هونق - کونق گردید .

از فردای آن روز توجه بر اجرای ضمانت و اعمال مزبور که بدون ممانعت و اشکال برقرار شده از طرفین صاحب منصبان مأمور مزبور در یکی اشتراکت در یک دیوانخانه بر جمیع ضوابط خود با حکومت رعیتی و ملی چینی هدایت نموده

روزنامه یومیه را سالی مطالب نافع و لازم بر فرماندهان کل میدادند پولیس (۱) که در زیر حکم آنها بود نتیجهٔ کامل بر امنیت و آسودگی بخشید سکنه و اهل آنجا کلاً از اینگونه محابت و سرپرستی خوشنود و راضی شده و جاگیر شدن لشکر آنجا که مقدور بود با بهترین شرایط زندگی و گذران بر همه شامل بود .

کوشش این نظم و ترتیب کامل با امداد سرهنگ دوئیم دِ پالیر باعث خوشبختی و سربلندی امیرال پاژ شد چنانکه رضامندی فرمانده کل بعد از سرکشی و واری شنژان در هشتم ماه مِه شاهد خدمات آنها گشت او معتقد و مصدق شد بر اینکه شرایط تملک و تصرف بطوری ملاحظه و منعقد شده

که برای گذاشتن هر گونه عقبه و نتیجه بر دولت فرانسه مملکت یک روزی که مطلب در سر داشتن و برقراری ماموریت و تجارت دائمی در جزیره بمیان آمده باعث گفتگو خواهد شد .

کاپیتن دابری از رژیمان پنجاه و یکم از صف پیاده که بهمراهی ژنرال آمده بود بر اجودانی مسیو دُ مِریتَن مأمور شد اما در یازدهم ماه مِه پس از رفتن او بمحل ماموریت خود بر سپاهیان دابری شهامت و مواظبت در دوام و عاقلی زیاد بروز داده و بواسطهٔ امدادی که بفرمانده نظامی از تعاقب و اضمحلال طوایف راه زن و کشتی شکن بجلوه داد مستوجب تحسین و تهنیت گردید .

در اوایل ماه آوریل وقتی که ژنرال مونتوبان مستعد لشکرکشی شنژان میشد بواسطهٔ اخبار چیپری از جانب وزیر جنگ واقف بر آن شد که امپراطور اکرم جمیع رتق و فتق اعمال را بر عهدهٔ او گذاشته و لقب فرماندهی کل لشکر مأمور را باو داده است اما امیرال شارنِه را نیز در دریای چین بفرماندهی کل قوهٔ بحری نامیده است .

که رفتن ژنرال مونتوبان لقب فرماندهی کل لشکر امپراطوری

با این شرط و درجه امیرال شارنه مثل امیرال اسیم پاژ زیردست نبود بلکه شریک بود و اگر قوهٔ بحری هر روز لازم میشد بطور خواهش و التماس میبایست طلبید نه بطور حکم .

این اتفاق جدید بر اعتبار و اعتماد ژنرال فی الجمله کاست ما در چون خیال میکرد که کاهش وقوع تکدر در میان دو فرمانده

(۱) ماموریت بر نظم و ترتیب یک شهر یا مملکت

ممکن شود و یکانگی و اتحاد و یکی حکم و فرمان که از لوازم روش جنگ چه قدر لازم و واجب است از میان برداشته شود

در باطن مصمم بود که با امیرال بطور خوبی کنار آید و خیال میکرد که شاید امیرال نیز همین
متردد بود که
حسن نیت را داشته باشد اما اگر در صورتیکه بواسطه یک حادثه حکمرانی عهده فرمانده ثانی گذاشته شود درجه ژنرال
دامن در مقابل یک درجه و پایه که بالاتر است که عبارت از درجه فرمانده لشکر بحری باشد آیا کفایت خواهد کرد که بدون
تصرف و مداخله در شهر حکمرانی نماید یا نه .

گمان میکرد که اسباب بحری در جاهای مختلف متفرق اندکی الجمله صرف شود در صورتیکه احتمال کلی میرفت که مجال یک جنگ
بحری هیچ نباشد که کاماموریت قسمتی از قوه بحری مجبور شوند و عمل عمله کشتیها در حمل و نقل لشکر و لوازم وی منظری آمد و در
وقتی که میبایست مجرای رودخانه را گرفته بالا بروند که در حقیقت راه عبور و ما یحتاج لشکر بود راهنمای کشتیهای کوچک
میبایست بکلی در عهده فرمانده کل باشد .

این بود همه سهاییکه عموماً عقل بعضی و مخصوصاً خود ژنرال ملاحظه و خیال میکرد لاکن دقت و موشکافی وزیر جنگ از نوش
بخشی همه اینها را سنجیده و اعلام کرده بوده است که در حکمرانی و توانائی اسلحه هر دو لشکر بری و بحری چنانکه سابق معین
شده فرمانده کل مختار و برقرار است و خود فرمانده بحری بنا بر منفعت کلی از جمیع خیالات عمومی خارجی و اغراض شخصی
چشم پوشیده اطاعت حکم ژنرال دامن را نیز قبول کرده بوده است .

خلاصه از دستورالعملهای عملها و مفصل تعهدات و تفصیل خدمات از روی قرار و مدار مزبور مقرر و معین شده بود .

امیرال شارنر در نوزدهم ماه آوریل به سهانقهای رسیده فی الفور
کار خود را بدست گرفت و در لنگرگاه ووازونق در کشتی دیونمد متمکن و برقرار گردید
بهترین شراکت و یکانگی در میان دو فرمانده هر دو لشکر ربط گرفت و اگر در اعمال طرح جنگ در تصدیق لفظی از مطالب
مخصوص آن چند دفعه سبقت و تفوق از هم دیگر جستند رسم و آداب مشورت و تعهد و قول مشارکت در عمل همیشه
ملاحظت میکرد که مورد مذمت و ملامت نشوند .

تخمیناً در وقتیکه امیرال ثانی شارنر بحکمرانی خود متصرف شد از جانب دولت فرانس و انگلیس
بارون قرو و لورد الژین سابقاً در چین مباشر عهدنامه سنه ۱۸۵۸ مسیحی و
سنه ۱۲۷۵ هجری بودند از جانب هر دو دولت وکیل در پس سفارت گشته برای معمول داشتن آن عهدنامه
و تحصیل ترضیه اهل چین در عوض جفائی که در مدخل پیهو کرده بودند مامور شدند .

از ماموریت این اشخاص حالت لشکرکشی تغییری یافت و کیفیت آن بر عمل سفارتی نزدیک تر شد تا
بر عمل جنگی دستورالعملهای تازه که در این باب به سفرا نوشته و تاکید شده بود سخت گیری در فقرات نسبت
بر تعهدات بود بجهت اینکه دولت پکن مجبور شود که شرایط متعهده خودشان را با ظهار بینده برملا کند
لهذا هر دو دولت خوب فهمیده بودند که اعمال فرماندهان میباید در منظور خود وزرای سفارت باشد که اگر در مجدد ورود آنها
جنگ را شروع کرده یا بند بر متارکه و یا نگهداری ایشان ماذون هستند که لااقل این متارکه و نگهداری باعتقاد فرماندهان
علی الاجاله بدون هیچ جنگ و نقار نباشد و حضور لشکر بهیچ وجه بهدر نرود و اگر حالت را بر عکس ببینند ترس و یا تکلیف
در سر انواع مخارج لشکری بر چینیها اعلام خواهد گشت که در این باب برآورد و تصدیق آنها بر عهده فرماندهان است
باری تکلیف هر یک از سفارت و لشکر معین گشته اتحاد این دو دولت
برقرار گشت و معاهده بر آن شد که وقتی که دولت چین را با زور لشکر مجبور خواهند کرد که وزرای سفارت دو دولت
را در پکن ملاقات نمایند فرماندهان آنها را در همان پای تخت دولت چین همراهی و موافقت کرده بعد از
اطمینان از اتمام کار عزت و مفاخرت نتیجه آنرا با ایشان قسمت خواهند نمود .

اخبارات مرقومه از جانب سفرا بر ژنرال مونتوبان نرسیده بود که در روز آخر ماه مید که در آنها توقف از
وزیر جنگ کاغذی در باب دستورالعملهای داده شده بر بارون قرو و تعلق و تلاشهای خود که در
اتفاقیه جدیده بواسطه نامیده شدن یک فرمانده کل بر لشکر بحری کرده بود رسید بخصوص در سر تغییر پولیتک
دول متحده که در خیال و عقل خود در حسن حالت و تکالیف و اتحاد و کوشش در حق وطن و تقویت قول ارفاز

کرده بود و او خیال میکرد که همین که مشغلهٔ شنزان تمام شد و تدارک لشکرکشی شمالی بکلی آماده گشت
سفرا همهٔ اعمال را بعهدهٔ جنگی خواهند گذاشت .

لهذا فرمانده کل با تعجیل تمام انتظار رسیدن کشتیهائی را میکشید که متحمل لشکر و تدارکات جنگ بودند این مدت
و مهمات بطوری سر دست و روبراه بود که بعد از جمع شدن کشتیها بجهة داخل شدن بر جنگ نگرانی و نقصان
نبود لکن رسیدن کشتیهای ژاپون و جابجا و درست کردن اسباب توپخانه نسبت باندازه وقت آنها

اولین خبر از کشتیها

در اواخر ماه آوریل یک کاغذی مورخه در سنقاپور از ژنرال ژامن
با کشتی آنترپریان جزو لی سفاین را آورد که جمیع غرابهای جنگی سوای ژدا و لیزر که
هنوز نمودار نشده بوده اند از بیست و سیم ماه ژان ویه تا پانزدهم ماه فوریه بر بندر
کاپ د بون - اسپرانس رسیده بعد از پانزده روز توقف رو بجزیرهٔ سنقاپور
حرکت کرده آنهائیکه سوای از لشکر بحری بار دیگر جدا شده اند از کاپ مزبور با خط مستقیم رو به هونق -
کونق رانده اند در اول ماه مه آنترپریان و قارون تخمیناً با هزار و هفتصد نفر از
رژیمان یکصد و یکم و یکصد و دویم صف پیاده داخل لنگرگاه ووازونق شده اند .

این لشکر با وجود مساعدت دریا بر کشتی رانی ناخوش و بد حال بوده این بود دیگر از ماندن زیاد در روی دریا
پس لازم و نافع بود که ایشان را هر قدر ممکن است بزودی پیاده نمایند لکن ساحل آن حوالی که با زحمت و دقت
ملاحظه شده بود نسبت به صحت مزاج مساعدت نمینمود و متعهد نمیگشت که تا تیقن بقدر کفاف لشکر نزول نماید

همچنین ژنرال مونتوبان مصمم بود در تصرف و تسخیر دماغهٔ تشغو که بواسطهٔ
امیرال پرودنه شناخته شده و آن نقطه بجهة جمع شدن لشکر و تدارک و ترتیب آخری منتخب شده
بود قبل از آنکه بر جنگ پیهو اقدام نمایند سابقاً حکم حرکت بر دهم ماه مه داده شده بود وقتیکه مسیو
بروس وزیر انگلیس ملاحظه نمود که تسخیر شنزان که حقیقتاً بنا بر خواهش فرمانده فرانسه بتأخیر

افتاده لااقل بیرقهای متحدین بتوانند در این وقت در روی دیوارهای تینق های محکم نصب شوند و آن
در حقیقت راست بود بنا بر ملاحظهٔ اصلی که باید هر دو لشکر با خط متوازی رو بشمال حرکت کنند .

ژنرال بر این ملاحظات معترف شده بر فرمانده لشکر انگلیس نوشت و خواهش کرد از اینکه وی را از خیال
و مقصد خود شان مستحضر سازند و برنامهٔ خود نیز ملحق نمود نسخهٔ صحیح اطلاعاتیکه در خلیج پتشلی منظور بود .

حین رسیدن جواب طول کشید سرهنگ دویم پیشمیتز در شانزدهم ماه مه از برای اطلاع و فهم و اتمام [?] آن
به هونق - کونق فرستاده شد و او نتایج کامل حاصل کرد از جواب ژنرال و امیرال انگلیس که خود شان را بسیار متأثر
از این رفتار و یگانگی مینمودند در یک مشاوره که در بیستم ماه مزبور با ایشان کرد حاصل و نتایج مختصرهٔ ذیل مشروط و مقبول گردید .

= فرمانده کل لشکر فرانسه میتواند بر تشغو مشغول شود بهر طور و هر وقت که بخواهد
= لشکر انگلیس از گرفتن تشغو گذشته از دهم تا پانزدهم ماه ژوئن در سمت شمالی بر تالیان - هوان
جمع خواهد شد در نقطهٔ عرضی لعااو - توانق که تقریباً هشت فرسخ آنطرف خلیج واقع است

این حاصل و نتیجهٔ همهٔ اشکالات را بر داشته جابجا شدن و منزل نمودن را بکلی باختیار ما
فرو گذاشت چنانکه لشکر و آلات جنگ ما میتوانست باختیار و وسعت در یک مملکتی که مایحتاج فراوان بود جاگیر و برقرار شود
هرگاه بر خلاف آن متحدین ما بر یکی بودن هر دو لشکر ابرام میکردند چنانکه خیال اصلی ایشان اول بر او مقرر بود مسافت خشکی
و تری ناقص بود .

سرهنگ دویم پیشمیتز تعجیل در نوشتن بفرمانده کل کرد که تکلیف او را از حاصل نتایج ماموریت خود آگاهی دهد
لکن قبل از آنکه خود را در سهامپتونهای [?] بوی برساند در سر راه هشتاد [?] از صخرهٔ شمالی هونق - کونق
در بندر آموی خود را نگاه داشت چرا که کشتی لیزر غرق شده .

در هفدهم ماه مه این کشتی در هنگام عبور دریا بر سنگ خورد در وقتیکه فرمانده وی بر کشیدن چرخ حکم داده بود که در
لنگرگاه لنگر اندازد با وجود کمی و مواظبت [?] حرکتش بطوری بر سنگ و ظن دوید که ظرفه از اطاعت سکان و زنجیر زده در وقتیکه محوا [?] شد

بسمت دیگر گردانند آب بر انبارهای تحتانی غلبه کرده عنقریب یقین شد که از کشتی چشم بپوشید نیست لهذا تعجیل در خلاصی
مسافرین لشکر و اسباب و اسلحهٔ ایشان کردند که در روی ساآوُن و دو کشتی تجارتی سه دکلهٔ انگلیس که
بجهت همان اتفاق حاضر شده بود بخلاصی و حیات تازه پیدا کردند .

اسباب خلاصی بار و غیره بزودی مهیا گشت اما با شرایط و حالت صعب کشتی در روی سنگ سوار شده عقبش بکلی
زیر آب و جلویش تنها روی سنگ بود و موج آب در تنه و تلاطم تا روی پل فوری رسیده بر کار کردن مانع میشد .
اشیاء کلی تلف و از کار و مصرف در افتاد اما با وجود تعفینه (?) و موانع جمیع اسباب سنگین کشتی بیرون کشیده شد .

فرمانده اِتا ماژُوُد این تفصیل و واقعه را با یک جِد و جهد و براه خود که پس از آن مستوجب رضا
مندی ژنرال شد مکرر بر کشتی مخصوص خود اسباب توپخانه را که بشدت انتظار رسیدنش را میکشیدند بار کرده فی الفور
روانهٔ سِهانفهای میکرد که شکست کشتی لعوزد (?) کا اهت باعث تأخیر کار جنگ نبود .

و لکن عدد کشتیهای فرانسه روز بروز در آب ووُاوُدُنق علاوه میشد که در آخر ماه علاوه
از آنتریِرنان و قارُون کشتیهای مفصلهٔ ذیل حاضر بودند .

" دریاد (که ژنرال کولینو سوارش بود)	
رُون	رسیده در ۱۹
کالوادُو	
" فورت	رسیده در ۲۱
" وانژانس	رسیده در ۲۳
ژُرا	رسیده در ۲۵
رَن	
و ساآون (باشخاص یک قسمتی از اسباب لیزِر)	رسیده در ۲۸

برسبک جدید کشتی سازی در شهر تولون تشکر و تهنیت باید کرد که جمیع اشکالات دمی طره را از سفاین دفع نموده
دایم چنین بر توقف که سابق هنگام ذکر شد باید شکر نمود که کشتی رانی با بهترین شرایط با تمام رسید اولا آنکه از هیچ بابت سهل انگاری
و فرو گذار نشده بود که بواسطهٔ سفر دریا با آن دوری و درازی ذهن و خاطر لشکر خستگی خفه و پژمرده شود گردش نظامی در روی
خود سفاین در کار بود و استعمال اقسام بازیها و مشغولیت از پیش ملی و زیر جنگ از سطح آنها محکم و آماده شده بود مجالس عیش
و رقص و محافل طرب و ساززننده و نوازنده در اوقات معینه و موزیکهای رژیمانی و مجالس تماشاخانه با گرمی حکایات بشاش
و مضحک که از سربازان مشهور است همهٔ اینها در کمال خوش بختی و خوش وقتی بشاشت و خورسندی فرانسوی را نیست براهم
از حالت غمناک دریا نگاه میداشت اول محبت مزاج لشکری بواسطه محرقه و مطبقه و پرپره و آبله تا برسیدن کاپ مغشوش
بود لکن توقف آنجا علامت همهٔ ناخوشیهای مزبور را عموما نابود نمود من جمیع الجهات سی و سه نفر (۱) تنها از دریا تلف شد .

در کشتی آنتریِرنان	....	۱۰ نفر
در کشتی رَن	....	۸ نفر
در کشتی وانژانس	....	۵
در کشتی کالوادُو	....	۳
در کشتی دریاد	....	۳
در کشتی ژُرا	....	۱
در کشتی فورت	....	۳
جمع	....	۳۳

این کشتی آخری از بی اهتمامی جلو در مدخل رودخانهٔ سهانفهای بر خاک نشست از این سانحه ضرر دیگر وارد
نشد مگر اینکه آنرا بر دهنهٔ دریا فرستادند که شکست و ضررهایش را تعمیر کنند پس از آنکه بارهای او را در روی سایر سفاین
حمل و نقل کردند .

مجرد دیگر خبر تصدیق فرماندهان انگلیس بر تفرق و توجه فوری و ضروری ما بر دماغه تسقُو رسید ژنرال مونتوبان
با تعجیل تمام بر تدارک و ترتیب جمعیت کشتی اوتا (?) پرداخته در اول ماه ژُوُن آنتریرنان قارُون

(۱) ملاحظه نسبت یک نفر از دویست نفر تخمیناً

دریاد کالوادو و دفن بهری ژیروند که محل آلات و ادوات جنگ بود
لنگرگاه وواوزنق را ترک نموده بجهة عمل معهود روانه شدند .
کشتیها در زیر حکم امیرال پروده و ژنرال ژامن بعد کشتی آبی پوبان حامل فرمانده این
مامورین بود .

هشتم ماه مزبور لشکر در نقطه موعود آمدن آماده شده بر زورقی که بخط متوازی در سمت شمال شرقی شهر یانتای
ردیف شده بودند پایین آمدند و بموجب علامت و فرمان ژنرال و امیرال پیاده شدند و قریب بار آوردند که اصلا طور
زننده بار بیرون آنکه بر یک معاونت و مدافعه کوچک برخوردند (۱) .

مانند این ها شهر را رها کردند لکن سکنه در منازل خود مانده بر خیال هیچ نوع بدسلوکی و کج رفتاری نیفتادند بلکه آذوقه
و ما یحتاج بواسطه سعی خود آنها از فردای همان روز که اردو برقرار و جابجا شد وا داوان و ذخیره گشت .

رفتن کشتیهای اولیا به تشفو

قسمتهای مختلف از لشکر مامور که در راه بودند پشت سرهم بسمت شمال روانه شدند پس از آنکه بعد از رسیدن چند روزی در
وواوزنق لنگر انداختند از آن جمله دن در ختم بسمت تشفو برده گشت و بیوود در نهم
و ژرا محمل برگشته توپخانه کوهی کروپ نیز در سهانقهای مانده بود تا اینکه بر توپخانه که آنجا پیاده شده بود
مهلت و فرصتی شود که توپخانه خلاص شده از طوفان لیزدر را پاک نموده و برعایت سواری آماده باشند در چهارده هم
با کشتیها بکر هیش بس و حاصل صد و چهار ده اسب از ژاپون بودند از نو راه دریا را گرفت و در بیست و چهارم
لواد که اوضاع مریضخانه را خاک کرده در رفته بود در نوبه خود بر پیاده گشت که ما بقی اسباب خود را با چهار صد اسب
تمام یراق با سواره آتش آورد .

کالوادو و فادون در مراجعت به وواوزنق دوباره لنگر برداشته در اواخر ماه بلکه
بارگیری اسب پرده بر افراشت و تتمه اسبهایی که از ژاپون گرفته شده بود در روی سفاین مخصوص که بجهة همین
کار کرایه و مهیا شده بودند با خط مستقیم به تشفو آورده شدند .

(۱) مطابق نقشه نمره ۴

ورزی ژاپون اوروبان کشتیهای بارشده از توپخانه در ششگاه ژویله و ایام دیگر
در دماغه مزبور لنگر انداز شدند .

دیپ و لادین دکلیپر که عقب تر از همه کشتیها از فرانسه روانه شده و رسیدن آنها مهایت سفر کشتیها
را ختم نماید حامل لشکر بری بودند اما دین دکلیپر مثل لیزدر از کار لشکرکشی افتاده تلف شد
این کشتی خوب که از جانب دولت اجاره شده و حامل چهار صد نفر تخمیناً و زیاده از نهصد تونو (۱)
که عبارت باشد از دو هزار و نهصد و بیست و هفت خروار ایران اسباب ما یحتاج اردو چی بارش بود در نیم ماه ژوئن در نزدیکی
ماکاأون سوخته شد چنانکه یکنفر از عمله کشتی با یک روشنایی پایین رفته داخل انبار شد که رم در آورد
تقسیم نماید همین که سوراخ چلیک را گشود دخ الکول مزبور آتش گرفته چندین نهر و سرچشمه از شعله در ته کشتی جاری و منتشر
شد از برای مسلط شدن بر این یانقون آنچه کوشش و کوشش بود کردند لکن ممکن نشد ناچار بجهة استخلاص شخصی
چاره دیگر ندیدند مگر اینکه بزودی خود را بر یکی از نقطه‌های مرابر لا درون اندازد .

لشکریکه در حقیقت مرکب بود از توپچی و مهندس با لوازم خود خلاصی یافته در زیر چادرها بودند بعد از آن در روی دیرولد
و درانس بر هونق - کونق حمل و نقل گشته از آنجا در روی سهانقهای که بامر امیرال شارنه
از سایگون بدین کار فرستاده شده بود به دواوزنق رسیدند اما سایر لوازم بار کرده تخمیناً بکلی طعمه آتش و شعله شد
این سانحه یک صدمه کلی بر اجزای لشکرکشی زد که همه انبار ملبوس و سایر لوازم مریضخانه که بموجب
حکم وزیر بحریه است که بر سفاین مختلف از سایگون با هفتصد نفر مریض اقلاً قسمت شود و جمیع دواخانه بیمارستان را تخمیناً تلف کرد
بجهة فرستادن عوض صورت تفصیلی بزودی بر فرانسه نوشته شد و بجهة اعلام بدرستی
کردن و مهیا ساختن لوازمی که بسیار ضرور بود حکم شد از آنجمله شش صد دست لباس روپوش بود .

دیپ پس از گردش دسته هفتم از رژیمان هشتم توپخانه از هونق - کونق که اول در روی دین دکلیپر
بار شده بود در بیست و نهم ماه ژوئن بر منزل یانق تیکیانق رسیده در دهم ماه ژویله یکقدری

(۱) یک تونو عبارت از ۹۰۹ کیلوگرام هر سه کیلوگرام است
هر یک تونو ۳۲۶ من بوزن ایران است

مشاوره در سهانقهای امرا

پیش از کشتی سهانقهای رسیده کراوما بقی طوفانیها را از کشتی مذکور رها نموده بود .

«فورت» «وانشانس» «آمنروماک» و «پوسودان» از یکطرف لشکر
بحری را پیاده نمودند بطوریکه در آن وقت قوتهای مختلف لشکر کشی در نقطهٔ کریمچ تمام لشکر و دکلها جمع و حاضر شده بودند

در مدت این حرکت کشتیها بسمت شمال یک مجلس مشاوره در سهانقهای
بعد اهم ماه ژوئن منعقد گردید چنانکه ژنرال مونتوبان با امیرال شارنر از ووازونق آمده
و ژنرال سیرهوپ قران و امیرال پاژ بعد از دو روز از هونق کونق رسیده جمع شدند
در طرح عمومی از اعمال جنگ که در ساحل و آب پیهو میبایست معمول شود در آن انجمن
مباحثه گشت و نتایج اصلی و آخری آن مشاوره مرقوم و باین طریق یادداشت و ثبت شد :

" هر یک از دو لشکر مامور همین که بر محل اجتماع اصلی خود رسیده آماده شد بر ژنرال مونتوبان با لشکر فرانسه خواهد رفت
" که در حوالی شیکو پیاده شود چنانکه ژنرال سیرهوپ قران در روی رودخانه پهتانق هو
" پیاده خواهد شد این دو نقطه میتوانند که بواسطهٔ یک اطلاعات جدید با نقطهٔ دیگر عوض و بدل شود که این اطلاعات
" بواسطهٔ اهل کشتی خواهد شد . و این پیاده شدن دفعةً جنگی از هر دو طرف در ۱۶ ژوئیه دست خواهد داد [illegible]
" ده روز قبل از آن وقت که لامحاله معین خواهد گشت یک مشاوره آخری بجهت تعیین نقطه که باید کشتیها جمع بشوند خواهد شد
" بطوریکه هر یک از دو لشکر ناگهان در مقابل پیهو پدیدار شوند .

پس از این شورا ژنرال و امیرال انگلیس سهانقهای را ترک کرده عازم تالیانهوان گشتند جائیکه
لشکر متحدین ما سابقاً آنجا جمع شده بودند .

ژنرال مونتوبان که تعجیل تمام داشت از اینکه خود را بر تیشفو ملحق سازد
قسمت آخری نگاه داشته بود که ملزومات لشکر کشی را
درست تکمیل نماید .

در روز آخری ژوئن از بارون قرو یک دمین کرد حینیکه بر آب ووازونق
رسیده در روی دشایله متمکن مشد و بر سفیر بیان و واقف کرد اعمال تعجیلی خود را جهت معمول داشتن
ماموریتی که بعهده او گذاشته شده بود .

رفتن فرمانده کل بر تیشفو ۲ ژوئیه

باری در دوم ماه ژوئیه بر فوزپین سوار شده در ششم وارد تیشفو گردید در صورتیکه رئیسمار
خدمات پیش از وی بودند اما قبل از روانه شدن بر امنیت داشتن که سهانقهای بنا بر آسوده گی دبستگان
اهل اوروپا که در حوالی شهر واقع بودند کوشیده حکم و غدغن کرد که مبادا شورش و بی اعتدالی در هنگامی که
لشکر در سمت شمال مشغول است واقع شود .

طرح طریقه ایکه از مشاوره در این باب با متحدین ما کرده شد نسبت بر وضعیت پولیتیک خطهٔ هردو
کیانق و مراداه در نزدیکی بادی در صورتیکه یاغیان انواع اقسام قتل و غارت را در آنجا معمول میداشتند
لابد و ناچار شدن بود از اینکه حفظ منافع و نتایجی را بکنند که در این مملکت از وقت رسیدن فرمانده کل معمول و حاصل
شده بود .

در اواخر ماه مارث یاغیان مزبور از هانق تشاو حمله کرده جمع دره و ماهور و نواحی حاصلخیز
رودخانه که مسمی بهمان شهر است تصاحب نمودند و خود شهر مرکزیت از برای تجارت بیحد و اندازه از قبیل محصولات
ابریشمی داشت و بافرنگیها پس از آن بر سوتشاو و نینوپو دست اندازی کرده لهٔ مملکت بکلی
بغارت رفت از اشخاص لامکان و بی سروپا بر خود سهانقهای نیز داخل شده از دهام آنها در آنجا
باعث احتیاط و تشویش شده بود .

در این اثنا وزرای فرانسه و انگلیس از ژنرال خواهش کردند که آیا راضی میشود دروازهٔ شهر را که متصل بر مسکن
دبستگان فرانسه است بر نگاه داشتن و حفظ آن حکم دهد یا نه او بر آن شد که اهم قولی ایشان را باین شرط
مخصوص قبول کند که حفظ و نگهبانی آنجا بکلی در عهدهٔ لشکر بحری میشود در صورتیکه طلب امداد ایشان صراحتاً از

جانب تا اوتائی حاکم باشد لکن این حاکم جمیع حالات خود را ظاهر و آشکار کشیده بر قبول کردن
این وقعیت جرأت نکرد که مبادا از این مداخله در پیش دولت خود مقصر شود .

در این حالت و مقام بودند که خبر دوباره گرفته شدن هانق تش او بواسطهٔ لشکر خاقان چین و عقب نشستن
یاغیان بر سر نانکن رسید با تمنا اینکه آسودگی دوباره برقرار خواهد شد لکن بدون اینکه اهالی و سکنهٔ مملکت را
بالمرّه از اضطراب و خطر مستخلص کنند .

در اثنائیکه سرگرم مشغله و تدارکات جدّی بودند از عامل و خدمه های انگلیس شهرتی پیچید که دولت چین از قبول
کردن تکالیف و شرایطی که رسماً اعلام شده بود دوری نشده است چنان معلوم میشد که خواهش و آزادی محترین ما
در مصالحه بود لکن مبرهن است با شرایطی که مصلحت منفعت تجارتی خودشان در آن باشد پس بیجا نبود که فی الجمله تقصیر
نموده بجوشیم و بجوشیم از این که میگفتند که بر لشکر خود افزوده و مصمّم شوند که یاغیان را از نانکن دوازده فرسخ دور نمایند
در اینجا با شرایطی نمایند که در کانتون با رخت های چین کرده بودند .

تا اوتائی حاکم سهانقهای مطیع و رفیق انگلیسها معتمدانه اظهار نمود که خود را با کمال میل در میان
طرفین واسطه خواهد کرد لکن پیش از وقت مجبور است بفهمد که آیا این کارگذاریها مطبوع طبع فرمانفرمای کل فرانسه
شد یا نه برای این مطلب که واسطه اش مسیو بورق ایجودان مقدّس جوار تونی در کیانق سو بود
ژنرال جواب داد که این حالت خارج از مصلحت بینی و جواب دهی هست بلکه تکلیفم مجبوریت است بشروع جنگ
بجز دیگر روز مهلت بآخر برسد .

پیش رفت کارهای مزبور در این نقطه مانده بود لکن عمّا قریب دویم ماه آوریل از سن هو یکنفر بزرگ
دولت چین که مخلوع و ملقب به فو تائی بود (یعنی حکمران مملکت) بر سهانقهای رسیده قوام و اطمینان بر
اخبارات مصالحه داد و بعد از احترامات که بروی نموده شد از ماخذ سفرا و با قدرت تمام متمکن شده رسمی و آگاهی چنان استنباط
کردند که این هانداین برکه صدرت عمده مامور و در مصالحه ماذون و مختار بوده تا اوتائی یکی بقدرت

بزرگیکه برای این حالت و مأموریت مصلحتی داده لکن با وجود آن بزودی بواسطهٔ یک اطلاعات مخصوص مشخص گردید که فو
تائی سن هو قبل از حرکت خود با عموی خاقان چین و حکمران پیهو سانق وانق سانکولی
تسیین که مأمور بر جنگ و بر دفع شر روز دغانه لشکر زیادی جمع کرده و قسمت بزرگ از آن تار تاد بود شورائی
کرده بوده است و از آنجا مبرهن گردید که چینیها از فرستادن او مقصود دیگر نداشته اند مگر اینکه یکی از بازیچه های کهنه محکم
عادی خودشان را از برای فریفتن فرنگیها در آورند .

تاریخ هشتم آوریل نزدیک میشد و توابع اصلی مملکت سراسیمه و پریشان بودند از وضع تجارت که متحدین
در مقام نزاع چگونه خواهند گرفت ژنرال مونتوبان به بزرگان مذهب عیسوی که مأمور به استمزاج و کشف
این واهمه و مطلب بودند جواب گفت که خیال امپراطور فرانسه بر تعیین جنگ و رحمت شمالی نبوده است بنا بر
دیگر و یک مکتوبی در این باب از جانب وزرای دو دولت مرقوم شده در شهر انتشار یافت که سکنه تا یک حدی مطمئن
و آسوده گردیدند .

در اوایل ماه مزبور اعمال پولتیک مملکت از نو هرج و مرج گشته اردوی خاقانیه که در مقابل نانکن
بود بواسطهٔ یاغیان پراکنده و پراکنده گردید بعد از یک زد و خورد از حاصل یک خدعه و فریبکه از خارج نبود هانق
تش او بزودی از این دستبرد گرفته شده نزد سوتش او رسید که یک نقطهٔ با منفعت آن مملکت بود
بواسطهٔ دولت و مکنت و تجارت و آمیزش با اهل فرنگ .

یاغیان خونریزان و یکجا آتش زنان پیش میرفتند بر حسب قرارداد و ترتیب خودشان چنانکه معلوم میشد
این یک از دام حقیقی شورش بود میگفتند که ایشان منقسم اند بر چهار فرقه در زیر حکم و اطاعت دو رئیس که بر خودشان
لقب جانشینی تای پینق هوانق را داده بودند که خاقان متشکی و نامعلوم از سلسلهٔ سلاطین مینق
بوده باشد هر فرقه بواسطهٔ رنگ علم و بیرق خود مشخص و شغل مخصوص هر یک از آن گروه از نمودن همان رنگ
در هر وقت معین بود علم سیاه علامت کشتن و سرخ بجهة آتش زدن و سفید امان دادن از مرگ و زرد اذیت

گرفتن پول در مقام ضرورت از اهالی لشکر و غیره .

خبر نزدیک شدن آنها در سهانقهای یک ترس و تزلزل عظیمی انداخت که آن تخفیف نمیتوانست بدهد نه پیش بینی و نه محافظه از جانب متحدین و از همت و جمعیت و بزرگی قوت اهل اروپا خوف و لرز بیشتر از بیشتر شد وقتی که محقق گشت اینکه شهر سوتشاو بکلی غارت گشت و حوالی وی بسوخت چه از یاغیان و چه از لشکریان خاقانی که در این محصره بجهة مقابله جمع شده بودند .

حسب الخواهش تااوتانی که بر یک ملاقات از جانب ژنرال مونتوبان با حضور فرمانده لشکر انگلیس در سهانقهای قبول و ماذون شده بود و با شورای منذرای هر دو دولت یک کلیه حمایت دیده و سرانجام یافته بود لکن اهل ولایت در خوف و تزلزل ترک و طی نموده خودشان را بر آن طرف رود خانه و یا بر کشتیهای چینی که روی وامپواو را پوشیده بودند میکشیدند در آنجا خانواده‌ها تا بالا سر این دیده میشد که در ساحل ازدحام نموده و اسبابهای پربهای مخصوص از قبیل رخت و تخت و میز و چیز و غیره روی هم ریخته شده چنانکه شهر عالی مثل صحرا از سکنه خالی ماند .

در سیم ماه ژوئن میترای توپخانهٔ بحری فرانسه و وابور انگلیس نمرود در رود وامپواو تخمیناً بفاصلهٔ نیم فرسخ بالا رفته در مقابل سنق کیانق فو قرار گرفتند بخیال اینکه کشتیهای چینی زیاد که هر روز با فراریهای یاغیان میرسیدند و حضور ایشان اهل آن دیار را در تشویش میداشت ملاحظه نمایند علاوه بر آن دویست نفر با دو عراده توپ کوهی در زیر حکم سرهنگ دوقیم فاودر در سیکاو نیم فرسخی سهانقهای جاگیر شدند و چهار صد نفر سرباز بحری از وانفانس پیاده شده بر معبد یعنی مسجد چینی مشغول شدند یکی در طرف محاذات فرانسه با دومی در جهت خاکریز از دروازهٔ شهر و سیقی در نانکادو در انتهای حوالی و خارجهٔ شهر .

از جانب انگلیسها نیز در نقاط لازمه که شبیه به تفصیل مذکور بود مشغول شدند بطوری که دروازه‌های غربی در عهدهٔ

کفایت ایشان بود چنانکه ما سمت شرقی را محافظت میکردیم در این بین مقسم گشته یک دروازهٔ جنوبی نیز با برج شهر از مقابل حامیان فرانسه باز کردند .

این تدارکات علی العجاله کافی بنظر می آمد که میبایست از یکطرف بکلی چینیها را حمایت کرده در مقابل یاغیان خودداری نموده در موارد معین از ایشان منافع مخصوص خودمان را کشیده و هرگز در خیال مساعدت وقت و اندازهٔ دیگر نمیبایست شد با یک دولتی که در جنگ و دشمن بودیم .

مصلحت کار متحدین یکجا بالکل نگردید مگر سهانقهای را حمایت و محافظت از نگهبانی هیچ گونه التیام بر وضعیت لشکر خاقانی نداد در اواسط ماه ژوئن هر دو کیانق در تصرف اهل تای پینق بود هو حکمران مملکت بعد از دست دادن پای تخت خود شهر بشهر فراری گشته بالاخره آخر در سهانقهای این شخص زرنگ که به پکن طلبیده شده بود خوب خیال میکرد که هرگز زنده بیرون نخواهد آمد پس مجبور است که با حیله و تدبیر خود را خلاص نماید یک نامهٔ مخصوصی بوزیر فرانسه مسیو دبولون فرستاد که خاقان چین بجهة مصالحه یک وزیر مختار تعیین خواهد نمود و از ژنرال اذن یک ملاقات خواست حتی اگر مقصود حقیقتاً در امر تجارت بود جاذب حرارت میلی رسیدن بارون قرو وزیر مختار انگلیس و دیگر منظوری نداشت مگر اینکه یک ملاقات همچنین نماید موقع بود رشتهٔ پاره شدهٔ قرارداد و دوستی را با یک قاعده فاقی گره بزنند در صورتیکه پیش از آن بجهة جنگ با ایالت پکن لشکر بسمت شمالی مأمور و فرستاده شده بود پس از خواهش وی سیاست طفره زد بعد از خواهش دوباره از جانب حکمران مزبور اهالیکرا دعوت کرده در این دفعه از طرفین آداب ادب و انسانیت برگزیده شد .

در این هنگام بود که حسب الحکم ژنرال آذوقه و مخارج یومیهٔ لشکر ما از تاریخ چهارم ماه ژوئن از جانب ایالت چین داده شد .

از جملهٔ تدارکات بجهة اطمینان حاصل کردن از سهانقهای این بود که بعهدهٔ کفاف جمعیت زیادی از

موقوف نمودن ژنرال مونتوبان مقرری سپاه را [illegible] چینیها

صاحب منصب و سرباز با تعجیل تمام پیاده نمودند بدون اینکه بتوانند آذوقه و ذخیرهٔ لازمهٔ آنها را موجود
نمایند در این مورد علمای تائوتائی برگزیده شد که هر روز با سعی ایشان آذوقه و خورش در نقاط
مختلف بر لشکر فرانسه و انگلیس که مشغول بودند برده میشد اما بتجربه دیگر وقایع رکت شده جاگیری و برقراری لشکر
موافق قاعده و کامل گشت مناسبت این تفصیل آذوقه موقوف شود لهذا از شانزدهم ماه حقرری روزانهٔ سرباز
از قرار قانون بودن در جنگ رسید تائوتائی و ماندارین ها که در عطا نمودن جیره و خورش بر انگلیسیها
ابرام داشتند سعی میکردند که لشکر ما نیز از ایشان قرار مداومت نماید اما بر خیال فرمانده کل تغییر نخواستند بلو هر چه اگر منظور
که مقصود ایشان از این فقره چیز دیگری نیست مگر اینکه خرج جیرهٔ لشکر پیاده شده را بر عهدهٔ سکنه گذارند چراکه این
لشکر از برای حمایت آنها بوده‌اند .

و همچنین در این اوقات بود که فرماندهان انگلیس به سهانقهای رسیدند و مشاوره کرده میان متحدین اتفاق
افتاد مباحث و صحیح طرفین مقرر شد که یک مأموریت کمرکب باشد از دو قونسل و دو صاحب منصب از
لشکر بحری طرفین منتخب گشته متفقاً کشتیهای مسلح چینی را بازدید نمایند که حضور آنها را در دریا از خوف شهر اشاره
و رها شده بودند این مأمورین در نوزدهم ماه ژوئن به مأموریت خود اقدام نمودند که در شب بیمارزوری تمام
کشتیهایکه متعلق بشند باید احتیاط شوند تا پدید شدند .

اخبارات از آن دیار روز بروز بدتر میرسید یاغیان بعد از هجوم کردن از تیاکینق که شهر بزرگی در حدود جهت
زنجی سهانقهای واقع است بچهار فرسخی وی رسیده بودند .
حسب الخواهش ماندارین ها و متابعت با انگلیسها ششصد نفر و چهار عراده توپ مأمور از دو لشکر متحده
به سین ژو فرستاده شد که قریهٔ بزرگ و در محل تقاطع دو راه سهانقهای و ووانزنق
واقع بود در همان وقت امیرال شارنر صد نفر از لشکر بحری و یک زورق توپخانه بر سر لنگرگاه کشید
یاغیان از این واقعه متحیر شده به عقب نشستن مصمم گشته حرکت نمودند جمعیت خاقانی فرصت را

(۱) چنین لشکر را در هنگام جنگ نسبت بر وقعت آن فرنگیها برعاوی لشکر چیزی علاوه از ایام صلح میدهند

غنیمت شمردند که ایشان را تا تیاکینق تعاقب نمایند و آنها از آن طرف حمله نمودند .
علی الاجاله هیچ زیادتی نمیخواستند بکنند و مأمورین سین ژو که مهابت از اهالی تسنفو سوارکی نمودند
در سلخ ماه ژوئن بر لشکر اصلی ملحق گشتند .
چنین بود حالت هر دو کیانق وقتیکه ژنرال بجهت مصلحت منافع اهلی و عمده بسمت شمالی عازم شده
از سهانقهای دور شده بود از این شهر در همه خطهٔ مشهور یانق تسکیانق و در سواحل امتداد نهر خاقانی
از نانکن تا ووانزنق یک نقطه موجود نبود که تصرف و غارت یاغیان نرفته باشد .

حکومت خاقانیه در همهٔ این ملک بکلی از دست رفته بود که این خاک در حقیقت پارهٔ اصلح چین بود که جمعیت
وی بالاکتر از سی و هفت ملیون (۷۴ کرور) بشماره می‌آوردند و نمیتوان بیان کرد که دولت پکن
چگونه باید کور باشد که در میان اینهمه تفصیلات مذموم و حالات رنگ برنگ ترضیه که ما از او میخواستیم طفره بزند .
اندازه و قرار آخری بجهت امنیت و حمایت متعلقان فرنگیها از جانب متحدین دو نفر نماینده بزرگ
سهانقهای نامیده شد که هر کدام دویست نفر در زیر حکم خود داشتند کلونل مادس در این خدمت
از جانب انگلیسها و لیوتنان کلونل فاوز در لشکر بحری از جانب فرانسه منتخب گشتند و ژنرال مونتوبان
قبل از حرکت دستورالعملهای خود را بر همان صاحب منصب دومی داده و اما ماثود باشی چند روز عقب ماند که
او را بکلی از وقت لازمه و لاحقه مستحضر سازد .

یاغیان بعد از غارت و خرابی تیاکینق از شهر بزرگ سنق کیانفو بر هشت فرسخی از
سمت جنوب شرقی سهانقهای هجوم آورده بودند و هم چنین در حوالی ووانزنق نیز از ایشان
نمودار گردید امیرال شارنر بجهت امنیت و آسودگی شهر آماده گشته با وجودی لشکر و قوت با جرأت تمام
مقیم شد یک قسمت کوچک فرستاده شد که در سیکاو حمایت از متعلقان مذهبی علیوی که در آنجا بسیار
کار آمد بودند نمایند .

یک لشکر کوچک مرکب از چهار صد نفر تخمیناً که بر قوماندهٔ بزرگ سهانقهای گذاشته شده بود از حزم و احتیاط
دور بود که بر نگهبانی نقاط متعدد مشغول شوند لهذا دو دروازهٔ شهر از جانب جنوب دیوار کشیده و مسدود گشت
و فرانسها بر نگهبانی دروازهٔ شرقی مأمور گشتند چنانکه دروازهٔ غربی بعهدهٔ انگلیسها گذاشته شده بود از این
ترتیب یاغیان تصرف و خیال دخول را از عقل دور شمرده مصلحت را چنان دیدند که در ملک ضبطی آخری خود رسانها جمع گشته
بر تحصنات و خودداری خود کوشند .

حرکت انگلیسها بسمت شمال

حرکت انگلیسها بسمت شمال نسبت بحرکت مأمورین فرانسه تخمیناً بخط متوازی حاصل میشد کشتیهای اولیه که از هونق
کونق روانه شدند در سلخ ماه می بود چنین همهٔ قوهٔ ایشان تخمیناً درهمان نقطه جمع بود دیگر بر حرکت ایشان
بهیچ وجه مایهٔ توقف و تعطیل نبود مگر بسبب دو چار شدن بر تلاطم و حالت نامساعد دریا از آن ظرف کیفیت [illegible]
که تا آخر وقت بجهة ما مایهٔ معطلی و توقیف بود اما از برای انگلیسها با سهل وجه میسر و مهیا شد چراکه اسب سواری و عراده
کش خود را از هند همراه آورده بودند و بتحصیل اسب در چین محتاج نبودند مگر از برای بارکشی بطوریکه تدارکات
حمله و حرکت از برای ایشان زودتر و آسانتر بود تا از برای ما .

اولین جمعیت ایشان مرکب بود تخمیناً از هفت هزار کس تهیه ماموریت عبارت باشد از توپخانه و سواره و اسباب حمل و نقل
و ادوات خدمات مختلفهٔ اصلی و ضروری بارگیری شده در ابتدای ماه ژوئن براه افتاده بودند اما باد متداوله
معهود شمال شرقی بطوری شدید و نامساعد میوزید که کشتیها در معرض خطر و تلف بودند که اغلب از آنها میبایست دوباره به
هونق کونق داخل شده چند روز در آنجا منتظر وقتی باشند که نامساعدتی کمتر باشد .

سیر هوپ قران و امیرال هوپ اولا چنان استنباط میشد که شخصه روانه نخواهند شد مگر بعد از رسیدن
لورد الژین اما بواسطهٔ خبر یک سانحه برکشتی که در زیر نخارا پیش رو داده بود صبر و حوصلهٔ طبعی را کوتاه کردند
که با کشتی ملحق نشوند و بلکه آرزو میکردند که هرقدر ممکن است بزودی بر جنگ و زد و خورد شروع کنند و کشتیها را بارکرده پیش
هم در نهم و یازدهم ماه به سهانقهای که بدست آمده و عموماً مثل مملکت خود بود روانه نمودند در باب

چگونگی اعمال پیهو با ژنرال مونتوبان گفتگو و مشاوره کردند .

پس از این مشاوره درمیان فرماندهان هر دو لشکر سیر هوپ قران چهل و هشت ساعت پیش از
امیرال هوپ راه بندر تالیان هوان را گرفته روانه شد که بندر مزبور محل معهود بر اجتماع قشون
انگلیس بود .

عبور از بندر کوچک ویهاوی را که در مشرق تشفو واقع بود ملاحظه نمود درصورتیکه مسافتی از برای سالم رسیدن
از کشتی مساعد بنظر می آمد اما پس از تجربه محل مزبور برای لنگر اندازی نامساعد بهم رسید و تا توانائی آن مملکت از برای تحصیل
آذوقه و مایحتاج و در آن لنگرگاه شامل بود اولا دو چار بباد شمال شرقی بود ثانیاً بجهة جا دادن و نگاه داشتن کشتی قابل نبود
از آنجا گذشته وارد تشفو گشته بر ژنرال ژامن رسید و تحقیق نمود که اگر در صورتیکه
هر دو لشکر متفقاً در آن نقطه جمع میشدند آب که سوای از کندن چاه بدست نمی آمد در حقیقت برابر و از برای لشکری کفایت نمیکرد
این مسئله در ذخیرهٔ آب بقدر کفاف یکی از پیش بینی و ملاحظات بزرگ و عمدهٔ ژنرال
انگلیس بود با این جهة احتیاط داشت که در بندر تالین هوان بتواند یک نقطهٔ مناسب و مساعد از برای سواره
خود پیدا کند همچنین مصمم گشت که قبل از حرکت کردن از تشفو عریضه به ژنرال مونتوبان نوشته بدست
ژنرال ژامن بسپارد مبنی بر اینکه خواهش وی را قبول نموده اذن بدهد که بدون کمک بر دهنهای پهتانق هو
مشغول شوند .

سابقاً در شوراهای منعقد در سهانقهای درهمین آرزو و متضمن بر همین دلایل و همچنین علاوه از آن در
باب مساعدت و اطمینان از یک بنیان عمل جنگ در نقطه که هنوز تحصن و مانع نداشته باشد از جانب فرمانده
لشکر انگلیس استشعار یافته بود ژنرال فرانسه باز ایراد گرفت که بسبب همسایگی بدهنهای پهتانق هو
و پیهو پیاده شدن بر یکی از نقاط اولیه آنها میتواند باعث منحصرها و قتال شود درحالیکه هنوز انتظار
و صبر و ملاحظت مصلحت است انگلیسها میتوانستند که بر حالت حملهٔ مخصوصاً مباشر گشته زور آور شوند و احتمال میرفت

گرچه آن تخلیهٔ تحصنات پیهو شود لکن در آنوقت شرایط و دستور العملهائیکه نوشته شده بود در باب حمله نمودن
بر همین تحصنات که میبایست با هر دو لشکر متفقاً باشد معمول نشد و در حالت انفراد بجهة از قتال توقف نمودن
زیاد از لشکر و علاج خطرناک بود لهذا این ملاحظات بنا بر حالت حالیهٔ آنها میبایست که باعث بر ظفرهٔ جدید باشد
گرم کم این دفعه انگلیس ها بر آن بودند که در همین حرکت و مشغولیت یک قشون فرانسوی در کار باشد و توپخانه باعطا
کما ینبغی از خودمان آماده نشده باشد و یا اینکه اسب آنچه که بکار لازم شود بدهند .

سر هوپ گران از تشفو دور گردید بدون اینکه خیال مستقیمی داشته باشد در باب پیاده نمودن
لشکر خود که در بیست و ششم ماه ژوئن در لنگرگاه تالین هوان همراه در روی یک گروه سفاین
با شکوه و مهیب در قرب به دویست فروند کشتی از هر قسم بشد مهیا دید چنانکه نجی و تا شصت فروند از آن
کشتی جنگی بود برخلاف حدس و اعتقاد عمومی و بر عکس استحضارات حاصل شده تا آنروز از جانب شناسائی
یک زورق توپخانهٔ انگلیس که متعلق به آن خلیج بوده زیاده از سه ماه در گردش و سیاحت بود لب چشمه‌ها در
مملکت جسته اگر چه اسب ان مثل آبهای تشفو فراوان و بهتر و زیاده از قدر کفاف بود .

این وقت علاوه از اینکه جمیع حالت مجبوریت را از سؤال و خواهش ژنرال انگلیس دور کرد ماجرا
منجر بآن شد که بر نمودن لشکر مأمور خود را بجنگ آورده با سه اردو مرتب و برقرار سازد چنانچه هر دو بریقاد
سر ژوهن میشل در ویکتوریا بای دو بریقادای سر روبر نایپر در
هاندس بای سواره و توپخانه در اودین بای و تالین هوان بجهة مقر
فرماندهٔ کل و صدور احکامات منتخب گردید .

بندر تالین هوان یکی از بنادر معتبر و بزرگیست اگرچه یک کمی گشاده و محافظت بر بادهای جنوب شرقی
ندارد اما یک لنگرگاه وسیع و ممتاز عظیمی دارد تخمیناً دو فرسنگ در عرض و سه تا چهار فرسنگ در طول با پناههای زیاد و جا عد
بجهة سفاین در جمیع طوفانها و روزهای بد و نسبت بحالات دریائی او بکلی تفوق دارد بر تشفو و پهادی

اما در مقام ملاحظه حاصل و محصول عمومی در خطهٔ لئااُوتونق کمتر و پائین‌تر از سیهانق توتق است
زمینیکه لشکر انگلیس در دور لنگرگاه بجهة اردوها قسمت کرده و متمکن شده
بودند مکان سخت و تل و ماهور و چراگاه بود با وجود آن در همه جا دهقانهای قابل و با پرورشته و با شوق از
اهل چین در زراعت و کشت و کار مضایقه نکرده بودند .

خرید و فروش بنرخی معین و برقرار شد اهل ولایت از اندازه که گرفته شد خواه بواسطهٔ عسس
داروغه و خواه بواسطهٔ عدالت گستری و دادرسی مطمئن گشته از هر قسم جنس و آذوقه و ذخیره بچیان آوردند
بخصوص گله و حیوانات چنان وافر شد که مأمور نظارت خیال کرد که اینقدر کار بکند که بقدر احتیاج از هفته دو دفعه
بلکه بیشتر گوشت تازه بلشکر خورش نماید .

هیأت لشکر انگلیس ابواجمعی اصلی بر سر هوپ گران فرماندهٔ کل بتفصیل ذیل مرتب گشت -

پیادهٔ نظام

دویزیون اول

فرمانده ... سر ژوهن میشل ماژور ژنرال سرتیپ بزرگ

بریقاد اول

فرمانده ... کولونل ستاولی سرهنگ

لشکر ... { رژیمان اول رویال انگلیس . / [illegible] رژیمان رویال انگلیس . }

بریقاد دوم

فرمانده ... کولونل ستون سرهنگ

لشکر ... { دوم رژیمان انگلیس . / شصتم ریفل انگلیس . / پانزدهم پنجاب هندی . }

دویزیون دوم

فرمانده . . . سیر روبرت ناپیر ماژور ژنرال (صاحب منصب بزرگ)

بریقاد ششم (عده بریقاد هشت هزار است)

فرمانده . . . کولونل ژروون سرهنگ

لشکر . . .
- ششم رژیمان بوف انگلیس .
- چهل و چهارم رژیمان انگلیس .
- هشتم پنجاب هندین .

بریقاد چهارم

فرمانده . . . کولونل راو سرهنگ

لشکر . . .
- نوزدهم رژیمان انگلیس . .
- شصت و هفتم رژیمان انگلیس .
- نوزدهم پنجاب هندین .

دویزیون دوم علاوه بر خود دو دسته توپخانه نیز همراه داشت که یک دسته از آن آرمستر ونق دیگر دسته مهندس بود .

سواره

فرمانده . . . کولونل پاتل (سرهنگ) جانشین برای بریقادیر (سرتیپ)

لشکر . . .
- دو اسقادرون از سواره دراقون .
- پروبین هورس (سواره سیکهای
- فان هورس بی قاعده از هند)

سواره بی قاعده تخمیناً هشتصد سوار بوده و یک دسته توپخانه مامور و لسته براین بریقاد بود .

این لشکر مامور علاوه از سایر دسته جات یک دسته توپخانه قلعه کوب و کاره با جمعیت مخصوص لازمه برهنمات مختلف همراه داشت .

بریقادیر ژنرال کروفتون (سرتیپ) رئیس کل توپخانه بود .

سوای از این لشکر یک عده که مهیا است یک قسمتی در جنگ بر خود بگیرد فرمانده کل در نقاط مختلف ساخلو گذاشته بود که تفصیل آن از این قرار است .

در هونق کونق . . .
- هشت و یکم رژیمان هندین .
- یک باتالیون از عسکره که هر پنجاه نفر آن مرکب بود از هر یک از هشت رژیمان انگلیس از دو دویزیون انگلیس

در کانتون . . .
- سیم و پنجم رژیمان هندین هند .
- هشتاد و هفتم رژیمان انگلیس

در شزان . . . دویست و پنجاه نفر مانده بود .

در سهانقهای . . . سوای از جمعیت پیاده بحری که مامور نگهبانی شهر بودند عبارت که در رژیمان لد باناه هندی و یازدهم رژیمان پنجاب هندی نیز که در اول حمله در سنقابور جمع بودند به سهانقهای جنب ژنرال مونتوبان چنانکه مذکور شد در ششم ماه ژویلیه به تشفو

تشفو

رسیده اردو را با بهترین شرایط نظم و حزم و ملاحظات صحت مزاج برقرار دید (۱) دماغه واقعه در شمال دیار شانق تونق یک امتداد دست کم و باریک که کشیده میشود تا شهر کوچک یانغانی مملکت و در نهایت حاصل آور است اما در آنجا مثل سمت جنوبی شلوک بسیار نیست که استنشاق هوا در بیرون زار از برای فرنگیها بسیار نامطبوع و هم عاقبت است و همچنین عمارات مهور ایشان بواسطه استحکام که تقریباً از سنگ سرها و بلند شده اند و حال آنکه اکثر از عمارات باقی چین از گل و لجن ساخته شده جمعیت آن نقطه

(۱) مطابق نقشه ۴

خودشان را بسیار قابل و کاردان جلوه دادند و چنان مشاهده شد که بکلی از آداب جنگ
باقی و خوب هستند با وجودیکه در مملکت مشهور رود وسیع چین شرارت و جنگجوئی متداول معمول است بدون
آنکه پیش بینی و پناه اندیشی در تحصن و تدارکات زمینی کنند که تا باسانی بیفتند و کشته نشوند .

ژنرال ژامن بجهة اینکه خود را بر نظم و ترتیب و توقف اردو بکلی وقف و عاید فرماندهی
لشکر را بعهده ژنرال کولینو گذاشته خودش شخصاً بتقسیم و ترتیب خدمات و تنظیمات مشغول بود
مهندس و توپخانه بر تدارک اعمال مخصوص خود پرداخته
لوازمات را آماده میکردند نظارت سپاه سهولت تحصیل ذخایر مخصوص و لازم را غنیمت شمرده ذخایر
بار شده کشتیها را بمصرف میرسانید .

لشکر و قورخانه و ادوات حرب بجنگی گذاشته شده بود و تهیه یک حمل و نقل مجدد دیده شده
با شماره و قطار بقدر مقدور در روی سفاین جا بجا و منظم بود دسته و قسمتهایکه مهیاست بر مأموریت
پیهو عازم و در کار باشند با اقسام آذوقه و ذخایر که بجهة ایشان لازم بیقین شده بود .

گذران و رفتار لشکر با اهل ولایت با رفاه و بطور خوب بود که … ایام توقف
باعث یک منفعت بزرگ بر ایشان گشت شهر یانغائی واسطه بود در میان اردو و سایر شهرهای ایالت
شانق تونق . و جمیع محصولات از سبزیجات و گوشت و گندم و علف سبز از سبب اسب از اهم اطراف
دو جانب هر سید علاوه از این بقدری راس قاطر خیلی خوب در مملکت بدست آوردند .

و فراوانی در منتها درجه آرزوی ژنرال مونتوبان بود چه یکه از تنزل و آرزوی هانری کاتر (۱)
گذشته مردم در صرف … هر روز جوجه داشتند خورسندی در فراوانی … در فراوانی بود بلکه در سلامت
آب و هوا چنانچه نسبت مریض کمتر از صد یک رسید .

فرمانده کل در تشفو بر ترتیب آخری توپخانه پرداخت اسبهای ژاپون بکلی بایک حالت و حیثیت

(۱) … است در تعیش و خوراک و فراوانی

که هرگز بر عراده کشی معتاد نشده و ندیده بودند در کمتر از پانزده روز بقدر کفاف تربیت کرده دیده
برآن شدند که بنوبر بار چندانیکه از آنها توقع داشتند بروند یکی دیگر از ژنرال سیلی هوپ قران
برفرمانده کل لشکر فرانسه کرد مجال آن شد که در یکسان ملاحظه آنها را بر مشق و حرکت وادار
نفاق و نظم حرکت و مشق آنها اطمینان کلی داد بر نتایج استعمال آن حیوانها در جنگی که میرفتند شروع کنند
جمیع صندوقهای بارگیری که بار کشتیها و از عراده خود جدا شده بودند
مهیاست سوار کرده بر حرکت بعضی از آنها کوشیدند که از صدمه پائین آوردن و بالا بردن از کشتیها و از
خاصیت اختلاف هوا در این مدت سفر طویل در پائین بی تشبیر ازه شده بودند لهذا صندوقها را مرمت و محکم نموده
بارگیری کردند بطوریکه از برای هر آتش خانه سعید کیسه همراه ببرند علاوه از عقبه عمومی که عبارت از شش صد
کیسه بر هر آتش خانه باشد .

این کار عمل باعث بر تدارک باروت زیاد شد و بجهة نبودن عدقی زمین و ناکاملی عمارت در ساحل با تجدید
در سرعت تمام مطبخها ساخته و … نمودند که در روی آن دکاکین و کارخانه ساخته فی الفور بباروت سازی
کوشیدند .

بر تعمیر و ساختمان هشتاد ذرع پل سازی هر در سیماننهای شروع عمل بودند کوشیدند و با تمام رسانیدند
و شصت عدد چوب در اسباب پل سازی از روی نمونه معمول مملکت تکمیل نموده در عوض آنکه در
یانقون کشتی رن دکلیش سوخته و تلف شده بود گذاشتند .

خیال ژنرال مونتوبان همیشه در این بود که در سمت جنوبی پیهو پیاده شوند لکن انگلیسها
مصلحت پیاده شدن را در کنار شمالی پهتانق هو میدیدند اما آرزو در بودن یک نقطه بعد
بر پیاده شدن داشتند که بسیار نزدیک و همسایه باشد بر تخصیص اینکه امیرال پر دو ینر
پیش از وقت یاد داشت کرده بود باز در اطاعت و همراهی امیرال شارنیر مجدداً مأموری

سلی اطلاعات در باب امتداد لب و کنار زمین بتسلی فرستاد کاپیتن بودرو آ و نماینده کشتی دبی و رئیس اناماژور سمیتو که می‌آمد دوباره ملحق شود و بر هک پریم دین مامور خدمت گشتند و در یازدهم ماه ژویله بر کشتی سایفون که کشتی آلومیرا را نیز همراه داشت سوار شدند .

پس از آن اهرآورد و ملاحظه نمودند که در این مملکت بنا به تغییرات فصول در لوازم زندگی و گذران نسبت سواحل چه تغییر و تبدیل پدیدار شد چون نتایج این اختصارات و ملاحظات دو نیمی مختلف شد با اوبله امیرال پروته یادداشت نموده بود از گذشتن از یک مسافت زمین باتلاق و چمن که آب آن زیاده از نیم پای سرباز نخواهد رسید یک قسمت زمین سخت موجود و بر راه کشتی بجهة عبور همه اقسام اسلحه و لشکر قابلیت در همان وقت یک محل پیاده شدن در کنار راست بیهو معلوم شد که بر خلاف سابق بواسطه یارلقان و سستی خاک و گسترده بودن آب در سطح همان زمین که ارتفاع جزئی داشته است از سلی چنان کار و عمل مشکل و مانع است .

پس لازم بود که کاشفین را مجبور نمایند بر اینکه یک تغییر با منفعت بر طرز آن طرح و نقشه که عاجلاً قبول شده بود بدهند .

لورد الژین که چند روز بود رسیده و بجهة دیدن بارون قرو بر تشفو آمده بود و بژنرال قوان و امیرال هوپ نوشته و اعلام کرده بود در نوزدهم ماه ژویله یک دیگر از دو نماینده انگلیس و دو وزیر مختار و امیرال شارنر از سالات ... و تعیین نقطه تدبیر جنگ و حمله در منزل ژنرال هوننبان فراهم آمد .

در این مجلس که متابعت و اتحاد در کمال استقلال حکومت بیکدیگر شروط بر این شد که هر دو لشکر متحد و متفق در ۲۸ ژویله بر یک لنگرگاه خوب و مساعد در دست چپ مدخل

پهتانق هو جمع گشته و در بیست و نهم دوباره اطلاعات حاصل کنند از مورخات و نقاطی که در رودخانه قابل مقاومت میباشند و پس از آن به تحصیل تمام متین نمایند و واسطه‌ها و وسیله‌های پیاده شدن و حمله بردن را .

پس از آن در کمال تحمل و استقامت به تدارکات آخری در اردوی فرانسه زور آورده از قراریکه رئیس اناماژور لشکر بری و بحری نظم و ترتیب داده بود آلات و ادوات نظارت و توپخانه و مهندس از هیجدهم الی بیست و یکم ژویله بارگیری شد و همه اسبها و قاطرها از ۲۲ تا ۲۳ حمل و نقل کشتیها گردیده و از ۲۴ تا ۲۸ جمیع مردمان جنگی سوار کشتی گشتند .

سلی اینکه تا آن وقت حاضر باشند جد و جهد تام از همه صاحب منصبان و رئسای خدمات بعمل آمد مخصوصاً کلونل بانتز مان با صاحب منصبان زیردست خود عجیب سعی و اهتمام نمود و نتایج آن بطوری حاصل گردید که هرگز امید آن نبود .

مامورین ورودی دستهای سفاین روانه شدند در تفصیل آنها الواح ذیل تعیین و بیان مینماید .

بریقاد اول و دویم

اسامی سفاین	صاحب منصبان ارشد از نماینده بزرگ اناماژور	نمره و علامات لشکر	صاحب منصب: بزرگ	صاحب منصب: کوچک	عدد لشکر غیر از صاحب منصب	اسب	[illegible]
آنتی پوتان	ژنرال ژومینی و دو و اناماژور	صدویکم رژیمان از خط جنگ	۳	۳۷ / ۱ طلا	۱۰۶۰ / ۱۵ سرباز ...	۸۶	۲۰۰
وانژانس	..=..	صدویکم ایضا از خط جنگ	۱	۱۳	۳۴۷	=	=
ژون	..=..	دویم باتالیون شاسور آپید	۱	۳۶	۸۱۷	۴۱	=
دریاد	ژنرال کولینیو و دو و اناماژور	صدودوم رژیمان از خط جنگ	۳ / ۱ ...	۴۳	۱۲۰۶	۶۹	=
فارون	..=..	صدودوم ایضا از خط جنگ / سرباز بحری و از لشکر تیرانداز بحری	..=..	۲۷	۷۱۶	۱۸۰	=
پرسوران	..=..	سرباز بحری	۱	۱۷	۴۴۰	=	=
نمزی	..=..	سرباز بحری	۱	۱۰	۳۲۰	=	=

توپخانه و مهندس

اسامی سفاین	حاصل دسته‌های توپخانه	حاصل جمع آتشخانه	صاحبمنصب بزرگ	صاحبمنصب کوچک	حاصل جمع توپچی و خمپاره‌چی و مهندس	اسب	کواولی	اسباب
ژرا	یکدسته ۴ پوند	۶	۱ توپخانه ۱ مهندس	۱۰ توپخانه ۶ مهندس	۲۱۲ توپچی ۱۳۲ مهندس ۶ تابین خدمتکار صاحبمنصب	۱۴۸ توپخانه ۱۶ مهندس	۱۰۰	
کالوادو	یکدسته ۴ پوند	۶	۲	۱۱ توپچی ۳ مهندس	۲۲۲ توپچی ۱۰۶ مهندس ۹ تابین خدمتکار	۱۳۹ توپخانه ۱۶ مهندس [illegible]	۱۰۰	
لوار	یکدسته ۱۲ پوند	۶	۱	۵	۹۱ توپچی	۷۷	۵۰	
سااون	..=..	..=..	۲ حکیم	۱ توپخانه	۷۰ توپچی	۷۰	۵۰	اسباب یدکی قورخانه زیاد
رن	یکدسته ۱۲ پوند	۶	..=..	۳ توپخانه	۹۱ توپچی	۷۰	۵۰	چوب و اسباب [illegible] زیاد و قورخانه
ژیروند	..=..	..=..	۲ حکیم	۱ توپخانه	۷۰ توپچی	۷۰	..=..	آذوقه ۶ روزه [illegible]
نیور	دسته توپخانه کوهی (۱)	.....	۱	۱۴	۱۶۸ توپچی	۷۷	..=..	قورخانه
مارن	..=..	..=..	..=..	۵ بلساز ۲ مهندس	۱۱۴ بلساز ۱۵ مهندس	۵۳	..=..	اسباب پل [illegible] اسباب مهندس

(۱) دسته توپخانه کوهی بواسطه نبودن یک شخص مخصوص در جزو سایر توپخانه مامور و در کار شد یعنی موقتاً بر دو دسته توپخانه دوازده پوند قسمت و سپرده گشت

مورت

صاحب منصب	نفر	سپاه و اسب	
حکیم	۹	پرستار ریفی نظامی	۷۰
صاحبمنصب عراده و بارکش	۲	سرباز عراده و بارکش	۴۰
صاحبمنصب نظارت	۴	اسب از برای کجاوه و بالکی فرنگی	۴۰
اسباب . دوا . رخوت . و بالکی و کجاوه فرنگی حصیری ابافره بجهة نشستن [illegible]		قاطر	۳

سهانقهای

صاحبمنصب		سپاه و اسب	
صاحبمنصب عراده و بارکش	۲	سرباز عراده و بارکش	۶۰
صاحبمنصب نظارت	۷	اسب	۶۰
		کالسکه	۷

ویزر

صاحبمنصب و سرباز		اسباب و لوازم	
صاحبمنصب نظارت	۳۶	چلک و پیپهای آذوقه و خوراک و سایر لوازم نظارت	۲۸۰
خزانه دار	۳		
سرباز نظارت	۱۶۰	اسباب یدکی لشکری	
کواولی	۳۰۰		

فوربین

فرمانده کل لشکر مامور با عملجات و صاحبمنصبان خود

تابین خدمتکار اتاماژور و صاحبمنصب ۱۲

اسب ۳۲

سانقون

اتاماژور ژنرال

صاحبمنصب بزرگ ۲
صاحبمنصب کوچک ۶ } ایشان در روی کالوادو و آنتریوپان بود
تابین خدمتکار ایشان ۸

تفصیل لشکر مامور در هنگام روانه شدن از تیشفو از قراریست که در لوح کوچک نوشت .

۱ اولین تفصیل لشکر مختلف حاضر .

	صاحبمنصب	سپاه	اسب و قاطر
سرباز بری و بحری	۲۰۹	۵۲۸۳	۱۷۵
سواره	۳	۶۴	۷۱
توپچی سر (۱)	۴۶	۱۰۵۴	۵۹۴
مهندس	۸	۲۶۲	۲۴
سپاه نظارت	۷	۲۷۹	۱۶۰
معین مملکتی (کواولی)	۲	۹۲۵	〃
جمع	۲۷۵	۷۸۶۷	۱۰۲۴

این تفصیل هیئت عمومی ترتیب لشکری که اتاماژورها در جزو شماره آن هیئت وقت از این قرار است . اتاماژور در ژنرال در شماره ۱۴ صاحبمنصب . اتاماژور مخصوص توپخانه ۱۲ و از سابق مهندس ۶ صاحبمنصب . علاوه از آنها ۶ صاحبمنصب عامل نظارتخانه و سپاه بود که دو نفر از آنها در هونق - کونق و سهانقهای مانده بود .

دوم تفصیل لشکر خارجه از کار مانده بعد از روانه شدن سپاه از فرانسه

سرباز . . . ۷۴ توپچی . . . . ۱۵ مهندس ۹

جمع ۹۸

(۱) بعد از ترتیب عمومی توپخانه کل و غیره آن از قرار حکم بتاریخ ۲ فوریه سنه ۱۸۶۰ تغییرات نگارش و غیره در توپخانه مامور از قرار ذیل میشود

هفتم دسته از رژیمان هشتم (دسته ۱۲ پوند) نامیده میشود نهم دسته از رژیمان چهاردهم

۱۰ دسته از رژیمان ۷ (دسته ۱۲ پوند) نامیده میشود ۹ دسته از رژیمان ۱۶

۱ دسته از رژیمان ۹ (دسته ۴ پوند) نامیده میشود ۱۰ دسته از رژیمان ۱۴

۳ دسته از رژیمان ۱۰ (دسته ۴ پوند) نامیده میشود ۱۰ دسته از رژیمان ۱۶

۱۱ دسته از رژیمان ششم (پل ساز) نامیده میشود ۱۲ دسته از همان رژیمان . . . .

۴ دسته از رژیمان ۱۲ (تفنگ بلند) نامیده میشود ۹ دسته از همان رژیمان . . . .

فرمانده کل در تیشفو و از برای قراولی و نگهبانی تنظیماتیکه برقرار نموده بودند دولت ویست نفر سرباز در زیر حکم یک نفر یاورگذاشت از آنطرف امیرال شارینر دوپو کشتی مریضخانه و آندروماک را در لنگرگاه گذاشت .

این زور و قوه از برای انجام مهامیکه در آنجا لازم بود کفایت میکرد یعنی نسبت بر خلق و حالت سکین خلق آن ملک و در حقیقت خیلی نافع بود از اینکه هر قدر ممکن بشد جمعیت مامورین مزبور را کمتر ضعیف نمایند در صورتیکه سابقاً بجهة ساخلوی سهانقهای و شانغان بزکم شده بود .

مامورین انگلیس اول میبایست دو هزار مرد نسبت بر تساوی اطلاع قوه متحدین در تالین هوان بگذارند لاکن بنا بر گفتگو جات ورده در میان لورد الگین و بارون گرو مصمم شدند که در آنجا بگذارند مگر یک کشتی مریضخانه و دولت تا سیصد نفر فرد و جمعی مامور بر حزبین آذوقه .

فصل سیم

روانه شدن سپاه متحدین [illegible]

سیر هوپ قران بر سوار و روانه کردن لشکر خود مصمم گشت در همان ساعت کرنرل
مونتوبان در راهی کردن لشکر فرانسه بکوشید سفاین هر دو لشکر در هشت و ششم ژویلیه ترک لنگرگاه
خود نموده بسمت خلیج پتشلی پرده گشودند و در هشت و هفتم عصری وارد آنجا گشتند .

در هشت و هشتم هر دو لشکر باهم توقفاً در حدتا هر کدام در نقطه خود که سابقاً معین شده بود لنگر انداختند
که نقاط مزبور در جنوب غربی جزیره سیهالوی تین دخمیناً بفاصله چهار فرسخ بعد از طی کردن خط پهتانق هو بود
بودی هر دو لشکر همدیگر را پهلو به پهلو در یکجا جمع دیده برلوی میرفتند

پیاله شوند در زمین دشمنی که خشونت مقابله آن ایشان را بر روی وی میکشید و مجبور میکرد بر
تنبیه یکدولت نادان که عذر بی ادبی خود را نمیخواست با وجود اینکه دوری از وطن و با طبیعت و حالت نامعلوم
و مبهم مامورین در میزان عقل و هوش یک جنبش و خروش متعجب میکردند چنانکه غرش و بزرگی تماشاگاه دریا
بر غیرت حرب و قوت قلب ایشان می افزود زبانه از ادوات [illegible] جنگی و حمل و نقل که عکس شعله و آتش ایشان
روی آب در هنگام شب بر دورهای یک شهر بزرگی میماند که در میان کشتیها بوده باشد .

دُورقهای توپخانه انگلیس بعلیات جمع و تهیا شوند مگر در عصر هشت و نهم ماه لهذا انقضای این وقت و فرصت
انضباط را بجهة استحضار و حاصل کردن از رودخانه پهتانق هو غنیمت شمردند یکدسته اطلاعات مرکب از یک
صاحب منصب بزرگ بحری لیوتنان کولونل دوپین و از یک صاحب منصب اتاماژور دیگر مامور و
روانه گشت و معلوم شد که بعد از گذشتن از قعر آب دریا زیاده از ده پا در حالت جزر عمق ندارد و قابل
تیر و چاره نیز نیست اگرچه وقت بسیار مساعد بوده باشد مگر بجهة کشتیهای سبک و باریک که با آب کم در شنا [illegible]
در رودخانه پا بقدر ربع فرسخ بالا رفته بر هیچ مانع و بهیچکس نخوردند مگر برای یک گرو باز آن وقت صاحبمنصبان عزم
نمودند که هر گاه راست رودخانه پیاده شوند در صورتیکه زمین تخمیناً همان نکات را اول پیش آورد در ساحل دریا

در جنوب پیهو داشت .

بعد از طی مسافت دویست ذرع نفرها در روی یک زمین سست و با تلاق خودشان را در روی یک پارچه
زمین چمن دیدند اندک دوای داشت برای یک نفر در جزر آب بتوانند راه رود بردن اگر تا بالای حکم بالا چین
فرو رود و این خاک خود را امتداد میداد بقدر سیصد ذرع تا بر زمین خشک و محکم متصل میشد .

بجهة نبودن دیگر جای بهتر و سهلتر از آن همان مکان بر نقطه پیاده شدن معین و انتخاب گردید .

در آخر عزم را جزم بر آن کردند که بر رودخانه پیهو زور آورده بخط مستقیم بر تحصنا یکه مقابل
رودخانه را حامی و مانع است حمله نمایند شبهه نبود در اینکه با محصول کلی که قوه حربی متحدین داشت در یک
هجوم مظفر و منصور میشدند لاکن مسدودی گذرگاه هشت سر هم در رودخانه و آتش خانه عظیم و خطرناک
باستیون ها و دوز نگهبان و جسارت از تاتار میترسانید از اینکه نتیجه آن یورش را بقیمت گزاف
از کشته و شکسته خریده باشند و فرماندهان کل را مقصود آن بود که خست طفلی خودشان را در خون
سربازان و تابینان بنمایند .

در سلخ ماه مذکور صبحی دو کشتی از پهتانق هو نزدیک شده در یک فرسخ و نیمی مدخل همان رودخانه
لنگر انداز شدند و از مطلب گذاشتن پای لشکر بر خشکی اندازه کلی گرفته شد لکن فردای آن روز حالت بد هوا
شما مانع از عمل آن گردید .

پیاده شدن اول آاو

در اول ماه آاو در ابتدای روز یکقدری زیاده از دو هزار نفر از دو بریقاد لشکر فرانسه مامور شدند
که پیاده گشته در خشکی اولین ستون لشکر شوند لهذا از کشتیهای بزرگ بر دُورقها و کشتیهای کوچک چینی
و قایقها پایین آمدند که هر دو آنها را کشتیهای دودی با قطار هشت بر خود بسته در روی آبی که کمتر از نه پا
عمق نداشت میکشید .

و در لوح ذیل تفصیل ترتیب این جمعیت اولیه را بطوریکه اسباب بحری بمقتضای مکان میتوانست آنها را بساحل برسانند مینمایم.

بریقاد	مرد	جمعیت لشکر	کشتی	زورق	زورق جلیبه
بریقاد اول	۷۵۰	باتالیون دویم شاه سور	رون	۱۰	۳
	۲۵۰	یکصد و پنجم رژیمان از خط جنگ	آنترپرنان	۲	۱
بریقاد دوم	۵۷۰	یکصد و دویم رژیمان از خط جنگ	دریاد	۶	۲
	۴۳۰	سرباز بحری . . .	پرسوران	۲	۲
	۶۰	مهندس	ژودرا	۱	〃
	〃	یکدسته قورخانه . . .	مورت	۱	〃
جمع	۲۰۶۰		〃	۲۲	۸

	توپخانه اسب و حیوان بارکش وغیره	کشتی	زورق
دسته توپخانه اول	۳۶ قاطر با اسباب و یراق با نماینده و همراه برخودشان ۶ قایق که بسته بر کشتی بودند با ۴ زورق که در هریک از آن یک توپ بود با توپچی و قورخانه خود	رینیور	۴
دسته توپخانه ۴ پوندی	۶ عراده با اسباب و بسته اسب و قورخانه همراه و اسب صاحب منصبان کوچک (۶ زورق) ۳ صندوق قورخانه با اسبهای صاحب منصب و دو اسب اتاماژور و مهندس (۳ زورق)	یکدسته در روی ژودرا دسته دیگر در روی کالوادو	۴ ۵
	اسبهای فرمانده کل و اتاماژوران وی . . .	۴ در روی رون ۶ در .. آنترپرنان ۲ در .. کالوادو	۱
	اسبهای ژنرالهای بریقادها و اتاماژوران آنها و رئیس نظارت لشکر	۴ در .. آنترپرنان ۴ در .. دریاد ۱ در .. رون ۱ در .. مورت ۱ در .. فادرون	۱
	جنیبت فرمانده کل ۶ سواره شاه سوار و سپاهی	فادرون	۱
	جمع	. . . .	۱۶

سه ساعت بظهر مانده این دسته متحرک لنگرگاه خود را ترک نموده رو برودخانه روانه شدند در امداد و پهلو نیز روانه بود شبیه بهمین دسته و ترتیب کشتیهای انگلیس که در روی خود میبردند دوهزار نفر از رژیمان دویم و شصتم (ریفل) و از رژیمان سیزدهم پنجاب (سیکا) بعلاوه یکدسته ابوزیند (قبوز) در زیر حکم ژنرال میتشل و سیرهوپ قران .

بر نگاه و معبر یکه سنک لاخ و نامساعد و پیش از وقت بجهة احتراز پیموده و علامت گذاشته بودند رسیده بدون اندک سانحه و معطلی سه ساعت از ظهر گذشته متحدین برنیم فرسخی باستیانهای قلعه پیهتانق وارد گشتند که چینیها پیدق خودشان را در روی آن تحصنات حرکت میدادند (۱) .

در این بین یک ترکیب شروع بر صف زدگی در زمین سمت راست چنان واغود که بفاصله دو ذرع دور شد دو باستیان که در طرفین رودخانه واقع و اولی که بر پیهتانق مرکب بود سیزده مزقل توپ مینمود و دویمی در دست چپ یازده مزقل که جریان آب را بموازی رودخانه میکوبیدند .

ترکیب و حالت این تحصنات بطور خوب و با قاعده و بسیار تعجب منظری آمد و اندک متشکی بود از برای دیگر امیرال هوپ با اینکه در دل داشت که علی الاجاله در عوض عمل و گذارش پیهو که در سنه ۱۸۵۹ رو داده بود انتقامی بکشد باز خیال میکرد که قبل از پیاده شدن لشکر با زورقهای توپخانه بر آن تحصنات حمله نماید چنانکه امیرال شادیند را هم وعقبی بهمین خیال بود میتوان تاسف خورد بر اینکه خیال این آخری معمول شد پس از آنکه فهمیدند که تحصنات ساحلی و مستحفظ ندارند و اگر نه مهابت حذر نمود از یک پیاده شدن که بسیار با زحمت و مشکل بود .

لکن ژنرال مونتوبان بهمراهی امیرال شادیند بر زورق توپخانه پایین آمدند در صورتیکه ژنرال و امیرال انگلیس یک داشتند سیرهوپ قران میخواست که تا شش ساعتی جنرال صب را انتظار کشد اما فرمانده کل لشکر فرانسه یکصد نفر سواره تاتار مشاهده کرد در روی خاکریزی که متصل

(۱) مطابق نقشه ح

میشد با پهتانق بواسطهٔ یک پل تنها که در روی نهر انداخته شده بود باحتیاط انگلیسیها این
پل را شکستند اگر فرصتی بر دشمن داده شود که خود را بشناسد و تحقیق کند لهذا عزم نمود که اعمال پایین آمدن
و پیاده شدن بدون مکث معمول شود .

این اعتقاد در وی قوت گرفته بهمان عشق قصد کرد که زورقهای توپخانه در ورود خانه هنگام شب بالا رفته
پشت سر باستیانها را بگیرند و فردای آن در چهار ساعتی بعد و بسمت آتش بازی دعوا نمایند .

پایین آمدن لشکر با هر قدر نظم و ترتیبی که ممکن بود معمول میشد قطع نظر از اتفاقات طبیعی و موانع ناملایم
ژنرال مونتوبان بر یک قایق پایین آمد با کولونل باتزمان
ولیوتنان کولونل دوپن دکوماندان شنفان اتامازور باشی توپخانه دیگر
صاحب منصب صفات که نقطهٔ معین را برآورد نموده برجست و بر لب رود خانه فرود آمد در حالیکه آب تا بزانو بود و متوقع
یقینا که دویست نفر سرباز شاسور آپید پشت سر سردار خود را گرفته پیروی نمودند از آن طرف ژنرال
انگلیس با دویست نفر سرباز از رژیمان دویم خود را بزمین انداخت .

این ساحل دریا و طرح گریز اسلام دادند با نعره و فریاد مهربان و کرم قلبی که امپراطور زنده باد چنانکه از طرف
محترمین جواب میدادند با هورای فتح و ظفر .

هر دو پیش قراول که از هر دو لشکر پیاده شده کان یقین شده بودند از پشت سر رسیدند بعد از یکطرف
که لشکر در چهار ساعت بعد از ظهر پس از طی کردن یک مسافت در عرض ششصد ذرع از باتلاق و چمن پر آب
درهوا با خط دشتبانان صف بست انگلیسها از سمت راست مشغول بودند در روی یک خاک خشک
در بعضی جاهای مخصوص بخصوص در طرفی که دریا همسایه بود اما جلو ایشان بعد از مسافتی منقسم بود بر آب شمه‌ای
شور توپخانهٔ بسیار سنگین انگلیس لابد و جهایت برخوردی گذاشته شود و همین علت را داشت دسته توپخانه
چهار پوند ما باوجود این بی زبانی توانستند که به پیش حرکت دهند تنها دسته توپخانه کوهی بعد از اشکال زحمتهای

زیاده در آخر روز توانست جمع و آماده شود .

پهتانق از قریم فرسخی آنجا نمودار بود مثل یک دریاچه وسیع و قابل برآمد شد تنها بواسطهٔ معبر ساخته شده
که او را متصل میکرد به پیهو تحصنات خاموش مانده بود و هیچ حرکتی در آن ده شامل نبود مگر چندین سواره
تاتار که عنان آنها را نیز بواسطهٔ چند مشت آتش به پیچانیدند .

پس از آن مصمم گشتند در روی معبر که بجهت اقامت نقطهٔ تنهایی بود در وسط یک دریاچه و باتلاق اردوی فوری
بزنند بر یک صدا شده از پیاده انگلیس دو هزار نفر در زیر حکم ژنرال فرانسه ژامن و در همان حین چهارصد نفر بالمساوی
مأمور از هر دو لشکر بر سر پل حمله بردند که بدون مقاومت محارسه ضبط شد و مابقی لشکر پشت بند گشته به قلعه
چند در روی یک زمینیکه از جزر و مد طبیعی دریا محفوظ بود اردو زدند .

شب رسیده بود با وجود آن چون در فردا ایشان بر یک حمله منتظر بودند ژنرالهای متحدین اطلاعات شخصی مأمور کردند
که به پهتانق داخل شوند لهذا لیوتنان کولونل دپن دیگر صاحب منصب بزرگ انگلیس در سر یک دسته
سرباز شاسور آپید از برای این مطلب روانه شدند با نماینده یک و راه نمایی اهالی آنجا تا باستیان سمت
راست ساحل داخل گشته یکی از اسلحه و اسلحه دار خالی یافتند در روی خاکریز نبود مگر دو توپ چوبی با آهن پیچیده شده
که توپهای حقیقی را در سال گذشته برده بودند بر یک باستیان که در دهنهٔ خط دویم مقاومت و ممانعت
واقع بوده .

بعد از این استحضار و اخبار مطلبی بود مگر تعجیل در اینکه لشکر را در ده جای مسکن نمایند اما ژنرال مونتوبان
پیش از وقت از بیش بینی و تجربه سرهنگ مهندس را با یک دسته تبردار فرستاد که اطمینان حاصل نماید از این که
حصن و حصار نقب و باروت نداشته باشد چنانکه از سابق هم به لیوتنان کولونل دپن چند سطری نوشته اعلام نمود
باری یک نوع نقبی پیدا کردند که بسیار ماهرانه با تدبیر و عقل ساخته شده بود دیگر
تخته در زیر خاک مخفی و متحرک بود در صورتیکه اگر پایی بر روی آن گذاشته میشد کفایت میکرد بر بالا بردن و زدن

چخماق کرسنک داشت از اسباب ادوات آتش در چهار جعبه که هر یک از آن صندوق یک میان خالی پر باروت [illegible] داشت که نصف قطرش ۴/۳ صدم ذرع بود .

اسبابهای خرابی و آتش زنی از آن قبیل عمومه درست و مخفی کرده بودند که تیر داران توانستند بواسطه خوش نگاه بطوری خراب و متوقف نمایند که ساختهٔ روی قهوه دان اسبابها بسته بود بر پایهٔ هر یک از چهار تخته که از سواره نیز باعث حرکت بر عمل باشد چنانکه بسیار خطرناک بود .

در دوم ماه ۱ آوت در طلوع صبح ژنرالها در آن حصار بودند و مخزنگین دریا بر لنگرهای خود تکیه داده در پیش چشم ایشان ایستاده بودند پس از آن لشکر برای داخل شدن بر پهتانق گذاشتند که قریهٔ بزرگ و عبارت از سی هزار خانواری بود و بجهت جابجا شدن آنجا را بطوری جستند که از حالت اردوی در میان با اتفاق آلوده گشته هرگز بکار وغیره محتاج نباشند (۱) .

در همین و ملک این مکان هم بجانه چنین جای پا نظمی روی داد در اعتقاد دیگر عمومی قسمت بزرگ لشکر از آن شد که بجهت احقاق حق سیاست حامی گشت بر کولیهای که از کانتون آورده بودند و سیکها که از لشکر هند بودند .

پهتانق بنیان محل جنگ مأمورین گشته بر مأمنان سفاین حکم رفت که تتمهٔ هر دو لشکر را از آنجا بخشکی رسانند و اسباب و آلات و ادوات مختلف حرب را نیز با آذوقه و ذخیره زیاد بپایین آرند این حمل و نقل با وجود تحمل سعی زیاد چندین روز طول کشید و با زحمت کلی با تمام رسید بخصوص از جانب بحری فرانسه که اسباب حمل و نقلش کمتر بود و نداشت مگر هفت زورق تنها لکن انگلیسها یکصد زورق داشتند در حقیقت انسانیت و سخاوت ورزیده چند فروند زورق از جانب امیرال هوپ بر اطاعت و حکم امیرال شاردنر گذاشته شد اشکالات با تمام افزوده گشت بواسطه باران متصل در روی این زمین با اتفاق و طین بر آب که متصل [illegible] در هوا با باران عوض میکنند .

(۱) مطابق نقشه ۵

قصبهٔ پهتانق که در میان طین و خزه با ورسخته شده است در حقیقت منشاء و معدن عفونت و ناخوشی بود و در آنجا آب خوردنی پیدا نمیشد مگر بواسطه اینکه در خزه و ظرفهای مخصوص بزرگ گل آورده اهالی آنجا ذخیره نمایند این آب انبارها در اندک مدتی با تمام رسیده تمام شده که عقب اسباب جوهرکشی آب در بنایی که در سفاین بود بردند و وقتیکه اسبابهای مزبور را بازمیاندند تا چه بودند که بردند از سر چشمهها و در اثنا چاه زدند و حال آنکه این معاطر و سر چشمهها کفایت وجوب بر مصرف متحدین نمیداد بخصوص بر انگلیسها که زیاده از چهار هزار اسب همراه داشتند .

پهتانق هر قدر که ممکن بود بزودی از این جهات دعالت بیرون رفت در صورتیکه این نقطه بود مگر منزل کوچ بسمت سیاه بوی پیهو پس در این صحرای با اتفاق که دو رودخانه را منفصل میکرد خط اتصال [illegible] منتها بواسطه یک راه ساخته شده که بر بیرون و مماس آن هیچ اشکالی نداشت و لکن نزول اندک باران غیر ممکن میکرد که در روی آن بتوان حرکت نمود یا تغییر گرد و این همان راه بود که لشکر [illegible] در اصل آن قصبه شده .

سابقا در دوم ماه ۲۱ آوت بهنداری که معاطه [illegible] مساعدت کشتیهای امیرال هوپ ژنرال قران دوباره در رودخانه پهتانق هو بالا رفته بودند که بعضی علامت راههای دیگر پیدا کنند لکن جستجوی ایشان بیحاصل ماند پس از آن لابد [illegible] مطیع قول عام شوند که راه اتصال منحصر بهمان است .

اهالی قریهٔ مزبوره اعلام کرده بودند که در سر همان راه از دشمن اردوی بر قرار و حصار است .

از همان سواره تاتار که در روز ورود فی الجمله خودنمائی نمودند فرمانداران متحدین قبل از آنکه فرمان بر حرکت لشکر دهند چنان مصلحت دیدند که پیش بینی نموده بواسطه اطلاعات استحضاری از حالت و جهات زمین حاصل کنند لهذا دو هزار نفر از سرباز انگلیس و یک قوت مساوی از لشکر فرانسه که مرکب بود از یک رسد پیاده سیک و یک رسد قپوز کوهی و یک باتالیون از زرهپوشان یکصد و دوم از خط جنگ و یک باتالیون از سرباز بحری در زیر حکم ژنرال کولینو گذاشته شده از پهتانق در سیم ۱ آوت دو ساعت بر وز مانده روانه گشتند (۱) .

(۱) مطابق نقشه ۵

خاکریز و بندی راه بحث لغزنده بود و عرض وی از برای راه بردن اذن نمیداد یکی پنج
با شش نفر را پهلو به پهلو دست راست و چپ او خندقی بود پر از آب صحرایی باتلاق و پر آب نظری آورد که
قبرستانهای گلی و خاکی با وسعت مختلف جوقه بجوقه که از دور یک قبرستان بزرگ و وسیع بجلوه میداد .

تخمیناً در یک فرسخی ستون لشکر از یک پل کوچک سنگی عبور نمود که بجهة جریان و عبور آب
باران و چند رودخانه دریا ساخته بودند و پس از اندک حرکت محاذی یکنوع مسجدی رسیدند که در کنار راه بود و تقدیر
دوازده نفر سواره و چند سر پیاده دشمن در پشت این عمارت کمین نموده خودشان را بعقب کشیده و از نزدیک شدن
ما سوارها در روی همان راه عقب نشسته پیادگان خودشان را بر یک باستیان خاکی رسانیدند که بقدر پنج
یا ششصد ذرع در سمت راست و در صحرا واقع و این پیادگان از جدا شدگانی بودند که در پناه همان باستیان
آماده و زیاله بودند .

این باستیان مخفی بواسطهٔ قبرستانها خارج از مسافت سرزمینی بود که بنهایت استحضار حاصل نمود و حقیقتاً نمیتوانست
بر حرکت ما مانع شود لکن بجهة تفریح ژنرال اینقدر خوشنود شده از اینکه با چند گلوله قپوز بر آتش بازی و
تیراندازی آن نقطه جواب داده از پیش رفتن و حرکت نمودن خود باز نماند .

در همانوقت سوارهٔ تارتار که دست کم از سه تا چهار هزار نفر مشت بودند مأمور شده در صورتیکه در ضمن راه بر خط خود
امتداد میدادند .

ما تخمیناً بهزار و پانصد ذرعی بیات چینیها رسیده بودیم که از پهلوی چپ ما دو یا سه نفر سرباز گلوله گذارشت
از گلوله ژینقول که عبارت است از یکنوع تفنگ فتیله‌دار سوار به پایه که به بزرگی یک دو گلوله
میبرد و بعضی اوقات گلولهای استوانه از سرب می افکند (*) .

ژنرال کولینو فی الفور دستهٔ بهادران باتالیون از رژیمان تحکیم دویم خط جنگ را در سمت نقطه
که گلولهای مزبور دشمن میرسید و دستهٔ دیگر جزان همان رژیمان را در سمت راست که چندی از دشمن نمودار بود در بحر

(*) باصطلاح ایرانیان میزان شمخال یا زنبورک گفت

بسته حکم داد که توپخانه در رسیدن تعجیل نماید چراکه استعمال آن از برای وی بسیار بموقع لازم میشد در مقابل ستونهای
سواره که بر زد و خورد نزدیک میشدند در اول روز بود که ستون سپاه پس از گرفتن ترتیب جهات مزبور
خود را مجدداً به پیش برد همیشه در امتداد آن شاهراه که تماماً قریب بر خاک خشک و سخت منتهی و دو شاخه میشد
چنانکه شاخهٔ دست راست بسمت تحصنات دشمن میکشید و شاخهٔ دست چپ که بسیار کم عرض و تنگ بود
به دریا نزدیک گشته چنان مینمود که بر تحصنات پیهو منتهی شود .

لکن سوارهٔ چینی امتداد اصلی خط خود را بسمت چپ امتداد میداد چنانکه در همان سمت یک جمعیت محکم حاضر میکرد پس
لازم می آمد که بهمان طرف دستهٔ بهادران مزبور را از رژیمان مذکور تکیه داد .

اولاً زنجیر مزبور را بواسطهٔ یک دستهٔ دیگر از همان رژیمان مضاعف و محکم کردند پس از آن بنابر خواهش و تکلیف ژنرال
کولینو فرمانده قسمت لشکر انگلیس بریقادیه ستون که از راه رد شده در گوشه و زاویهٔ زمین
مزبور خود را ترتیب میداد یک دسته از سرباز سیقلمان انجا گذاشته بر امتداد خط لشکر ما افزود
در صورتیکه در عقب دو خط دیگر از اهل ستون جهات پله بسته بودند یک عراده قپوز میدانی نیز بر همان
سمت برده شد .

آنوقت این قپوز آتش خود را برروی خط سوارهٔ تارتار گشوده بعد از فرستادن چند تیر ساعد
و خوب مستحکم شدند برآنکه بسمت مرکز خود حرکت نمایند که این حرکت از آن طرف با نظم و ترتیب کامل بعمل آمد
طرح و جهات که مقصود بود پس از آن با تمام رسیده اطلاعات بر روی شانزده
راست راه اقدام نمود که بقدر مقدور استحضار از هر دو طرف زمین روی بام رفته حاصل شود در جلو خود
خاکریز و باستیانها داشتیم که روز نهم ژوئن شان بی قاعده ترکیب شده بود دیگر از دست راست و چپ راه را مسی فقط
نموده مانع از در آمدن و پیش رفتن از جلو میشدند و یک اردوی محصوری را میپوشیدند که در عقب آن یک
قصبهٔ بزرگی واقع بود و پایین تر از آن از سمت چپ تحصنات پیهو پیدا بود و جریان رودخانه بواسطه

کشتیهای چینی خودنمایی مینمود .

مقصود روزانه عمل آنکه دو در هر صورت با وجود اشکال و خرابی زمین و نبودن اسباب و اسلحهٔ کافی مقاومت میکرد
هر یک حملهٔ حقیقی در مقابل یک دشمنی که بسختی خودداری و مقاومت میکرد در جهات و مکان خود علی الاتصال
ژنرال خیال کرد که در آتش خود مداومت نماید که تا عقب نشستن بنظر بیاید .

در همانوقت بر جلو پیادهٔ دشمن که تیر طوپ آنها میتوانست از ما بسیار تلف نماید یکدسته پیادهٔ بحری که با کارابین
خزینه دار مسلح بودند با یک دستهٔ قیوذ مامور نمود که عمل آنها را از هم گسیخته نگذارند که از اردوی خودشان بیرون آن بیاید
سه ساعت بغروب مانده چون سواره دید که بر پهلوی ما رخنه نمیتوانند بیاید
در صورتیکه آب و باتلاق حمایت میکرد لهذا عزم کرد که خود در تحصنات خود بگشته پس از آن ستون متحدین بر حرکت
عقب رفتن شروع کردند .

ژنرال حرکت مزبور را با جهات شطرنجی پشت سر هم عمل آورد اول انگلیسها پس از آن پیادهٔ بحری و توپخانه
و فوج از ژاپان یکصد و دویم که دستهٔ بهادران آن بجهه پس قراولی در کار بود و دشمن در این حرکت عقب نشینی
بر خیال تزلزل ما نیفتاد و لشکر بدون قضیهٔ تازه وارد اردوی خود گردید .

مادام این اطلاعات هفت نفر از لشکر فرانسه و دوازده نفر از جانب انگلیس زخمدار شده بود که زخم
هیچکدام از آنها خطرناک نبود .

از چهارم ماه تا یازدهم باران فراوان در هر دو روز متصل بجا پائین آمد و راهها بطوری مغشوش گشتند که به بیرون
رفتن از پهتانق اذن نمیدادند چنانکه حالت مزاج و صحیح سپاه روز بروز برناسلامتی متبدل میگشت
این فرصت را اهل آن جهه بپائین آوردن آذوقه و اسباب و ادوات از کشتیها معروف گشته و از آن طرف
بواسطهٔ قسم استحضار و هر نوع استفسار از هر طرف در خبر اطلاعات تا نیمهٔ ماه بسرحد کمال رسید .
مثلاً فهمیدند که قریهٔ پوشیده بواسطهٔ خاکریز و باستیانهای روزنه دار از قصبهای سینکو دور

نزدیکی پیتهو واقع بوده است و همچنین در خارج راه ساخته شده که حرکت کرده بودند از کنار همان زمین
سخت که در روی آن سوارهٔ دشمن صف بسته بود یک راه پی عیب بوده است از تاپین تسین که از
ربع فرسخی پهتانق در روی راست جدا میشود که آن شاخهٔ اصلی تا آن وقت در زیر آب مخفی بوده است
در نهم ماه هوا و روزگار باد فاخت بهتر از سابق گشته یک
جدا شده از دولیست نفر سوارهٔ سیکا و پنجاه نفر سوارهٔ انگلیس از درا اقون ملکه با امداد یک دسته
پیاده مامور شدند برآنکه از آن شاخه استحضار بهم رسانند و نتیجهٔ این کار با کمال رضامندی حاصل گشت
و خاطر جمع شدند از آنکه زمین مساعدت نه تنها بر گذر پیاده و سواره بلکه هم بر عبور توپخانه .
پس از آن در میان فرمانروان کل مقرر شد که این معبر دویم را غنیمت شمرده و از برای تحصنات
سینکو یک حرکت قوسی و حملهٔ پهلوئی بکنند چنانکه سوارهٔ انگلیس طلیعه شود تا این بازی اصلی را
آنها نموده باشند .

متحدین بر حرکت بحمله حریص بودند اما بارشها باز بباریدن آمد که مجالست هنوز چند روز انتظار کشید
در دوازدهم ماه آآو دو ساعت بروز مانده دو هزار نفر از دویزیون ژنرال

حرکت سپاه برود ستون دوام آاد

سیر روبر ناپییر و یک دسته توپخانهٔ آرمیستروںق و سوارهٔ انگلیس یکجا رو به پهلوی اعیان
چینیها از راه تاپین تسین بحرکت آمد .

در همان لحظه ستون اصلی سپاه بواسطهٔ راه اولی رو بر تحصنات بخط مستقیم با این نظم و ترتیب روانه شدند
اول یک پیش قراول مرکب از دو هزار نفر پیادهٔ انگلیس فرانسه و یکدسته آرمیستروںق و
یکدسته توپخانهٔ خاندار فرانسه چهار پوند و یکصد فشنگ جنگی هم در زیر حکم ژنرال ستاولی دویم
یک بریقاد پیادهٔ انگلیس و ژنرال مونتوبان با تتمهٔ بریقاد ژامن و دویم دستهٔ توپخانهٔ دوازده
چهار پوندی .

به‌رفقای کولینو حاضر و آماده در پهتانق ماند که در مقام ضرورت بمجرد رسیدن حکم به‌سپاه پیشی واصل شود .

بمحض اینکه سرستون انگلیس و فرانسه یکقدری با آن طرف نقطه رسید که در سیم ماه آ او اطلاعات از آنجا مراجعت کرده بود ژنرال سناولی سپاه خود را دشتبان نسبت به پیش روی ایشان باز نمود و پوشیده انگلیسها در دست راست و فرانسه‌ها در دست چپ دو دسته توپخانه انگلیس و فرانسه با رسید فشنگ جنگی در جلو صف و تخمیناً در ششصد ذرعی تحصنات دشمن جاگیر شده فی الفور آتش خود را گشودند . (1)

تارتارها نیز شش شد که یک عراده توپ که در مرکز با سینه‌ها نهاده بوده تخمیناً سه تا چهار حرکت گلوله‌ریزی انداخت لکن دسته زنبورک شمخال ایشان با کمال دوام و ایستادگی بر توپخانه ما چو اسب جلاد و تیر آنها که سابقاً در سیم ماه استمزاج و برآورد شده بود همیشه در میزان خوب بود اگرچه مسافات تغییری یافت .

این تیر و توپ اندازی و آتش ریزی بقدر نیم ساعت طول کشیده عراده‌های توپخانه بتدریج خودشان را پیش میبردند و متصل در بریدن و دریدن بودند بطوری که لشکر مسافت را بحالت دشتبانی ملی و آنها را در فاصله میان پیروی میکردند .

نتیجه آن موقع یورش را اعلام کرده متفقین بدون آنکه تلف نمودن لشکر را ملاحظه و استمزاج کنند بر خاکریزهای روزنه‌دار حمله بردند که در همان لحظه دشمن تخلیه کرده بود و دیگر از هیچ طرف بر هیچ گونه مقاومت برنخوردند که از آنجا گذشته برار دوی محصور که درست بر آن نقاط واقع بود پس از آن داخل قصبه شدند که عماراتش منحوس و کثیف لکن در حوالی باغات خوب و بار رفیع داشت .

تارتارها نیز تمامت جهات خودشان را بکلی از دست داده خود را عقب کشیدند چه از دست چپ چه از سمت تحصنات پیهو .

(1) مطابق نقشه ۵

در همان وقت که این حرکت مستقیم معمول میشد حرکت قوسی ژنرال بابلر نیز با نتیجه و حاصل خوب بعمل آمده بود .

در اوایل هزار و پانصد ذرع در راه یالین تسیلین اشکال در زحمت کلی از برای عبور توپخانه بهم رسانیده بود با وجود یکه هر عراده هشت رأس اسب خوب و پرزور بسته شده بود باز چندین دفعه مجبور شدند که مجزا و قورخانه وی را جدا نموده در سر دست پیش برده بودند یقین است که فی الجمله باران این همه خرابی و اشکالات را در روی یک خاکی که سست بود فراهم می‌آورد .

پس از گذشتن از این مسافت مزبور زمین بارتفاع شروع کرده قدم بقدم خوب و مساعد میگشت لهذا ستون آنوقت توانست که با تعجیل و تندی پیش برود و چندان طول نکشید که یک اردوئی مشاهده کردند واقع در مغرب سینکو پس از آن خود را در مقابل یک سواره موتفل دیدند که منتخب و زبده‌ترین لشکر سان کولینتزین بودند این سواره‌ها با رشادت و جرأت تمام خود را بر عرابات و مقابل انگلیس بردند و در صدد آن شدند که حقیقتاً بر یک عراده توپی که فی الجمله پشت بند دیگر کاه نداشت حمله کنند اما سوارهای سیکا بزودی بر اینکار مانع گشتند یک حمله تحت داشته یه پشت سر زده و خورد و ژنرال که از جانب توپخانه و پیاده رخ نموده بود مصمم گردید چنینها را کلاً برقرار که از بخی برهم تعاقب کنندگان دوچار در بوده شدند در میان این صحرائی که در هر چند مسافت لابد از موانعات بود .

دو ستون ما پس از حمله‌های باشکوه و پر فتوح خودشان در صحرا و در غربی سینکو بهم پیوستند انگلیسها اعمال یومیه را نخواستند زیاده از آن پیش برند و در پشت قصبه اردوی فوری مقرر نمودند که از هر طرف آن نهری جاری و مخصوصاً جمع و متصل میشدند به پیهو .

ژنرال مونتوبان برخلاف آنها فی الفور عزم کرد با اطلاع و استحضار یک راه ختم شده که خود را

بسمت تحتانیات دست چپ امتداد میداد که صبحی در روی آن یک جمعیت کرانی از سوار فرار مینمود .

حوالی دو ساعت بعد از ظهر سپاه فرانسه در روی همین راه بحرکت آمد و تخمیناً در یک فرسخ بعد از سینکو یک اردوی بزرگی محصور شده گردید که در دور قریهٔ تانق کو ساخته و کشیده شده و در روی خاکریز آن سپرهای متعدد در حرکت بود و این اردو محفوظ شده بود بواسطهٔ پیاده و توپخانه که لولهای آن بزرگ گلوله بود و از آن طرف هر دو سمت این راه که ما حرکت میکردیم دریاچه و باتلاق بوده بحرکت مبادرت در این صف مساعدت نمیکرد بطوری که این جبهه در کار نبود مگر چون تنگه و دفیلهٔ دویم درجه از سطح حمله .

همچنین بعد از چند تیر توپ که از طرفین رد و بدل شد فرماندهٔ کل حکم برجعت داد .

پس از مراجعت از این اطلاعات با توپخانهٔ خود بریقاد ژامن در جلو اردوی محصور سینکو کنار تارها تخلیه نموده بودند اردو نزد فردای آن روز بریقاد ژنرال کولینو را طلبیده که همراهی خود دو دستهٔ توپخانهٔ دوازده پوندی را آورده و یک باتالیون از زنجان یکصد و دویم در پهنانق گذارد که با کوائولی‌ها برامداد پایین آوردن آذوقه و ذخیره مشغول شوند .

یک صدا شده از لشکر بحری فرانسه در همان ساعت رسیده در روی ژونکها در آنجاهائیکه باغات را محاصره بودند جابجا شدند و همچنین در روی دو زورق بزرگ که در کنار پیهو بسته شده بودند در نقطه که نقشه مینماید بنیان پلی میشود که مدتی بعد از آن هر دو لشکر متحدی انداختند .

روز ۱۳ ماه بارسانیدن آذوقه و آوردن ذخیره بر سینکو که مرکز تازهٔ سپاه ما تمام رسیده و همچنین بر ساختن راههای اتصال بسمت تانق کو در کار بود .

درمیان سیاحی و طراحی یک نکته سنج فرانسه راهی را پیدا کرد که در کنار رخ رودخانه امتداد داشت و او از برای اعمال عمومی چون خط اصلی منتخب گردید و زمینی که آن راه در روی او کشیده شده بود بواسطهٔ

شهرهای متعدد بریده شده بر حرکت سپاه اشکالات و ناملایمات سخت واردی آورد که با اهتمام مهندس و توپچی رفع آن شده مسطح و هموار گردید پس از آن ممکن بود که بقدر ضرورت برار دوی تانق کو نزدیک شده و توپخانهٔ هر دو لشکر را بهم پیوسته با یک آتش نافع دهن بگشایند و یک قسمت از خاکریز و موانعات دشمن را مضمحل نموده با ستونهای حمله دیوارش ایشان را از میان بربایند در این فقره تدبیر و طرح جنگ همین بود که هر دو فرماندهٔ کل بر آن شده

تا اینکه چهاردهم ماه در ابتدای آن روز ستون سپاه انگلیس و فرانسه با نظم و ترتیب ذیل بحرکت آمد .

لشکر انگلیس در روی دو خط بسته شده ژنرال میتشل در سر آن دست راستش را به پیهو تکیه داده با خط متوازی برودخانه در حمایت بحریان پایین میرفت چنانچه هر دو بریقاد ژامن و کولینو هرکدام ستون فراز گروهان بسته در دست چپ وی بهمان ارتفاع در حرکت بودند

پیاده‌ها مثل پیادهٔ انگلیس در پیش روی توپخانه میرفت که مهمات در ابتدا او دست بکار زند چنانکه بمقتضای مکان پوشیده بود بخصوص که از سمت صحرا محفوظ بود بواسطهٔ یک پیش قراول که مرکب شده بود از یک دسته مهندس و دویست نفر سرباز بحری که در جنگی مامور میشوند و دو دسته شاسور اپید .

حرکت عمومی سپاه یک لحظه سنگین شد بواسطهٔ دو عراده توپ چینی که در دست راست در پیچ یک دماغهٔ توسی رودخانه گذاشته شده بود در جائیکه چند فروند ژونک (۱) نیز نزدیک بقریهٔ تالیانتن در پناه و مخفی بودند .

یکدسته آدمیستر و نق فی الفور صدا و آتش آنها را که پیش از وقت بحریان انگلیس در جواب کار ایشان تعجیل نموده بود خاموش کرده کاپیتن ویل فرماندهٔ کشتی امیرال هوپ پس از آن با پنج یا شش نفر صاحب منصب و سرباز بحری رودخانه را گذشته ژونکها را در مقابل توپهائی که پامال شده بودند آتش زد

(۱) کشتی چینی

بدون شمارش این قضیه واگذارش اندک سپاه پیش رفت و تقرب
خود را بسمت نالوق کو از دست نداده در دو ساعتی روز تخمیناً به هزار و پانصد ذرعی تحصنات
رسیدند (۱).

در آنوقت دسته توپخانه چهار پوندی ما با رسد فشنگ جنگی در دست چپ توپخانه انگلیس شتابان بسمتی
که ایشان نیز بدشتبان آمده یکقدری خودشان را بسمت ما کشیده بودند تا با جائیکه در لب رودخانه
بود پیش روی آنها را بگیرد چنانکه یک جمعیت کوچک از ششم رژیمان دیفلید از دست راست
گذشته نزدیک داخل شدن بر باستیان گشتند.

هر دو توپخانه با هم آتش خودشان را بر پشت باستیانها بستند که آنها نیز پشت سرهم با تیر توپ
بسیار شدید جواب میدادند اما از خوش بختی بد مشق و نخبه (?) نموده بودند.

این اختلاف تیرها را اطمینان داد از یک برتری و منفعت که کلونل بانتن مار از قابلیت فهمید
و غنیمت شمرد و نزدیک بر خط توپخانه خود را با حرکت هر دسته به پیش و فی الفور آتش و عمل قپوزهای
کوهی را با آنها شریک نمود بجز دیگر فاصله بقدر کفاف اندک و برحالت و کارگری قپوزها نافع و مساعد
گشت که بر تشدید آتش توپخانه بیفزاید.

ستونهای پیاده همیشه در عقب مقرر بود و ژنرال مونتوبان دو عراده توپ چهار پوندی را با پشت
بندی یک باتالیون پیاده بحری بر روی راهی که در دوازدهم ماه شناخته شده و بنقطه منتهی میشد
که از برای شکستن و داخل شدن شهر (?) نموده بودند فرستاد و حکمت در حرکت این دو عراده آن بود
که بر راههای دست راست باستیان تیراندازی کنند اگرچه آتش از آنجانب بسیار مخوف بود لکن احتمال
میرفت که ستونها را در لحظه آخری مضطرب سازد.

توپخانه حرکت خود را متدرجاً پیروی نموده تا بچهارصد ذرعی اردو رسیدند بر یک آتشی که باید بیچ

(۱) مطابق نقشه C

ضعیف میشد اگر از گلولههای توپخانه دشمن از بالای سر آنها گذشته می افتاد بر صفوف خالی در جلو پیاده
ما که پس از آن بهیأت دشتبان عریض با ستون فراز از پهلو باتالیون آمده بودند.

سرعت ظاهر مانده توپهای چینیها تقریباً همه لال گشتند مگر چند عراده از مزغلهائی که در سمت چپ
ما واقع بودند.

از آنطرف انگلیسها نیز بهمان اندازه دارای شیوع (?) که ما پیش میرفتیم مسافت را طی نموده توپخانه شان را
نگاه داشته بودند و جمعیت کوچک جدا شده از لشکر ایشان که در بلندی رودخانه بود با وجود کارپردازی
فشنگهای جنگی چینیها که از دست راست سرازیر مینمودند پیش از وقت رسیده بود بجائیکه خاکریز باستیان
نزدیک به پهلو میشد.

لحظه آخری از برای اطمینان حاصل کردن از نتایج حمله نزدیک شده بود و ژنرالها مشورت نمودند در مطابقت
و چگونگی عمل کرد خودشان در سر یک جنبش و هیجان سخت و شدید آخری.

فرانسه ها از برای حمله و زور مبالغه (?) از پیشتر پیش یورش کنند بروی یک قلعه که از هیچ سمت منفصل نبود
اما انگلیسها میتوانستند در خط وی لشونه (?) از یک مسافت خالی که در ما بین رودخانه و قلعه سازی بود دو دانگی
از برای ما بود متصل خودداری و احتراز از آتش باستیانهائیکه از دست چپ جا پیچیده اما رفیق ما بواسطه بودن
ما و سبب این تقاطع و عرض خاکریز از پهلو در حمایت بود.

با وجود این نامساعدتی و نسبت و اتکال بر غلبه و سواری بر دشمن نمیخواهیم که عقب مانده باشیم.

ستون حمله ما مرکب بود از یک دسته مهندس و دو دسته هفتم و هشتم از باتالیون شاسور (?)
و سرباز بحری که در تحت سرکردگی است بر لیوتنان کولونل ستمیز اتا ماژور باشی کل حکم شد
که در سر آنها باستیانهای دشمن را از جلو بردارد لهذا او خود را تا پای قلعه سازیها رسانیده از افکندن خود بخندق
که پر از آب بود مضایقه و خودداری نکرده با زحمت زیاد بگذشت سرباز ما با وجود تیر تفنگ دشمن

بر غضب و هیجان تخفیف نداده با تعجیل تمام رسیدند سربازهای بحری نردبانها گذاشته بر خاکریزها و دیوارها
نشان دادند و مهندس شاموزآییر در راه کشته شد .

قلعه در اندک فاصله مفتوح گردید و اما تارور باشی پیش از همه بروی باستیان رسیده علم فرانسه را
بلند نمود و شقه مظفروی را گشود در وقتیکه انگلیسها نیز از دست راست داخل شدند .

قلعه داران در داخله باستیان تعاقب شده با غلتهای بی نظمی و اضطراب فرارا رو بر ساختمان
و تحصنات دیگر خود در کنار رودخانه نهاده بسمت جریان پیهو در رفتند .

اضطراب آنها بشدتی بود که فرصت آنرا نکردند که پس از عبور خراب کنند پلی را در امتدادهای راهیکه متصل
میشد بر اردوی یوکیایو شبیه بر آنکه لشکر متحدین متصرف شدند .

در این هنگامه از فرانسه یک نفر کشته و دوازده نفر زخمی که بعضی از آن کاری بود و تنها سه نفر از انگلیسها
کشته شده بود .

چینیها زیاده از صد کشته داده و پانزده عدد آتشی نه توپخانه که یکی از این قپوز بسیار خوب که بجهه صدم
یک زرع قطرش بود و دو عراده توپ صحبت لوله که هر دو لوله از آن در یک قنداق سوار بود متصرف ما آمد
و سه عراده توپ نصب هم عهدها کردید .

پس از حمله دگر قلعه تحصن تانکو که حصاروی کمتر از هزار و هشتصد زرع نیست و زمانیان کل شاهد
نمودند تارتارها و چینیها را که میدویدند بسوی یوکیایو که دو هزار زرع فاصله داشت و همراه
می بردند آنچه که ممکن شده بود از توپخانه و قسمت کلی از مرده و زخمدار خودشان .

ژنرال مونتوبان (در حاشیه: طرح ژنرال مونتوبان) میخواست که شکست و اضطراب دشمن را غنیمت شمرده فی الفور توقف نماید و حرکت
آن قسمت لشکر چینی را که بفرماندهی یک سرکرده بود تسین نام باتمام رسانند اما سیرهوپ قرآن
کمی تعوره نموده و لزوم استراحت لشکر را پیش آورد لهذا بجهت ملاحظه و نگهداری دوستی در رابطه خوب میانه

که در یکروز زیاده از آن در حاصل عمل تجاوز دارد واقع اند .

شرط شد که پنج یا شش روز حوصله نموده بعقور خانه و آذوقه که مجبوراً بود از پهتانق حمل و نقل نمایند و در سینکو
و تانق کو جمع و حاضر کنند و پس از آن مطابق طرح و نقشه سپهسالار فرمانده کل فرانسه از برای عبور بسمت راست
رودخانه یک پلی بر افکنند که عمل تسخیر قلاع اما نظرف که سرکوب است ناچار با گرفتن قلاع دست چپ یکجا
باشد و پیش از وقت یک جمعیتی مشترک که مرکب از دو هزار نفر باشد در تانق کو بگذارند با این خیال که
اگر لازم شد بر موافقت سمت شمالی حمله برند .

این قرار و مدار مقبول گشته لشکر بر اردوی حقیقی خود سینکو رجعت نمود مگر دو ویزیون سیر روبر
ناپیر که در حیاط و سطح آن حصار مفتوح بمانند .

در عصر چهاردهم ماه دو نفر صاحب منصب وارد اردوی انگلیس گشته از حاکم آن دیار یک نامه بجهت لورد
الژین آوردند مبنی بر آنکه بنابر التماس و خواهش وی نایره جنگ را بخوابانند جواب این نامه فرستاده
نشد مگر در جبهه هم پس از آنکه وزیر مختار انگلیس بر اردوی سیرهوپ قرآن رجعت نمود
اما این جواب نامه هیچ تغییری در خیال سابق و اعمال وی همراه نبرد .

پس مطابق طرح و جوابهائی که در میان دو فرمانده کل گذشته و مانده بود میانه ای مأمور کرد و بکار برد
یک اطلاعاتی از برای زمینهای دست چپ رودخانه و بجهة نقطه اتصال هر دو طرف وی .

چنانچه تحقیق کردند که یک مجرای هموار بر آب و باتلاق از قلعه و حصار تانق کو گرفته تا لب دریا کشیده
میشود که در روی آن دو قلعه سخت و وسیع مشاهده نمودند که غلبه آنها بسیار مشکل بود بواسطه دریاچهای
کوچک که احاطه کرده بودند یک راه ساخته شده را در حالت مد و خراب که از میان دو دریاچه بزرگی میگذشت
در به قلاع منتهی میشد که بهمان واسطه حمله و مقابله ممکن بود در صورتیکه از یوکیایو چشم بپوشند چنانکه از مقابل
وی نیز یک راه مد و خراب دیگر نیز مثل آن یکی میگذشت .

از آنطرف بر لیو سرهنگ مهندس حکم رسید که بر سر قریهٔ سیا اولِه آنتز که در مقابل
سینکو واقع است رفته به ساختن پل زورقی که سابقاً محل مزبور را مساعد نظر آمده مشغول شود یک دسته
مهندس و دویست نفر سرباز بحری در جوخه گی و در زیر اطاعت ژوریکیبری کاپیتن فرقات(۱)
بدست سرهنگ سپرده شده .

در هجدهم آآو سرهنگ مزبور با جمعیت کوچک خود جهة گذشتن از پیهو بر کشتیهای پل خزینه
و کم عمق سوار شده رو به نقطه که ژونک ها(۲) از دوازدهم ماه بواسطهٔ سرباز بحری فرانسه نگاه داشته شده
بود بحرکت آمد در دفعهٔ اول باین حرکت هیچ مانعی رخ ننمود لکن به مجرد رسیدن به کنار رود خانه که طرف مقابل بود
همین رسیده بودند که خود شانرا در حضور یک دشمن زیاد یافتند که از میان درختهای میوه که در دور قریهٔ سیا اولِه
آنتز کاشته شده بود یک تیر باران شدیدی بر سر آنها نمودند .

کمی عدد سپاه سرهنگ را مجبور کرد که علی العجاله خود داری نموده هیأت دولت مدافعه خود را از
دست ندهد و از فرماندهٔ کل امداد بطلبد پس از آن با باتالیون دویم شاسور آپیه علی قرب رسیده
ستون سابق به قوت گشت که دولت مدافعه را با جرأت تمام مبدل بر هیأت حمله نموده بر علاقات چینیها یورش
برد و آنها را مجبور بعقب نشستن کرد در این حرکت دستهٔ کاپیتن آدوکا از شاسور آپیه
مستعد حمله و گرفتن یک دسته توپخانه شد که مرکب بود از شش زنبورک و چهار عراده توپ .

لکن دشمن سوارهٔ زیادی را بصف آورده حمله بر شاسورها میکردند و ایشان را بهیأت
فرار و جوقه دسته سواره را بعقب پس نشاندند در این هین دستهٔ توپخانهٔ کوهی براه غایت کولونل
فولون قراند شامپ در تماشاگاه این گیرودار پیدا گشته فرار آخری چینیها را با چند تیر در
وقت باتمام رسانید .

(۱) فرقات کشتی جنگی کوچک که کمتر از یک دسته توپخانه و یا زیاده از سی عراده توپ ندارد است
(۲) ژونک کشتی چینی

این کار را به ید تصرف ما گذاشت که دو طرف رود خانه در دست و ساختن پل در کمال آسودگی
ممکن بود .

مساعدت و منفعت این نقطه تقاضا کرد که فی الفور ما بقی بریقاد اول را از رود خانه بگذرانند و ژنرال
ژامن مأمور بر فرماندهی همهٔ سپاهی شود که در دست راست رود خانهٔ پیهو واقع است .

در بیستم ماه ژنرال ژامن اعمال یک اطلاعات را بجا آورد بمقصود اینکه
رسید که در روشن نماید سر دهنه ها و تنگه ها وغیره که در پیشاپیش و جلو او بود دعاً قریب بر قلعه هائی
برخورد که به سختی در حمایت مستعد اند بطوریکه مجبوری شد که خود را از مقابل یک آتش توپخانهٔ شدید
و بزرگ دشمن به پیچید .

آن اوقات هیأت عمومی و مواضعات چینی در پیهو بکلی با تمام رسیده مستحکم شده بود .

در هر سمت هر فصل یک قلعهٔ بزرگ و محکم بود که دریا و حوالی سترها را میگوید و در سمت
فراز رود خانه نیز یک قلعهٔ دویم بود که آتش وی می پوشید اولی را و مستر اشید سطح رود خانه را
و بجهت حمایت جمیع اعمال تحصنات یک اردوی محصور وسیع از انتهای دریچه و باتلاقها و زمین
سخت مهیا بود .

هیأت بریقاد ژامن پوشید محل انتقال قلاع و تحصنات که در دست راست رود خانه بود با داخلهٔ مملکت
و هم چنین مترس بندی خطوطهائی را که بجهت عقب نشستن دشمن مانده بود .

در تدارکات پل که مخدرین بالش را که در میان سینکو و سیا اولِه آنتز مباشر شدند جد و جهد تمام کردند
اما عرض رود خانه که تخمیناً ... ذرع میشد و بعضی اشکالات از جذر و مد دریا و طغیان طبیعی رود خانه امیدواری
میداد که این عبور قبل از جذر روز یک ساعت شود و مصمم گشته که فی الفور در دست چپ به تحصنی حمله کنند که به تانق کو
نزدیک تر از همه است .

طرح سیر هوپ قران

این اطلاع و طرح ریزی که عموما در چهاردهم ماه تصحیح و تصدیق گشته بود در حقیقت نتیجه یک طرح تازه بود که سیر هوپ قران بیان نمود و تفصیل آن این است حمله نمودن بر قلعهٔ اول شمالی که بعد او از تانق کو مسافت هشتصد زرع تخمیناً پس از آن یورش بردن است بر تحصن دویم که در دست چپ رودخانه است باستثنات زورقهای توپخانه پس از آنکه این سمت چپ بکلی مسخر گشت آنوقت متحصن نمودن است رودخانه را در هنگام شب از خوابگاهات نزدیک همسایه و تدارک نمودن است یک جسر از برای زورقهای توپخانه که تا از عقب تحصنات جنوبی عبور نمایند که از آنجا میتوانند هم شعلهٔ آتش شوند با لشگر یکه اگر لازم شد از دست راست رودخانه فرستاده شود .

اگر هم از پیروی اینکار نتیجه مبرهن و مقصود حاصل شده بنظر می آمد و مشارکت امداد قسمت بحری اطمینان از آن میداد لکن برتری اصلی را آن این بود که از بنیان عمل چینیان دور نشوند چرا که احتمال کلی میرفت که در حقیقت از جانب لنگران بزرگ تحصنات جنوبی وعده و خیالی بوده باشد که در هیچ وقت از عقب ما موقع مساعد را از دست نخواهد داد و ما را برای فرصت خوب بیدار و مجبور نکند .

با همهٔ اینها ژنرال مونتوبان تکلیف خود را در تمکین دیده روز هشت دیگر ماه برای حمله معین گشت و بریقادای سیر روبرت ناپیر و ژنرال کولینو از برای این عمل مشخص گردید .

روز و شب هشتم بجهة مهیا نمودن پلهای کوچک بر نهرها و تعمیر گذرگاهای بد در سر راه برای حرکت بسر آمد ژنرال ناپیر که از اسلحهٔ مهندس بیرون آمده بود و بر تدارکات نیز خود ناظر گردید و از هیچ جانب ممنوع و معطل نگردید مگر از آتش چند دسته توپخانه که در دست راست رودخانه بهمین جهة گذاشته شده بود لکن تیرهای آنها بر روی عمله و کارگر بکلی بیکاره و بی معنی بود .

در عصر همانروز ژنرال کولینو آمده در حصار تانق کو اردوی فوری زد با یک دسته سرباز مهندس از باتالیون اول رژیمان یکصد و دویم و دو فوج سرباز بحری علاوه از آن یکدسته توپخانه دوازده پوند خاندار

و یک جمعیت جدا شده پل ساز داشت که در زیر فرمان کولونل فولون قرانلی شامپ بودند و یک دسته قورخانه فردای آن روز در صبح بسیار زود بر وی ملحق میشد .

فی الفور از برای اعمال فردا با ژنرال ناپیر مربوط گشت که اردو در جلو مرتب گشته مصالح جنگ خود را در پناه یک خاکریز مقرر فرمود هر دو ژنرال پس از آن قرار دادند که در حرکت فردا لشکر فرانسه دست راست را خواهد گرفت .

در هشت دیگم ۲ آف صبح زود بریقاد کولینو با باتالیون دویم بحری را در تانق کو گذاشته بواسطهٔ دو راه که از اردوی محصور میرفت بدر آمده یک سطح باتلاق مجوف را در میدان جنگ طی نموده خود را بدست راست سیر روبرت ناپیر رسانیده قرار گرفت .

تخمیناً در دو هزار ذرعی قلعه که در دست چپ رودخانه در فراز دجله گاه بود ژنرال فرانسه بر اهبات خود ترتیب داد دو عراده توپ وی بر توپهای قلعه کوب انگلیس ملحق گشته بر همان تحصن بسته شدند و چهار عراده دیگر از دستهٔ مزبور در نزدیکی رودخانه بر دستهای توپخانه پرداخت که دشمن از دست راست رودخانه بسته و آتش آنها ما را از راست و چپ میگرفت .

مقطع در سر اردوی محصور یوکیانو نبود چرا که چینیها پیش از وقت تخلیه نموده بودند

با باتالیون اول از رژیمان یکصد و دویم (کلونل او مالنی)

و باتالیون اول از پیادهٔ بحری (کلونل دو ا سوانی) در پشت سر توپخانه صف بسته و بواسطهٔ یک بلندی زمین مخفی و پوشیده بودند .

آتش متحدین تخمیناً از هزار ذرع بقلعه کشیده شده تا دو ساعت در کار بود بطوریکه درجه بدرجه بیشتر لحظه شدت و حدت وی افزوده میگشت و گلولهها کارگر میشد راست است نسبت بر توافات و محکمی خاکریزها کم خرابی میرسانید لکن فراوانی و افزودگی تیرهای ایشان مدافعه کنان را خوب تلف میکرد

دکمه کم توپهای دشمن را خفه و خاموش مینمود و حال آنکه همه آنها در ابتدا عاجز جواب و در نهایت شدخو و بدمزاج بودند .

پنجساعت بطور مانده یک غرش و شورش مهیب آتش و شعله باروت از پشت قلعه بهم پدیدار گشت در این حین ژنرال کولینو سه دسته سرباز از زژبان یکصد و دویم از خط جنگ پیش فرستاده خودش نیز با ایشان در پشت سر یک پلنته که تا پشت خندق سیصد ذرع فاصله داشت تکیه نمود و در همان وقت آتش توپهای متحدین قوت و شدت خود را دو مقابله کرد یک نیم ساعت پس از آن یک غرش و ارزش آتش دیگر خیلی مهیب تر از اولی قلعه نشیبی را واژون و متزلزل نمود که سبب این رعد و برق چاتمه و گلولها از لولهای دور انداز توپخانه زورقهائی بوده است که در مدخل رودخانه پشت به پشت داده مشغول بوده اند .

ولکن تیر قلعه فرازی دست راست رودخانه ما را از پایه اذیت میکرد هر دو عراده توپ اول دوازده پوندی و دو قمپوز انگلیس داوطلب شده بر آتش خانه دشمن رو نموده بر پراکنده نمودن و از کار انداختن آنها مشتری گشتند تا وقتیکه کاپیتن راندگور فرمان ژنرال کولینو رفت برای آوردن نردبانها بالا رفتن بر تحصنات و داخل شدن بر قلعه که مقابل ما بود .

این قلعه سه خندق پر از آب داشت که حمایت از یک نهر که با تلاق و پر لجن بود روشده که از برای آن دو راه مغشوش و لغزنده در کار بود عرضش زیاده از دو ذرع نبود اولی در حقیقت نداشت مگر آب کم عمق ساده که در عبور سدی داشت با امتداد کم که در وقت حرکت بجهة عبور با آسانی پیچیده گشت فاصله در میان دو خندق دیگر مسافتی که آنها را از پایهای خاکریز جدا میکرد پوشیده بود از موانعات دستی و عملی بسیار با تعجب و بسیار مختلف غالباً از میخها یا چوبهای تخت و تیز عمودی گسترده و پهلوی هم محکم شده بود که ملیبیت با تبر یک یک شکست و رفع کرد .

اطلاع و استحضار حاصل گشته آتش توپهای قلعه بالاخره خاموش گشت ژنرالهای متحدین متفقاً ستونهای حمله خودشان را بر بخشید ستون فرانسه از راست و ستون انگلیس از چپ مرکزی که در مقابل و نسبتاً دریا عقب آن واقع بود .

از جانب فرانسها دسته مجزان از زژبان یکصد و دویم به پیش شتاب نموده کواولی که حامل نردبانها و با چوب دیوار راه نمائی یک قسمت از رسد اول مهندس بوده در زیر حکم لیوتنان قانفلوف در همانوقت رو به پشت خندق حرکت نمودند کاپیتن بووه که باین کار اعلی مأمور بود در جای آوردن یک حکم از ژنرال کولینو زخمی شده بود .

دسته چهارم باتالیون اول از زژبان یکصد و دویم ملحق شدن را با سربازان مجزان بتأخیر نینداختند و کولونل اومالی این جمعیت کوچک را بزیر حکم خود گرفت .

از آتش تفنگ چیان جمعیت محسوس تلف گشت چنانکه از کواولی که زیاده تیر خورده و افتاده بودند شروع کردند که سراسیمه شوند مابقی رسید اول مهندس نردبانهای افتاده و چوب خرده را گرفته پیش بردند .

حمله مطول و پیوسته شد زیرا بر دوام و جلدی تبرداران و پاشیان ایشان و جوش بزرگ دست و غیرت سربازان ما که با بردبار و تمکین راه نمائی شده بودند موافقت اولیا مستو گشت نردبانهائی را که بجهة عبور کردن از خندقها در عوض پل بکار برده بودند بر خاکریزها گذاشتند که از پهلوی زوایای بیرون متزلزل و خراب نمایند چرا که نتایج عمل نقاط مزبور مساعدت و خوش بختی می بخشید .

سه دسته از پیاده بحری بجهة امداد دویده پس از آن در یکی از آن نقاط بکشمکش افتادند و چنانکه در روزهای سابق متداول بود گیر و دار آنها تن به تن اتفاق افتاد از یک طرف چند نفر از سربازان یکصد و دویم و پیاده بحری یک به یک با زحمت کلی خاکریز را با نیزه پیش بالا رفتند از آن طرف یک دشمن گرم و متغیر

از جان گذشته مدافعه میکرد و جنگ مینمودند باشمخالها و نیزه‌ها و تیر و کمانهای خودشان و بر سر حمله کنان با دست نارنجک میرختند و بعضی اوقات از آنها را دو باره بخندقها می‌افکندند و گاهی از فرق توپ برخی از ایشان را بخود میکشیدند با وجود این دوام و مدافعه و خفتها درجهٔ ثبات و خودداری تمام قریب به برف فرانسه در بالای خاکریز قلعه در دست فاسنارد طبال پیش رس پیراهن گشوده آستین بفشاند کلونل اومالیی و کماندان تسارد از پیاده‌گری و لیوتنان کلونل دبن و فرمانده اسکادرون سواره کامپینون و نایب کشتی رووپر فرمانده کواولی سربازهارا در پشت سر خودشان داخل فضای قلعه نمودند داخلها نه تنها بوسطه نردبان از زوایای برج و سر از زیر شدند بلکه از یک روزنه ساخته شده در دست چپ از وسط خط حمایل اصلی که در آن نقطه یک دری بهداشت بسته و با خاک کوبیده و پر شده بود بطوریکه توپخانه نتوانست خراب نماید یک قسمت از تبرداران را که لیوتنان کلونل دپوو که برای اعمال حمله متعهد بود در زیر حکم کاپیتن بزیا با نجا فرستاده بوسطه اسلحه و اسباب سوراخ کن آنها یک مجری که از برای گذر یک تن تنها کافی بود در آن خاکریز گشاده گشت که یک مدخل ثانی از برای یورش بر آن باشد.

گروه داران یک خط ساکت مانده فی الفور از سر گرفته شد در روی یک زمینی که دشمن قدم بقدم مدافعه میکرد با یک ثبات و دل‌گرمی که تقریر و تحریر بهیچ نیست چنانکه پس از غوغای جدید بار شادت و دلاوری و کفایت قلعه بکلی مسخر کردید.

عقبه از ستون انگلیس یکقدری با تأخیر افتاد چرا که از برای گذشتن از خندق یک نوع استوانهای میان خالی که در روی آب حرکت مینماید از گ دیده بکار میبرد اما از انقسم واسطه حیات دست کشید چون در مقام ضرورت نیز معطل میکرد و بکار نمیخورد و بهمین جهت مجبور از موانعات بطوری آن اشکال بهم رسانید که بکشتن زیاد مجبور گشته زور زیادی برد.

وقتیکه انگلیسها داخل قلعه شدند دشمن بکلی در اضطرار و فرار بوده با شتاب تمام از جمیع روزنه و گذرگاها سپردن مینمودند و از خرقهها خودشان را بپایین می‌انداختند و بسمت قلعه و حصار دویم میکریختند در زیر یک بکرگ شده بر سرپلی واهی که گذشته هنگستان وی زمین را بدندان میگزید.

هزار مجروح تار تار که در میان آنها جنازه فرمانده کلشان شناخته شد در میدان مانده بود و از طرف ما نیز تلف شده بسیار بود ولی معلوم که در این تماشاخانهٔ مخوف هولناک چه قدر مقاومت و خودداری کشته است.

فراند پرریو نایب اول دسته مجزان از رژیمان یکصد و دویم و دشاید صاحب منصب سواره که مامور بجمعیت کواولی بود در مقصد رگ زده شده بودند و نایبان دویم بالم و پورت و اجودان لون خطرناک زخمی شده و کماندان تسارد بمنزل پیاده بمگر از زخم نیزه دریده شده پس از آنکه از خاکریز یک گلوله بزرگ بر سر او غلطانده و دهشت در رو نموده بود ما زیاده از دولست نفر از کار جنگ افتاده داشتیم و از انگلیسها نیز تخمیناً همین قدر را میشد معدود نمود صاحب منصب از ایشان زخمی گشته کاپیتن برو ادگ فرمانبر ژنرال نایپر نیز داخل آنها بود.

شهادت تسخیر قلعه اول یک فتح و ظفر کامل بود اما هنوز سه ساعتی ظهر بود و جای آن داشت که تعقیبیان را تعاقب کنان حمله بر دویم برند.

وقتی که فرمانده کل بر تحصنات مسخر داخل شد شعلهٔ آتش خانها از دست راست رودخانه که سوی آذیت زیاد جاها میکرد بکلی فرو نشسته بیرقهای سفید در روی جمیع موانعات و تحصنات دشمن کاشته و افراشته کردید.

از ایلچیان پس از آن حاضر و ملاقات جویان گشته با وزرای مختار و چون ایشان غایب بودند فرماندان متحدین بر آن شدند که در جنگ فی المجلس مهلتی دهند که بر جمیع نمودن زخمداران و زخمی شود لهذا اعلام نمودند که دو ساعت بعد از ظهر رعد و برق گیر و دار تجدید خواهد گشت مگر آنکه بکلی مطیع

محصور شوند .

پس از استعلام و استشاره چینیان با وجود یکه بیرقهای سفید برپا بود چنان استنباط گشت که دشمن در محصن
قصد مدافعه بهمان ثبات و دوام سابق دارد پس مهابت منتظر شده بر یک طرف و خورد خلیج تحت برج خطرناک
تراز اوتی حرا که در مقام حمله بر قلعه دنشیب دست چپی لشکر بکلی خود را در زیر آتش حصنهای دست راستی مجبور

در این هنگام ژنرال موتوبان مثل سیر هوپ قران
از لشکری که در حصن تانگ کو ساخلو گذاشته بود علیحده بر کلونل بانترمان نوشت که ده دسته توپخانه
چهار پوندی یک جوقه قشنگ جنگی نیز با آنها بفرستد او بی اهمیت با خط مستقیم بر پیش آن حمله گاه بسته شده
در صورتیکه دسته توپخانه دوازده پوندی و قشنگ جنگی در لب جنوب رودخانه پیه هو صف کشیده تحصنات طرف
مقابل را بکوبند .

در سر ساعت موعود بدون کم و زیاد متفقین براه افتادند ژنرال کولینو دست راست را گرفته توپخانه در
جلو آماده برای آتش و مابقی لشکر در عقبه متحرک بود .

انگلیسها نیز بترتیب بهمین جهات و ترتیب سمت چپ تکیه داده بطوریکه حمله را یکی از عقب تحصن و
باستیان دشمن بزند .

هر دو لشکر را تعجب زیاد بود از اینکه بیرقهای سفید در سرها ایستاده و همه تحصنات جنوبی خاموش مثل قلعه که در
پیش روی … نزدیک میشد توپخانه چنانچه … بکنار خندق رسید بدون اینکه یک تیر تفنگ خالی شود … جمع
راههای قلعه را مسدود یافتند و مجبور گشتند که خاکریزها بواسطه نردبان بالا روند و راه بگشایند اما هیچ مقاومت
از تاتار برای ایشان مقابل نگشت بزودی هر دو ستون وارد گشته در و اطراف آن بر یک متحفظی برخوردند
که در دست ایشان اسیر و ناچار مانده باشند که مرکب از سه هزار نفر بود و … خودشان را بزمین … چنان معلوم
میشد که یک دلسردی و نا امیدی ایشان را خاموش و فراگرفته است .

این جهات و حالات دردناک انبوه قلعه داران از جانب قلعه گیران در میان یک تحصن محکم با وفور
توپخانه مهیب با گلوله‌های بزرگ گلوله در روی باستیانها بر دل شکستگی و پژمرده‌گی دشمن دلالت
میکرد و چنان واضح میبود که از جمیع خیالات مقاومه و مدافعه بکلی افتاده اند و ژنرالها فی الفور باین
خیال آمدند که از نتیجه کامل نصرت خودشان اطمینان حاصل کنند و با نتها رسانند .

شف اسکادرون کامپنون و کاپیتن دکواول در کار بودند
که اسباب و وسائط بجهة عبور کردن از رودخانه فراهم آورند بهمین جهة هفده جنگی ژونک کرده دستگیر
کردند لهذا بر کاپیتن داندکور حکم رسید که خود را بشخصه برود دست راست رودخانه رسانده باتفاق ماژور
آنسون و دو نفر نایب دیپلوماتی انگلیس موسیو پارک و لوک هم باجوریت
اینکه رفته والی مملکت پتشلی را بر تسلیم نمودن جمیع تحصنات ناچار و مجبور کنند .

و از داخل شدن آنها بر قلعه اول جنوبی اولا حسب الحکم یک ماندارین جنگی تابع گشته پل دروازه را
از پیش روی آنها … اما در همان آن یک ماندارین دیگر حاضر شده خود را حامل نامه برژنرالهای
متحد قلمداد کرد مبنی بر اینکه چینیها عطا مینمایند در ترک دعوا تصرف تحصنات شمالی را و کشیش رودخانه را
بر اسباب و آلات بحری اما ایشان از برای خودشان همه تحصنات دست راستی را نگاه میدارند .

و نشاده کان انگلیس و فرانسه از مطلب آگاهی یافته بدون تکیه و امکان ناچار را انداخته
قصد کردند که رفته والی را در عمارت یامون در سیکو پیدا کنند .

از آن والی بزرگ و موقر شرفیابی حاصل کردند با یک مناجات و تشدد زیاد که بزودی یک مجلس گفتگو
و مشاوره برپا شد در صورتیکه مسیو پارک ابلاغ کرد با ادب تمام جمیع اعتبار و اعتقاد لوردالژین را
بخصوص بعجب از اینکه لسان و عادات مملکت را میدانست با قابلیت تمام نیز سخن فرنگی با تکلم سخنی زیاد
جاری و ادا نمود .

مدت چهار ساعت والی مقتدر تخت السیاده محافظت کرد در این مدت هر چیزی مفید ابدا اما در آخر بواسطه السیاده که به حکم ایلچیان مغلوب گشته راضی شد که تکالیف فرماندهان کل برّی و بحری لشکر متحدین را امضا

نماید که تفصیل آن مختصراً این است .

۱ بکلّی تسلیم کردن است تحصن وار دوهای محصور دست راست را جمیعاً با همه توپخانه و قورخانه و ادوات

جنگ که در آن نقاط است .

۲ فرستادن یک نفر صاحب منصب چینی است که آمده در تحصنات انبارهای باروت و نقبها وغیره پوشیده

را نموده و واضح نماید .

۳ متعهد بودن است بر دادن استحضار در اطلاعات ممکن و لازمه را در اعمال سدها و موانع ساخته و انداخته شده

در مدخل پیهو .

این شرطنامه در ابتدای روز بیست و دویم بر فرماندهان کل گذاشته شد اما از همان شب بیست و یکم دستهای

پیاده بحری ما از جدا شده کان انگلیس رودخانه را گذشته قدم بر دست راست گذاشتند قلاع و تحصنات

با بی نظمی تمام از لشکر تارتار تخلیه شدن را گرفته قشون داران خودشان را با تعجیل تمام بر سوی پایتخت پکن

کشیدن آغاز کردند .

شمارش گریزنده کان زیاده تر بود از سه هزار اسیر گرفته شده از قشون دویم دست چپ که حسب الحکم فرماندهان پس از گرفتن

اسلحه ایشان را آزاد و مرخص نمودند اگرچه این ترحم و انسانیت خبط بزرگی است که بر قوه دشمن باید خود بیفزاید

و احتمال کلّی میرفت که دوباره اسلحه گرفته بر خلاف ما برخیزند چنانکه در اکثر این طور هم شد لکن با نبودن آذوقه از دو شق

خالی نبود یا محافظت ایشان را آزاد کردن یا اینکه آن همه را که بدون مدافعه و مقاومت تسلیم شده بودند تیرباران نمود

مختصراً از زمان اشغال روز بیست و یکم سپاه تسخیر پنج قلعه در دو وادی محصور شد

و یک مقدار بیحد و اندازه اسلحه مختلف از هر قسم و نوع و قورخانه و ابزارآلات حرب و آذوقه و پانصد و هجده عراده

توپ که صد و ده عدد از آن از برونز[1] بود .

در این گیر و دار سخت و خونخوار ژنرال کولینو یک رشادت بزرگی نمود که فرمانده کل در حکم و باد داشت عمومی خود

از او تعریف و تحسین را بر هوش و ذکاوت و سکوت آرای وی و بجا آوردن اعمال حمله و یورش دیگر لکه

اپولت وی در هنگام جستن و بالا رفتن از تحصن بضرب گلوله سوراخ شده بود .

نتیجه و حاصل عمل تصدیق کرد خیال و طرح جنگ سیر هوپ گران را اما تعقل کمتر از آن ثابت میکرد راستی

و درستی ملاحظات ژنرال مونتوبان را باری پس از گرفتن تحصنات شمالیه که جنوبیها خود تسلیم شدند

بدون اینکه یک تیر توپ و تفنگ بکار برند بسیار با زحمت و مرارت شد اینکه از سدهای رودخانه یک قسمتی را

کنده که راه و معبری از برای گذشتن زورقهای توپخانه بحری بکشایند پس قوه بحری چه میتوانست بکند اگر تحصنات

دست راست چنانکه با حضور ستون سپاه ژامن که اطلاعات از هیئات آن با شهار رسیده بود ؟

مقاومت و دوام طول میدادند و جدا فوکمری بستند ؟ نمیشود حدس کرد که انهدام مدافعات دست چپ سودخانه

آموقت اندکی مطلب را نزدیک میکرد اما اگر عنان سخن را از روی قاعده علم سپاه و جنگ بجنگ آوریم

میبایست بجلو شروع کرده چنانکه در دست چپ در راست نیز جد و جهد کرده قدم فشرد و جمیع اعمال را

معمول داشت تا اینکه بر را نمودن جمیع تحصنات دشمن را مستأصل و مجبور کرد .

بر ژنرال مونتوبان طرح و نقشه‌های سردار انگلیس پسندیده بود و ایراد میگرفت اما بر پیش رفت

و اتمام کار بواسطه یکانگی و اتحاد و عزم جزم کلّی طرفین که بود اطمینان داشت مدخل پیهو از آن وقت

به بعد بر متحدین منفتح شد و پس از بیست و دویم ماه آآو امیرال هوپ آمده در مقابل تحصنات لنگر

انداخت .

رفتن امیرال هوپ به شهری برای اینکه پیهو را گرفته رود تاتین نسپین

پس از آن یک کاری نمود که خیلی غریب بود و لازم میشد که در سر خیال عزم داشت اما او که وزرا شهیا پادشاهش کلی

وعده داده بود چیزهای مختلف نوشت و ترجمه‌ای زیاد کرد در بیست و سیم امیرال انگلیس چنان وا مینماید

(۱) فلزیست مرکب از مس و قلع و برنج

که از هیچکس صحبت نکند مگر از شخص خود و مد آب دریا را غنیمت دانسته داخل رودخانه شود و بالا رود و تین تسین
را با سه زورق توپخانه بهرای مسیو پارک منظور نظر نماید چنانکه نمود سیر هوپ غران و لورد
الگین شاهد کشیده اند اضطراب حواسشان را از این رفتن و حرکت شد و سریع که اطلاع نداشته اند در صورتیکه
ژنرال مونتوبان نیز از آن مستحضر نشد مگر بطور اتفاق .

پس از اعلام در بهار سروز امیرال شارنر بجهة ملحق شدن بهم کار خود یکدقیقه از وقت فرصت خود تغافل
نکرد چون در تین تسین نیز مثل سایر جاها مطابق دستور العملها میبایست بیدق فرانسه در یکسان خود را
با بیدق انگلیس بنماید .

امیرال هوپ سرافکنده و شرمسار و متألم از نقش و رنگ بمایه خود چون البته آرزوهای عمیق و متین در
حق قوه بحری داشته است آیا خیالش این بوده است که از آب بی پشتهر حمله و هجوم کند که نتیجه آن قبول قسمت نشود
آیا بر آن نبوده است که همیشه اینگونه حکایت و جسارت بدون تجربه و امتزاج میتواند باعث یک قضیه بدی شود
بعینه مثل گذارش پیهو در سال گذشته در صورتیکه رودخانه و دخول آنمکان ممنوع بود بواسطه دو باستیان و تحصن
وسیع مسلح از توپهای بزرگ با گلوله های بزرگ بطوریکه آتش آنها در روی رودخانه مخلوط همدیگر را بریده روی آب
را میتراشیدند و احتمال کلی میرفت که آن نقطه را نیز مثل مدخل خود رودخانه بسته و مسدود یافته باشند
از یکی جوخ متحدین چینیهای کوبیده و چیده با آنطرف تین تسین پناهیده بودند چنانکه دروازه را باز و اهل شهر را
امر زبایقند که سوای از صلح استدعائی نداشتند .

پس از این خبر مبرهن گردید فرماندهان کل مصمم گشتند که با یک قسمتی از سپاه خودشان رفته مکان مزبور را
از خارج تصاحب نمایند تا دیگر احتراز نموده باشند از بی نظمی که احتمال میرفت از فرار گرفتن سپاه در میان سکنه
روی بدهد .

یک تدارک اول مرکب از هزار نفر انگلیس از رژیمان اول و شصت هفتم و یکدسته توپخانه آرمسترونگ

در زیر حکم و اطاعت بریقادیه ستاولی در روی پیهو بارگیری کرده سوار شد ژنرال مونتوبان
از جانب خود بهمان مقدار تدارک و جمعیت پرداخته فرماندهی بعهده کلونل شمیتز گذاشت سپاه
در بیست و ششم آآو وارد تین تسین گشت در همانوقت که ژنرال قران و لورد الگین
و بارون قرو در راه پایشان ملحق شده بودند .

حرکت فرمانده کل فرانسه بواسطه عوض کردن و تغییر دادن کشتیها در نقاط متعدد در جریان این آب
که این قدر مشکل کشتی رانی بود به تعویق افتاد و نرسید مگر در بیست و هفتم ماه .

دست راست بعهده انگلیسها و دست چپ رودخانه بعهده فرانسه گذاشته شد مشروط براینکه لشکر
طرفین در فراز و سنگرهای مستحکم چینیها در سر ربع یا یک فرسخی شهر واقع بودند اردو بزنند .

سیر هوپ قران اولا قصد کرد که مجدداً لشکر خود را در میان سینکو و تین تسین برده مقدم نماید
اما ژنرال مونتوبان مانع گشت بملاحظه مهیا و آماده داشتن سپاه خودشان همیشه در زیر دست پس
از آن هر دو لشکر نزدیک با هم در حوالی آن مکان انگریا جمع گشتند .

یک عامل مشترک مأمور براینکه با اهالی دولت چین مرتب شود مجدد و رود متحدین که معین و دستورالعمل داده
شده بود فی الفور مشغول شد که از خدمات آذوقه و ذخیره خاطرجمع شود چنانکه از هر قسم محصولات
مختلف مملکتی که ممکن بود مضایقه از رواج دادن ننمود که در هر دو اردو بنوا انی جمع و خرج شود .

در این اثنا یک خبر حمله و غوغائی رسید که در بیست و هم ماه آآو از یاغیان در
سها نقهای روداده بوده و لیوتنان کلونل فاود از توپخانه بحری و کلونل
مارس از لشکر انگلیس ایشان را تعاقب نموده بودند .

رسیدن اخبارات از مملکت سها نقها

علامت حمله و حرکت این یاغیان و راه زنان بواسطه آتش زدن بر دهات حوالی شهر بوده
که بفاصله دو ساعت یک جرخچی گری کوچک با لشکر دولت چین واقع شده دست و پنجه گرم و نرم شده

بوده است که در اندک فاصله این آخریها قرار را بر فرار مبدل کرده رو به دروازهٔ مغربی شهر شتاب میکنند که یاغیان تعاقب کنان پشت سر ایشان داخل بر خارجهٔ شهر میشوند .

فرماندهان متحدین که در شهر گذاشته شده بوده اند بجهة نگهبانی سپاهانهای و تبعهٔ فرنگیها یاغیان را از آن حالت باز داشته چوب بندی و خاکریزها بلند و برپا میشود که یکی از آنها برای ممانعت از محل دخول شمالی محلهای خارجهٔ شهر میشود و از سمت شرقی وی با یک عراده توپ کوهی و یک دسته سرباز .

یاغیان با این موانعات ممنوع شده پس از آن بر بی عرضه الی طبیعی خود مشغول میشوند و قتل نمیتوانند بکنند مگر کمی از اهل مغلوق و اهالی آنجا عجالة فریب از هیچ فرار مینمایند اما غارت با منتها درجه میرسد .

یاغیان بواسطهٔ خانههائیکه متصل و در دور پشت خندق واقع بوده اند پنهان و در پناه میشوند که آتش قشون آنها را نمیگرفته است مگر در وقتیکه آشکار میشده اند .

در چهار ساعتی انگلیسها بقصد سوزاندن یک قسمتی از خارجهٔ شهر افتاده بوده که مقابل قراول خانه و محل ساخلو خودشان بوده تا اینکه دشمنان در آنجا مشاهده شوند .

تاراج تا منتهای شب طول میکشد با عقب و جلو که پشت سر هم از خارج میرسیده است .

کماندان فاور باحتیاط اینکه نمیتوانند ببینند که انبوه این یاغیان بر تمومهای ما حمله و غلبه نمایند و نمیتوانسته است بر جمعیت کوچک که در زیر دست داشته است حکم کند که با آن همه یاغی خانه بخانه جدال کنند در آخر قصد نموده بود که قسمت شمالی خارجهٔ شهر را از سمت شرقی آتش زده بسوزانند .

بالاخره در روز دهم ماه وقت ظهر یاغیان بر محل دخول این محله جمع و حاضر میشوند که از این طرف با قیوز ؟ خوش آمد نموده آنهائیکه ابرام در پیش آمدن داشته اند از آتش سربازان عقب میروند .

در دو ساعت بعد از ظهر در نقاط متعدده آتش شعله ور گشته و دشمنان رسیده قریب به دو سه هزار نفر از سمت جنوب رو به فرار میگذارند که انگلیسها دریای خاکریز را بر روی آنها بسته راه گریز آنها را میبندند

در بیستم ماه در جهای غربی دوباره تدارک کوشیده با بیرقهای متعدد نمودار و متحرک میشوند و در شب مجدداً راه سیکاو را گرفته میروند و پس از تف ساعات بعضی از آنها در زیر آتش انگلیسها جوقهای سربازان خودشان را پیش برده میدانیکه از برای اسب دوانی بوده است ضبط نموده بر قرار میشوند .

در بیست و یکم بار دیگر جاهای خودشان از نو مراجعت مینمایند اما بدون اینکه بتوانند نزدیک شوند اگرچه از بلندی جنب شهر هم بوده باشد .

خوش آمد و پذیرائی که از طرف پادشان شده بود قسمی نبود که از مقصود ما نسبت بایشان شبهه و شکی باقی مانده باشد و لکن فرماندهان متحدین چنان خیال میکنند که در این جنگ هم ما بایشان ضرری نرسانند اگرچه بجا و لازم باشد مبنی بر اینکه از میان برداشته شود عداوت و جدالی که بواسطهٔ تحریک و تحریص جمعی از غربا برپا شده است در اینکه یاغیان خودشان را بر سپاهانهای داخل نمایند و با کینیت از اینکه با هنسائی ایشان ملاقات نموده تفصیل خیالات مصلح را بیان کنند از جانب متحدین غیور قسمت بزرگترین از اهل فرنگستان را .

مسیو فور جوان مترجم انگلیس بر این ماموریت خطرناک که بیم جان در میان بود داوطلب شد که نوشتهٔ فرماندهان متحدین را برده بر خود همان رئیس بدهد .

جواب در بیست و یکم رسید عمدهٔ مطلب اینکه یاغیان سپاهانهای طلبیده شده اند و بر طرف مقابل و مخالفین که در آنجا بر خواهند خورد یک قضیه بروز خواهد داد و بزودی با یک جمعیت کلی انتقام خواهند کشید

وعلاوه از آن این کلام را افزوده بود که وقت آنست که فرنگیها خیال نمایند برانکه بدبختی بزرگ را بادست خود بر سر خودشان نکشند .

چند ساعت بعد از آن که این نامه رسید یاغیان عقب نشستن آغاز کردند و رئیس آنها یک انتشاری در اطمینان منافع مذهبی و تجارتی ماها داد و مشهور کرد که برقراری متعلقین ما را در سیکاو بزیر حمایت خود خواهد گرفت چون مدتی همه آن تخمیناً دست نخورده مانده بود .

در این گیر و دار چند روزه وقتیکه سپاه ما باستمداد یکدسته سرباز بحری در خور خستگی مرگ از چهل و پنج نفر باهیبت تمام هیبات خودشان را در مقابل انبوه دشمن نگاهداشته منت زیاد بر لیوتنان کلونیل رشیر و با جرأت فاور و کلونیل مارش گذاشتند .

خطر درجه بدرجه دور و جدا میشد لکن احتمال کلی میرفت که مجدداً بر سهانفهای حمله نمایند و قوه فرمانده فرانسه کافی نبود که نگهبانی چنین نقطه را که برای مدافعه لازم و در کار بود نماید .

همچنین ژنرال مونتوبان بمجرد رسیدن خبر این قضایا با تعجیل تمام در فرستادن یک امداد از دو دسته سرباز و یک رصد توپخانه کوهی بادو نمود .

سیر هوپ قران نیز از جانب خود چهل و چهارم رژیمان را به سهانفهای فرستاد .

یک انگلیس بجهة حمایت یاغیان یک استحکام و تکیه گاهی طرح و ترکیب کرده بود در مرتبه منظری آمد که با تمام آن کار بکوشد بخیال اینکه این بهکاران که مملکت را خراب و ویران مینمایند پشت سر آن یک شورش بزرگ خواهد شد و تغییرات کلی روداده آنجاها بر فرقه پروتستان که غالباً انگلیس است منتقل خواهد شد چنانکه بیان میکرد یک روزنامه

مخوس از سهانفهای که تیراندازی مذکور یکدفعه حفظ کرده های خود مسیو برس را میگیرد و حال آنکه در این قضیه و سانحه بدنام و رسوا بر خلاف آن بی تقصیر و با درستی و جسارت تمام راه رفته بوده است .

فصل چهارم

تین تسین بنا بامدرزای دولتین انگلیس و فرانسه فقط بود معین شده که بجهالت عمل مصالحه درآنجا بگذرد یعنی احتمال کلّی برآن داده میشد در صورتیکه چینیها در زیر لکد فتح و ظفر متحدین از نه فقط رودخانه و غیره بوده البته طول دادن بر مقاومت را ترک خواهند نمود و باین جهة بود که همه خیرانه نشین و مصالحه جویان از جانب دشمن تا آنوقت دور و کنار مانده بودند امّا از آنوقت به بعد وزرای مختار کوششهای خودشان را خواب بنده بودند که تا از شدت ورود و خیال زیارت و دولت در پکن هم مشنوند .

برانجام امورات سفارت در تین تسین

خلاصه قبل از آنکه ازدحام خودلشکر مأمورین به تین تسین آید خبر فرستاده شدن یک مأمور بزرگی برآن شهر بروزرای مختار رسیده بود آن شخص مأمور همان کولیانی بوده با آنکه سابقاً در اعمال سنه ۱۸۵۸ مسیحی منشاء کار و در مذاکره بوده است این ماندارین درسی و یکم ماه رسیده حسب الخواهش وی اشغال تجارت فی الفور معین و بریده گشت .

گفتگو و مکالمهای طولانی بمیان آمد از آنجمله انگلیسها در سر عدد و مقدار عوض مخارج در این واقعه خود را ملایم و سهل جلوه میدادند لکن در این مجال لورد الجین زیاده از حد و اندازه ملاحظه منافع و مصلحت آینده نسبت بر ملت خود بواسطه این جنگ نمود و در همانوقت تسلی بر گذشته و حالیه تخیلات خود برآورد کرد حاصل عمومی تجارت کل بر اهل دنیا و مخصوصی فروختن تریاک محصول و معهودی معتبر گشت راست و متفقین ما نیز میدانست که دولت فرانسه چشم و داشت منفعت و بر عوض مخارج و خسارت امید و آرزو نداشت و لکن بارون قرو خیال میکرد که بواسطه مجبوریت مخصوصی اشکالات ایجاد نماید و دیپلوماتها تمام کردند جمیع شرایط مصالحه را چونکه بر هیچ مطلبی اقدام نکردند که از آنطرف اطاعت و قبول نشود پس از آن معاهده شده که رفته در خود شهر پکن عهدنامه را مبادله کنند .

انگلیسها خواستند که این مجلس رسمی مبادله را با یک جمعیت متحیّر نظامی احاطه و روشن نمایند تاکید کردند براینکه بر پای تخت دولت چین با یک جمعیت که مرکب باشد از هزار نفر توپچی و سرباز و سواره داخل شوند این شرط قبول شد امّا با زحمت و اشکال که کولیانی شرط مذبور را دست خط و امضا نمود و مانده کل قرار فسخ پس از نمودن ملاحظه و یادداشت خود در فرجام کار که این تعداد قوّت و جمعیت بجهة امضا و مبادله یک عهدنامه دوستی و صلح ختامه علیه اند که باعث هنگامه لحن و ناممیمون شود برآن شد که در این مقاله با مقصود رفیق و همکار خود رفتار و مقدار ...

اصلح را در جمیع نقاط و نکات مراوده و مماشات ملاحظه نماید .

پس هر یک از طرف انگلیس و فرانسه برای تهیه اسباب و ترکیب مأمورین و جدا شده‌گان مزبور پرداخته
حاضر و آماده مینمودند تا اینکه در هفتم ماه سپتامبر در وقتی که بهایت عهدنامه امضا شود به سرداران
خبر رسید که کولیانی از وزیر مختار انگلیس تفره زده شهرت میدهد که دولت چین تعهدات
و تکالیف شاق را در قرار نامه همیون خود مقبول و مستند نخواهد داشت با علی‌این شخص نائب بزرگ
که اعتبار و اختیار نداشته است پس از آنکه ابتدا و انتهای عمل بقدر مقدور از روی قاعده مقابله و موازنه
طرفین گذشت نموده است مکر و نقش سازی و نیرنگ بازی مجدد از جانب دولت چین برای اینکه
برسان کولینزین فرصت شده سپاه زیاد در مقابل پکن جمع نموده بر مدافعه و مقابله تدارک ببیند(۱)

از حیله و تذویر در وزیر مختار را در وغی چینی یک دفعه پرده برافتاد

و چهره بر افروخت محقق است که نهایت عمل دیپلوماتی موقوف باشد تا اینکه اقدام و ابرام جدی
لشکر طرفین عنان ایالت پکن را کشیده بزیر تسلیم و اطاعت آخری قانون و تکالیف اقلیم
گران و فتح گمان گذارد لورد الژین و بارون فرو ایستاده که خواهش و التماس دشمن
را نباید قبول کرد و گفتند مگر در شهر تنق شااو که در پنج فرسخی پایتخت واقع است و حکومت
اعمال و مشغله‌ها را از نو بر سرداران گذاشتند که با سپاه خود شان پیش بروند و تقرب جویند .

بنابر آن ژنرال مونتوبان و سیر هوپ قران فی الفور بر ترتیب
بهایت خود پرداخته قوه سپاه خود شان را چهار قسمت نمودند که یک مستحفظ در تین تسین
مقیم باشد که از امنیت و آسوده‌گی آن مکان که در آن زمان بنیان اصلی اعمال جنگ بجهة ذخیره
و عقبه شده بود اطمینان و ایقان داشته باشند .

این عقبه مرکب شد از طرف این و آن از بریقاد ژنرال کولینو و از بریقاد سیر روبرت نابیر

(۱) در آخر کتاب نسخه‌های مراسله‌جات را باید دید

انگلیسها دو ستون جنگی ترتیب دادند دو تای مرکب از
رژیمان نود و نهم پیاده و از رژیمان دراقون و از جمعیت بقیه عده سیکا و فانیر دو
دسته آرمیسترونق مشتمل از هزار نفر دویمی مرکب از شصتم رژیمان ریفلیر و از سیوم
بوف و باقی سواره بهم جهت دو هزار نفر در شمارش .
فرانسه‌ها برای امانکار یک ستون حمو بستند که من حیث المجموع از صاحب منصب و تابین دو هزار و هشتصد
هشتاد و شش نفر در شمارش بود که در لوح مفصل ذیل واقعیت عدد سپاه مأمور را مینماید پس از
تعیین اقسام وی که ژنرال مونتوبان قبل از حرکت خود مقرر فرموده بود .

لشكر اوّل از ميان سپاه كل منتخب وسوار شده

تعيين اسامي ونوع	صاحب منصب	سپاه	اسب زين	اسب باركش
باو فرمانده كل	٥	١٧	١٤	١٣
آتاماژور كل	٣	١٣	٦	٥
خدمات نقشه كشي	٥	١٢	٨	١٠
آتاماژور بريقاد اول	٣	٩	٧	٦
باتاليون دويم شاسور آپيد ..	٣١	٦٥٨	٤	٢٢
رژيمان يكصد ويكم از صف جنگ	٤٩	١٢٠٨	٨	٤١
توپخانه (١)	٢٦	٤٤٧	٦٧	٢٠٨
مهندس	١٠	١١٨	١٥	٣٥
ژاندارمري	١	٧	٨	〃
سواره	٤	٤٠	٤٤	٤
نظارت	١٥	٦٥	٧	٢٦
كواولي	〃	١٤٠	〃	〃
جمع	١٥٢	٢٧٣٤	١٨٨	٣٧٠
جمع كل	٢٨٨٦		٥٥٨	

(١) توپخانه ...... { دسته اول از رژيمان ١٤ (چهار پوند خاندار)
دسته نهم از رژيمان ١٤ (دوازده پوند خاندار)
جدا شده كان پل ساز (هفتاد نفر)
فشنگ انداز (پنجاه نفر) }

لشكر دويم متوقف اردوي تين تسين

تعيين اسامي ونوع	صاحب منصب	سپاه	اسب زين	اسب باركش
آتاماژور كل	٣	٦	٦	٤
آتاماژور بريقاد دوّيم	٣	١٠	٦	٥
باتاليون دويم شاسور آپيد	١	٦٢	〃	〃
رژيمان يكصد ودويم از خط جنگ	١	٥٤	〃	١
رژيمان يكصد ودويم ايضاً	٥٩	١٣٢٠	٩	٣٦
پياده بحري	٤٢	٩٤٧	٤	٤١
توپخانه (١)	٢١	٤٧٠	١٢٠	١٣٢
مهندس	٢	١٠٤	٢	٣
ژاندارمري	١	٧	٣	〃
سواره	〃	١١	١٠	٣
نظارت	٢٧	١٧٢	١٠	٣٧
كواولي	〃	٩٦٠	〃	〃
جمع	١٦٠	٤١٢٣	١٧٠	٢٦٢
جمع كل	٤٢٨٣		٤٣٢	

(١) توپخانه ...... { دسته دهم از رژيمان ١٦ (چهار پوند خاندار ميدان)
نهم دسته از رژيمان ١٦ (دوازده پوند خاندار)
جدا شده پل ساز (بيست وپنج نفر) }

تتمهٔ پیادهٔ بحری که در شمالی ایالت چهن پیاده شده بودند برداشتن تحصنات دست چپ رودخانه
پیهو مشغول چنانکه دست بستهای معهدهٔ متحده متفقین واگذاشته شده بود .

از نهم سپتامبر ستون اول انگلیس تین تسین را گذاشته با سیر هوپ قران و لورد
الگین راه پکن را پیش گرفته و فردای آن روز تتمهٔ ستون پیروی مینمود .

در واهم در میان این دو ستون با یک روز فاصله از هر کدام آن ژنرال مونتوبان بهمراهی بارون قرو
و با لشکر خود که در زیر حکم و فرمان فوری ژنرال ژامن گذاشته شده بود حرکت نمود در پوکااو
منزل اولیه فرانسه با یک طوفان باد و باران و رعد و برق شدید سخت دوچار شدند که دوازده
ساعت طول کشیده راه نماد بلد و باربرهای مزدور چینی فرصت را برای گریختن غنیمت دانسته شبانگاه
با اسبها و قاطرهای خودشان در رفتند که اولین متعهدین باربرکشی لوازم لشکری بودند پس از آن
وسایل حمل و نقل در حرکت بعهدهٔ خود لشکر گذاشته شد .

فرمانده کل جواب خیال نموده بود که از اصل جریان آب پیهو را از برای حمل و نقل احمال و اثقال حرب
از دست ننهد و بنا بر خواهش وی در همین باب امیرال شارنیر یک نفر صاحب منصب بحری مامور نموده
بود که رفته بپیماید و بفهمد که تا کی آب رودخانه قابل کشتی رانیست از کم طالعی این صاحب منصب
پس از خارج شدن از تین تسین مشتبه گشته مجرای اصلی رودخانه را گذاشته یک نهر بزرگ ساخته
شده که بسمت چپ از آن جدا میشده عوضی رفته بوده است که از نیم فرسخی شهر عمق کافی نداشته است
اگر چه از برای یک زورق نشسته مختصر هم بوده باشد .

بجهت همین خبط بوده که ژنرال مونتوبان چارهٔ دیگر نداشت مگر اینکه حکم دهد بر دست و پا کردن و فراهم
آوردن عراده و بارکش آنچه که در خود شهر تین تسین و نواحی آن ممکن و مقدور میشده است و این
نشد مگر در منزل و اردوی فوری اول که جمع زده ... راست گشت پس از آنکه راه نمایان و باربران

فرار کرده بودند یکدفعه در روی پیهو کشتیهای بزرگ چینی مشاهده کرد پس از آن جویا
گشته از چینیها فهمید که این بارکشی و کشتی رانی از تنق شااو می آید و غیر از آنها در روی
رودخانه زنهاران جنس کشتیهای زیادی موجود بود فی الفور بر گرفتن از آنها بقدر بیست فروند
حکم داده از برای خدمات حمل و نقل آذوقه و غیره مرتب نمود .

این خدمت مهم سازی تا آخر اعمال جنگ متصل بوده در زیر حمایت دستهای پل ساز
و از رسانیدن ذخایر سپاه تا تنق شااو خاطرجمعی داد مشهاش با یک نظم و ترتیب وسیع
مقرر گردید و هر زورق چینی از جانب نظارت جنگ روزی از قرار چهار گراییه گشت .

سپاه متفق همین دو روزه راه پیش رفته بودند که شاهزاده تسایی
از خانوادهٔ خاقانی و وزیر جنگ کهو بوزرای مختار نامه نگار گشته که اذن و توانائی کامل
دارند بجهت اینکه از روی بنیان ولکالیف تین تسین عهدنامه را بسته و مجری دارند که خودشان
از برای اثبات آن نزد ایشان خواهند آمد .

خواهی نخواهی سرداران از قول و خیال تازه و خوب چینیها خوشحال گشته بحرکت خودشان تا
کوسیو مداومت دادند .

هم ستو نها در آنجا جمع و تا شانزدهم سپتامبر توقف و مکث کردند در مقامیکه ایلچیان کوشش
خودشان را برجا داده و فرستادجات خواب ندیده خیال میکردند که حقیقتاً خوش طالبی را در تمام امر
مصالحه مشاهده خواهند کرد .

خلاصه لورد الگین و بارون قرو تاخیر ننهادند از اعلام کردن بر فرماندهان لشکر اینکه
ائمه الکالات برخواسته شد و نیست بر آن یک قرار قولی این است که هر دو لشکر متفق
در دو فرسخی تنق شااو اردو خواهند زد تا مادامیکه در آن مکان با مامورین خاقانی مشغول ملاقات

مخصوص وگفتگو وکارپردازی خواهند گشت پس از آن یک جنیت ساده احترام وافتخار باید وزرای
مختار را تا پکین همراهی نمایند تا اینکه عهدنامه مبادله شود .

سرداران مخصوصاً ژنرال مونتوبان بکلی بر اعتبار و اطمینان دیپلومات شریک نشده بودند زیرا
که ملاحظات بسیار بود که حالت چگونگی مربوط بحقیقت خلاف پنهان‌شته شود و فرجام کار شر به بار رسد .
مثلاً درجه بدرجه که از تاکو تا تین تسین دور میشدند اهالی مملکت مجبوراً آذوقه و اجناس مختلف لازمه
از گذرگاه سپاه جمع ومخفی میداشتند و راهها را در پیش روی ایشان تخلیه نموده نشیمنها را در شهرها و دهات
از تردد بی‌بسته و خالی از سکنه میگذاشتند .

در کوسیو مسیو پارک که پیش از وقت فرستاده شده بود تغیرات کلی در حالت آذوقه و مایحتاج
فروشها پس از رسیدن یک ماندارین مشاهده کرده بود واو مجبور شده بود و بردوهندگی این خطر از برای اینکه
آذوقه دادن را قبول نمینمود علاوه از این در تنق شاو همین عامل با مسیو واد که برسم تجارت مخصوصاً
مامور بودند یک جمعی از اهل دولت چین با عداوت و تغیرات حالت برخورده لابد اعلام کرده بودند که اگر غلطه
اضطرابی از جانب آنها روی دهد خواهند دید که هر روش لشکر متفق آنجا حاضر خواهد شد .

دلاس و بنابراین ترس و احتیاط حرارت و شرارت ماندارین‌ها فرو نشسته مسیو پارک
اخبارات و اطمینانهای عمومی مصالحه و مودت کلا برای اردو آورده بود از آن طرف تیتق و خاطر جمعی
وزرای مختار را با بر آهین بمرتبه بود که فرنودان میبایست خودشان را در ضبط اشتباه بینداز چنانکه پس از آن
قصد کردند که جمعی را به تنق شاو بفرستند تا اینکه ایشان آذوقه و مایحتاجی که در توقف چند روزه
لشکر در حوالی آن شهر لازم خواهد شد فراهم آرند .

این ماموریت که بریک تجربه خون آشام در یک هنگامه پر فرجام و خارج از انسانیت منتظر بود
بر عهده جمعیت فرانسه گذاشته شده برای آن منتخب گشت صاحب منصب بزرگ نظارت دبو

دیرهنک توپخانه فولون فراند شان و کاپیتن اناماژور شانوان
صاحب منصبان نظارت آدر و قاشی که با ایشان همراهی میکردند کاید عثمان
صاحب منصب سواره سپاهی افریقا و لاآب و دلک و از ماموری خارجه ترجمه
مترجم فرمانده کل مسیو د باستارد و دماریتن از وابستگان سفارت و مسیو
اسکاپراک و دلوتور رئیس یک ماموریت علمی .

از جانب انگلیسها مسیو پارک و مسیو لوک روانه شدند با یک جنیت
که مرکب بود از نوزده سواره سیکا و یک سواره دراقون در زیر حکم لیوتنان اندرسون
که ایشان همراه بودند با لیوتنان کلونل والکر رئیس
اناماژور سواره که معرفت شناسه جای تازه اسبهای مسیو بولبی نایب تیم ونورمان
از سفارت سهانهای .

در هیجدهم ماه سپتامبر هر دو سردار متفق بشخصه اردوی کوسیو را گذاشته روانه شدند .
سرهوپ قران هم جمعیت خود را همراه داشت مگر ژنرال [illegible] را که بجهت نگهبانی
یک عقبه از آذوقه نگهداشت .

ژنرال مونتوبان همراهی خود نمیبرد مگر ژنرال ژامن و ششصد نفر سرباز شاسور آپید
و یکدسته مهندس و دو دسته داوطلب از ژاپان یکصد نفر و یکصد و دو نفر از صف جنگ و یکدسته توپخانه چهار توپ
میدانی من حیث المجموع هزار و صد نفر .

از تاکو تا تین تسین ژنرال کولینو را طلبیده بود که میبایست بوی ملحق شود با سپاه منتخب شده از بریگاد دوم
بجهت حضور قرب و منزلت در مجلس مراوده و مبادله در پکن و مابقی بریگاد ژامن ماند در کوسیو
که میبایست ذخیره از پایین رودخانه برسد در حقیقت مسافت بجهت طی نمودن در پیش رو نبود مگر شش فرسخ

ولشکر عقب گذاشته در یک روز میتوانست بر سر ستون ملحق شود هرگاه اتفاقیه وقت مجبوریت تقاضا میکرد
در همان عصر لشکر اردوی فوری زد در خارج قریه ماتااو
که از چینیها مثل سایر دهات وقصبه جات تخلیه شده بود وحال آنکه همه جا سکنه ولایت را مطمئن میسازد
و آثار خاطر جمعی از آنها مشاهده میشود .

هجدهم ماه سپتامبر ستون انگلیس مرکب از رژیمان دوم ورژیمان نود ونهم ورژیمان پانزدهم پنجوب
ویکدسته آرمسترونق ویک دسته توپخانه نه پوند واز رژیمان سواره سیکها وفاندر واز رژیمان
دراقون پیشتر حرکت آمده روبراردوی فوری که جماعت مذاکرت معاهده ومبادله متوقف
هاشیم گذاشتند .
ستون فرانسه نیز نزدیک وپشت سر آن .

ظهور ونمودداری از تاتار در هجدهم سپتامبر

ازماتااو یکی دو ساعت بعد هم پیش رفته بودند که سیرهوپ قران مطلع ومستحضر گشته
اطلاع داد از اینکه در پیش روی یک جمعیت بی اندازه از تارتار بوده است .
ژنرال مونتوبان فی الفور در نزد رفیق خود حاضر شد .

تخمیناً چهار ساعت بظهر مانده بود که سر سپاه انگلیس نگاه داشته شد در انتهای گذرگاه ونیاه
یک دهکده که پس از آن داخل میشد بر یک صحرای مسطح ووسیع که احاطه شده بود از هر جهت از ادام
سکنه وآبادی که در میان درختان وقطعات جنگل واقع بودند .
بدبختی در میان این صحرا یک راه ساخته شده قوسی در کار که اندرون آن سمت معبری بود که مارا هدایت
میکرد ودر امتداد وی یک نهری دراز شده در دست راست به پیهو ملحق میگشت وجدا میکرد در دست
چپ شهر تسانق کیااوانق را از محلات خارجه شهر تسانق کیاکواو .
قشون تارتار صف میبستند در روی یک خطی که زیاده از نهزار ذرع بود دست چپ [illegible]

تکیه داده بود بر لیوتسانق واز نزدیکی رودخانه گرفته تا محل تقاطع راه سنگفرش شده با مهر مزار
از هر دو سمت ممتد بود شصت دسته توپخانه با شمارشش هفتاد وشش عراده توپ که قسمت دوجا گذاشته
بودند در فاصله‌های ایشان وسواره در ساعد راست تمام میکرد یک قوسی را از دایره که مانند یک
مرکز او بودیم .
هویداست که لشکر مامور جبهه خود را شناسایی میشود در یک حالت هیئات بسیار دقیق وخطرناک
در مقابل قوه دشمنی که در عدد ده مقابل بزرگتر بود .
ولکن مسیو پارک رفته بود که از شاهزاده تسایی اطلاعات را تحقیق نماید ومسیو لوک
از پیش قشون رسیده امیدواری میداد از نتیجه خوب این رفتار اطمینان وی بحدی بوده که در مراجعت
خود بر مقر منداوی شتاب میکرده است وهمراهی خود آورده بود کاپیتن براباززون از
اتامازورهای توپخانه انگلیس که رفته بود محل توپخانه را در منزل تازه شناسد .
اندک وقتی پس از آن یک ماندارین هانگی نام که سابقاً بواسطه
مراوده با فرنگیها در کانتون معروف بود حاضر گشته خواهش نمود که وزرای مختار را ملاقات نماید
با وجواب دادند که وزرا در کوسیو مانده اند بغیر از آن دیگر آنها خبر دخول نخواهید شد مگر بعد
از توقف ومنزل کردن سپاه بجائیکه شرط ووعده شده است همان آن اعلام کردند که هرگاه
تارتارها محل توقف خودشان را که در نزدیکی نهر مشغول اند ترک وبا عقب نگذارند سپاه متفق
انگلیس وفرانسه تا خود تنق شااو خواهند رفت .
سرداران مقصد اضطرار مراجعت مسیو پارک را کردند قبل از آنکه حقیقتاً دست بکار زنند اما
احتیاطاً هیئات مقتضی را میگرفتند .
مخلفات واسباب غیر لازم در دهکده اوتیه روی هم چیده وگذاشته شد سپاه طرفین جمع گشته هیئات جنگ گرفتند

میگرفت چنانکه جهت کوچک فرانسه از دست راست و انگلیسها از دست چپ .

در میان این تدارک کاپیتن شانوان بستون مخی گشت که جمیع صفوف تارتار
را گشته و گذشتنش ممکن نشده بود تا اینکه برای غلامی برماندادین ای جنگی بطوری فهمانیده بود که آمده
و سفارشی آورده است تا اینکه عمل مودت را باتمام رسانید اندک مسافتی در پشت سر او بوده اند موسیو
باسارد و مریتی و کاپید عثمان در منصب نظارت قارشی از قراریکه میگفت
زیاده از پانزده هزار سواره و یک مقداری اندازه از پیاده دیده بود که فتیلهٔ تفنگشان را روشن کرده بودند
اکرم هیش از وقت نزدیک بود که قضیه ثابت شود لکن این جزء دیگر
شک و شبهه نگذاشت از اینکه حیدرشاه و بر چینیها از برای قتل و غارت اعموماً بوسفوئی حاضر کرده بودند
بابی غریب و وحشت بظهور مانده شیر تفنگهای تارتار و یک آتش عربی توپخانه و زنبورک از خاکریز
باستیان کشاده گشت بر روی یک بهره سوارهٔ انگلیس که میدویدند .

این لیوتنان کلونل والکر بوده است که همراهی چهار سواره درافون با تحمل تمام از خطوط
دشمن دور شده است در وقتیکه نامردی دو فرومایه یکی برانجال فتح خود شروع میکرد این منصب زرگ
و مسیو آدر منصب نظارت لشکر فرانسه یکدیگر را دیده بودند که جمعیت زنهای ایشان را احاطه کرده
بعد از بروز چنین عداوت و قساوت بر روی ایشان هجوم آورده خواسته بودند که شمشیر آنها را بگیرند
در این چکاچاک بی باک با ناهنجاران ناپاک مسیو آدر از برش زخم هولناک بر زمین افتاده بود اما
فرمانبرش یک نفر شاسور شهید از باتالیون دویم ادوزوف نام او را نگهبانی کرده
بود با یک جرأت هیولانی اما این سرباز شهید از غیرت و صداقت در پای منصب خود جان داده بود که عما قریب
یک کلاه زنجیره دار با یک سرنیزه باهم در میان قتلگاه پیدا گشت .

رئیس اتامازور سوارهٔ انگلیس یکلحظه در این قضیهٔ دلسوز و جانگداز شریک بوده پس از آن شهوی اب وی اوراز

میان در ربوده و بیرون میبرد دو عدهٔ بی ثمر از یگانگی و مهربانی بر بدبخت مسیو آدر میدهد در وقتی که
دست او را گرفته خداحافظ میکرد .

نهی بر اسحقا و اطلاعاتیکه از کلونل عطاکت پس از آنکه بتفصیل اردوی تارتار را مشاهده
و بازدید کرده بود از آنجا فهمیده شد که جمیع توپهای چینیها بطوری گردیده و قرب شده اند که آتش آنها در دهنه
گذرگاه و در نقطهٔ ابدرآمدن از پشت پناه بصحرا تار و بود خواهد شد بنابر آن هردو فرمانده کل مصمم گشتند که
بهانت طرح دشمن را از چینیان برچینند و برگردانند و فی الفور هردو بر آن شدند که هر یک از ایشان تکلیف و
حرکت معین و معهود خود را معمول و بجای آرد(۱) .

لشکر فرانسه که در دست راست انگلیسها جا گیر بود صف خود را گشوده باز مخبر محزان به پوشید دستهٔ توپکانو
چهار پوند جداگانه در مرکز روبر دهکدهٔ لیوتسانغ که در پناه درختان و جنگل بوده باشهای دست چپ تارتار
تکیه برآن کرده بود سوارهٔ شاسور و سپاهی با یک اسکادرون سوارهٔ سیکا کرسی هوب قوان
در آنجا در زیر حکم نگذاشته بود جمع گشته با چند قدم فاصله باشهای دست راست را گرفته و پوشانده بودند .

تمهید ژنرال موتوبان این بود که بر این دهکده اول هجوم آورده از دست ایشان
خود آنها را به هیچ منزدرها نوفنیکه از پیش روی حمله میکنند همینکه از این نقطه گذشت بر جمیع قشون تارتار
نهیب کرده بمرکز لشکر انگلیس رساند .

این تفصیل با یک راه نمایی و جلدی و چابکی متعجب معمول گشت که به بیان نمیگنجد و هر کس میدانست که در پیش روی یکدشمن
با آن معدودی که داشتن یکقدم سپاهها بعقب چه قدر قضیه های منحوس وارد می آورد .

دستهٔ توپ چهار پوند میدانی در ابتدا انجمنیه از چهار صد ذرع لیوتسانغ را زده بزودی دشمن خود را از آنجا خارج و
شاسور سواره فی الفور داخل گشت .

هنگامیکه فرمانده کل ژنرال گرانت یک قسمت از لشکر خود را بر میان رود خانه و آن ده راه نمایی میکردند کلونل دیانتزمان

(۱) مطابق نقشه ۶

توپخانه را بهروی یک تل مرکوب کشیده آتش شدید و سریع از خود را برانبوه دشمنیکه در لداوست دهکده
دویم جمع و مشغول بود بگشود .

در این بین اسکادرون سوارهٔ سیکا جدا شده کان سوارهٔ شاسور و سپاهی
در زیر فرمان کلونل فولی مامور انگلیس برای راست این نقطه دویم با دو سرباز رسیده دور
تبدیل سمت یک تیرباران سخت دوچار گشته لیوتنان د داما از خوردن گلوله بر قصد مرگ
بیفتاد و نایب دویم دیستر مون در همان آن زخم برداشت اما بر حالت حمله و تعاقب تفاوت
نکرده با یک جرأت و جسارت بیرون از اندازه خورد کنان در زیر سم هر بهائی را که در سرگذر هر درج
افتاده و زمین را پوش نده بودند بر سر پنج عراده توپ یورش بردند .
دستهٔ بهادران یکصد و یکم و یکصد و دویم و دستهٔ مهندس با لیوتنان کلونل دیود و با حکم دراه نایب
کلونل پوتر از عقب در روی رد سوارهٔ لداوست با نیزه پیش گرفته و دشمن از آنجا برخاسته شده
توپخانه با همراهی حرکت و همیشه با گریز پیاده شاسور
از قریهٔ مزبور که بکلی تخلیه شده بود برگذشت .
از آن نقطه به بعد راه ثانی و مانعهای سپاه طوری شده که موافق طرح و تعهد طرفین کار دشمن در زیر آتش توپخانه
منفقین ما برچیده و پیچیده و تباه شود .
قشونیکه حمایت زور آورده از پیش روی خود برداریم زیاده از حد بود لکن عملیات در مقابل طاحت
و هجوم جنگی که هنوز از ... مقاومت آرد بخصوص رقیبی لشکر مختلف در شراکت کار ترغیب میکرد جرأت
را و جرأت و جسارت .

در روی یک سطحی زیاده از سه ربع فرسخ خاکریز و دیواریکه شهر را جدا میکرد سپاه دشمن بود در صورتیکه شصت عراده
توپ بر دیف در روی او مرتب بود و توپخانهٔ ما آنها را پشت سر هم خاموش میکرد .

مادامیکه ما نتیجه و حاصل کار و عمل خود را دنبال میکردیم انگلیسها نیز با یک شجاعت و رشادت قسمت کار و تکالیف
خودشان را با تمام رسانیدند .

از بیست و چهار عراده توپ نو پوند در سر راه و در جلو دهکده که انباشته شده بود که مخلفات طرفین در آنجا
جمع بود مساعدت یک بلندی را غنیمت شمرده از آنجا تحصن و هیأت دشمن را یک پیاده این دو عراده میبایست
باتری سنجی جمعی از پیاده مثل مقیم و بی حرکت مانده باشد این قسمت مرکب در دست راست انگلیسها نقطه
مرکز شده بود بر دور دوایری که جنبین متفقین از مسافات چند حرکات گردانند مصاف خودشان را
معمول میداشتند .

ژنرال میتشل با سوارهٔ انگلیس و یک قسمتی از پیادهٔ رژیمان پنجاب در رژیمان اول در امتهای دست چپ مقرر
بود و فرمانده کل با باقی پیاده و دسته توپخانه در مرکز این لشکر مخصوص مشغول بود .
آتش توپخانه بزودی سوارهٔ تارتار را متزلزل نمود و حملات سوارهٔ ژنرال میتشل در پراکنده نمودن
و فرار دادن تمام میکرد لکن بدون اینکه بتوانند بکلی با قریب رسانند و از نزدیکی میدان از دو چون انقدر رحد و بیقرار در فرار بودند
سیر هوپ قرانت سخت و مقیم در طرح و اعتقاد خود از مرکز توپهای
خود را که همیشه از دور نگهدار خط پیاده خود بود درجه به درجه پیش برده رو بسمت راست پیادهٔ تارتار حرکت
میکرد در صورتیکه ناچار میشود تخلیهٔ نقاطی را که دشمن میداشت و میریخت نارنجک و گلولههای خود را بر سر
قشونی که فرار کنند از پیش روی خودشان میرواندند .
هردو سپاه متفق کار را با تمام رسانیده همدیگر را در بلندی کهوآتیون ملاقات نمودند در تخمین سه ساعت
بعد از ظهر بود که دشمن بکلی از آن میدان و صحرا ناپدید و معدوم شد .
حیله و شدت و یرجینهها باعث شده بر یک شکست فاحش از یک وحشت لشکر یکه با اطمینان معاط چون جهان جز نزدیکی های خاک
خود میکشیدند بر خلاف خیال و یقین محکمی خودشان جمعیت زیاده از حد بکشتن داده هشتاد عراده توپ از آنها گرفته شد

کشته ما خیلی اند که بواسطه غصه و درد ما ازین جانب دکان
دیگر بود که مکرر از جانب نایب رشید و شجاع داماس و عدد زخمدار ما پنجاه و ده نفر بود.

سپاه بیمار از دو ساعت بطلوع آفتاب مانده در حرکت و راه بود علاوه شش روزه آذوقه که بر کوله بار
هر یک از ایشان افزوده شده بود در زیر یک آفتاب سوزاننده لهذا ژنرال موتوبان سپاه را در کهو آستون
نگاه داشته بردن اردوی فوری ژنرال داد که در دو فرسخ و نیمی تنق شاو بود.
انگلیسها خود را از حرکت باز نداشتند تا اینکه در حول شهر تیشاتی کیا اودانق گشته که در ایام سابق آباد و
بسیار با منفعت بوده است اما در حال دیوارهای خراب او بر هیچ کار جواب ده نیست بلکه بکلی ویران و صحرا گشته در خارج
آن پنج باشش اعدای تارتار مثل سربازان و ترک وا رها شده بود.
چنان استنباط میشود که این بند و گوشمال چینیها را مصمم کرده است بر اینکه سر بزیر شوند بر خود شان را در پنجم
ماه حاشا و انکار کرده بر مصالحه التماس نمایند و لکن ژنرالها بی جهت در اردوی فوری خود انتظار میکشیدند از برای
اینکه حقیقت سپهای زد و خورد و دلایل گرفته شدنشان از جانب منصبان و مامورین بر خلاف قاعده و قانون از آن
طرف معلوم و مبرهن شود.

مأموریت مسیو واد

در شنبه دهم لورد الگین با فرمانده کل موافقت نموده مسیو واد را مأمور کرد که بنزد حاکم شهر
تنق شاو رفته بر آن عامل اعلام نماید که او بر رئیسای مختلف دولت خود اخبار کند که هرگاه محبوس شدگان
رد نشوند لشکر رو بر حدودهای تخت حرکت خواهد آمد مسیو واد بزور از غیبت خود حضور رسانده از
سواره که همراه او بوده استحضار حاصل نموده خاطر جمع شده بود که در همان وقت اردوهای متعدد که با ذهنیت بر تدارک
آنها پرداخته شده بوده است در غربی دو دانگ نسبت بشمال شهر در دو فرسخی محل توقف ما موجود بوده است.
و از بابت اسیرهای بد بخت هیچ شک و شبهه باقی نمانده بود که ایشان را گرفته و محبوس نموده‌اند
بخصوص صراع گرفته و فهمیده بودند که اکثر از ایشان در روی عراده بارکش دیده شده است که نسبت بپکن روانه بوده است.

زمین و وضع و هیئتهای جدید دشمن آنجا را اگر دیگر طرح و خیال قوی و محکم دنبال
و
را کرد. این داوطلب و متعهد شاهزاده سان کولین سن است که سال گذشته بر مدافعه تحصنات پیهو
مامور بوده اکنون باز بالقب سان وانق یعنی رئیس لشکر دولتی مقرر آمده در قشون چهال اولی اعمال جنگ
در حول پیهو حضور او را با دلایل مخصوص مصلحت ندانسته بجهت اینکه بنا بر مقاومت بی خیال که هرگز امید نداشتند
او را بکار باز داشته اند و از اخبارات جاسوسان مخفی گشت که این رئیس بزرگ در دفاع جنگ مصمم
شده است که شخصه تا آخر حوالی و نزدیکی های تخت نقطه بنقطه زمین را از لشکر بپوشانند.
در روز سیم هیچ خبر و جوابی بر سوال و استعلام ژنرالها نرسیده قصد بر آن کرده
که فردای آن روز حمله نمایند بر لشکر تارتاریا که بهایت تحمیل وضع و هیئات ایشان را نمایند که
کاپیتان دکوادل از اجزای مجلس شورا و عدالت نظامی با صاحبمنصبان اتامار در انگلیس بر این
کار با اهتمام مأمور شدند.
در مقابل اردوهای فوری تیشاتی کیا اودانق بفاصله یک فرسخ و نیم تخمیناً مشاهده میکردند شهر بزرگ
تنق شاو را با سکنه چهار صد هزار خانواری از دیوار محصور شده که متصل میشد بپکن بواسطه یک شاه راه
ساخته و سنگ بست به درازی چهار فرسخ مسافت.
این راه از بناکارهای سلاطین سلف بوده که تخمیناً بخط متوازی یک نهر علیحده از پهلوی او ساخته و کشیده شده بود که
او نیز جمع میکرد آب پیهو را بر پای تخت که در سر مجرای آن در پالیکیااو یک پل سنگی بود.
در پیش و پس این پل اردوهای سان وانق مرتب بودند مشاهده شد بر اینکه فی الفور
بر مرکز جدید این مقاومت و مدافعه تازه روند بدون اینکه تنق شاو را ملاحظه نمایند و بحساب آرند.
لشکر فرانسه بهایت بخط مستقیم بر سر پالیکیااو رود چنانچه لشکر انگلیس دست چپ را گرفته در
روی نهر یک پل چوبی دوم را که بفاصله سه ربع فرسخ از او بود بهایت دستگیر کنند و از روی آن گذشته بر سر پکن

پیچیده و پس از پراکنده شدن ما از پیش رو و پهلو گرفته شود .

ژنرال کولینو شب و روز هم با لشکری که در کوسیو گذاشته شده بود ملحق گردید علاوه از آن دو دسته سواره که از دسته‌های توپخانه برنارد و کواپون منتخب شده و از تین تسین پیش از وقت از برای جمعیت مبادله عهدنامه در پکن رسیده بودند همراه داشت سپاه جمع شده ما تخمیناً به دو هزار و شصت نفر رسید .

در چپ و یکم دو ساعت بصبح مانده ستون ما از متفقین خود پیش افتاده اعمال و اثقال خودشان را در زیر محافظت دو دسته پیاده در یک دهکده گرد رها و یک فرسخی تشانق کیا او وانق که گذاشته پس از گذشتن از آنجا دشمن نمودار و مشاهده گشت پیاده تارتار متحصن بودند در اردوی اووا کوانی و سواره شب چنین اردو گرفته یک هیأت قوی اندایره بسته بودند که دست راستشان کشیده تر بود (1) فرمانده کل ناسرج زنجی اردو پیش رفته در دیدار یک قراولان اولی آماده بر جنگ گشت .

یک ستون پیش قراول مرکب از یک دسته سیکس دو دسته پیاده شاسور و یک جا شده اهل ساز از دسته چهار (10 از رژیمان 44) و از دو دسته توپخانه سواره در زیر حکم ژنرال کولینو گذاشته در مرکز بحرکت آمده انگلیسها در چپ و ژنرال ژامن در راست که این آخری با باقی پیاده شاسور و فشنگهای جنگی و دسته توپخانه دوازده پوندی (9 از رژیمان 44) و رژیمان یکصد و یکم از صف جنگ و دسته بهادران از رژیمان یکصد و دوم از صف جنگ میبایست حرکت عمومی را با فاصله پیروی نماید .

پیش قراول یکی زیاد از خود را بچپ برده تا قریب خود را در مقابل یک انبوه سواره تخت و جسور دید که از تونی و احاطه میکرد و از متفقین ما هنوز بی ذی سپاه ما نرسیده بود ژنرال کولینو خود را نگاه داشته قطار توپخانه خود را بدشتبان آورد .

فرمانده کل آماده گشت که بایشان امداد و نگهداری نماید وقتی که یک برق شدید توپخانه از یک نقطه دیگر دشمن بلمعان در آمد

(1) مطابق نقشه ۷

رئیس اتامان‌ها زور خود را به تندی بسمت این رعد و برق برده باز گشت و حکایت نمود که این شعله از دهکده اووا کوانی است که مرکز یک خط مدافعه اولی و کلید اصلی سنه پلیت که بفاصله هزار و پانصد ذرع در پشت سر آن واقع شده است .

ژنرال ژامن قبل از آن فرمان داد که در مقابل آن توپها باتالیون شاسور و فشنگهای جنگی دو دسته توپخانه دوازده پوندی صف خود را بکشند بجنبشی که هر دو با باتالیون رژیمان یکصد و یکم بکلی در دست راست ما نصف آمد .

این هیأت صف آرایی جدا کرد سپاه کوچک ژنرال کولینو را و او را جا داد در یک حالت بحت خطرناک از کرم میبایست بروی حکم شود که خود را کشیده بر سپاه اصلی ملحق سازد لکن این حکم نتوانست معمول شود تا اینکه لشکر انگلیس داخل صف جنگ شده باشد خلاصه در این بین سواره دشمن پوشیده جناحین ما را بکلی فرا گرفت و ساتوانق بیک کاردانی و قابلیت نا عدی لکان ما را غنیمت شمرده با ازدحام و انبوه تمام بر ما حمله میکرد احاطه کنان از هر جهت و از هر سوی .

فرمانده پیش قراول رو میکرد بر همه حملها با یک شجاعت و حرارت اقراق د منتخب توپخانه چهار پوندی در چپ خود ساچمه میباراند و میرخت و میراند سواره چینی را در حالتیکه پیاده گان خوب نگاه میداشت پیش روی خود را با آتش راست و مستقیم خودشان میزان و میزان همه آنهایی را که در جلوشان بود .

از آن طرف بر بقاء ژنرال ژامن بر حرکات و حملات بهمان تفصیل ایستاده یک دو دوام میکرد سواره تارتار میکشت که او را از دست راست به پیچانند در وقتیکه توپخانه ایشان از پیش روی ما میفرستاد گلوله‌هایی را که از بیکنجی بیک ارتفاع بزرگی از بالای سر آنها میگذشت فشنگهای جنگی و دسته توپ دوازده پوندی همچنین پیاده گان شاسور و دسته دیگر از رژیمان یکصد و دوم بر گرد دشمن از زور آورده از طرف مقابل حملهای شدید با داد و فریادهای وحشیانه چندین دفعه مکرر گشته و به تلاطم آمده موجهای آن میرفت و در انتهای دست راست در رژیمان یکصد و یکم

خود را میشکست که ژیمان مزبور ساحل وار بر آن متحمل میشد بلکه هوشیاری و سختی بواسطهٔ راه نمائی
کولونل پوژ .

در مقابل این مقاومت و مدافعهٔ دلیرانه سوارهای تارتار را در صفوف چنانکه آتش ما از هر سو یک دفعه به
آن فراوانی و خوبی بقاعده جبه‌های معدود سپروح نموده در امر کار نکرد مگر مضطرب که اول از دست راست
دفیله کرده مراجعت بدست چپ نمودند در زیر تیرباران از زبر بحر مجران .

اگر چه در ابتدا هم ما مظفر و منصور از این جنگ دایرهٔ دشمن بیرون آمده بودیم اما اینده فوج سیاه خطرهای عظیم روداد
در مقابل این گروه انبوه که کار رهنمائی و راه نمائی از جانب خود سان وانق مشخص میشد با آن همه
جرأت و جسارت که در یکلحظه سواره‌ی تا شصت ذرعی توپخانهٔ ما رسیده و خودداری نکرده بودند مگر در جلو
بردباری و پایداری حقیقی اختصاص ما .

در آخر لشکر انگلیس سپرده صف خود را در دست چپ سپاه ما کشید و ژنرال مونتوبان از آن سمت
خاطر جمع گشته حکم داد که ژنرال کولینو خود را با جمعیت کومک خویشتن در سمت چپ نزدیکی نهر برد
بطوریکه دشمن را پیچانیده در طرف دست راست خود به روی قریهٔ پالی کیااو بیفکند در صورتیکه بر بقاد
ژامن از پیش رو حمله نموده با خط مستقیم رو به پلی حرکت خواهد نمود که شعبهٔ علم سان کولینتزین
متوکل میباشد .

قریهٔ اوواکوائی بازور حمله گشت چنانکه پیادهٔ تارتار قدم بقدم مقاومت و مدافعه میکرد
و با وجودیکه توپخانه برادوی زنرله و ولوله انداخته بود خود در عقب عقب کشید مگر با یک نظم و ترتیب خوب
تا پالی کیااو .

زور آزمائی هنوز تمام نشده بود چرا که بجهت اتمام نتیجهٔ کار روز هیبت کرنیل را مستخلص نمود .

ما دیدیم که ژنرال کولینو بنابر ترز و کیفیت حرکت خود توپخانهٔ دشمن را از اهوای مخوف زدن

دربدین از پهلو در چپ جابجا میکرد کولونل دو باتزمان فسنگهای جنگ و دستهٔ توپخانهٔ دوازده
پوندرا پیش میبرد که روزنه‌های خط دشمن را محاذی کرده آتش توپهائی را که به پیش رفتن
مانع میشدند خاموش کند بر پیاده‌گان ما اعلام شده بود که باید پشت سر هم خالی نمایند جمیع خانه‌ها
را که در درازی نهر واقع اند و محافظت نیز نمایند جواب آنرا .

پس از آن پل پالی کیااو که آثار و عمارت بزرگ مشهور از یک تپه با هم در تحت قریه بود و دفعتاً به طرزی یک
ثالث گاه بسیار معتبر بجا نمود .

از سربازان کوشنده با پوشش گرانبها بیدقهای خود را حرکت داده آشکارا جواب میدادند با آتش کم خطر خود به ما
بر آتش خانهٔ توپ و تفنگ ها .

اما سواره که در صحیح آنقدر رشادت و جسارت داشتند فرار کردند انتاخامه و در طلب قشون از تارتارها با پیرقهای
مخصوص خاقانی خود را آنوقت یک دلاور بجهت و هم قول شده بودند که جلو فراری و مضطربها را گرفته ممانعت نمایند
و به یک سمت باز دارند .

در مدت یک نیم ساعت تیرهای رو به مرکز در توپهای ما جمعیت کثیری از مدافعه‌کنان کشته آتش توپهای ایشان را خاموش نمود
ژنرال کولینو یکدسته از ژربان یکصد و یکم بر پیش قراول خود افزوده
با قدم دویدن پل را تسخیر کرد در روبراه پکن گذاشت در همتادی که فراریها پیش گرفته بودند و فرمانده کل با تمام
لشکر خود تعاقب ایشان نمود .

واین در خطور شد که جنگ پنج ساعت طول کشیده بود و دشمن با یک حالت پریشان بکلی ناپدید شد در صورتیکه هزار نفر
کشته و زخمدار در میدان جنگ گذاشته بودند[1] پس سپاه خود را باز داشته پس از ندوجت استراحت در اردوها مقرر
و جابجا شدند چنانکه در زیر چادر خود سربازان سان وانق در چادر فرنچ و پنی‌های تخت دولت چین بود
از آن طرف لشکر انگلیس با لیاقت و عزت قسمت خود را از فتح و ظفر گرفته هر قدر

(۱) در یک نامه که در نهم ماه اکتوبر از یک چریکی که در شب از پکن بیرون آمده یک صاحب‌منصب برادر خود نوشته بود
که سه هزار چینی در این دعوا کشته شده است .

در ممکن بود کاملاً گرداعمالی را که بعهدهٔ خود گرفته بود .

سیر هوپ قِرانْ پس از گذشتن از دهکده که محل بار سنگین سپاه بود ستون سکیا خود را بدین تفصیل صف آرایی نمود .

دست راست راجنان نمبر [illegible] که آمده بر لشکر حقیقی ما متصل شود یکدسته آرمسترونگ در عقب مایل به چپ پیاده مرکب از رژیمان پانزدهم پنجاب و از رژیمان دویم و نود و نهم و نخستین دویست نفر از سرباز بحری با چهار عراده توپ نه پوند و در آخر سواره و یک رصد توپخانهٔ شش پوند .

هنوز این خطوط براه افتاده بر حرکت پیچانیدهٔ خود از دست راست دشمن اندک وقتی مداومت نموده عنقریب رزدور سوارهٔ تارتار راجنان مشاهده کردند که میخواهند آنها را احاطه نمایند .

سیر هوپ قِرانْ پس از آن یک قسمتی از پیادهٔ خود با همهٔ سوارهٔ آتش برداشته روبراین ازدحام بی ترتیب و تربیت که افق را می پوشید روانه گشت بطوری که لشکر انگلیس خود را دو قسمت جدا شده یافت اول را زیر حکم بریقادیه ستوون که بلشکر فرانسه نزدیک میشد و دویمی معدود و زیاد تر از اول را بهمراهی فرمانده کل و ژنرال میتشل که هرکدام از این دو قسمت جداگانه با یک مسافت بزرگی در حرکت بودند .

سوارهٔ انگلیس افکنده شد بر سر تارتارها پس از آنکه بنزدیک ایشان رسیدند سوارهای سیکا ممنوع و دلگیر شدند از قصد و حرکت خود بواسطهٔ موانعات زمینی که میبایست طی عبور نمایند مخصوصاً بجهة دوچار گشتن بمعابر و جدولهای متعددی که سابق بهم بسته شده بود از [illegible] کالسکه و عراده و از باد و باران در روی زمینی که با ساخ توتیا و غبار پوشیده [illegible] آنها را خسته کننده شد [illegible] خندق و گودال [illegible] از سه چهار روز [illegible] صف اول سوارها از گرد و خاک گرفته شده و بر سیاکی از آن خندقها افتاده و در میان آتش بازی که بواسطهٔ این ساخته مجال کرده بودند بجهة رسانیدن از سواره گریخته و پشت سر دشمن را گرفته و رفته بودند .

تارتارها که چنان منظری آمدند که از حقیقت قضیه و اتفاقیه در این حمله نسبت بخود سواره بی اطلاع بوده اند بر

حب عادت برخواسته از برای آتش کردن بر تفنگ فتیله و زنبورک خودشان پیش آمدند پس از آن از دور خودشان را عقب کشیده بر نهیب و هیبت سوارهٔ دراقون منتظر شدند و بهر سو پراکنده شده از یک تعاقب که کردن آن محال شده بود در رفتند با وجود آن از این طرف افتاده و مانده چندان نبود و از برای آنها نتیجه حاصل نشد الا اینکه از خودشان دویست نفر مرده و افتاده از محل جنگ خارج کردند

و یکی بریقادیه ستوون رسیده بود بر محاذی دست چپ سپاه ما در وقتیکه با نهایت سختی مقاومت میکرد در مقابل حرکت محیط دشمن که حضور بیک و مساعدی باعث برگردش و برگشت آن گشت .

لشکر فرانسه پس از قرار دادن و متفرق نمودن سوارهٔ تارتار بزودی حالت حمله آتش الجدیه نموده ستون انگلیس آنوقت بر حرکت خود رو بسمت پل چچ بی افزوده مداومت نمود .

در این حرکت آخری خود میبایست طی مسافتی در مملکتی نماید که کاشته شده بود قطعه های متعدد از درختهائی که احاطه نموده بودند دهکده ها و قبرستانها را که در هر یک از آن دسته های چینی در استقرار و کمین بود توپخانه بهر یک از آنها چند تیری انداخته فی الفور از دشمن خالی گشت و بریقاد از نو خود را پیش میبرد .

این بود که از این نقطه با آن نقطه و در این جنگل با آن جنگل بردن بکار بردن پیادهٔ خود بر نقطه معینه رسید و نفر پیاده در همان وقت بود که ستون سیر هوپ قِرانْ نیز بهمان نقطه معهود باز آمد .

فرانسه پیش از وقت آن طرف نهر بودند که چندین هزار چینی رو بسمت پکن فرار مینمودند .

بعد ساختمانی پل چچ پی بر عبور توپخانه مساعدت نکرد تفنگچیان ما اینقدر خوشنود گشتند که چند گلوله نارنگ بر سر گریختگان ریخته مدار دوئی که در همان مکان واقع بود منزل کردند .

اینکیفیت با غیرت و همت یومیه اعمال روز بجد هم کامل نمود .

دشمن زیاده از هزار دویست نفر مرده واز کار افتاده داشت و توپهایشان با ۱۷ و که یک سر کرده بزرگ معتمد در گرفته

بود در نگهداری و تنبیه یاغیان و شورش کنان جلادت تام نموده بنام بود و زخم کاری برداشته بود .

هفده عراده توپ برونز دستگیر ما شد که چند عراده از آن از دولت هولاند

و بسیار خوب و خوشگل بود و یک بیدق و رسان کولیتین و یک مقدار بی اندازه تفنگ فتیله دار و تیر و ترکش

و سه هزار و دویست من بوزن ایران باروت در یک انبار که به پل سنگ متصل بود گرفته گشت .

افتاده و مانده ما بیست نفر بود که بیست نفر کشته از آن محسوب میشد و از انگلیس هم

همینقدر راه میشد که او بود مگر از سواره .

در تشانغ کیاا و وانغ سپاه تاتار از بیست و پنج تا سی هزار شمارش داشت در پالی کیاا و

افزونتر از آن بود .

چند نفر فرنگی کافی شد یک برابر از دهام بنامی که بواسطه یک سردار قابل و کاردان و غیور ترتیب و مرتب شده بود

متفرق شود در صورتیکه حوالی های تخت خودشان را محافظت میکردند این فتح نمایان با وجود آنهمه نام عدل(؟)

دار تخت در روی زمینی که دشمن پیش از وقت برای آن کوشیده و پوشیده بود و آن تفوقی که ایشان

در تعداد خود بر مقدار این نظم دیده اداب فهمیده گمان داشتند خاطرشان میکردند فتح و ظفرهای بزرگ مشهور

این یک مشت سرباز دوصن [1] را در مقابل آنهمه گروه های بارباری وحشی .

لشکر متفقین که در چهار فرسخی پکن اردو زده بودند میتوانستند که انهدام و شکست سان کولیتین

را منظور داشته فی الفور تا خاکریزهای تخت توقف و تقرب نمایند اما حرکات تهیج ایام آخری و دو جنگ نخست

سرهم شان را خسته نموده بود پیاده گان ما دیگر در ذخیره فشنگ نداشتند و از برای توپخانه ما مانده بود مگر طلق و جعبهٔ خفت(؟)

تیر بهر یک عراده آن و آذوقه نیز بآخر رسیده بود و انگلیسها نیز تقریبا در همین حالت بودند .

در این وضعیت با جمعیت بآن قلیلی فرمانده ان کل صلاح ندانستند که خودشان را حاضر

نمایند در پیش روی یک شهری که چهار کرور جمعیت دارد و انگهی کیفیت و هیات آن ترس ننموده باشد

(۱) دوصن یونان قدیم

لهذا متفق بر آن شدند که عقبهٔ خودشان را طلبیده و از پالی کیاا و حرکت نکنند مگر پس از رسیدن

همهٔ آنچه که شهر تین تسین میتوانست عطا نماید از مرد و از قورخانه و آذوقه .

از بیست و دویم ماه سپتامبر تا پنجم اوکتوبر روزها در تحصیل و تکمیل این کار و اندازه بسر رفت

از بیست و دویم سپتامبر تا پنجم اوکتوبر

و در همان مدت نیز مراسلهجات متعدد از دولت چین در میانه رد و بدل شد .

پس از فردای روز جنگ پالی کیاا و یک وزیر مختار تازهٔ چینی شاهزاده کونغ برادر صلبی و بطنی

خاقان یک نامه بر وزیر مختاران نوشته و مضامین وی در دادن اطمینان مثل سایرین همه در یک طرز و نهج از این

قرار بود ـ شهزاده تسایی نمیتوانست کارها را بخوبی روبراه نماید خود شاهزاده کونغ از جانب

ـ خاقان چین برای خدمت مأمور و مختار بوده که او بجهة گذرانیدن معاهده حاضر بوده است و میبایست که قول او را

ـ سند و معتبر بدانند « یک نامهٔ دیگر از جانب شاهزاده تسایی قبل از قضیهٔ کمین تشانغ

کیاا و وانغ نوشته شده بود که کولیانغ را ترغیب میکرد بر تغییر قول و حیله ای در تین تسین

و متحیر میدانستند که از آن وقت به بعد این گونه تعهدات و اعلامات را چگونه بپندارند و چه طور محسوب دارند از آن

مجرد شاهزاده کونغ هرگز بیان و واضح نمیکرد انکار یا پشیمانی را از این قضیهٔ آخری و سکوت اختیار میکرد

در باب اسیر و دستاقی ها و تفره میزد از وعده و تعهد خود بر همه خواهشهای ما بطوری که از رفتار وی چیز

دیگر استنباط نمیشد مگر اینکه باز فرصتی بدست آرد و دوباره اسباب مقاومت بچیند و یا اینکه بر فرار کردن خاقان

فرجه شود .

و لکن وزرای مختار با یک آداب و رسم انسانیت در جواب مینوشتند که جمیع کشتیهای وی دیگرها(؟) قبول خواهد شد

بشرطی که پیش از وقت محبوسین برمارد شود از وزیر مختار بزرگ چین برای شرط جواب داده شد که این کار

در حینیکه معاهده نامه امضا میشود بانجام خواهد رسید آنها را گروی میداشت در مقابل حرکت و تقرب متحدین و

نصیحت را نماید .

این قوه دیگر در بخش آخر با وجود جنگ و جدال و زد و خوردهای سخت به سر رسانیده که در چندین موارد تجدید
شده بود باز در اراده و جسارت دلخوری بهم رسانیده باعث بر آن شد که متحدین حرکت و حمله آخری
خودشان را بر سر پکن تمام نمایند بدون آنکه خبر صریحی داشته باشند از احوالات و چگونگی قضیه ها که بر اسرا گذشته
شده گان بدبخت فریب خورده رو داده بود تنها بر مسیو پارک و لوک متیر شده بود
که با تقریر خود و با دست و خطایی از چینیها نامه ها نوشته و وعده ها دادند که این رقیمه جات ما را از زندگی این دو نفر
اطمینان میداد .

تا چهارم ماه اوگوست هر دو لشکر تقویه و تدارک قوه خودشان را تکمیل نموده بودند بواسطه لشکر و لوازم
دیگر که از تین تسین رسیده بود چنانکه از لشکر فرانسه رژیمان یکصد و دوم تمام و یک دسته از مهندس و یک دسته توپخانه
چهار پوند و دولیت و هفتاد نفر از پیاده بحری بر ستون فرانسه ملحق شد که در آن وقت به این تفصیل بشمارش آمد
سه هزار و چهارصد نفر سرنیزه دار و سه دسته توپخانه که هر یک بابت چهار هزار نفر با شش صد عدد تفنگ جنگی بود
بر ستون انگلیسها نیز افزوده شده بود از رژیمان شصتم پیاده
و شصت و هفتم و بقیه سواره سیکا که ژنرال ناپیر همراه خود آورده بود که تخمیناً همان قدر اشخاص که برای ما
علاوه شده بود سوای از آن یک دسته توپخانه قلعه کوب بزرگ مرکب بود از توپهای شصت و هشت پوند [illegible]
رسیده بود .

ناخوشها و زخمداران هر دو لشکر که از تین تسین برداشته شده بودند در یک دروازه از شهر تنق شااُو
که مختص در تصرف بود گذاشته شدند و سی هوپ قوان چهارصد نفر از پیاده بحری در آنجا قراول گذاشته بود
که هم حمایت نمایند مرضا و عقبه را که در آنجا مقرر شده است و هم از برای حفاظ شهری که بقدر پانصد و ششصد نفر تفنگچی
از اهالی آنجا [illegible] اسلحه دار نمود در کار باشند .

ژنرال مونتوبان که سابقاً یک دسته سرباز از رژیمان یکصد و یکم در شهر تسانق کیا اُو وانق

گذاشته بود و دو دسته دیگر نیز از رژیمان یکصد و دوم و از باتالیون شاسور معین کرد که در پالی
کیااُو و تنق شااُو بمانند که این قرار و اندازه باهم اطمینان میداد اتصال و مراوده را بواسطه
خشکی و رودخانه از تین تسین و هم چنین در عقب گذاشت جبه خانه و قسمتی از اوضاع نظارت
را و همراه خود برداشت مگر یک قسمت سبک از قورخانه با پنج روزه آذوقه .

حرکت متحدین بر سر پکن پنجم اوگوست

در پنجم ماه اوگوست متحدین رو به پکن بحرکت آمدند که مرقومه اعمال آخری را که پیش از وقت در
دستورالعملها یادداشت شده بود باتمام رسانند که قضیه و اتفاقات آن پشت سر هم بر این تفصیل رو میداد
انگلیسها این دفعه دست راست خط جنگ را متعهد و پیش گرفته بودند
در آخر [illegible] بدون اینکه مقابله و مقاومت جزئی نیز عیان آید اردوهای
فوراً در یک فرسخی مقابل شهر در سمت شرقی برقرار شده در یک قریه بزرگ که در میان مملکت مستثنی بود
از انواع کشت کاری و پوشیده بود از قطعات درختستان قوی و بلند و انبوه در کمال بهجت با بستانها و خاکریزهای
پای تخت را مشاهده و استخراج نموده و چنان مینمود که با سپاه محفوظ و جواب داده است چند سواره تاتار بر
پیش قراولان ما نمودار شده بودند که دیگر نخواستند نزدیک شوند .

اطلاعاتی که بسبب جواب [illegible] شده بود و احوالات مختلف که میشد اعتقاد کرد چنان باز نمود که یک اردوی محصور بزرگ
در شمال شهر موجود و محکم سان کولین سن در دست بخیال اینکه مبادا سپاه ما فرد در آن محل فراهم آید مقرر شد
بر اینکه فردای آن روز متحدین رو به آنمکان پیش رفته قبل از حمله و غلبه پای تخت اول دشمن را از آنجا بلند و لاعلاج کنند

روز ششم ماه [illegible] هر دو فرمانده در خط متوازی با پیش روی شرقی شهر پکن به
حرکت آمدند سپاهها پیش بر رفتند با هیأت دو ستون که هر یک از آنها از پهلو و کنار یک صحرای پوشیده در
درخت که مکرر در حرکت بر جو نهرات و معابر ناگزیر دوچار میشدند .

سه ساعت بظهر مانده خودشان را نگاه داشتند که برای سپاه اندکی راحت باشی شود در روی زمینی که کوره های آجرپزی زیاد و در دو [illegible]

ذرعی بزاویهٔ شمال شرقی شهر بود .

خندق و خاکریز باستیان خود را آشکار مینمود از بالای یکی از آن کوره‌ها که ژنرال مونتوبان و سیر هوپ قران
بالا رفته بود پس از آن فرمانده کل فرانسه کلونل دپن را با نفر سواره فرستاد که راه باقی مانده از پیش روشن شد
این صاحب منصب بزرگ عنقریب به تعجیل تمام رجعت نموده بیان کرد که در نزدیکی و مقابل عقب زیادی از سواره تاتار
حاضر و ناظر بند که خودش فرصت دیگر نکرد مگر اینکه مراجعت نموده به مخفین ملحق شود .

از راست که این سواره دیگر خود را رو به بیدار نشده الکن هر یک کشتی گیری جلدی آماده و منتظر بوده اند که بجهة احتیاط پیش
از وقت حالت و هیاهای حمله در این راست باش گرفته و محافظه شد .

یک ساعت بعد از آن لشکر فرانسه و انگلیس در یک خط صف جنگ بسته رو بار و با خط مستقیم حرکت کردند ژنرال
ژرامن مباشرت که بر تحصن از پیش رو حمله نماید و ژنرال کولینو مأمور بود که از دست چپ بر آن [illegible]
انگلیسها سمت راست مبتلا شدند که در آنجا یک اتصال [illegible] به دایم [illegible] معمول دارند .

حرکت به شهر هر چه تمامتر با نظام [illegible] بخصوص از جانب فرانسه ها که نزدیک درب [illegible] بود عنقریب
ژنرال مونتوبان و لورد الژین که سواره بهم دیگر ملحق شده بودند با سفیر انگلیس بالای خاکریز که میدان
مقاومت بود رفته خاطر جمع شد که اردو صبح تخلیه و بلا صاحب شده است از مشاهده رد و علامات تازه اهل
دیا که معلوم و مشخص بود .

در این بین سیر هوپ قران بر ژنرال مونتوبان فرستاده اعلام نمود که از قرار تحقیق جاسوسان
عمده قشون تاتار خود را از سمت و جانب یوآن مین یوآن عقب کشیده است که
جای مزبور ییلاق و جشن گاه بزرگ و تفرج گاه خیلی خوب و قشنگ خاقان چین در شمال غربی پای
تخت در چند ربع فرسخی [illegible] مکانیکه ما مشغول هستیم واقع بود سیر هوپ قران
بروی داد که [illegible] که فی الفور بر سر همان مکان رود .

وقت اندک گذشته بود و سپاهیان نهایت شوق و گرمی را داشتند بنا بر آن این مسافت میبایست
با سرعت و تندی طی شود لهذا لشکر فرانسه بر نقطه معینه رو نهاده بحرکت آمد چنانکه سواد جنبش سپاه در روی
زمین و در دور پهلوی راست لشکر انگلیس یک قوسی از دایره میکشید و او بهیئت یک ستون تنها آمد برای
اینکه در طی مراحل با پیچ و خم و جنگل آسا سخت و لا علاج التعیین از هم جدا و منقسم نشوند .

آفتاب گرم بود و غبار غلیظ از جنبش سپاه مثل ابر سیاه بر پا شده و مشکل بود که با نقشه کشی فوری
از راهیکه در میان قطعات خانه و قبرستانهای [illegible] اطمینان رسانید و واضح نمود .

دو ساعت بعد از ظهر یک نفر دهاتی را گرفته که در پیش روی ستون راه نمایی کند و کماندان کامپنون مأمور
گردید که لشکر را بسوی برد که فشانهای گرفتاران و محبوس شده گان را در آنجا داده بودند و متصل پیش رفته
نزدیک میشدند اگر چه خستگی بر راحت باشهای لازمی مجبور میکرد .

در چهار ساعتی پیش قراول سواره انگلیس که در زیر حکم بریقادیه پاتل بود برخورد که سپاه سیر هوپ
قران را جستجو میکرد چنانکه ما نیز بکلی نشانه و علامت آنها را گم کرده بودیم بریقادیه پاتل قصد
نمود که ستون فرانسه را پیروی نماید بنا بر تکلیف ژنرال مونتوبان و بامید اینکه بفرمانده کل خود
در محل اجتماع موعودی ملحق خواهد شد .

در هفت ساعت بعد از ظهر سپاهیان از یک بتکده عبور کردند که اهالی آنجا تعجب کرده با اضطراب تمام خانه‌های
خودشان را بسته بودند پس از آن از یک پل معقول عبور نموده بواسطه یک راه مفروش از تخته سنگ نازک
تخت در روی یک خیابان که یک در میان و با قطار درختان بزرگ کاشته شده بود و پیش میرفتند و نزدیک
میشدند که خیابان مزبور جلوخان های تخت تابستانی خاقان بوده است .

درگاه آن از وسط بواسطه یک در بسیار محکم بسته بود و از راست و چپ وی بواسطه چوب بندی و موانعات
دیگر مسدود شده میگفتند که تاتارها در پشت آن در پناه حیاطها و باغها هستند فرمانده کل خیان

مصلحت دید که قبل از برقرار نمودن اردوی فوری خود از جهات عمارات آنجا استحفاظ حاصل نماید بهمین جهت
دو دسته سرباز بحری در زیر حکم فرمانده اسکادرون کامپنون بزودی فرستاد .
نایب کشتی دپینا از دو دفعه حیاط اولی قیل و قال شنیده به تعجیل تمام اصرار در گشودن دروازه
نمود و هیچ جوابی نشنید لهذا بواسطه یک نردبان بر دیوار جسته در صورتی که متعلم بحری و یونو نیز
با او بود همین که بر لب دیوار رسیدند این هر دو جوانمرد یک جمعیت محدودی را مسلح از تیر و کمان و تفنگ
مشاهده نمودند که اول خودشان را از ملاحظه آنها عقب کشیدند بر خیال اینکه ایشان قوی و باجمعی همراهند اما
فی الفور مراجعت و حمله کردند وقتی که مسیو دپینا تنها داخل حیاط شد .
یک گروه وارسته بر پا شد و بواسطه مقاومت و خودداری نایب کشتی که تیر زیاد از طپانچه رِوُلوِر (۱)
نمود و خود از دست چپ و مچ راست زخم برداشت از تنگ بختی سربازان پیاده بحری پس از آنکه به
ایشان از خبر اعلام داده شد امدادی داده شد برامدادی مسیو و یونو که شخص دپینا را رها کرده
و یک زخم گلوله نیز از پهلو برداشته بود رسیدند .
مدافعین ها بعد از یک مقاومت کوتاه و بی فایده با بی نظمی تمام فرار کردند و زخم دار زیادی با خود برده سه نفر کشته
از خودشان در زمین گذاشتند .
صدای تیرهای طپانچه و تفنگ که در میان عمارات می پیچید بواسطه جنگلهای حوالی آن انعکاس و تکرار نموده
فرمانده کل را بر آن مکان طلبید و فی الفور ژنرال کولینو را با یک قسمت از بریگاد خویش خواسته حکم نمود که بندها
و تختی بر حصار از توی عمارت توجه نموده تا فردا صبح در همانجا بمانند چون در آخر فاصله ای از نظر نیستند اگر مدافعه
کنندگان را توقف میکردند با تاریکی شب در میان عمارات بیگانه ملتبست شدند .
شب بدون سانحه بآخر رسید اما بدون اینکه از متحدین خود نیز خبر و سراغی باشد اما عقیده که بر لشکر انگلیس
روداده بود و پس از هم شکستن از لشکر فرانسه برای اینکه از دست رفت بخصوص شما را بمکین حمله کنند تفصیلش این است

(۱) رِوُلوِر طپانچه شش لوله حرفی ایرانی که از یک لوله شش تیر متوالیاً با اختیار خالی میشود

پیروی کنان بر طرح حرکت موعودی تخمینا پس از یکفرسنگ طی مسافت
در مبدا در از پیش روی شرقی آن حصار تبدیل بسمت به چپ مینماید و به یک سرزمین بجدی جنگلی و نامساعد دچار
میشود که با زحمت تمام چنین مینماید است دیده هر کس پیش روی خود را تا دویست ذرع ملاحظه نتواند کند
راههای کج و سخت و بریده ایشان را کرّات به بازگشت مجبور مینماید و آخر کار منجر باین میشود که یک لحظه سکوت
و چاره جوئی کنند در این بین از بودن سواره تارتار در سمت راست در ازرد علامت حصار ارده و خبر میدهند
سیر هوپ قرانت بنا بر طبق طرح اصلاح حرکت بجنبه خود
قسمت کلا از سواره را بر پهلوی خود میفرستد برای اینکه هر گاه ممکن باشد راه گریز را بر دشمن ببندد و با خود
نگاه نمیدارد مگر چند سواره دراقون که در دیده بانی و خبرانی بکار آیند .
پس مدتی توقف بود که فرستاده ژنرال موتوبان را از اطلاعات جاسوسان خود مستحضر میسازد و یک لحظه
دیگر نیز مکث مینماید که حرکت او را رو بسمت شمال غربی مشاهده و احساس نماید لکن چون زمین تل و ماهور
و پوشیده بود ستون فرانسه میکند ر بدون اینکه با ایشان نمودار شود .
سیر هوپ قرانت با لشکرش که قدری زیاد از به سمت جنوب غربی خم و سرازیر شده بوده دو ساعت بعد از ظهر
بیرون شهر بر یک میدان تحصنی رسیده بود که آن را هنوز در حالت مدافعی میپنداشت .
بعد حصار را خالی و بیابان یافته داخل میشود و آنجا سپاه را باز میدارد که آن در مقابل دروازه مغربی شهر از سمت
شمال بوده .
یک شاهراه عریض که تا آن دروازه کشیده میشد و در طرفین آن باغات و محله خارج از شهر زیاد بوده چنانکه در آنجا یکمقدار
سواره مشاهده مینمایند فی الفور دو عراده توپ بر آتش آمده بزودی تارتارها عنان پیچیده قسمتی داخل شهر گشته
قسمت دیگر از پناه و امتداد دیوارها فرار میکنند .
بر فرمانده انگلیس شبهه در حمله نکردن دشمن نمانده قصد میکند که حکم اردوی فوری زدن بر شهر خود بدهد تا اینکه خبری از حالات و جهات

ژانه با دو سواره‌ای خود که ایلچی همراهی خود تا یوآن مین یوآن برده بودند رسید غیبت این
سواره بر اطلاعات و تحقیقات صحیح و مفصل مارا کشته در روی باستیان یک آتش بلندی روشن نمود
تا اینکه بر عوض نمودن جای اردوی خود دلیل علامت شود و از یک ساعت بطلوع آفتاب مانده تا یک ساعت
گذشته همین خیال ثابت و یک تیر توپ سلام خالی کرد که آخر الامر صدای آنها را در اردوی یوری متفقین خود
شنیده گشت .

ژنرال مونتوبان و فالور با پالل فرمانده سواره گفتگو نمود که فرمانده کل و ارباب سفارت انگلیس
از احوالات شب گذشته و حرکت خود خبر فرستاده و از ایشان وعده بگیرد که شخصاً در اردوی یوآن مین
یوآن حاضر شوند همین که این پیش بینی و دور اندیشی روبراه شد بر گردش و سیاحت عمارات خاقانی عزم نمود
خواست که حقیقت و راستی و درستی خود را بر جمیع غلط خیالیها [illegible]
و هیچ بهانه بر بدگویی و هم چشمی و بخل و حسد نگذارد لهذا بر آن شد که متحدین بر این مجمع و اطلاعات او یا حاضر شوند
و حال آنکه می‌گفتند که در تشانق کیااووانق انگلیسها اسباب کلی ضبط نموده که مخصوصاً از آن جمله بقدر چهار
ملیون جاجی در آن شهر پیدا کرده بودند که با پول ایران عبارت از چهار صد هزار تومان باشد .

تا آنوقت هیچ فرنگی پا نشنه در یوآن مین یوآن را نه پیمانده بود پس هیچ قبیله و طایفه
بزرگ و شاه وارث از فرنگستان متعوّنست که از آن شمه بر خیال آرد و یا بیان تفصیل نماید مکان
مزبور یکی از تفرج‌گاه و شکارگاه و دریاچه‌های متعدد و تو ظهور رشت سر هم بود در روی یک سطح و مسافتی
که زیاده از چهار فرسخ باشد با عمارات متعدد از مرمر سفید که سقف آنها پوشیده بود از قطعات مرمر رنگارنگ و
چینی کاری شده با اقسام رنگ و روغن مختلف گنبدها و معبدگاههای منقش و منبّج بجهه خداوند در بزرگی اوراق
و منارهای والا با ترکیب و هیئتهای خوش هرگز قبول و باور نکردنی از حیث پستی و بلندی زمینها چنان بر قصد
انتخاب یافته و هیچ دم داده شده بود که بر نظر دنیایی آمده مگر متعجب و تنها همه روی هم مختصراً و مفصلاً بیان می‌نمود

سکه و علامتهای بزرگ عادی و رسمی و طبیعی صوری را از ملتهای مشاهیر مشرق زمین .
در هر یک از گنبدها و معبدها اسبابهای پر بها و نایاب چنان بوفور جمع بود که از مشاهده آن انبارهای حقیقی
باور میکردند که خاقان چین مخصوصاً ضابط و تاجر بر عموم مملکت و اداره سلطنت خود بوده است .
ولکن بسی افسوس و خیلی دلگیری دردناک ذهنها را میبرد از نادانی و بی بند و باری بسی دولتی که آن همه نفایس و مایه
جلال و شوکت نایاب و غیر ممکن در روی ریزه و ترک شده بود چنانکه از آنها جایی خالی و مستثنا نبود مگر منازل
آنانی که معتمد و زینت ده مخصوص عمارت خاقانی بودند .

ژنرال مونتوبان درجه به درجه که باز دید خود را مینمود و میگذشت قراول و مستحفظ گماشته از صاحبمنصبان
منتخب و سفارش میکرد در سعی و دقت اینکه همه آنها کما کان و دست نخورده بماند تا اینکه سر هوپ گران
و لورد الژین برسند سوالشر و برنو هر دو کاپیتن توپخانه بر این خدمت
مأمور گشته معمول داشتند آنرا در شبهای صداقت و پاکی بر خود واجب نمودند چنانکه هیچ چیز از این طرف
به آن طرف نگشت با وجود اینکه وارسی و سرکشی بعهده آنها بود اما از کم طالعی همان وقت و حد معمول نشد
پس از آنکه نوبه خدمت بکس دیگر رسید .

نیمساعت بظهر مانده سردار و سفیر انگلیس در یوآن مین یوآن بودند در وقتیکه مستحفظین
سابق مستو بریو و سثوالشر از خدمت خود معاف و عوض ایشان منتخبین از هر دو سپاه
مأمور گشتند که نفایس پر بها و پر قیمت تر را که میبایست در میان آنها بالمساوی قسمت شود بر چینند
بر آورده ملاحظه حمل و نقل در صدد وسط اذن نمیداد که همه آن اوضاع و تجمل را ضبط و تصرف نمایند .

در همان شب هفتم در تالار تخت و تاج احکام قسمت و تاراج در میان
مهتران طرفین بر پا گشت فرمانده لشکر فرانسه از اسبابهای بسیار پسندیده و سزاوار از برای اعلیحضرت
امپراطور و امپراتریس و ولیعهد منتخب نموده جدا کرد و همان قدر و اندازه از برای ملکه

انگلیس معین شد .

در هشتم حسب جستجوی مجدد آشکار نمود یک مقدار شمش معین از طلا و نقره را که به تحقیق و دقت
این مستحفظین بظهور آمد .

یک تماشاگاه متأثر دردناک آخری بر بازدید کنان یوآن مین یوآن باقی مانده بود .

در یکی از خانهائیکه به عمارت خاقانی نزدیک و همسایه بود در حوزت و اسباب زیادی چیده شده
از ذکر محبوسین که بعد از صید و نه و برداشته در تیشانق کیا اودوانق بقتل آمده و بحاصل مطالبه شده
و امتعه ربایه رفته بود جسته شد .

در میان این مغموم و مهموم کننده در کرخه شده‌ها حوزت فولون قواندشان سرهنگ
توپخانه مشاهده گشت با یک کتابچه حساب دیراق اسبی که مال مسیو آدر خزینه دار در بعض خانها بود
و پانزده دست زین و برگ از سواره سیکا .

دیگر با همه واسطه وارد که راه لاممکن بمحال گشت که از اسیر شده کان بیچاره و بدبخت ما نشان و سراغی
داده شود .

در صبح نهم ماه اگر چه قسمت کلی آن عمارات رفیع و عالی آن تختگاه بدون سیاحت و بازدید مانده و مانده
کل در صورتیکه آذوقه تمام شدن شروع کرده بود مصمم گشت که مراجعت نموده به لشکرگاه انگلیس که در شمال شهر
پکن اردو زده بود متصل گشته سواره انگلیس برادروی خود ملحق گردد .

سپاه فرانسه در طلیعه صبح روانه گشت که رفته در سر ربع فرسخی اردوی انگلیس تخمیناً مسکن کرده خیام
سواره در سر شارعی حرکت کردند که راست بدروازه قانتینق میبرد باری اردو لشکر متمکن بودند
و در پیش روی سمت شمالی شهر در سطح خود اردوی بزرگ متحصن .

در ورود ژنرال مونتوبان از استعلام سر هوپ قرانت مخبر گردید که معدودی چند از اسیر شده کان

در هفتم خلاص و وارد شده بودند که آنها از لشکر انگلیس مسیو پارک و لوک و از لشکر
فرانسه مسیو اسکاردیاک و دلوتور و روزن و باشلیر موظب خدمت و فرمانبر
کاپیتن شانوان و از سربازان ژینیت و پتی بودند علامت رفتار سخت و
منحوس که ایشان دیده و کشیده بودند دلالت میکرد بر وحشی گریهای چینیها و مینمود یک روز سیاهی را
که هم رکاب و رفقای بدبخت و طالع برگشته اینها کشیده بودند و حال آنکه از اسیر شدن آنها بی خبر
و از هم دیگر جدا و پراکنده شده بودند .

یک شرط جدیدی بر شرایط مصالحه که لازم بود افزوده گشت که گشته شده کان اسرا در قبر خود شان
تفویض و تسلیم باید بشوند .

این شرط لازم بود اما افسوس و امان از مشاهده عمل دردناک و بجا آوردن آن تا پنجم هم ماه چینیها
نعش سرهم با میفرستادند از اجسام و جنازهای متلاشی کولونل فولون قواندشان
داآدر صاحب منصب نظارت و دولوور را با جسم از هم دررفته فرمانبران ایشان
اودیشو اوزوف و بلانک لیکن جنازه لابه و دولک هرگز پیدا نشد
اما بعد از مدتی معلوم گشت که این مأمورین را در پالیکیائو کشته و در رود خانه انداخته بوده اند
باری شمارش بیگناه کشته کان از فرانسه شش و از انگلیس
سیزده نفر از بیست و شش نفر معین و معلوم آمد .

بغیر از این حکم دیگر هیچ تغییری در اتحاد منعقده نسبت بدولت چین رونداد و فرمانداران کل مصمم گشتند
که برای اتمام کارها تعجیل نمایند چون نزدیک شدن فصل سرد شدید ایشان را از زیاد مجبور میکرد .

فرستادن نامه بر شاهزاده کونق

در دهم بر شاهزاده کونق نامه عنوان کردند که بدست دادن دروازه قانتینق
مجبور شود که در سیزدهم ماه پیش از ظهر سپاه متحدین تغییر مکان نموده در سر باستیان خود یکی جای و ممکن شوند

و بر آن نامه افزوده بودند که اگر شرط مذبور در روز و ساعت مذکور بعمل نیاید توپخانه دیوار قلعه را از جا خواهد برد
خلاصه هرگز ممکن نبود اگر غلبه آن حصار عریض و مرتفع که بود در نظر
خیال نمایند لهذا پس از نامه و اعلام مذبور اعمال محاصره و قلعه‌گیری را بدست گرفته با همت و کوشش و زور تمام
تا آخر شب دوازده بروز سیزده پیش بردند .

دو دسته توپخانه قلعه‌کوب یکی چهار عراده آتشخانه انگلیس شصت و هشت پوند و دیگری چهار عراده
آتشخانه فرانسه دوازده پوند خاندار در میان دروازه قاتنیق و زاویه شمال شرقی
از مارپیچ و خاکریز برقرار گردید دسته توپخانه انگلیس جاگیر شده در معبدگاه مخصوص بر خاکی که در دویست
و پنجاه ذرعی شهر بود دسته توپخانه فرانسه تخمیناً در هفتاد ذرعی جا گرفت .

این یک تماشای عجیب و منتج بود که اعمال قلعه‌گیری و باستیان و مارپیچ‌ها با آنهمه تفاصیل
ساخته و به انجام رسید بدون اینکه ممانعت شود یا سانحه روی دهد در برابر تاتارها که در پشت
مزغلها ساخلو و حاضر و ناظر بودند چنانکه یک مأمور و کاشف بتوانست بکمال اطمینان و آسوده کج
تا بیخ دیوار قلعه نیز نزدیک شود جای تأسف و تعجب کلی از حالت وحشی چینیها بود چرا که هیچ
قسم نمیتوان بیان کرد که با همه آن استحکامات و خاطرجمعی خودشان از حمایت آن قلعه با زبان
تخت و عریض و محکم در بالای خاکریزهای خودشان ایستاده بر ستیح نمودن مارپیچها و ترتیب توپخانه‌ها
در سنگرها متحمل بودند .

اما در شب دوازده تا روز سیزده ماندارین هونگ کی که چند روز بود در میانه متحدین و دولت
چین واسطه واقع شده بود اعلام نمود که دو نفر معتمد از طرف انگلیس و فرانسه معین شود برای اینکه
در باب تحویل نمودن دروازه قاتنیق گفتگو شود .
کومانتان کامپنون از سلک اتامازور و مسیو پارک بجهة این خدمت

تعیین گشته و هونگ کی را در یک عمارت بزرگ در محله خارج شهر که در مقابل سپاه انگلیس واقع بود ملاقات
کردند پس از یک مباحثه و مکالمه در صورتیکه ماندارین استمزاج مکرر و تغییر و تبدیل شرایطی را که مأمورین مزبور تکلیف میکردند
در آخر مجبور شد که جمیع نقاط مطالبه شده را بدون ملاحظه و صفا تسلیم نماید .

روز سیزدهم در ظهر یعنی در ساعت مشروط دروازه قاتنیق بر پیش روی ما گشوده گشته از هر ملت یک باتالیون
رفت که در روی خاکریز جابجا شود .

باتالیون فرانسه از زواها بیکبهاره و در سر ستون کلونل پوژ سرهنگ باتالیان بود و بارنیس اتامازور
در دور و دراز لشکرها فریاد امپراتور زنده باد بلند گردید در پیش روی یک جمعیت بی حساب ...
ماندارین؛ وقتی که آمدند با زحمت کلی میتوانستند از آن ازدحام با زور عبور نمایند .

خاکریز در عرض ... ده ذرع مسطح بود از چندین عراده توپ برونز بزرگ گلوله با یک کارگری و صنعت خوب
و چوب و ... غیر المتناهیه حم پاره و توپهای کوچکتر زخیم و مرتب شده اما انبار باروت و ... جنگ از عهده این امر
آتشخانه جنگ گویا بر نمی‌آمد و کفاف نمی‌داد و قورخانه چینیها که در ابتدای جنگ آن قدر فراوان بود رفته رفته
کم‌یاب گشته بود و احتمال کلی میرفت که بسبب این ضعف و بهر دیگی آوازه و شهرت مسخر شدن ید آن
مین ید آن شد که بر گشودن پای تخت آن دولت نیز مساعدت کلی نمود .

فرماندهان متحدین فی الفور اندازه کار را گرفته احتیاط لازمه را بجهت اطمینان از بهانات عمل خودشان از دست
ندادند و شش عراده توپ چهار پوند از فرانسه و همانقدر از انگلیس در سر خاکریز گذاشته شد بطوری که در مقام حاجت
آتش آنها تار و پود شود در کوچه‌های اصلی و شوارعی که به دروازه مزبور متصل میشد سپاه فرانسه در همان ساعت
از سمت شهر نزدیک شده آمد تا در سربازخانه که پهلوی دیوار و از تاتارها تخلیه شده بود منزل گیرد .
پس از آن یک خیال توقف و بار اندازی بمیان آمد که این خیال بود که مخصوص
به لورد الژین .

ایلچی انگلیس ملاحظه میکرد که چون مصالحه گذشت به ازای آوردن شرایط حقیقی و طولانی آن خاطر جمعی حاصل کرد وی میداشت که اصرار و معطلی او درین کار مقاله را احتمال خبط و پشیمانیها نسبت به اعمال لشکری در آینده میداد و این کار بر عهده زمامت خود فرماندهان گذاشته شد که در مقصد و صواب دید اگر ممکن باشد سعی و دقت نمایند .

سیر هوپ قران خیال لورد الژین را ناشایسته دیده خوشحال بود از اینکه در جواب وی طفره ژنرال موتوبان را تصدیق نماید .

فرمانده کل فرانسه اتفاقی نکرد از اینکه آشکارا بگوید که نامساعدتی محیط مزاج لشکرش او را مأذون نمیکند که در پای تخت چین بر توقف خود طول بدهد و منتهای مقصد اقامت وی تا اول ماه نوامبر خواهد شد که پس از آن خود را به تین تسین خواهد کشید که در آنجا جمیع مایحتاج و آذوقه لازمه برای توقف و گذراندن فصل زمستان موجود نموده بود بخصوص که وی هرگز بخیال ماندن در پکن نیفتاده بود از یک طرف فصل شروع میکرد و سختی داشت و خود کوههای نزدیک پوشیده شده بود از برف و باد شمال با شدت تمام وزان در میان خزان رسیدن وقت هم را عنقریب اعلام مینمود و اهالی مملکت علامت وی را تصدیق و بیان میکردند .

ولیکن اعمال سفارت با وجود تهدید و تشدید با کمال آهستگی و تعطیل پیش میرفت تغییر و تبدیل تحریرات مسنادید در سر هر شرط مخصوص یک وقت و فرصت با قدر و قیمت را فرو میبرد و معلوم میشد بهتر سند از اینکه تا رسیدن وقت معین شده برای مراجعت سپاه پای تکالیف یک قدم نیز پیش نهاده باشند از خستگی این تعطیل و تعویق در ۱۲ ام وزرای مختار بر آن شدند که برزد کارگذاران دولت چین را ساده از جانب فرماندهان کل چنین اعلام و اتمام حجت نمایند « حالا
« نامه در بیست و سیم امضا و مبادله خواهد شد یا متحدین در خیل شهر گشته عمارت سلطانی را آتش خواهند زد بدون
« اینکه از اهل و سکنه وی دریغ نموده ترحم نمایند اگر چه در حق یک نفر ... باقی مانده باشد » .

از احوالات و حالت سپاه سان کولینژین در آنوقت خبر صحیحی نداشتند اعتقاد

معنی بر آن بود که شهانشش ز سیخ از پای تخت دور شده است و حال آنکه دیگران میگفتند که او لشکر خود را بسمت تارتارستان که سابقاً خاقان چین بآنجا پناه برده و چهل فرسخ مسافت داشت بکلی عقب کشیده است (۱) .

بعضی اخبارات در رفتن و دور شدن این لشکر راست و محقق گشت که یا میخواستند که باز پای بر جا نموده سرانجام دهند تکلی بر جمیع خدمت و مقاومت جواب گفته بودند چرا بواسطه کارهایی که متحدین بر ایشان آورده بود سان کولینژین دیگر نمیتوانست دوباره آنچه پیاده و سواره از حد و اندازه بیرون را که دو دفعه بکلی پامال و پراکنده شده بود در جمع آوری خود را در سر آنها حاضر ببیند .

ژنرال موتوبان بنابر حالت و صلح خود عزمش را جزم نمود که مشطور وقت معین و اعلام شده آنرا شود بردن اینکه قبل از وقت مزبور بر جنگ و جدل سلطنت پکن اقدام نماید اما سیر هوپ قران بخصوص لورد الژین روز بروز تشدد و بیحوصلگی را پیش نهاده چنان وانمودند که بنا بر هیچ واسطه و قانون مجاب گشت نباید باعث اضمحلال و معدومی حکمرانی و سلطنت موروثی و رشته برهشت آن اقلیم گشت .

این هیات و حالت بر عکس و نقیض بود برانکه فرمانده کل و وزیر مختار فرانسه عزم خود شان را جزم و یکدل و یکجهت شده بودند که بر امانت و صداقت بطون و کفه دستور العمل و بترتیب تربیت و اساسیت خودشان خیانت نکنند بخصوص در حالیکه طراحی این خیال وقتی شده بود که چینیها اشخاصی را که در اینجا هم سابقاً محبوس نموده بودند عوض اینکه زنده رد نمایند جنازه اکثر از آنها را تسلیم کردند و واضح بود که لورد الژین بنا بر اعتقاد و دعوی انگلیستان اسباب فراهم می آورد بخصوص تألم و غصه های اهالی لندن از اینکه در میان مرده ها یکی از معتبرین و معتمدین بزرگ ایشان مسیو بولبی نایب تیمس مرده گشت پس البته مجازات کرده عوض آن یک لگد سخت زده بواسطه کشیدن یک انتقام بزرگ با پا شده کان را تسلیه بدهد .

(۱) در آخر جلد صورت مراسله جاتی را که در یوآن مین یوآن بدست آمده بود باید ملاحظه نمود

این شعبات مختلف از پولتیک مضایقه نکرد که در میان متحدین مایه نقار و کدورت شود .

سابقاً وزرای مختار متفقاً بران بودند که بر شرایط عهدنامهٔ تین تسین هیچ چیز نیفزایند مگر تنخواهی در عوض قتل محبوسین از نادانی تاتار بر اقوام ایشان بگیرند که دولت هزار تائل که عبارت از یک ملیون ششصد هزار فرانک پول فرنگ و صد و شصت هزار تومان پول ایران باشد بجهة باقی ماندهٔ کشتگان فرانسه و سیصد هزار تائل که عبارت از دویست و چهل هزار تومان پول ایران باشد از برای باقی ماندهٔ کشتگان انگلیس چون محبوس و کشته از آنها بیشتر بود اما از هیجدهم ماه لورد الژین بر بارون قرو پیش نهاد کرد که باوی موافقت نماید اولاً در ساختن یک معبدی در راه خدا در تین تسین دیگر آنکه در آن معبد وشروط مظفر و منصور گشته شرمنده گی و سرافکنده گی بار بیاورند ثانیاً در آتش زدن تخت گاه یوآن مین یوآن بلکه قسمتی از آن در سابق بواسطهٔ لشکر ما و خود چینیها در ایام هفتم و هشتم ماه اوکتوبر سوخته بود .

وزیر مختار ما بزحمت زیاد رفیق خود را از صرافت اولیه انداخت چرا که دولت و سلطنت پکن هرگز متحمل آن نمیشد مگر اینکه مبالغت تا آخر درجه از تندی پایین آس آورد و ذلیلش کرد اما بر مخالفت لورد الژین تخت گاه در انتقام کشی هیچ نصیحت و دلیل مثمر ثمر نگردید .

ژنرال مونتوبان فی الحقیقه جواب عمده از مطالعت و حمایتی در باب چنین حکم و ماموریت که او و هم چنین بارون قرو در مصلحت و منفعت دولت فرانسه تاریک و رکیک میدیدند حالت مزبور را بخیال اینکه نتیجه این کار بنا بر قول و کار پردازی شاهزاده کونگ که رئیس الجمله اعتبار و اطمینان از هوش و رفتار وی حاصل شده بود باعث تزلزل و دوهم زده گی وی گشته خود را مجبوراً عزل و بی دخل نماید از کار و شرایطی که علی العجاله گذشته است و در آنصورت حمله و هجوم بر تختگاه و عمارت خاقانی شهر پکن نیز یکی از جمله وجوبات بر هم خورده گی مطالب گشته باعث پامالی و افتادن سلطنت موروثی موجود شود .

همهٔ این ملاحظات نتوانست جلو رفیق و شریک ما را بگیرد و در احتمال کلی میرفت که بعضی مصلحتها را در کارها تنها میدیدند و در شبهه بودند که کاه است بواسطهٔ ما شرایط و نذر رای مخفی و پنهان از ما کامل و جا بجا نشود پس از آنکه اشخاص مخصوصی در ضمن به یاعیان امانت سپرده شده بود و در باب حرکت ایشان برسبیل اتفاقهای جای آن داشت که در این مسئله خودداری نمائیم .

باری انگلیسها برای اینکه جزئی عزم خودشان را بنمایند میگفتند " در همین قصر ییلاق بود که محبوسین
" نگاه داشته بودند با یک حالت وحشی و درنده گی که دست و پای شان بسته سه روز بدون خوردنی
" و آشامیدنی گذاشته بودند ملت انگلیس تسلی نخواهد یافت در راحتی نخواهد شد اگر بر دولت چین یک
" چشم زخم سخت و حتمی نزنند این علامت و نشانه مدتهای مدید خواهد ماند در عوض یک هیچ
" انسانیتی و خارق عادت نمودن در حق قانون یک ملتی هر گاه ما با شهها با امضای عهدنامه بگذاریم
" این دولت چنان خیال میکند که همیشه میتواند هم ولایتی ما را بدون مواخذه و تنبیه بگیرد و به بند و
" بقتل رساند سرازیر کردن قصر مزبور رشل و وقوع یک قلوه و تحقیق یک مشتی خواهد شد که بر پیشانی سلطنت
" پکن خورده باشد که بانی و باعث بی تربیتی و درنده گی حقیقی است نه بر چشم ملت و آنکهی که رابطه
" انسانیت مردی هرگز نخواهد توانست که بر وقوع این واقعه و حرکت ایراد و بحث گیرد " .

لهذا یکی دو نیزه از سپاه انگلیس درجه هم دارد یوآن مین یوآن گشته زبان و زبانه آتش زبان و زبانه را بر کار و کارگاه آن قصر و تخت گاه خوشگل که چند روز پیش از آن باعث حسرت و حیرت ما بود بر گشود .

شب سر همین عمل که ترس بدکاری ایراد و مقصری در وی بود و پس نبود که سفارت انگلیس یک خیال و قصد تازه بر پا کرد بطوریکه فرمانده کل فرانسه احتیاط کرد از اینکه در آخر جمیع امیدها از نتایج یک مصالحه بریده و برطرف شود چنانکه شاهزاده کونگ اعلام کرده بود که اشتطار رسید الجواب از وی تا بیستم کشیده خواهد شد

وحال آنکه مهلت در تکلیف آخری ما بجهة نگهداشتن اندازه تمام شد و بطوری تا بیست و سیم بود
که هیچ جوابی نرسید مشغول شدند لکن متفقین ما خواستند که وعدهٔ معهود را بسیار نزدیک و وقت موعود را
تنگ تر تأویل و ترجمه نمایند چنانچه اگر هم رضامندی و تکالیف از جانب وزیر مختار چینی تا نوزدهم هم نیاید
فردای آن روز حمله نمایند ژنرال مونتوبان و سر هوپ قران سفارش و آشکارا عنود منظور ایشان لورد
الژین [illegible] گفت که خود قبل از بیست و سیم بر شهر بهیچ وجه من الوجوه دست درازی و تعدی نخواهم کرد لهذا تفصیلها
هم در آنجا ماند .

خصوصاً امنای چین پیش از وقت اعلام نموده بودند که با واگذار و تسلیم ... کرده با صد هزار تائل نقره‌ای
را که بجهة ورثهٔ کشتگان بیگناه تکلیف شده بود و چنان معلوم میشد که در موجود و تمام نمودن آن سعی و
تعجیل داشته اند ملاحظه در صبح روز بیستم شاهزاده کونگ قبولی خود را بر جمیع شرائط و تکالیف بوزرای مختار
فرستاد با خبر عزل و بمنزلت شدن سان کولینسین و یویلین دو فرمانده کل که تحریص و تحریک کنندگان
بر حمله و حیله و ... هم ... در بیست و دوم ... مزبور شهر را ... و در بیست و سیم شاهزاده کونگ
در یک نامه جدید ... امضا نمودن عهدنامه حاضر است که در رهائی آن مصالحه نامه تصدیق بلاشک خط
خود خاقان بوده باشد .

وزرای مختار فی الفور رفتند ممکن و برقرار شوند در عمارات واقعه در خطهٔ شهر که از دار الحکومه مملکت از برای آنها
معین و واگذار شده بود .

مجالس امضا و مبادلهٔ عهدنامه ... در بیست و چهارم از برای انگلیسها و بیست و پنجم از برای فرانسه‌ها
و در این هر دو مجال یک صف آرایی ... از لشکر ... شده بر اخبارات ... در باب کینه و عداوت
... شهر ... با هر صورت در هر حال بر سر ذهن و خیال هم ممانعتی زده شد . امضا و مبادلهٔ معاهده و مصالحه نامه انگلیس بیست و چهارم اکتوبر

جنبیت و دبدبهٔ سر هوپ قران و لورد الژین [illegible] شده بود از صد نفر سواره در اول ...

از قرار یکتا تل چهار صد هزار ... با دقت ... پانصد هزار تائل ... که ... بر شانصد هزار ... ابرا ...

... تا تل ... عمارت ... از چهار صد هزار ... تومان

با یک لباس بسیار خوب و پنجاه نفر سوارهٔ سیکها و دو رژیمان پیادهٔ انگلیسی هر کدام پانصد نفر و یک قسمت
جدا شده از پیاده سیکها .
وزیر مختار داخل شد بر یک تخت که احاطه شده بود از شانزده نفر بنده که ملبس بودند با لباس بسیار فاخر
در بیست و پنجم یکساعت بظهر مانده ژنرال مونتوبان و
بارون قرو در نوبهٔ خود رو بر دیوانخانه ... که شاهزاده کونگ منتظر ایشان بود
روانه گشتند .

یک صد ... چنانکه هر گروه سپاه مأمور در جای قراول عزت و افتخار حاضر شده بودند سوارهٔ سپاهی
آفریقا با بالاپوش قرمز خودشان و مجری زین و برگ تازه سوارهای شاسور بسیار خوب مسلح
گشته با کلاه خود ... در دور آنها عمامهٔ آبی آسمانی پیچیده شده بود و یک اسکادرون تمام از توپخانه
سواره ملبس به لباس و کلاه ... در ... باتمام ... بود در عوض ... که در کشتی ... دلبیر
غرق شده بود خلاصه پیادهٔ نظام با لباس دعوا و با آن هیئات جنگی خود که همه با هم یک نسبت ... مخصوص نبود
که چینیها حالت ایشان را ضبط مینمودند یا دوست میکردند و حال آنکه عادت ایشان ظاهربینی است .
این جنبیت و شوکت که در حقیقت هیچ نوع بر جنبیت و تجمل متفقین ما هم چشمی
نکرده بود از میان همهٔ شهر تارتار با یک نظم خوب عبور نمود در میان یک ازدحام عام بطوری که مانند این
جمعیت را هیچگاه ... که ... و ... شود .
پکن منقسم است بر شهر تارتار و شهر چینی اما بسیار کثیف و بد بنا شده لکن چندین عمارات و بناهای
خوب دارد بخصوص دیوار عریض حصار وی که بلند شده از آجر خوب و خوش شکل که جابجا به نگاه داشته شده است
و پوشیده است با یک لای ضخیم از گرد و خاک که با اندک بارندگی مبدل میشود بر گل و لجن .
احاطهٔ حصار بسیار وسیع است و یک ساعت و نیم وقت میبایست تا اینکه ستون روانه شده

از دروازهٔ شمالی بر عمارت وزیر امور دول خارجه برسد که بجهت این فاصله واقع است از دیوارها یکه شهر چینی را از شهر تارتار سوا میکنند .

شاهزاده کونگ جوان بیست و چهار ساله ایست و بجمال با یک سیما و چهرهٔ شیرین و با عقل هنرپروری کرد و کلای دولت فرانسه را احاطه شده با وزرا و صاحبمنصبان که با کمرهای هم رنگ بجهت علامت ... بودند همهٔ این اشخاص جمع بودند در یک تالار بزرگ در دست راست برادر خاقان بارون گرو و ژنرال مونتوبان در دست چپ وی جا گرفتند (۱) .

مجلس مبادلهٔ دولتین در معاهده و امضای عهد و مصالحه نامه و ثبت و ضبط وی قریب بیک ساعت طول کشید که انجام و فرجام وی معهود رضامندیهای زیاد را و با علامات محبت و مهربانیها از جانب پرنس کونگ بر انجام امور تهنیت گشت بواسطهٔ بیست و یک تیر توپ سلام از قلعه کرها که بر لشکر فرانسه میکردند این را که کار جنگ تمام گشت و مقصود وی بعمل آمد .

پیش از این تفصیل چند روز برای پیدا کردن عبادتگاه عمارات مذهبی در داخل شهر پکن اوقات صرف شده بود بواسطهٔ گماشتگان ژنرال ایگناتیف وزیر امپراتور روسی فهمیده بودند که در دست خطی که شهر تارتار را از شهر چینی جدا میکرد هنوز بتمامه موجود بوده است یک کلیسای کاتولیک (۲) از اهل پورتقال که پوماتیو زیکسی رئیس مذهب ساخته بوده است از آن طرف اطلاعات حاصل گشت که در سمت مغرب و خارج از حصار شهر از علامت همان قبیله یک قبرستان بزرگ محصور از عیسوی مذهبان است که در میان آن قبرهای ریخته شده مرد از علمای مذهب است که پیش از آن در ایام سلاطین قدیم چین پیش رفت کارهای بزرگی داشته عزیز و محترم بوده اند .

نگهبانی و پرستاری این عمارات و آثارهای خوب بنا بر احترام مردگان و قبور ایشان از طرف چینیها بوده و معلوم است با شیشه و بنا بر بی توجهی و سرکشی از مأمورین و گماشتگان روسی میشده است که بعد از چند مدتی در آنجا برقرار و گرم شده بود

(۱) در چین مکان برتری و عزت افتخار سمت چپ است .
(۲) فرقه‌ای از مذهب عیسوی .

دولت چین قبول کرد که بفرانسه وا گذارد که این کلیسا و قبرستان را که دوباره سپرده شد بر مسیو مولی خلیفهٔ اول پکن که دفعهٔ اول بود دیگر بعد از پانزده سال با قوت باز دیدارها بر گرد آن اقلیم که سابقاً تا حدی مأذون بوده و داخل شده بمقصود خود رسید .

در بیست و هشتم ... فرانسه بر هم ولایتی بدبخت خودمان در قبرستان کاتولیک که از آن وقت بعد خاک فرانسه شده بود دوباره بخاک سپرده میشدند یک سرافرازی و تعزیه داری آخری بجا آوردند تشییع جنازه و دفن وی بسیار سنگین فراهم شد در میان یک ملت بیشمار چینی که هر چند بر دین هم نوع و قسم تماشاگاه شش جنازه متحمل بودند هر کدام در یک صندوق با ابری تو خانه پوشیده از پردهٔ مخمل سیاه با یک چلیپا و علم سفید یک ... و زیاد از صاحب منصبان انگلیس چنانکه ما نیز چند روز پیش با آنها بودیم در وقتیکه ایشان نیز همین معامله را با کشتگان بیگناه ملت خودشان میکردند جانشین و مأمورین روسی بکلی و جمیع خلفای کاتولیک فرانسوی انگلیسی و چینی برای تشییع جنازه محزون جمع شده بودند طلب کنان مغفرت در سر مزارها مسیو مولی بود و لابه ... قاضی و خلیفهٔ بزرگ عسکری فردای آن روز وزیر مختار و رؤسای سپاه حاضر شدند در مجلس عزا و فاتحه خوانی کشتگان در کلیسای پکن که بر کاتولیکها بعد از سی و چهل سال تخفیف و برپا شده بود یک ولوله و زلزلهٔ ناگهان بر حضار مجلس غلبه کرد وقتی که آواز عیسویها در این معبد مفتوح مذهبی بلند گشت بخصوص وقتی که صدای ارگ و آواز مناجات مطابق و متفق زنها شروع نمود باور نشود گر داد که این دیگر از کلیساهای فرانسه است اینقدر از لشکر مهندس و از سایر فرقه هم حسی میکردند و زور می آوردند و اینقدر خلق با زیر دستان خودشان کوشش میکردند که بکلی مضمحل و فراموش شود دلگیری و پژمردگی که بواسطهٔ بی تسلطی در مدت مدید شده بود .

امضای عهدنامه هلال جدل و مخاصمه را تغییر داد و جمیع رضامندیهای لازمه

از جانب هر دو دولت بعمل آمد .

مفصول شرایط معهوده گذشته در بیست و هشتم ماه ژوئن ۱۸۵۸ عیسوی بکلی مجدداً مقبول و معمول بود و غرامت جنگ که در آن مدت از برای فرانسه دو ملیون تائل برآورد و معین شده بود تا بزمان گذشتن کار مصالحه غرامت مزبور رسیده بود بهشت ملیون تائل که عبارت از شانزده ملیون فرانک پول فرنگی و سه ملیون و دویست هزار کرور تومان پول ایران باشد

پول فرنگی = ۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰ — پول ایران تومان = ۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰ — پول ایران کرور = ۳۲۰۰۰۰۰

که هفت ملیون تائل در عوض مخارج سپاه بجهة جنگ چین و یک ملیون تائل در عوض خسارت و قتل و غارت تبعه و بستگان ما که در سوزاندن انبارهای تجارتی کانتون رسیده بود و همچنین برای مأمورین کاتولیک که جاناً و مالاً در این مخاصمه تلف شده بود مایه و پایه و اسباب مذهبی و نیکو کاری که از عیسویها با ظلم و تعدی در این مدت بغض و عداوت ضبط شده بود بعینه برایشان رد و واگذار گردید شهر و بندر تین تسین در مملکت پتشلی بر تجار غریبه گشوده گشت بهمان شرایطی که از برای سایر شهرها و بنادر اقلیم چین سابقاً مشروط و معهود و قبول شده بود .

بعد از گرفتن یک قسمت از مشخواه فوق لشکر میبایست تین تسین را تخلیه نموده و بروند در بنادر تاکو و در ساحل شمالی از شانق توئق منزل نموده که از آنجا و از سایر نقاط از قلم رو چین پشت سر هم عقب نشینند لکن فرمانده کل عساکر فرانسه مختار بود برآنکه اگر رایش قرار گیرد جمعیت خود را در تین تسین نگاه داشته فصل زمستان را بگذراند در بهار آنجا اینقدر نگاه دارد که غرامت جنگ بکلی شمرده و تسلیم شود .

پکن میبایست فی الفور پس از مبادلهٔ عهدنامه تخلیه شود و بهمین شرط بود خالی کردن شژان .

انگلیسها نیز قبول نمودند شرایطی را که شبیه بهم بود بعلاوه اینکه نقطهٔ کوو

لواون واقعه در مقابل هونق کونق یعنی تخمیناً سی فرسخ از ساحل کرزمین سخت باشد بعهدهٔ آنها واگذار شود .

مهلت خواستن خلیفه چندی برای تخلیه پکن

وعدهٔ وقت محدود بجهة کوچیدن از پای تخت نزدیک شده و فرماندهان کل خودشان را برآن حاضر کردند تا اینکه بنابر دقایق و خواهش جدید لورد الژین سیر هوپ قران توپی چند روز را از ژنرال مونتوبان تمنا نمود گفت که وزیر مختار انگلیس انتظار میکشد رسیدن حکم خاقانی را بر منتشر نمودن عهد نامه و چاپ کردن آن در روزنامه پکن و بجهة تکمیل این مصالحه نامه مکرر یک مصلحت نافع و بزرگ را ملاحظه نموده خیال خود را بیان میکرد که بمجرد دیگر حکم خاقان رسید نسخهای زیاد چاپ نموده بفرستد که در شهرهای بزرگ و حکام نشین اقلیم چین بدیوارها بچسپانند تا اینکه دولت چین پنهان نتواند بکند صدمهائی را که در این باب کشیده و چشم زخمهائی را که خورد .

با وجود ماخذ دلایل اصرائی لورد الژین بارون قرو خیال میکرد که توقف و حضور وزرای مختار بآن دور و درازی در پکن کفایت کرد برآنکه حالت و کیفیت دو دولت متفق هرگز مشتبه نشود و پوشیده نماند اما احتراز میکرد از اینکه همکاروی با پرنس کونق که مأمور نمایان مصالحه بود تنها مانده بعضی کارها در آخر بی استحضار فرانسه بمیان آید .

بنابر آن ژنرال مونتوبان با باتالیون دویم را از ژاندارم یکصد و یکم از صف جنگ و دو عراده توپ برقراول وزیر مختار که اشته خودش با عموم لشکر در اول ماه نوامبر رو به تین تسین روانه گشت چنانکه حق داشته است از تعجیل کردن و داخل شدن برآن شهر قبل از اینکه هوا الختی راهش گیرد . در ششم ماه بآن شهر رسید که میبایست یک قسمت از این لشکر سرانجام گذراندن زمستان را در آنجا بکرد

پس فردای آن روز یک ستون فرانسه پکن را ترک نمود

حکم خاقانی از ژهول قصری که در تاتاری خاقان پناه برده بود رسیده بوده است در ششم ماه

و چسپانده شده بود بر جبهه دیوارهای پای تخت که در پهلوی عهدنامه انگلیس بال چسپیده و خوانده
نشد مگر دو روز بعد از آن .

وزرای مختار در این فاصله فرصت دیده باز دید کردند با شاهزاده که روز بروز و درجه بدرجه بر دوستی و
مهربانی حقیقی خود شاهد میکشید صداقت خود را لورد الژین دیگر سبب و بهانه نداشت که بر
توقف خود طول بدهد .

از پنجم ماه ژانویه شصت و هفتم دو قورخانه جات و سربازان مهندس و ارد هند و چندین قسم از لشکر
دیگر متمم آن بر تین تسین راه نمایی شد و روانه شدن همه سپاه انگلیس بکلی مقرر گشت بر هشتم
و نهم نوامبر .

در هفتم یک ستون اول در زیر حکم سیر رو بر ناپیر براه و پیش افتاد و سیر هوپ قران
و لورد الژین میبایست فردای آن روز با ستون دویم که فرمانده آن ژنرال میتشل بود روانه
شوند اما رسیدن مسیو بورلن که در چهل و دو ساعت از تحصن و قلوجات پیهو آمده بود یک روز حرکت
ایشان را به تعویق انداخت مسیو بورلن بر پرنس کونگ معرفی گشت تمنا و آرزوی زیاد داشت
که با سفارت انگلیس در پکن بماند لکن مقرر شده بود که این سفارت زمستان را در تین تسین یا
دور پای تخت بگذرانند مگر به کیفیت ماموریت و جمعیت کونسلی مسیو آدکینس را .

خلاصه روانه شدن ستون آخری انگلیس در نهم گشت و در همان روز بارون گرو
نیز با قراول احترام خود که ژنرال مونتوبان تعیین و باوی گذاشته بود براه افتاد .

در چهاردهم لشکر و جمعیت فرانسه و انگلیس از نو در تین تسین جمع گشته هر کدام
در تحصنات و یک قسمت از شهر که در دفعه اول در سر ابر دو رودخانه قسمت شده بود جا بجا و برقرار
گشتند .

فی الفور فرماندهان کل اندازه خود شان را در مراجعت ابوابجمعی خود شان گرفتند در سر اقسام مختلف از قشون مخروره
برای گذراندن زمستان را در آنجاها .

سرباز خانه و سرباز انگلیس در تین تسین

سیر هوپ قران بجهة ماندن در تین تسین معین کرد بریقاد دیه ستاولی را که در زیر حکم خود داشت با
سربازان فرنگی را که عبارت باشند از رژیمان سی یکم و شصت و هفتم و شصتم (ریفلمن) و سواره سیکهای
کاپیتن فانه و دو دسته توپخانه که یکی از آن آرمسترونگ بود سعید نعز از این بریقاد تعیین و جدا شد
برای ساخلوی تحصنات تاکو .

مابقی سپاه انگلیس بکلی سوار کشتی شدند که رفته سربازخانه خود شان را بگیرند و متوقف شوند خواه در سهانقهای
و خواه در هونگ کونگ سوای چهار رژیمان که تعیین بر رفتن و داخل شدن انگلستان شده بودند
سیر رو بر ناپیر مراجعت میکرد به هندوستان و سیر ژوهن میتشل که بعد از غیبت فرمانده
کل میبایست نایب مناب گشته بر جمیع لشکر انگلیس و چین حکمرانی نماید محل اقامت و محله امارت خود را
در سهانقهای تعیین کرد که ملجائیت و مرکزیت زیاد بعد از قراکیری و ساخلوی تین تسین داشت .

لورد الژین نیز در بیست و ششم خود را از لشکر جدا نموده رو
به سهانقهای حرکت نمود بجهة مقرر و معمول داشتن مامورین و اعمال جدیدی که بنا شده و از نتایج توقف آخری
وی در پکن حاصل شده بود پس از آنکه کشتیهای انگلیس ماذون شده بودند که در رودخانه یانگ
تس کیانگ بالا روند سیر هوپ قران که انضباط سوار شدن و کوچیدن تمامی لشکر خود را میکشید
تین تسین را رها کرد مگر چند روز بعد از وزیر مختار و رفته در سهانقهای بروی متصل گشت که میبایست
از آنجا عازم و وارد هونگ کونگ شود که در آنجا دستور العمل تازه میرسیده است .

از آن طرف ژنرال مونتوبان از جانب خود در تین تسین گذاشت ژنرال کولینو
را فرمانده کل برامر سرزمین شمالی چین که در مدت جنگ عبور و مرور شده بود شهر قلعه های تاکو که بهره

سپاه بحری گذاشته شده بود در زیر حکم و فرمان امیرال شارنر باقی ماند با چهارصد نفر پیادهٔ بحری .

ساخلو و مأمورین فرانسه در تین تسین مرکب شد از زنجان یکصد و دوم

و یک باتالیون از زنجان یکصد و یکم صف جنگ و از دو دسته توپخانه که یکی دوازده پوند و دیگری چهار پوند و یک

دسته کومپانی پل ساز و یک نوع خانه منصب نظارت من حیث المجموع صد و بیست و نه نفر صاحب منصب و دو هزار

و هفتصد نفر تابین و چهارصد و بیست و نه رأس اسب از همه قسم سپاه .

ژنرال ژامن با باتالیون دوم از زنجان یکصد و یکم و با باتالیون شاسور آپیه و دو دسته توپخانه

یکی دوازده پوند و دیگری چهار پوند و دسته تفنگ جنگی با اسباب و لوازم و اهل پل سازان و عراده با کسی

و زنبورسای خدمات رو به سهانقهای بارگیر و سوار کشتی گشت دوازدهم دسامبر همه این

جمعیت بر مکان و مقر معینه خود رسیده در ضواحی شهر و در نقاط و عمارات مذهبی در سیکاو متمکن

و جابجا شده بودند .

پیادهٔ بحری اندرونی و بیرونی (۱) دوباره در زیر حکم و فرمان نایب امیرال گذاشته شده راه نمائی شده بود

بجهة بعضی از آنها بر سر شهر کانتون .

ژنرال مونتوبان خوب فهمیده بود وقتی که ایستاده گی میکرد در اینکه تخلیه پکن را از سپاه نباید به تعویق

انداخت چون همین که سپاه وی با امتداد پیهو پایین آمد رود فاتح بست که هر گاه یک هفته دیگر هم

کوچ سپاه به تعویق می افتاد مجبوری شدند که همه لشکر را مدت مدید توقف داده در شمال نگاه بدارند .

مراجعت و غیبت بارون قرو چهل و هشت ساعت بعد از بازگشت

و غیبت لورد الژین شد .

ژنرال مونتوبان بعد از خاطر جمعی از اسباب زندگانی و زندگی در اهلوی آنانی که بر زمین پیاده

شده بودند و پس از اطمینان آذوقه و ذخیره متوقفین تین تسین بخصوص سر چشمه‌های پیاده بجهة تحصیل

(۱) پیادهٔ بحری بیرونی لشکریست که در جزو سپاه بحری اندرونی مأمور است که در هنگام ضرورت ایشان را از کشتی بیرون آورده

بکار میبرند بر خلاف آن لشکر بحری اندرونی که همیشه در کشتی و دریا در کار است

و بدست آوردن آن از مملکت بایست تحمیل نماید دستور العملهای خود را به ژنرال کولینو گذاشته

در بیست و دوم نواهبر سوار کشتی و روانه گشت عبورا تشیفو را بازدید و سرکشی نموده خدمات

مأمورهٔ آنجا را در زیر حکم پلان فرمانده باتالیون یکصد و یکم بسیار مرتب و منظم یافت بنا بر رای تخت و

شهریاری که آنوقت در آن دماغه حکومت میکرد چنان صلاح دید که آنچه که سپاه از بریگاد دوم در آنجاست

روانه تین تسین نماید در برسهانقهای مراجعت دهد چخماق و قنداق و اسلحه ساز جدا شده را از

دسته دوم تا در آنجا تعمیر اسباب و اسلحه نماید بطوریکه نگهبانی در سربازخانه و قراولخانه تشیفو منحصر شد

به دویست و پنجاه نفر .

این جمعیت مختصر کافی بنظر می آمد در ساحلی یک نقطه واسطه در میان سهانقهای و تین تسین

که وقعیت آن برای مراوده ها و مخابرات در کار بود ما دامیکه یخ بندی پیهو زورقی آورد تا اینکه

حکم مجدد در برقرار نمودن رابطه و مراوده بواسطه شارع و راه خشکی برسد .

از تشیفو فرمانده کل عقلتاً یک سفر خارجه کرد تا در خلیج دریای ژاپون و در دوم ماه دسامبر

پیاده و داخل سهانقهای گردید در وقتیکه تتمهٔ سپاه از شمال می آمد .

در اواخر ایام آن ماه شژان میبایست بنا بر شرایط عهدنامهٔ پکن تخلیه شود را نمودن این

جزیره بنا بر خواهش لورد الژین مشروط شده بود و بارون قرو باین شرط راضی

شد با وجود که فرمانده کل فرانسه بر جمیع شورش و بی نظمی آنجا ممانعت و مقاومت کرده بود با .

مادام جی دلم و مشغولیت متحدین کومانداران دسپالیر بدون تحمل و فرصت جستجو و تعاقب

میکرد در نواحی جمیع گریزگاه و جان پناه سواحل را و نزدیک بود که غارت گری را به کلی مضمحل و معدوم

نماید در جائیکه یورش و شورش پی هم و علی الاتصال قتل و غارت مملکت را متزلزل و خراب نموده بود جمعیت

و سکنه آنجا خوش بخت و آسوده در زیر حمایت این گونه حامی و هم قول متعهد شده بود در منفصل

ومتصل شدن وواگذار نمودن آن جزایر بر دولت فرانسه واین مهمات وانسانیت را نسبت بر انگلیسها
نمینمود با احتیاط اینکه زیر صلح برغارت گران آزادی دهد که پیش از همه راه های ایطالی وداخل کن
مملکت مسند تریاک را برخلاف قانون وعهدنامه بین وبا بعین ما به تواتر منتشر ومشتهر بودند
در نینق های وژنرال مونتوبان در آن اثنا غنیمت شمرده برانکه بکوبید وبتوانند که با بلی کی
از بناهای تجارتی فرانسه در شنزان کرده وبرادر کرد که در آنی بنای مذبور را از لشکر
نگهبانی کند چنانکه این غیبت اهل آنجا را ناامید ومایوس میکرد وتاسف میخورد بخصوصه بر بی ثمر شدن
سعی وجد وجهدهای خود در این باب پس از آنکه بعد از مدتی فهمیده که چینیها بر واگذار نمودن نقطهٔ
کولوان بر انگلیسها راضی شده اند .

علاوه از آن مقصود از جنگ بین اقلیم کبری وتصرف نبود بلکه هر دو با هم متفقاً برای انتقام کشیدن
از قتل جمعیت بحریها بود که برخلاف معاهده ها آب مدخل پیهو را از خون ایشان الوان
کرده بودند .

باز امید فه دولت امپراتوری بدون ملاحظهٔ منفعت تدارک مأمورین حربی خود را باتمام
رسانید برای تنبیه وتربیت ویادداشت که در ایران اسقلال کرد از جملهٔ فتح وظفرهای جدیده سالیانه ملتی .

ماحصل جنگ

یک لشکر کوچک پخت وقوی با عزم جزم آماده ومتعهد شده بر جمیع خطرها وجادها
دوان وروان نامعلوم ومبهم در زیر حکم وراه نمایی یک رئیس وفرمانده قابل وغیور روز رسید
که ببرد عقاب مظفر ومنصور ما را بر جاییکه شش هزار فرسنگ از وطن دور بود واو لازم داشت
در مقابل غربت وزحمت وخستگیهای یک کشتی رانی طولانی که پیش از وقت تدارکات را
مرتب سازد وروزها عمال کارگذاران مطمئن باشد بخصوص در مملکتی که راه فراهم آوردن همهٔ مایحتاج
را عبابت اختراع وایجاد نمود ودیگری از طوفان نهاد در یک نقطهٔ خراب گشت اگر ذخیرهها در لزوم

واحتیاج افزوده گشت لکن هر دلی فرمانده کل دولوطلبی وکارپردازی صاحب منصبان بری وبحری جمیع
مشکلات وموانعات را زیر پای خود گذاشت وبجهت جنگی فرستاده شده ما خود را حاضر وآماده دید
برد داخل شدن میدان جنگ تقریباً در همان وقت که لشکر متحد ومتفق ما .

بعد از اینکه فرود آمدن با زحمت سهم وطالع جنگ نقطه ای بخت وجان سستان را مخصوصاً بر عهدهٔ
لشکر ما گذاشت وهیچ مدافعه ومقاومت دست بر سینهٔ غیرت سربازان رشید ما که آنقدر با بردبار
وتمام بردار بودند فرو نگذاشت دبیدق ما که همیشه پیشتر در سر باستیانهای قلاعی که با حمله نصیب گرفته
میشدند پرده کشی وجنبان بود چنانکه تخت وبند گرفته میشد با دستهای آنانیکه امپراتور
او را به آنها سپرده بود .

مغلوبی جمیع تحصنات مضبوط وممنوع از مدخل پیهو گرفته تا به پکن در سطحی که قریب به پنجاه
فرسنگ حرکت وطی مسافت در زیر یک آفتاب سوزاننده دو فتح وظفر بزرگ در میدان وسیع قتال
درجنگ با یک دشمنی که در مقابل عدد ما بیشتر وبیشتر بر خود پرداخته ومستعد شده گرفته شدن تختگاه
ییلاقی ومدافعه های تخت وگذاشتن قانون ومعاهده بر گردن رؤسای یک اقلیم بزرگ ووسیع در مرکز خود
آن دولت گشوده شدن تجارت عمومی بر حسب نهی آزادی وآسوده کی عیسوی مذهبها در همه
محال ودر همه جا که اینها خارق عادت نهایت حاصل شده در یک فرستاده شدهٔ بی مثل ونظیر بواسطه
یک مشت جمعیت چنانکه تاریخ باید در یک صفحهٔ مظفر ومنصور تر از کتاب خود دلش ثبت وضبط نماید
در این دعوای کوتاه چنانکه اعمال دی مجللاً وبا آن قدر سرعت معمول شد

نوع وطبیعت عوالم حربیه یادداشت نمود بازی وتردستی جسور ونمایان را بر لشکر بری ودر همه حال
لشکر بحری در اتمام وبجای آوردن تکالیف خود با سعی وکوشش وپایداری قابل وسزاوار بود در دراز مایش
وشناسایی مملکت وپیاده اندرونی وسیر وبینش در نتایج اعمال سپاهیان قسمتی گرفته شریک بودند .

لشکر متحد و متفقین ما در بجای آوردن تکالیف و کارهای
مشترک علامات کراماتی نمودند که برخلاف امید از حالت طبعی آنها بود در گیرودارها خون باهم بخته
و آمیخته ایشان جوشیده و چسپانده بود غیرت و فرزانگی سپاهی را بهمان خوبی و استواری
که جمعیت و یکانگی پولتیک از طرفین ژنرال مونتوبان و سیر هوپ قران قبل از مراجعت
و جدائی خودشان چندین نامه در میانه رد و بدل نموده بودند که در آن رقیمه جات حکومت میکرد محبت و
صداقت بسیار بزرگ از صمیم قلب در آزمایش و گنجایش قدر و قیمت از سپاه هردو دولت
و احساس متابعت و معاشرت خوب که در هرجا و همه وقت در اعمال اتفاقیه و غیره رفع شبهه نمود
از تمام چشمی تفوق جوئیهای جزئی را که حاصل خیالات و اعتقادات مختلف در سر رفتار و کردار جنگ بود
این محبت و یکانگی از هر دو طرف مأمورین ثابت و روشن شد در قضیهٔ وفات ژنرال کولینو که
سوانح مرگ در جنگ و صدمها از او بگذشت لکن ناخوشی چند روزه در پانزدهم ژانویه ۱۸۶۱
عیسوی اورا از حکومت و فرماندهی تین تسین در ربود قبل از آنکه مژدهٔ ترقی و داشتن منصب
و درجهٔ ژنرال دویزیونر باو برسد که سزاوار این اجر بزرگ در عوض خدمات و زحمات خود
بود انگلیسها بر مجلس تعزیه این سرکرده رشید حاضر گشتند چنانکه مکرر تعجب از جرأت و جسارت
وی کرده بودند و شهادت میداد افسوس و تأسفهای آنها بر اینکه گویا این عزای دلسوز ملتی است
که برایشان رو داده است .

خود چینیها با وجود دستبرد سخت و دلگیر و متأثر از طرف یا بر غرور و نادانی آنها بر جوشش حالت
و طبیعت و سخاوت فرانسه با مقر و تسلیم شده بودند و وقتیکه پای مصالحین آمد و بگذشت
ایالت و سلطنت پرنس کونگ خیال کرد که چندین نفر از صاحب‌منصبان خود را در صنعت جنگ فرنگ
تربیت نماید برای اینکه خود مستعد شود در اضمحلال قتل و غارت یاغیان و راه زنان و این از ژنرال

مونتوبان بود که روز بروز جنگ مستدعی شده بود که خواهش مزبور ممکن نبود که بجا برآورد .
باری این شد که جمعیت مأمور جنگ چین دانست که بواسطهٔ جرأت و عزم جزم
میتوانند که بر اطمینان و استعداد مملکت جواب به جهه که اهم ملاحظه کنند و نگاه دارند حق ادب و بزرگی
اورا و دست بدست دهند در استحکام رسم عزت و محبت و احترام متحدین بهمان خوبی و شرایطی که
ایشان بر دشمن بی فهم و وحشی خودشان دارند .
امپراطور که تصدیق و آنقدر تحسین نموده بود از نصرت و افتخار لشکر کوچک یا در مدت سنه بیان
کرده بود رضامندی خود را از حصول فتح در یک نامه با دست خط خود خطاب به ژنرال مونتوبان
پس از استحضار روانه شدن ایشان دست خط طلبیده شد بحضور سپاه بواسطهٔ یک حکم از سمهانیهای
در پنجم ژانویه سنه ۱۸۶۱ عیسوی که مضمون آن اینست :
″ ژنرال عزیز من انبوه سپاه فرستاده شده به چین در زیر حکم شما با مرافقت متحدین ما مظفر و منصور
″ شد در زمان باین نزدیکی با صعوبت و هلاکت در جنگ با آن دوری زمین بر عزم و استادگی
″ و رشادت صاحب‌منصبان و سربازان .
″ در نزد آنها مترجم من گشته بگو که چه قدر خوشبخت هستم چون ایشان با آن لیاقت و
″ مفاخرت بشارت دادند بر احتیاط و انتظار من و مملکت همه سزاوارند بر تعریف و تحسینهای
″ من لکن یک قسمت بزرگی از آن شامل است بر آن کسی که من حق داشته ام که او را بر داری
″ آنها بگذارم .
″ شما بر چه کمال رسانیدید اعتماد و اعتبار مرا و شاهد بر رضامندی مخصوص من است که به شما نگاه میدارم
″ اولین جائیرا که در سنا (در مجلس سنا) خالی شود .
″ باور کن ژنرال عزیز من انواع دوستیهای مرا نسبت بخود .
« راقم ناپلیون »

ملحقات

اطلاعات و دستورالعملهای مرقوم و عنوان شده بخاقان چین.

(عریضه جاتی که در تختگاه تابستان پیدا کرده و بواسطه مترجم لشکر ترجمه شده است)

استحضار نامه از سان کولینزین.

دهم روز از هفتم ماه (بیست و ششم ماه آوت ۱۸۶۰ عیسوی)

اطلاعات سان کولینزین

من سانکولینزین عنوان میکنم سجده کنان بخاقان یک یادداشتی در باب هیئت و حالتهای متغیر وحشیها چنانکه استمزاج و معلوم شده محال است که بتوان پولتیک سلکی (?) آنها را سبک و روبراه نمود شما را باسم شاهزادگان و نجابت کل التماس میکنم که اعلیحضرت اقدس تشریف بشکار ببرد تا بجا آمنیت (?) نماید گرفتن اندازه را بجهه زیر و زبر و مختل نمودن بی تربیتها.

سابقاً فرماندهی دکهبانی قلعه‌ای تاکو از من برداشته شد

پس از آن از بدبختی آتش گرفت انبار باروت در هر دو قلعه شمالی که بعد از آن سر هم در هوا رفتن وافکنده شدن بهد بکر (?) باهم حسبی کردند پس از آن غفلت بی جهت و بی غیرتی در مدافعه و یا کافی نبودن

اسباب پایداری در مقابله.

گمان میبرم که امروز مالیدن دماغ و باطاعت آوردن بی موقعها این قدر مشکل نباشد تا اینکه اتفاقاً اردوی ایشان برخلاف سابق این قدر اتفاق نشود اما به هر طرح و هیئت لازمه را برای نگهداری راه پای تخت مابین (?) در تنق شااو گرفتم و لکن هرگاه یک جنگی در زیر دیوارهای تنق شااو رخ دهد طبیعی است که این قضیه باعث تزلزل عقول و خیالها خواهد شد در پای تخت.

فتح یا شکست مکرر بسته باتفاق و مقتضای وقت است در مقام یک هزیمت اهل شهر گروه گروه وارد پای تخت را خالی خواهند کرد تزلزل و اضطرار بر سپاه نشر خواهد نمود غلام شما مدام در زیر بار خوبیها توجه اعلیحضرتی بود لکن قدر لیاقت را نداشت.

بعد از ملاحظه‌های دقیق در حالت حقیقی کارهای حالیه برمن چنان روشن شد که بهترین طرح و مصلحت این است که شاهزادگان و سایر امرای قابل مأمور شوند بر نگهداشتن پای تخت با پایدار و منتخب‌ترین سپاه بطوریکه سفر اعلیحضرت اقدس بدون مخل و ممانعت شود و خود قدر قدرت در سر راهش بر لوازم عزت و حرمت که از بجای آوردن آن ناگزیر هستند ملتفت شود با عبودیت تمام ملتجی میشوم که خاقان با رسم اجداد خود برای شکارها بسمت زوانه (?) شهول (?) شود دعاکننده یکی را مأمور نموده شاهزادگان و امرای قابل دولت را بر سر لشکری گذارد که مأمور بر نگهبانی شهر هستند به یک حالت و هیئت کامل مدافعه تا اینکه تتمه سپاه رسیده بحالت اجتماع بتوانند که حمله بر بیابانی و نادانها برده قتل تمام نمایند و اثری از آنها نگذارند

هرگاه حضور همایون در این هنگام در پای تخت باشد در واداری و بکار بردن جنگ و معمول داشتن این طرح نقشه‌ها احتمال اشکال و ناسعدتی را دارد بلکه احتیاط و ترس میتوانند که در وجود پاک و منزه شما رخنه یابد.

این بنام شاهزادگان و مقربین است که غلام شما بنده وار این توجه را جسارت نموده بحضور همایون التجا میکنند

که او را صدیق و از حقیقت بنیان کیرد که پس از آن این غلام میتواند با آزادی تمام منتخب نماید نقاط داد وقات حملرا و بشخصه در فرصت و اتفاقات نماینده نماید بدون اینکه خودداری کند در هیچ شک و شبهه و یا بواسطهٔ عقبه بینی .

من بحضرت همیون عنوان میکنم این یادداشت را محرمانه و یقین میدارم لزوم این عزم را بر من حکمی نیست که این یادداشت را باراه وراه بر متداول بر خاقان بفرستم لهذا کوو تینق را مأمور نمودم که با ادب و احترام خودش بشخصه بحضور اقدس برسانند .

عریضه از کیاتشین و سایر ماندارینها بر خاقان چین

در بیست و چهارم روز ماه هفتم از دهم سال کیان فونق

(۹ سپتامبر ۱۸۶۰ عیسوی)

مأمورین کیاتشین و سایر صاحبان امضای عریضه بنده وار جسارت مینمائیم بنا بر سستی و دشواری کارها و بجهة اطاعت ما بر احکام خاقانی که بنمائیم اعتقاد خودمان را در باب واقعیت اعمال و پیش آمد احوال بر اعلیحضرت در بیست و چهارم روز این ماه با فتیح ربار رسید حکم خاقانی و روزنامه فرمانه سان کولینزین که اعلیحضرت اقدس حکم نموده بود که با تفصیل ملاحظه و تجربه شود هم چنین خواندیم حکمی را که شاهنشاه ما جاری شده نموده بود خیالی را که بنفسه فرمانهی را گرفته لشکر خود را به تنق شااد بکشد برای اینکه رشته این بی موقعهای کج روش و بد اصلها را ببرد این قصد صلاحه بهتر مینماید که اعلیحضرت شهریاری آرزوی چندان بزرگی ندارد مگر اینکه عزت و رفاه دولت و مملکت را در آرام مصالحه بدارد اما تنق شااو تشانق کیا او وانق نیست و امروز کو آتزن را ماندارم گیریم که احتمال قطعی میرود در اینکه این نافهم و بی تربیتها وقتیکه خود خاقان مقابل دعوا ظاهر میشود نالیده و مطیع و ملتجی خواهند گشت لکن ما خیال و باور نمیکنیم که پیروی این راه و حرکت پسندیده و خوب باشد بلکه بر خلاف آن اعتقاد و خیال ما آنست که هرگز نباید باین حد آمد و بکلی محال است که از آن احتراز و استمزاج کرد اگرچه یک درجهٔ باشد در باب اینکه سان کولینزین نسبت به ژهول نهر اشتراکیت

کار کردنی و بی باخطرتری ببینم پایتخت بنا بر تعداد مدافعین خوب مستحکم و مستعد است هرگاه خاقان
اعتقادش بر آن باشد که این تدارک بر مدافعه کافی نیست چه خواهد شد پس در ژهول که وادی
غیر ذی زرع و بدون حصار است ؟ وخاقان چگونه پس در آنجا خاطر جمع خواهد بود ؟ غیر از آن
یک کیفیت بسیار مخوف دیگر است که رفتن اعلیحضرت یک بیم همه و اضطراب بر جمیع دلها انداخته هرگونه
عموی خواهد آورد بقصد تنق شااُو میتوان روانه شد اما در رسیدن بوی تعفن حاصل نیست
و از قضیه و سانحهٔ تاکو همیشه ترس عظیم است در صورتیکه بی تربیتها توانستند که بر پایتخت تسیین بیایند
آیا چه اشکالی از برای آنها دارد که نتوانند تا ژهول بیایند ؟ در حقیقت همهٔ این خیالات
و خطرها خطرناک نیست و نباید زیاده از این در آن تحمل نمود با عقاید ضعیف ما باید پیش بینی نمائیم
با همهٔ آن چیزیکه برای عاقبت اندیشی بر دلها داده شده است و اگر نه کارها را بر خواهش و گردش آسمان
باید گذاشت از دویست سال تخمیناً اجداد شما گذاشته و نموده اند یک انسانیت بزرگ و احسان
و ترحم را محقق است که آسمانها حمایت خواهد کرد اما ماها نباید بی کوشش و بی چاره باشیم ما باید بمصرف
برسانیم انواع و اقسام توانایی خودمانرا تا آنکه خوش آیند شود بر خاقان در خوبی و رافتش و حکم نماید که
پس از این دیگر نعمت نسبت بخدمت و زحمت لشکر باز قسمت میشود تا بواسطهٔ آن حبور و حریص شوند
بر فتح و ظفر و تا آنکه با حصول و لوازمات جنگ بر آورد و محقق شود بر شما فراهم و افزوده شده تازه و آن
چیزیکه مناسب و لازم است در استعمال حمله و مدافعه دعوا یک حکم اعلیحضرتی است که صادر شود در کشش و کوشش
بیرون مملکت در ملاحظه در آورد انداز های آن بر شاهزاده گان و امرا و وزرا که متعهد و ساعی شوند ما التماس
و درخواست میکنیم ای خاقان که با چشم دولت خواهی نظر کنید بر ملاحظاتی که جسارت نموده با عزت و خوش
بختی او را بر نظر همایون میرسانیم و میخواهیم بفهمیم که آیا عرایض ما در حضور اقدس سنجیده و کنجیده گشته باشد .

یادداشت

عنوان شده از تسی اُووان کینگ وهو معتمدان دیگر مملکت .

در بیست و هفتم روز از هفتم ماه (دوازدهم سپتامبر ۱۸۶۰ عیسوی) .

ما بر آورده و ملاحظه می کنیم که معمول داشتن خیالی را که خاقان برای شکار رفتن پیش نهاد خود نموده است
باعث بدترین قضیه که ندامتها خواهد شد نسبت بر انضباط و حالت دولت چنانکه در آن صورت
دیگر نمیتوانیم بر حضور همایون عرض و التماس بجهة برگشتن بر پایتخت کنیم ما با یک هول بزرگ و مایوسی
شده ایم فهمیده ایم مقصودی را که میروند فراهم و بجای آرند هر قدر که ممکن است امتزاج و تجربه ها را
برای معدوم نمودن بی تربیت و وحشیها و اعلیحضرت قدر قدرت مصمم گشته است که خود را به
ژهول برسانند و بنا بر آن احکامات لازمه بر رؤسای سپاه مختلف مملکت در باب بند ارک
دیدن و خودشانرا آماده نمودن شرف صدور یافته است چون برقراری و رفتن از دولت حالا
نسبت بر قبولی این حالات و مقدمات است باوجود این حکم مأموریت ما بر تعهدات و تکالیف
شاق از اعلیحضرت قوی شوکت عذر خواهی می نمائیم از جسارت اثبات و آوردن چندین گونه
دلایل که در ایقان مبرهن در روش ما باید قطع و منفصل کرد نوشتهٔ این قضیهٔ منحوس را .
زیاده از دویست سال میشود که شما شخص برگزیده صاحب تاج و تخت چین اشیده و معبد
و مسجد اجداد بزرگ شما باقی و برقرار است هرگز قضیه ای خطرناک و دشوار تر از سوانح حالایی رخ نموده
بوده است لهذا مصلحت و منفعت بزرگ در آنست که در میان ملت آرامی و اطمینان و استراحت

ملاحظه و باقی باشد سفر بی سبب آن قدر بی موقع از اعلیحضرت در هنگامیکه وحشیها نزدیک رسیده اند
محقق باعث شکست شیبانی و خطر عظیم و بی نظمی بزرگ و تضییع مملکت و سلطنت خواهد شد سابقا
حرکت بنه و [illegible] و کالسکه های ییلاقی شاهنشاهی یک جنبش و لرزش بزرگ بر ملت
آورد و تکان کلی داد و وقتیکه خود موکب همایون حرکت و غیبت اختیار نماید به بختهای بزرگ هجوم
خواهد آورد بطوریکه مقبرهٔ اجداد شما و راه نمایان مقدس حامی شما خود شان در پناه دار کرده نخواهند ماند
پای این خطر و خرابیها را که دامنه و فهمیده بمیان خواهد آورد و دلیل از مدتی بعد از شهر سرمایه پیشی نهایی
خواهد شد که اعلیحضرت شهریاری برای افسوس و حیرت نتیجهٔ دیگر نخواهد دید و این یکی از اشکالات
اصلی است که در مقابل این سفر بر پا مینمائیم -

و انگهی شکارها نیز هیچ وقت واجب نبود مگر جهه تفنن در وقت مساعد و ایام مصالحه آسوده که با این
ترتیب و تفصیل از جانب اجداد بزرگ شما مقرر بود لکن امروز که دشمن نادان نزدیک میشود و یاغیان
مملکت را غارت و خراب میکنند رعیت بیکسه ممالک و پایتخت نگاه میکنند بر حضور همایون اقدس در پایتخت
مثل یک طالع و بخت شما در پا داری و برقراری که بر ایشان مانده باشد این برای ایشان علامت یک قوت
قلب و استحکام مرکزیت در اطاعت و دوام بر انواع پیش آمد کارهای دولتی و ملتی و فرستادن و خوردن
امداد باقسام مختلف و از جان کوشیدن و بجای آوردن احکامی که با آن محکوم شده ا

این غیبت غفلتی که هیچ دلیلی در آن نیست بیقین و تحقیق نخواهد شد مگر فرار بهانه و اسم شکار و نشهای
ممکن است که در میان سپاهی که در نواحی پایتخت جمع و جاگیر شوند باعث یک شورشی خواهد شد بلکه عنقریب
سپهداران سپاهیان مختلف مأمور و بر قرار شده در اقسام مسافات و نقاط مهمه و تنزل عارضی را دامان
سپاه خود خواهند دید و هم چنین چندان نمیتوان اطمینان داد از اینکه این قضیه بر تعداد و جرأت یاغیان
بکلی نیفزاید و منافع بزرگ دولت که بودن و داشتن است ناچار بر هم بودن و نداشتن دو چار نشود و این دلیل

و تحقیق دویم است که در مقابل این سفر مبراهن مینمائیم .
عمارت و تکیه گاه دائمی پکن با استحکام تمام نگاه داشته شده است و در هنگامهای سخت و با احتیاط
مأمنی که جای بینیم همین جاست و از برای وجود اقدس همایون با مباهات و ایمن است و شایسته و سزاوار
محض است از برای پادشاه این توقف بیرون و دور شدن است غفلة برای شکار در این
اوقات نگهبان براهها نمیتوان گذاشت مگر اینکه خواهش دلو طلب برآورده و راضی باشد چهل سال
میشود که ژهول نیز برای سلاطین خود را اندیده و این قطار دراز از بارکش و اسب سکنه را ویران
و پریشان خواهد کرد و انگهی میگویند که رعیت و جمعیت ژهول نه چندان و چنان است که سابقا
و یاغیان صد صد و هزار هزار پایین آمده همه مملکت را غارت میکنند میتوانند بر خود اعلیحضرت نیز حمله نمایند
یا انگریز بی مروت وحشیان همینکه غیبت شما را فهمیدند غنیمت خواهند دانست که چندین تکالیف
شاق و تازه نیز ایجاد نمایند هر گاه از یکطرف عمل تجارتی نسبت به تغییر عهدنامهٔ تازه امید طلوع داشت
که در نتیجه نارضامندی و مغبونی نباشد غیبت اعلیحضرت و لزوم ارسال و رسول و کشیدن انتظار
بر حکم شما اختراع تازه گیها و اشکالات سخت خواهد نمود بطوریکه ستیم دلیل است برای انکه جنگ کنیم با این
خیال سفر .

از ابتدای شورش و یاغیگری خزینه روز بروز خالی گشته بطوریکه امروز مشکل است که خرج های پایتخت
کفایت نماید ژهول متعلق است بمغلستان و ما میدانیم که پادشاهان کیان لونق و کین کنیق
وقتیکه میرفتند در آنجا متمکن و متوقف شوند مدت متمادی طول کشیده برای منتقل نمودن وی بر دولت چندین
ده ملیون تائل هم در آنجا خرج شده حالت مداخل و مالیات امروز مقتضی آن نیست که بزیر بار آن
هم خارج بروند و هرگز نمیتوانیم بر رعیت و ملت او را تکلیف و یا حکم نمائیم باری نقد از سرباز و صاحب منصب
که باید در رکاب همایون باشد به ده هزار میرسد که با فی الجمله نقصان بدون مکث در سفر پراکنده گشته احتمال کلی

میرود که بروند و بر تعداد و قوت یاغیان افزایند و بر جد و جهد این همه بر خود اعلیحضرت افتند و این
دلیل چهارم است که ما را بر ممانعت و خلاف این سفر وادار مینماید .

مبادا یکلحظه بر خاطر اعلیحضرت خاقانی خطور نماید که ما متفقاً خطرات افراق و پیش نهادی کنیم برای اینکه
رای همایون منصرف و پشیمان شود از کردن یک سفری که در این آخر وقت آسوده و مصلحت در آن
نعقد باشد ما خیال او رجوع بعقل می کنیم و هیچ گونه سبب غیبت و دوری را باین تعجیل و اصرار نمی فهیم در صورتیکه
یقین و مبرهن باشد که جمعیت نادان و پیچ بیها زیاده از ده هزار نیست و سان کو لینتزین و زمانه
سی هزار لشکر است و هرگز شک و شبهه نداریم که زیاد کم را پامال خواهد کرد اما تنها خواهش داریم از گفتن
و شنیدن اینکه این وحشیها دریاها را گذشته و آمده اند با خیال بکر و مقصود متفق برای یغمارت کردن و از
برای آنها لهذا لازم است که در کانتون و نینغ پو و سهانق های و در سایر جاها در بحرها
در برقرار شوند و از خیال آنها هرگز تسخیر مملکت نگذشته است و این قصد امروز نیز در دل آنها جا گیر نشده است
و آرزوی ایشان در دخول پکن بیشتر و بیشتر از همه چیز دیگر ترضیه و معذرت طلب نمودن است
از جمعیت و عیرت پس بنابراین هیچ سانحه نیست که در مقام اشتباه باشد .

و اما هر گاه اعلیحضرت قدر قدرت در مقابل وحشیها فرار اختیار نماید محال است خیال کردن و گفتن که بی نظمی و
شورش تا بچه حد و اندازه خواهد رفت .

یک ملاحظه دیگر این است که وجود اقدس همایون صحیح و سالم است جای تأسف خواهد شد دوچار
گردانش بر زحمت و حرارت و خطرهای یک همچنین سفری .

روزنامه عنوان
و عریضه شده از پانق سهم تسانق وزیر اول
چینی بر خاقان

بیست و هفتم روز از هفتم ماه دهم سال کیانفونق
(دوازدهم سپتامبر ۱۸۶۰ عیسوی)

من پانق سهم تسانق وزیر دولت بر قدم خاقان افتاده استدعا مینمایم که بواسطه این عریضه
ابراز کنم یک صلاح اندیشی و مصلحت مبنی صداقت و همه واقعیت را   راست سان کو لینتزین
و صدرداشت نموده است که خاقان یا باید فرماندهی سپاه را از برای جنگ بگیرد و یا اینکه موکب همایون را
به موسان (یعنی ژهول) بکشد یک حکم خاقانی بجهة امتزاج و مصلحت مبنی آن که در قول و اعتقاد
عمومی ناسزاوار بود امرای بزرگ دولت و معتمدین سترگ حضرت ما بر مشورت خانه جمع نمود از این قرار
چنان معلوم است که هنوز عزم مبارک خاقانی بر آن جزم نشده است با عقیده ضعیف و عقل ناقص من که گفتن
حکمرانی سپاه را در این مواقع و موارد حالا بی چیز دیگر نیست مگر از ابتدا پا نهادن بر خرابی و پایمالی پس بنابرایه
وی محال است هم چنین رفتن به موسان نیز کمتر از آن نیست .

سان کو لینتزین یک مردیست با جرأت تمام و در این حرف نیست لکن بی تجربه است و بی وقوفی وی
از صواب دید و دور اندیشی که کرده معلوم و مبرهن است در ایام سابق هر وقت که سلاطین ما از پایه
تخت خود شان دور میشدند در پشت سر خود ممکنه اشتند مگر تنزل و تفرقه و منازعت را المکنت حالا

تماشاخانهٔ بی نظمی بی حد و اندازه شده است این بی معنی و بی حاصل بود که خواستند جنگ را فی الفور از
سر گیرند این مقصد تا بحال نتیجه نبخشید مگر شکسته شدن از بابت های ما که سکنه و خرابی مملکت
و حاصل کار را نشد مگر سوانح بزرگ حالت تهی بودن خزینه نه تنها حادثه ایست در صحایف اینکه اعلیحضرت
شهریاری بتواند قبول و متابعت کند بر دوشهای در جمیع تکالیف و ادعاها بلکه محقق خود را تسلیم و واگذار نمودن
است ستمکار را بدست ایشان که همه بر قتل عامه و هجوم آور شوند .

طرحی که امروز بنظر من می آید آنست که حکم شود بر یک قسمت سپاه مرکب از پانزده هزار نفر زبده که با سرعت
تمام بر سر تین تسین رفته در زیر دیوارهای این شهر بی درنگ برای جنگ صف بکشند شین پاو
که در اردوها پیر شده است میتواند فرمانده آن قسمت را بگیرد با یک یا دو نفر رئیس نظامی دیگر که بوی معین
و اجودان شوند سان کولینزین و سوین تیق میتوانند که نقاط دیگر را نگهبان و دافع شوند و با اقتدار
و غیرت فتح و نصرت یقینی خواهد شد و حالا اقل تا یک دقیقه خلاص خواهیم گشت از خطرهای بی حد و اندازه که
نزدیک به افتادن و دچار شدن هستیم پس از آنکه بی ترتیبها حکما یک کیش تازه خواهد بود با اعتقاد من تا
زمستان بلکه تا بهار سال آینده دشمن طولی کشیده خواهد شد که تا از نو راه تنگی را با آنها بگشائیم و چه تجارتی و
چه مراوده که شکست ایشان بر ما بکلی آسان خواهد کرد ترتیب آنرا .

در جنگ صلح ممنوع نیست پس از آنکه مصالحه تصدیق و قبول گشت بشرط سروی میتوانیم لشکر خودمان را
بر سر سپاه ایشان غفلةً ریخته بر حسب خواهش آنها را بکوبیم و در پای تخت را بر نزول و دخول ایشان بر بندیم
در این صورت ما را باید مشقت سفر و طول را بر خود راه داد .

این عقل و هوش فقیر من که سر اسیر است از قضایای شدیدی که در آن هستیم تکلیف خود دیده است
که همه راستی و درستیها را بر شما تبلیغ نمایم جسارت مینمایم از امید اینکه خاقان تا بان قدر
و قیمت گزاف بر خاکستر اجداد گذشته خود گذاشته بنابر آن حکم قطعی بر جنگی با سپاه ایشان بجد و حساب خود

خواهد داد که رفته و از جان گذشته بجنگند در راه عزت و رفتن مملکت .
التماس میکنم ای خاقان که بخوبی و دقت توجه کنید این اطلاعات را .

یادداشت عنوان شده از جانب تسی اوان کینق وزیر دولت

با امضای بیست و سه نفر دیگر از معتمدین در بیست و هشتم
روز هفتم ماه (۱۳ سپتامبر سنه ۱۸۶۰)

من تسی اوان کینق وزیر دولت و دیگران با کمال بندگی بر حضور همایون میگذاریم این یادداشت را و باز جرأت میکنیم یک دفعه از معروض داشتن اینکه رفتن اعلیحضرت بسمت شمال باعث یک بیم و شورش عظیم خواهد شد در پای تخت و همه اشخاصیکه آرزو دارند که آسوده برقرار و مقیم باشند و آنانیکه دوست دارند صداقت را مثل جرأت و جسارت که همیشه در سپاه پایدار است با صمیم قلب متفقاً مراجعت اعلیحضرت خاقانی را به پکن خواهش و آواز میکنند.

در اوقات غوغای جمهوری یک چاکر صدیق در اداره خود در هر قضیه باید آماده جانفدادن باشد از برای بروز دادن غیرت و حمیت و جلوه دادن اعتبار و اعتماد نسبت بخود. با فتخار تمام امروز حکم را خواندیم و از تفصیل تزئینهائیکه سرکار اعلیحضرت خاقانی آگاهی داده بود استحضار حاصل کردیم که در گردش شکار معمول خواهند فرمود و هم چنین از خیال اینکه خاقان شخصه فرماندهی سپاه را میگیرد و در صورتیکه دشمن در حوالی ماتاو و تنق شاو میت خود را با سپاه زیاد کشیده در شمال پکن بهیات جنگ برقرار دارد ما تعجب میکنیم از خوبی این طرح و از بزرگی اندازهای آن اما عقل و هوش ما اندک محدود و از برای درک آسانی تشبیهی می افتد و تعقل و ادراک ما بیشتر برخلاف و بر عکس است همینکه حضور حشمها را در شمال

جنوبی پای تخت مشاهده کرد تغییر هیئات دهند بیرون اعلیحضرت را هرگز خیال و باور نخواهد کرد که خود را در سپاه گذاشته و در شمال پکن با طرح جدید مستعد خواهد شد و بر سان کولینزین که در تنق شاو مانده است عدد و لشکر بزرگ خواهید گشت و از این حرکت رعیت چیز دیگری نخواهد دید و نخواهند فهمید مگر غیبت و کمیابی. برای دور شدن از صدای جنگ و در حقیقت انتظام دولت و ملت را علی السویه وا گذاشتن و خود را با بندها و محارم خوش نشینی به نقاط تفریح و شکارگاه رسانیدن لهذا دغدغه همه رعیت و سپاه فی الفور خواهند رنجید.

هرگاه اینقدر منفعت و مصلحت در کار در مرور زمان نبود هرگز جرأت نمیکردیم بخاطر شما بیاوریم این را که محل عبادت و علامات اجداد شما و خداهای حافظ و مهربان را رها خواهند شد و دولت از دست خواهد رفت بی آنکه برگردد و جسارت میکردیم به این هم که پیشگاه حضور اقدس شهریاری در کجا آسوده و خاطر جمع تر خواهد شد بغیر از پای تخت.

علاوه از آن هاوسکهو در حوالی دیوار و حصار بزرگ ساکن است با ایلهای زیادی که همیشه دارد که با ایالات پکن مربوط گشته خیالات فاسد خود را به وقوع و سر قدر کمال رسانند. در این خطه ژهول نیز سکنه خیال یاغیگری قدیم خود را از سر گرفته انبوه غارت کر از کوه پائین آمده همه را بستوه می آورند و بدون ملاحظه تاراج می کنند. باجر و هانادین را اما پای تخت از همه بابت و جهت برای مدافعه محصور و محکم است با یک ساخلو و مستحفظ نشین فراوان همیشه میتوانند که از برای محافظت وجود مبارک یک جای میمون و همیشه عطا نماید و اطمینان دهد اگر چه وحشیها نیز نزدیک شده باشند وقتیکه امروز بشما میگویند که دوری و هجرت شما قطعاً دشمن وحشی را از خجالت و شرم خواهد پوشید در بازگشت خواهد کوشید نباید فراموش کرد که اگر فرد بر خلاف آن یک سال و یا بختی بزرگ روبرو شود نه از وحشیهاست بلکه از ما است که برپا است.

احتمال کلی میرود که از محارم و حلقه نشینان اعلیحضرت اقدس بر شما خواهند گفت که در انحراف رای همایون
از این سفر سکار کوشش میکنیم برای اینکه نسبت بحالت شخصی جمیع خطرها را از سر خود رفع و دور نمایند
میتوانند بر این عرایض آنها در جواب بگویید که هیچ کس خاطر ندارد که هیچ غیبت و دوری از مملکت تا بحال
باعث شورش و تزلزل امر و تمام باین سرعت بوده باشد و با شنیدن اینکه شهرت غیبت و عزیمت آنها بهیچ
جهت در میان نباشد و بگویید که این تدبیر از برای آنها واسطه گرفتن از خطرات است در این باب سه مسئله از
خود آنها سؤال میشود : خود اعلیحضرت چه خواهد کرد در صورتیکه در ذهول گرفت و گیر میشود و بر ولیان
آنکه بتواند خود را کنار کشد و یا عقب نشیند ؟

خود اعلیحضرت چه میکند وقتیکه غیبت خودش باعث یک شورش و تغییر کلی در پای تخت میشود ؟

اعلیحضرت شهریاری چه خواهد کرد در صورتیکه خود را در خارجه دوچار خطرهای بزرگتر از آن خواهد دید
که در داخله بکشد ؟

رای همایون و اعتقاد داعی خاقانی همیشه بر آنست که یک شاه و شاهزاده باید بر گذشتن از جان از برای
مملکتش حاضر باشد اما چگونه ندیده و خیال بهتر از تدبیر و اندیشه وزرای شما ست که فی الحال اینجا باشند مگر اینکه جمیع
خطرها را از سر شما رفع و دور نمایند اگر چه های هلاکت نیز در میان باشد در خطر شدیدی که حالا هستیم اهم امر و
شورش امروز است و مصلحت در آنست که باید خاموش کرد وزرای شما حقیقت و صداقت عقب آن برای شما
بنمودند اگر چه مایه هلاکت در سر انجام بوده باشد و منتظر هستند بر صدور احکامات اعلیحضرت خاقانی .

یادداشت
از تسا او یانق ایسق وکیل
مملکت کوکو وانق بر خاقان

بیست و هشتم روز هفتم ماه ۵

(۱۳ سپتامبر ۱۸۶۸)

وزیر شما تسا او یانق اینق برخاک افتاده این یادداشت را بر حضور همایون خاقان میگذارد .
و چهار روز بروز در پیش آمدن و عمل مصالحه از پیش برفتن است من بر اعلیحضرت
اقدس همایون التماس مینمایم که داخل پای تخت خود گشته آرزو و خواهش سکنه را قبول و ملت را خشنود فرماید
و احترام و لیاقت تاج و تخت را ملاحظه نموده برقرار و مدار مصالحه کوشیده چنانکه در خور عقول و نصایح اجداد خود
در باب غیب لاریب مهربان بر ازنده و شایسته باشد .

پس از تسخیر تین تسین باوجت متفق و چشمها اجرای تدبیر و مصلحت مکرر مجلس آراسته و با هم نشسته اند
و ثمره حاصل شورای خودشان را ناتمام و متشکلی که داشته مخفی داشته اند لکن با وجود این اخبارات متوحش بهمه جا
منتشر گشته باعث تزلزل و دهشت بزرگ گشته است روزنامه آخری با آگاهی داد که سان کو لین زین
پس شست تا یانق نسم و نان تس تسم لهذا معزول و از درجه معتبر ... پس از آنکه اعلیحضرت
خاقانی کولیانق و هانق فو مامورین بزرگ را برای انجام این کار بنامید و از آن جهرهای سریع
بدون مکث میرسیدند بعضی از آنها میگفتند که عهدنامه امضا شده با شرایطی که بود و بعضی میگفتند که بیست ملیون تائل

پول وعده شده بود که دو ملیون از آن بابت نقد شمرده شود لکن این شرط آخری هنوز محقق و کامل
نشده بود خلاصه یکی دیگر میگفت که ده هزار سرباز مغول جمع شده و دست بکار جنگ بود طرح ریخته شده
خاقانی از گرفتن فرماندهی سپاه را شخصاً و مقابله جدی نیز برخلاف دیگران کوشش نمود و بواسطه بعضی اشخاص
گفته شد تزلزل و اغتشاش که کامل بود اما یک وحشت و رمیدگی رسوائی تر هرگز حاصل نشده بود مگر از
شهرت اینکه امروز در میان مردم منتشر است که موکب همایون در حرکت و رفتنی است به ژهول در این
داشت و وحشت عمومی را هرگز هیچ کس نمیتواند از میان مردم بیرون نماید هرگاه فی الواقع موکب خاقانی
دور شود حاصل کار بواسطه این هجرت شبیه خواهد شد به یکی از لوتکان عظیم طبیعی و غیبی به هر روز کاری و بد
بختیهائی که ثمر آن خواهد شد که هرگز در مدت چاره هرگز نخواهد گشت آیا با کدام چشم حضور همایون شما
ملت خود را ملاحظه می نماید ؟ آیا کدام قرب و منزلت را میگذارد بر خاک و ارواح اجداد خود و بچه
دسجده گاه خداهای حافظ و جهان نگاه خود ؟ آیا ما و اگذار خواهید کرد وارث و یادگارهای اجداد خود را
مثل یک جفت کفش کهنه ؟ تاریخ چه خواهد گفت بر این در قرن آینده ؟ هرگز تا امروز
هنوز ندیده اند یک پادشاهی را که منتخب نماید یک وقت خطرناک و مهلک را برای رفتن بشکار با بهانه اینکه
هجرت وی باعث تکمیل و اتمام کارها خواهد شد هرگاه پایتخت محل خطرات است از تنگ زیر و رو شدن
محروس پس که دور خواهد کرد این بدبختیها را از ژهول ؟ در صورتیکه اعلیحضرت اقدس شهریاری
خواهند ماند بدون جمعیت و امداد که دوباره بر مقر سلطنت خود آمده باعث اعتماد و امید رعیت شود.
پایتخت با غیرت و سختی نگاه داشته شده است مقصود و خیال مدافعه کنان
محکوم محکم و پایدار است زن بچه هم بر آن شده اند که تا مرگ بر ایستند و بزنند علاوه از آن سان کولینژن
امروز در سر یک لشکر زیاد از مغول است که از خودش تا انداره دیده با ذخیره و آماده اند که از هیچ بابت
محتاج بر خارج و مصارف نیستند اگر هم در خزینه خاقانی موجود باشد از این قرار سانق وانق خوب

استهزاء کرده بود که عظمت و صداقت شکارگاهان بدون تغییر و تکان بوده است هرگاه از وحشیان اول حمله
وحشیها تاکو و پهتانق با همین سختی و غیرت مدافعه میشد بر کشتیهای بی زبان در وقتیکه
برای بار انداختن بر ساحل نزدیک میشدند هرگاه حمله میکردند میتوانستند البته دفع و ممانعت نمایند در حقیقت
واسطه و مصالحه جویان بوده اند بهر قیمت که میداشته شود مانع و سدی برای انکار گشتند و بر دست دادن و
کشیدن دشمن را بر تین تسین متعهد شدند از وقت سلطنت موروثی خواقین ذونق مغل ها
مملکت و سلطنت را هرج و مرج نموده یوفو بر جنگ فرمان داد اما تسن وی از وقوع
آن ممانعت کرد و باعث بدبختیها شد که لشکر سراسیم وارد میشود هرگاه چند نفر مجرم و مذنب مثل تسن وی را
امروز در نزد وجود مبارک شما پیدا میشد بجای آن داشت که بدون ترحم تنبیه کامل کرد بنابر نصایح
و راهنمایی بی غیرت و بی حمیت ایشان خود اعلیحضرت خاقانی میتوانند یک اعلام و انتشار
عمومی در انفعال خبطهای خود نموده غیرت ملت را به هیجان آرد و ایشان را بحرکت آورده
ثابت قدم نماید بطوریکه تا آخر همیشه راهنمایی جنگ عهده کفایت سان کولینژن باید توجه باشد
میت ذونق از سلسله سلاطین تانق از غلط و خبطهای خود ~~[illegible]~~ یکدفعه عذرخواهی
جمهوری کرده فی الفور لشکر از مشانق توثق روگردان گشته بر سجده و اطاعت وی آمدند.
خیلی مساعد خواهد شد نوشتن و جمع آوری کردن دو اطلبهای خطوط تین تسین
را که این حالت تجربه شده است با اهمیت و نتیجه خوب از وقت شورش و یاغی گری راه زنان کوانق
توثق در سنه ۱۸۵۳ و هم چنین در سال گذشته از همین مکان و خاک در جاده وحشیها
حسب الحکم خاقانی این جمعیت نباید باشند مگر قسمت اصلی سپاه با قاعده و با نظم سان کولینژن
سپاه وحشیها نیست مگر چند هزار نفر مرد که قسمت محدودی از آن مرکب است از چینیهای یاغی و رو
گردان شده .

اگر اجرای نقدی با عدل و قانون قسمت میشد میتوانستند بآسانی پراکنده کنند این جمعیت بی غیرترا
بدون اینکه مجدداً محتاج برگرفتن اسلحه شوند من نمیتوانم بفهمم که بچه دلیل این قاعده و قانون در داخله تا دیروز
سنجیده و مقرر نشده بوده است تا اینکه امروز بنا بر آن از خارجه مطالبه و ادعا نکرده باشند مخواهای بی اندازه را
مثل جهت همین تامل از برای برقراری و گذشتن مصالح ولی آنکه تنها به شمردن دو ملیون تامل را مجبور
میکردند و از قبول کردن آن ممنون بودند اگر پولتیک صلح انگلیز خوب بند شده این مجبوریت هر سال تازه
خواهد شد چرا که وحشیها همیشه میتوانند بهانه جویی کنند ولی آنکه سوشان و هانق تشا او
در این سال میوههای زیادی از تامل برخیزانند ملتی مطلبند برای پامال نمودن یا عیال و مخارجهای نقدی مخصوصی از
حساب گذشته و از اندازه بیرون است اعلیحضرت خاقان اذن میدهد برای این سوال و برای مخارج بوده
دیگر با شرایط سابق معاهده برقرار شود.
یقین است که امروز مصالح سر نخواهد گرفت تا مادامیکه وحشیها در یک جنگ سختی نخورند آنکه بیشتر از
شما بود گفتگو میکند در وصیت نامه خود با تاسف و پشیمانی تمام از شرمندگی و سرزنشهایکه باو رو داده بود
از کردن مصالح و معاهده با وحشیهای انگلیس.

متمم یادداشت از تساآو بانق
اسیق برا علیحضرت خاقان
بیست و هشتم روز هفتم ماه
(۱۳ سپتامبر ۱۸۶۰ عیسوی)

—

درحینیکه تحریر این یادداشت را تمام میکردم با افتخار تمام بشرف زیارت حکم خاقانی رسیدیم و خواندیم
بتاریخ همان روز که آن اینست.
« بملاحظه اینکه نزدیکی وحشیها و قضیههای مختلف از ممالکهای عالیه و اتفاقیه لازم است که از برای
افزودن بر غیرت و جسارت ملت ما طرح و اندازههای عمیق و قوی بدون تاخیر گرفته شود لهذا قصدی
که کردیم بر دادن ترتیبها و تهیهها از برای معمول داشتن یک سنگر بر عکس آن ترتیب و تهیههای مزبور
در فرمانهای سپاه ما در مقابل دشمن بکار نخواهد آمد و هوسی قسن و ونق (عموی خاقان) حکمها
خواهد داد که بر ساخلوی پکن افزوده شود بطوریکه لازم و ملزوم است.
« اگر در میان ماتاو و تنق شاآو یک مقابله با دشمن روداد پس از آن چنانکه مقصود اصلی بوده
با سپاه زیاد بیرون برویم و جهت خود را در شمال پکن میگیریم عقل و شعور سپاه هیچ سبب و دلیلی نمیگذارد تا باور
کنیم اینرا که این جمعیت وحشی که زیاده از ده هزار نیست بکلی پامال و مضمحل نخواهد گشت.
« ما حکم میکنیم که این حکم بر همه شاهزادگان عظام دولت خوانده شود »
از همه اینها چنان معلوم میشود که دقیقه حرکت موکب همیون شما به سمت شمال محقق است بعد از آن

پس چه بابی بودن و سرپرستی است از ملت خود و اجداد خود و از خداهای مهربان خود ؟ هرگاه حقیقتاً اعلیحضرت قدر قدرت میخواهد شخصاً بر سپاه فرماندهی کند چرا پس میفرماید که میرویم در شمال یکی هیأت خود را با سپاه زیبا بگیریم ؟ یک چگونه لهجه و زبان باشد که درنزد هرگونه قسمتی از ملت و رعیت مفهوم و گویا نشود در این مضمونها و تفصیلات از آن طرف اگر سپاه بزرگی در زیر حکم سان کولتنزین و زیاده از قدر کفایت است که بجهة کردن یک جنگی که با فتح و نتیجه باشد پس چرا اعلیحضرت اقدس میرود که خود را به خستگی و زحمت و حرارت و خطر جنگ دوچار نماید !

نشنیدن حرف علامتیت بزرگ از خطر و هلاکت و زیرش سجده کنان از حضور همایون شاه التجی و التماس میکنند از پیروی کردن پندهای وی را بخصوص درباره در خل شدن برهای تخت خود برای راه انداختن و روبراه نمودن در آنی اعمال دولتی را و دور انداختن نصایح این خیرت را .

فهرست کتاب

اختصار وقضایا یکه باعث لشکرکشی بر چین شده است

لشکرکشی چین

۱۸۶۰

فصل اوّل

فصل دوّیم

صفحه

صفحه

صفحه

فصل سیم

فصل چهارم

ملحقات

عرایض و نوشتجات دولتی که در پای تخت ییلاق جسته شد.